

# صحیفہ کاملہ بحادثہ

با ترجمہ فارسی

مترجم:

محسن فریان عبدالجواد آبراهیمی



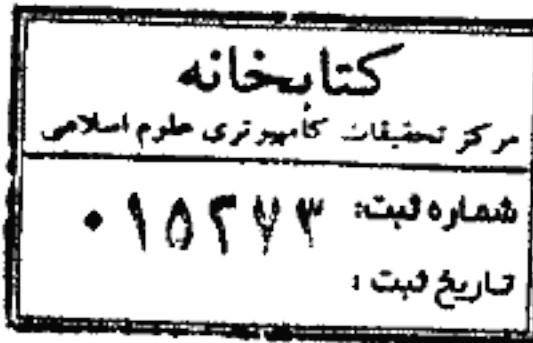
# صحیح کا ملکہ حادثہ

باترجمہ فارسی

مترجم: کامران علوی

مترجم:

محسن شفیان عبدالجواد ابراهیمی



**مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی**

نمره پذیری: ۴۵ - آستانه: ۲۵ - تاریخ پذیرش:

**محسن خرویان، عبدالجواد ابراهیمی**

**دفتر نشر الهادی**

**مؤسسه چاپ الهادی**

**چاپ سوم، بهار ۷۸**

**تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه**

**قیمت: ۱۰۰۰ تومان**

**شابک: ۱-۰۱۶-۴۰۰-۹۶۴ ISBN**

**دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۰۳۱۶۱۱۲۵ فاکس: ۰۳۱۶۱۳۰**

**فروشگاه: قم، انتهای صفائیه، پلاک ۷۵۹ تلفن: ۰۳۱۷۰۰۱**



موزه تاریخ اسلام

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۰	اسناد صحیفه
۲۲	ابواب صحیفه
۲۸	دعای ۱: حمد و ثنای الهی
۳۴	دعای ۲: درود و تحيیت بر پیامبر ﷺ
۳۶	دعای ۳: ستایش و تمجید فرشتگان
۴۰	دعای ۴: درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر ﷺ
۴۴	دعای ۵: دعا برای خانواده و دوستان
۴۸	دعای ۶: دعا در صبح و شام
۵۲	دعای ۷: دعا در امور مهم و رنج آور
۵۶	دعای ۸: پناه بردن به خدا در سختی‌ها
۵۸	دعای ۹: درخواست آمرزش از خدا
۶۰	دعای ۱۰: پناه آوردن به خدا
۶۲	دعای ۱۱: دعا برای حسن عاقبت
۶۴	دعای ۱۲: اعتراف به گناه و درخواست توبه
۶۸	دعای ۱۳: درخواست حاجتها
۷۲	دعای ۱۴: هنگام فرار سیدن ستم و زیان
۷۶	دعای ۱۵: دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری
۷۸	دعای ۱۶: طلب آمرزش
۸۴	دعای ۱۷: پناه بردن به خدا از شیطان
۸۸	دعای ۱۸: دعا شکرگزاری
۹۰	دعای ۱۹: دعا طلب باران
۹۲	دعای ۲۰: درخواست توفیق از خدا
۱۰۲	دعای ۲۱ هنگام اندوه و نگرانی از گناه
۱۰۶	دعای ۲۲: دعا هنگام سختی و رنج
۱۱۲	دعای ۲۳: دعا در طلب عافیت و شکر آن
۱۱۴	دعای ۲۴: دعا حضرت برای پدر و مادرش
۱۲۰	دعای ۲۵: دعا حضرت درباره فرزندانش

۱۲۴	دعای ۲۶: دعای حضرت در باره همسایگان و دوستانش
۱۲۶	دعای ۲۷: دعا در باره مرزداران
۱۲۳	دعای ۲۸: پناه بردن به خدای عزوجل
۱۳۶	دعای ۲۹: وقتی که روزی بر او تنگ می شد
۱۳۶	دعای ۳۰: در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام
۱۳۸	دعای ۳۱: دعا برای توفیق توبه
۱۴۶	دعای ۳۲: دعا پس از نماز شب
۱۵۴	دعای ۳۳: دعای هنگام استخاره
۱۵۶	دعای ۳۴: دعا هنگام مشاهده رسوایی گناهکاران
۱۵۸	دعای ۳۵: دعا در مقام رضا و خشنودی
۱۶۰	دعای ۳۶: دعای مشاهده ابر و رعد و برق
۱۶۲	دعای ۳۷: در ناتوانی ادائی شکر
۱۶۶	دعای ۳۸: هنگام کوتاهی در ادائی حقوق بندگان خدا
۱۶۸	دعای ۳۹: در طلب بخشش و رحمت الهی
۱۷۲	دعای ۴۰: در شنیدن خبر و یاد مرگ
۱۷۴	دعای ۴۱: هنگام درخواست خطاب پوشی از خداوند
۱۷۴	دعای ۴۲: هنگام ختم قرآن
۱۸۲	دعای ۴۳: هنگام رویت هلال
۱۸۶	دعای ۴۴: دعای آغاز ما، رمضان
۱۹۲	دعای ۴۵: دعای وداع با ماه رمضان
۲۰۴	دعای ۴۶: در روز عید فطر و روز جمعه
۲۱۰	دعای ۴۷: دعای روز عرفه
۲۲۴	دعای ۴۸: در روز عید قربان و روز جمعه
۲۴۲	دعای ۴۹: در دفع حیله دشمن
۲۴۶	دعای ۵۰: در باب ترس از خدا
۲۵۰	دعای ۵۱: در خضوع و خشوع برای خدا
۲۵۴	دعای ۵۲: اصرار در آستان خداوند
۲۵۸	دعای ۵۳: خضوع در پیشگاه خدا
۲۶۰	دعای ۵۴: در رفع غم و اندوه



مرکز تحقیقات قرآن و تدریس علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار

صحیفه سجادیه، بحق صحیفه دلهای آسمانی است. کتابی است که سطرسطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می‌پاشد و واژه واژه آن در دلِ محبان، فروع یزدان می‌نشاند.

صحیفه سجادیه، آهنگ پر طراوت هستی است، نغمه پر حلاوت نشاط است، زمزمه پرشور عاشقان و نوای دلنیشین ساجدان است.

صحیفه سجادیه، سرچشمۀ زلال حکمت، حاری زیبای معرفت و دریای بیکرانه معنویت است.

صحیفه سجادیه، گلبانگ عاشقانه عارفان و گلواژه عارفانه مشتاقان است. دل در زلال صحیفه، صفا می‌گیرد و جان در پرتو آن، جلا می‌یابد.

صحیفه سجادیه، تجلی فروغ قرآن است و ظهور حقیقت عرفان و درخشش ژرفای برهان.

\* \* \*

### درباره این ترجمه

۱ - صحیفه سجادیه دارای ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی است و هریک از ترجمه‌ها از ویژگیها و امتیازات خاصی برخوردارند. برخی از ترجمه‌ها همراه با شرح و بعضی از آنها به شیوه ترجمه و نگارش آزاد است. ما در این ترجمه

کوشیده‌ایم حتی‌الامکان هیچ معنا و مفهومی از متن را فرونگذاریم و در عین حال ترجمه‌ای روان و سهل‌التناول ارائه دهیم. و صد البته خود را مباید از خطای نمی‌دانیم و از ارباب فضل و معرفت که بر ما منت نهند ولغزش‌های قلمدان را گوشزد نمایند، پیشاپیش سپاس‌مندیم.

۲- عبارات عربی و جملات فارسی را بر اساس نسخه مرحوم فیض‌الاسلام شماره گزاری کرده‌ایم تا مقابله متن عربی و ترجمه فارسی به آسانی انجام شود و پیدا کردن ترجمه هر عبارت به سهولت ممکن گردد.

۳- از ویژگیهای این کتاب آن است که فهرست تفصیلی موضوعات صحیفه سجادیه را با ذکر شماره دعا و شماره عبارت به آسانی در اختیار خواننده و محقق قرار می‌دهد و راه را برای جستجوی معارف موضوعی در این گنجینه الهی هموار می‌سازد.

۴- ما در این نوشتار از برخی ترجمه‌های موجود صحیفه سود جسته‌ایم و همینجا برای مترجمانی که دعوت حق را لبیک گفته‌اند، علو درجات و برای آنها که در قيد حیات‌اند توفيق ارائه خدمات آرزومندیم.

با احترام - حوزه علمیه قم

عبدالجود ابراهیمی شاهرودی

محسن غرویان نیشابوری



مرکز تحقیقات کمپویز علوم اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(١) حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجْلُ، نَجْمُ الْهَرَبِينِ، بَهَاءُ الشَّرْفِ، أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ أَخْمَدَ ابْنِ عَلَىٰ ابْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عُمَرَ ابْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيِّ الْخُسْنَى - رَحْمَةُ اللَّهِ -. (٢) قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مُحَمَّدُ ابْنُ أَخْمَدَ ابْنِ شَهْرِيَارَ، الْخَازِنُ لِخَزَانَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتَّ عَشَرَةَ وَ خَمْسِيَّاهَ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَ أَنَا أَشْمَعُ. (٣) قَالَ: سَمِعْتُهَا عَلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ، أَبِي مَنْظُورِ: مُحَمَّدُ ابْنُ مُحَمَّدٍ ابْنِ أَخْمَدَ ابْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَكْبَرِيِّ الْمُعَدَّلِ - رَحْمَةُ اللَّهِ - عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ: مُحَمَّدُ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْمُطَلِّبِ الشَّيْبَانِيِّ (٤) قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ ابْنِ جَعْفَرٍ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -. (٥) قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَرَ ابْنِ خَطَابٍ الزَّيَّاتُ سَنَةَ خَمْسٍ وَ سِتِّينَ وَ مِائَتِينَ (٦) قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي: عَلَىٰ ابْنِ الثَّغْمَانِ الْأَغْلَمِ

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه



(۱) حدیث کرد برای ما سید اجل نجم الدین بهاء الشرف ابوالحسن، محمدبن حسن بن احمدبن علی، بن محمدبن عمر بن یحیی علوی الحسینی - خداوند او را رحمت کند -

(۲) گفت خبر داد به ما شیخ سعید ابو عبدالله محمدبن احمدبن شهریار، خزانه دار گنجینه مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب رض، در ماه ربیع الاول سال پانصد و شانزده در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من می شنیدم.

(۳) گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ صدق، ابی منصور محمدبن احمدبن عبد العزیز عکبری معدّل - خداوند او را رحمت کند - از ابوالفضل محمدبن عبدالله بن مطلب شبیانی.

(۴) گفت: حدیث کرد برای ما سید بزرگوار ابو عبدالله جعفرین محمدبن جعفرین حسن بن جعفرین حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب رض.

(۵) گفت حدیث کرد برای ما عبدالله بن عمر بن خطاب زیارات در سال دویست و شصت و پنج.

(۶) گفت حدیث کرد برایم دائم: علی بن نعمان اعلم.

(٧) قال: حدثني عمير ابن مسوى كلٌّ شفقي البليخي عن أبيه: مسوى كلٌّ ابن هرون. (٨) قال: لقيت يحيى ابن زيد ابن عليٍّ - عليه السلام - و هو متوجه إلى خراسان بعد قتل أبيه فسلمت عليه (٩) فقال لي: من ابن أقبلت قلت: من الحج (١٠) فسألني عن أهله و بنى عمه بالمدينة وأخفي السؤال عن جعفر ابن محمد - عليه السلام - فأخبرته بخبره و خبرهم و حزنهم على أبيه زيد ابن عليٍّ - عليه السلام - (١١) فقال لي: قد كان عمى محمد ابن عليٍّ - عليه السلام - أشار على أبي بترك الخروج و عرفه أنَّه خرج و فارق المدينة ما يكون إليه مصير أمره فهل لقيت ابن عمى جعفر ابن محمد - عليه السلام -؟ قلت: نعم. (١٢) قال: فهل سمعته يذكر شيئاً من أمرى؟ قلت: نعم. (١٣) قال: بم ذكرني؟ خبرني، قلت: جعلت فداك ما أحب أن أستقيلك بما سمعته منه. (١٤) فقال: أبالموت تخويني؟! هات ما سمعته، فقلت: سمعته يقول: إنك تقتل و تصلب كما قتل أبوك و صلب (١٥) فتغير وجهه وقال: يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب، يا مسوى كل إله عز وجل أيده هذا الأمر بنا و جعل لنا العلم و الشيف فجمعنا لنا و خص بنو عمنا بالعلم و خدمة. (١٦) فقلت: جعلت فداءك إني رأيت الناس إلى ابن عمك جعفر - عليه السلام - أميل منهم إليك و إلى أبيك (١٧) فقال: إنَّ عمى محمد ابن عليٍّ و ابنته جعفرأ - عليهما السلام - دعوا الناس إلى الحياة و نحن دعونا هم إلى الموت (١٨) فقلت: يا ابن رسول الله أهُم أعلم أم أئتم؟ فاطرق إلى الأرض ملياناً ثم رفع رأسه وقال: كُلنا له علم غير أنهم يعلمون كلَّ ما نعلم، و لا نعلم كُلَّ ما يعلمون (١٩) ثم قال لي: أكتب من ابن عمى شيئاً؟ قلت: نعم

(۷) گفت: حدیث کرد برایم عمیرین متوكل ثقیل بلخی، از پدرش متوكل بن هارون (۸) گفت: ملاقات کردم یحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش وقتی به سوی خراسان می‌رفت و به ایشان سلام نمودم. (۹) به من فرمود: از کجا می‌آیی؟ گفتم: از حج، (۱۰) آنگاه از من درباره اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و از حال حضرت جعفر بن محمد علیه السلام پرسش فراوان نمود. من در جواب، حال آن حضرت و احوال بستگان ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام را به او خبر دادم.

(۱۱) یحیی فرمود: عمومیم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید. پرسید آیا تو پسر عمومیم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم: آری. (۱۲) گفت: آیا از او شنیدی که از کار من چیزی بگوید؟ گفتم: آری (۱۳) گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت شوم، نمی‌خواهم آنچه را از آن حضرت شنیده‌ام در برابر تو بیان کنم، (۱۴) گفت: آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟ بگو آنچه شنیده‌ای، گفتم: از او شنیدم که: تو کشته می‌شوی و بدنست را به کار می‌کنی اویزند چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، (۱۵) پس چهره‌اش تغییر کرد و گفت: «خداحر سر نوشتنی را بخواهد محظی می‌کند و یا ثبت می‌نماید و ام الکتاب نزد اوست» ای متوكل همانا حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و این هردو برای ما فراهم شده و عموزادگان ما تنها به دانش اختصاص یافته‌اند، (۱۶) گفتم: فدایت شوم، من مردم را دیدم که به پسر عمومیت حضرت صادق علیه السلام مایلترند تا به تو و پدرت، (۱۷) گفت: همانا عمومیم محمد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما آنان را به مرگ خوانده‌ایم. (۱۸) گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا ایشان دانانترند یا شما؟ در این هنگام مدتی چشم خود به زمین دوخت سپس سربرداشت و گفت: هریک از ما از دانش بهره‌ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می‌دانیم می‌دانند، ولی ما هر چه را آنها می‌دانند نمی‌دانیم.

(۱۹) آنگاه به من گفت: آیا از پسر عمومیم چیزی نوشته‌ای؟ گفتم: آری.

(٢٠) قَالَ: أَرِنِيهِ فَأَخْرَجْتُ إِلَيْهِ وَجْوَاهِرًا مِنَ الْعِلْمِ وَأَخْرَجْتُ لَهُ دُعَاءً أَمْلَأَهُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَحَدَّثَنِي أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ ابْنَ عَلَىٰ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ أَبِيهِ عَلَىٰ ابْنِ الْحُسَينِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ (٢١) فَنَظَرَ فِيهِ يَعْيَى حَتَّىٰ أَتَى عَلَىٰ أَخْرِهِ، وَقَالَ لِي: أَتَأْذَنُ فِي نَسْخِهِ؟ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَسْتَأْذِنُ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ؟! (٢٢) قَالَ: أَمَا لَا خَرِجْنَ إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ مِمَّا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ أَبِيهِ وَإِنَّ أَبِي أَوْصَانِي بِصَوْنِهَا وَمَنْعِهَا غَيْرَ أَهْلِهَا. (٢٣) قَالَ عُمَيْرٌ: قَالَ أَبِي: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلَتْ رَأْسَهُ، وَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَآدِينُ اللَّهَ بِحُبِّكُمْ وَطَاعَتِكُمْ، وَإِنِّي لَازْجُو أَنْ يُسْعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَمَمَاتِي بِوَلَائِسَكُمْ (٢٤) فَرَمَى صَحِيفَتِي الَّتِي دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى عُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ: اكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِخَطٍّ بَيْنِ حَسَنٍ وَأَغْرِضَهُ عَلَىٰ لَعْلَىٰ أَخْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلَبُهُ مِنْ جَافَرٍ - حَفَظَهُ اللَّهُ - فَيَمْنَعُنِيهِ. (٢٥) قَالَ مَسْوَكٌ فَنَدِمَتْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُ وَلَمْ أَذْرِمَا أَضَعُ، وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - تَقْدَمَ إِلَيَّ إِلَّا أَدْفَعَهُ إِلَىٰ أَحَدٍ. (٢٦) ثُمَّ دَعَا بِعَيْنِي فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صَحِيفَةً مُقْفَلَةً مَخْتُومَةً فَنَظَرَ إِلَىٰ الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى، ثُمَّ فَضَّهُ وَفَسَّعَ الْقُفْلَ، ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا عَلَىٰ عَيْنِي وَأَمْرَهَا عَلَىٰ وَجْهِهِ. (٢٧) وَقَالَ: وَاللَّهِ يَا مَسْوَكٌ لَوْلَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِّي إِنِّي أُقْتَلُ وَأُضْلَبُ لَمَّا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَلَكُنْتُ بِهَا ضَنِينًا. (٢٨) وَلَكِنِّي أَغْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ أَخَذَهُ عَنْ أَبَائِهِ وَإِنَّهُ سَيَصِحُّ فَخِفْتُ أَنْ يَقْعُ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَىٰ بَنِي أُمَّيَّةَ فَسِيَكُمُوهُ وَيَدْخُرُوهُ فِي حَرَاثَتِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ:

(۲۰) گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم، و دعایی را به او نشان دادم که حضرت صادق علیه السلام برا او املاء فرموده بود، و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام از دعای صحیفه کامله است، (۲۱) آنگاه یحیی تا پایان آن را نظر کرد، و گفت: آیا اجازه می‌دهی که از روی آن نسخه‌ای بردارم؟ (۲۲) گفتم: ای پسر رسول خدا آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می‌خواهی؟ پس گفت: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه‌ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و به من در مورد نگاه داشتن و بازداشت آن از ناها لان سفارش فرموده.

(۲۳) عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم ای پسر پیامبر خدا، من خدای را با محبت و طاعت شما پرستش می‌کنم و امیدوارم که مرا در حیات و مملات به دوستی شما سعادتمند کند. (۲۴) آنگاه صحیفه‌ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من برسان که شاید آن را حفظ کنم. زیرا که من آن را از پسر عمومیم جعفر - که خدا او را حفظ کند - می‌خواستم و او آن را به من نمی‌داد. (۲۵) متوكل گفت: من از کرده خود پشیمان شدم و نمی‌دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم. (۲۶) سپس یحیی جامه‌دانی را خواست و صحیفه قفل خورده مهر کرده‌ای را از آن خارج کرد و مهر آن را نظاره کرد و بوسید و گریه کرد. آنگاه مهر را شکست و قفل را باز کرد، سپس صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر چهره خود مالید. (۲۷) و گفت: به خدا قسم ای متوكل اگر نبود مطلبی که در رابطه با کشته شدن و به دار آوبختنم از پسر عمومیم حدیث کردی بدون شک این صحیفه را به تو نمی‌دادم. (۲۸) ولی من می‌دانم که گفتار حضرت صادق علیه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی بدست بنی امیه افتاد و آن را از دیده‌ها بپوشانند و در گنجینه‌های خویش برای خود ذخیره کنند.

(٢٩) فَاقْبِضُهَا وَاکْفِنِيهَا وَتَرْبَضْ بِهَا فَإِذَا قَضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَأَمْرِ هُؤُلَاءِ الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فَهِيَ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ حَتَّى تُؤْصِلَهَا إِلَى ابْنِي عَمِّي: مُحَمَّدٌ وَابْرَاهِيمَ ابْنَي عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلَيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَإِنَّهُمَا الْقَائِمَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي. (٣٠) قَالَ الْمُتَوَكِّلُ: فَقَبَضْتُ الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا قُتِلَ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ صِرَطْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَحَدَّثَنِي الْحَدِيثُ عَنْ يَحْيَى، فَبَكَى وَاشْتَدَّ وَجْهُهُ. (٣١) وَقَالَ: رَحْمَةُ اللَّهِ ابْنَ عَمِّي وَالْحَقَّةُ بِابْنِهِ وَاجْدَادِهِ. (٣٢) وَاللَّهِ يَا مُتَوَكِّلُ مَا مَنَعْنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَةِ أَبِيهِ، وَأَيْنَ الصَّحِيفَةُ؟ فَقُلْتُ هَاهِنِي، فَفَتَحَهَا وَقَالَ: هَذَا وَاللهِ خَطُّ عَمِّي زَيْدٍ وَدُعَاءُ جَدِّي عَلَيِّ ابْنِ الْحُسَينِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - (٣٣) ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ: قُمْ يَا اسْمَاعِيلُ فَاتَّنِي بِالدُّعَاءِ الَّذِي أَمْرَتُكَ بِحِفْظِهِ وَصَوْنِهِ، فَقَامَ اسْمَاعِيلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً كَانَهَا الصَّحِيفَةُ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ (٣٤) فَقَبَلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنِهِ وَقَالَ: هَذَا خَطُّ أَبِي وَأَمْلَأُهُ جَدِّي - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - بِمَشْهَدِي مِنِّي. (٣٥) فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: إِنِّي رَأَيْتُ أَنْ أَغْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى؟ فَأَذِنْ لِي فِي ذَلِكَ وَقَالَ: قَدْ رَأَيْتُكَ لِذَلِكَ أَهْلًا (٣٦) فَنَظَرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرَ وَاحِدٌ وَلَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْآخِرِي (٣٧) ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي دَفْعِ الصَّحِيفَةِ إِلَى ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا، نَعَمْ فَادْفَعُهَا إِلَيْهِمَا. (٣٨) فَلَمَّا نَهَضْتُ لِلْقَائِمَهَا قَالَ لِي: مَكَانِكَ (٣٩) ثُمَّ وَجَهَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَابْرَاهِيمَ فَجَاءَهَا فَقَالَ: هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمِّكُمَا يَحْيَى مِنْ أَبِيهِ قَدْ خَصَّكُمْ بِهِ دُونَ أَخْوَتِهِ وَنَحْنُ مُشَرِّطُونَ عَلَيْكُمَا فِيهِ شَرْطًا.

(۲۹) از این رو آن را بگیر و مرا نسبت به حفظ آن خاطر جمع کن و منتظر باش تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد این صحیفه را که امانت من در نزد تو است به دو پسر عمومیم محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام برسان، که آن دو نفر پس از من در این امر جانشینان منند. (۳۰) متوكل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید بشهادت رسید به مدینه رفت و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و قصه یحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و به شدت بر یحیی اندوه‌گین شد (۳۱) و فرمود: خدا عمو زاده‌ام را رحمت کند و به آباء و اجدادش ملحق سازد. (۳۲) ای متوكل به خدا قسم جز همان چیزی که یحیی بر صحیفه پدرش از آن می‌ترسید مرا از دادن این دعا به او منع نکرد، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفت: اینک این همان صحیفه است! آنگاه آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم این خط عمومیم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیهم السلام است. (۳۳) سپس به فرزندش فرمود: ای اسماعیل برخیز و آن دعا که تو را به حفظ و نگهداریش امر کردم بباور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه‌ای را که گویی همان صحیفه‌ای بود که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد. (۳۴) پس حضرت صادق علیه السلام را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املای جدم علیهم السلام در حضور من است. (۳۵) عرض کردم: ای پسر رسول خدا اگر مصلحت بدانید آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: تو را برای این عمل شایسته دیدم. (۳۶) پس من آن دورا مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در یک حرف هم اختلافی بین آن دو ندیدم. (۳۷) سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه یحیی را بنابر وصیتش به عموزادگانش پسران عبدالله بن حسن بدhem، فرمود: «خداوند شما را امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش باز گردانید» آری آن را به ایشان بده. (۳۸) چون برای دیدن آن دو برخاستم فرمود: بنشین. (۳۹) آنگاه کسی را برای آوردن محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسر عمومیتان یحیی از پدرش می‌باشد که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده، و ما درباره آن با شما شرطی داریم.

(٤٠) فَقَالَ: رَحْمَكَ اللَّهُ قُلْ فَقُولُكَ الْمُقْبُولُ (٤١) فَقَالَ: لَا تَخْرُجَا بِهَذِهِ  
الصَّحِيفَةِ مِنَ الْمَدِينَةِ (٤٢) قَالَ: وَلِمَ ذَاكَ؟ (٤٣) قَالَ: إِنَّ ابْنَ عَمِّكُمَا  
خَافَ عَلَيْهَا أَمْرًا أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكُمَا. (٤٤) قَالَ: إِنَّمَا خَافَ عَلَيْهَا حِينَ  
عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ. (٤٥) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَأَنْتُمَا فَلَا  
تَأْمَنَا فَوَاللَّهِ إِنِّي لَا عُلِمْتُ أَنَّكُمَا سَتَخْرُجَا كَمَا خَرَجَ، وَسَتُقْتَلَا كَمَا  
قُتِلَ. (٤٦) فَقَامَا وَهُمَا يَقُولانِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ  
الْعَظِيمِ. (٤٧) فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا  
مَسَوْكُلَّ كَيْفَ قَالَ لَكَ يَحْيى إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَفَرًا  
دَعَوَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ وَدَعَوْنَا هُمْ إِلَى الْمَوْتِ؟ (٤٨) قُلْتُ: نَعَمْ  
أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ قَالَ لِي ابْنُ عَمِّكَ يَحْيى: ذَلِكَ (٤٩) فَقَالَ: يَرْحَمُ اللَّهُ  
يَحْيى، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَيْيِهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -  
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَخْذَتْهُ نَفْسَةٌ وَهُوَ عَلَى مِثْبَرِهِ.  
(٥٠) فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنْزُونَ عَلَى مِثْبَرِهِ نَزْوَ الْقِرَدَةِ يَرْدُدُونَ  
النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرِيِّ (٥١) فَأَشْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ - جَالِسًا وَالْحُزْنُ يُغْرِفُ فِي وَجْهِهِمْ. (٥٢) فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ  
- عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا  
فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ  
إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» يَعْنِي بَنِي أُمَّيَّةَ. (٥٣) قَالَ: يَا جِبْرِيلُ أَعَلَى عَهْدِي  
يُكُونُونَ وَفِي زَمْنِي؟ (٥٤) قَالَ: لَا، وَلِكِنْ تَدْوِرُ رَحْنِي الْإِسْلَامِ  
مِنْ مُهَاجِرَكَ فَتَلَبَّثُ بِذَلِكَ عَشْرًا، ثُمَّ تَدْوِرُ رَحْنِي الْإِسْلَامِ عَلَى  
رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ مُهَاجِرَكَ فَتَلَبَّثُ بِذَلِكَ خَمْسًا، ثُمَّ لَابِدَّ  
مِنْ رَحْنِ ضَلَالَةِ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا، ثُمَّ مُلْكُ الْفَرَاعِنَةِ.

(۴۰) گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند، زیرا سخن تو پذیرفته است.  
 (۴۱) فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید. (۴۲) گفتند: چرا؟ (۴۳) فرمود: پسر عمومی شما بر این صحیفه از چیزی می‌ترسید که من بر شما از همان چیز می‌ترسم. (۴۴) گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترسید که دانست کشته می‌شود. (۴۵) امام صادق علیه السلام فرمود: شما از این واقعه ایمن نباشید زیرا به خدا قسم من می‌دانم که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. (۴۶) پس از جای برخواستند در حالی که می‌گفتند: «الاحول ولا قوّة الا بالله العلي العظيم»!

(۴۷) چون بیرون رفتند حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای متوكل چگونه یحیی به تو گفت که عمومیم محمد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟ (۴۸) گفتم: آری - خداوند کار شما را اصلاح کند - عموزاده‌ات یحیی چنین سخنی به من گفت. (۴۹) فرمود: خدا یحیی را رحمت کند، پدرم از پدرش از جدش از علی علیه السلام برایم حدیث کرد که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در حالی که بر روی منبر بود خواب سبکی او را ریود. (۵۰) پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش می‌جهند و مردم را به گذشتگان خود (دوران جاهلیت) بر می‌گردانند. (۵۱) پس رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره‌اش آشکار بود.

(۵۲) در همین هنگام امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «و ما رؤیا بی را که در خواب به تو نمایاندیم و شجره ملعونه در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار نداده‌ایم، و ایشان را بیم می‌دهیم ولی جز بر سرکشی آنان نمی‌افزاید» و مراد از شجره ملعونه، بنی امیه هستند!

(۵۳) پیامبر فرمود: ای جبرئیل آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ (۵۴) گفت: نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرت به گردش می‌آید و تا ده سال می‌گردد آنگاه بر سر سال سی و پنجم از هجرت به گردش می‌افتد و تا پنج سال به آن حالت درنگ می‌کند آنگاه به ناچار آسیای گمراهی خواهد بود که بر محور خود می‌ایستد، و از آن پس پادشاهی فراعنه پدید می‌آید.

(٥٥) قال: وَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَذْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَسْمِيكُهَا بُنُوْ أُمَّيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. (٥٦) قال: فَأَطْلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّ بَنِي أُمَّيَّةَ تَسْمِيكُ سُلْطَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمُلْكَهَا طُولَ هَذِهِ الْمُدَّةِ (٥٧) فَلَوْ طَاوَ لِثَمْمِ الْجِبَالِ لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَبُعْضَنَا. (٥٨) أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلُ مَوَدَّتِهِمْ وَشِيعَتِهِمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَمُلْكِهِمْ: (٥٩) قال: وَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: «إِنَّمَا تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا إِنْعَمَّتِ اللَّهِ كُفْرًا وَأَخَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَضْلُّونَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ». (٦٠) وَنِعْمَةُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ، حُبُّهُمْ أَيْمَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ، وَبُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ (٦١) فَأَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلهِ - ذَلِكَ إِلَى عَلَيٌّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. (٦٢) قال: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ما خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيَدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمَتْهُ الْبَيْلَيْةُ، وَكَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوْهِنَا وَشِيعَتِنَا. (٦٣) قالَ الْمُتَوَكِّلُ أَبْنُ هُرُونَ: ثُمَّ أَمْلَى عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - الْأَذْعِيَّةَ وَهِيَ خَمْسَةُ وَسَبْعُونَ بَابًا، سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدُ عَشَرَ بَابًا، وَحَفِظْتُ مِنْهَا نَيْفًا وَسِتِينَ بَابًا (٦٤) وَحَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضِّلِ قَالَ: وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ أَبْنُ الْحَسَنِ أَبْنُ رُوزِيَّةَ أَبُوبَكْرِ الْمَدَائِنِيِّ الْكَاتِبُ تَزَبِيلُ الرَّخْبَةِ فِي دَارِهِ (٦٥) قال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ أَبْنُ أَحْمَدَ أَبْنِ مُسْلِمِ الْمُطَهَّرِيِّ (٦٦) قال: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عُمَيْرِ أَبْنِ مُسَوِّكِ الْبَلْخَى عَنْ أَبِيهِ الْمُتَوَكِّلِ أَبْنِ هُرُونَ

(۵۵) حضرت صادق فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است که بنی امیه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. (۵۶) سپس فرمود: پس خدای عزوجل پیامبرش را آگاه فرمود که بنی امیه قدرت و حکومت این امت را در طول این مدت به دست می‌گیرند. (۵۷) پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها برتری یابند و چیره شوند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومتشان حکم کند. و بنی امیه در این مدت عداوت و کینهٔ ما اهل بیت را شعار خود می‌نمایند. (۵۸) خداوند از آنجه در مدت حکومت بنی امیه بر اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانشان می‌رسد به رسولش خبر داد.

(۵۹) آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدا در بارهٔ بنی امیه وحی نازل فرمود که «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت یعنی دوزخ افکنند که در آن سرنگون شوند و بد قرارگاهی است.» (۶۰) و نعمت خدا محمد (ص) و اهل بیت آن حضرتند که دوستی ایشان ایمانی است که آدمی را به بهشت داخل می‌کنند و دشمنی ایشان کفر و نفاقی است که به جهنم در می‌آورد. (۶۱) پس رسول خدا این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش علیهم السلام در میان گذاشت. (۶۲) متوكل گفت: سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: احدی از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما برای دفع ظلمی یا به پاداشتن حقی خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از ریشه برکند و قیامش موجب افزایش غصهٔ ما و شیعیان ما گردد.

(۶۳) متوكل گفت: آنگاه حضرت صادق علیه السلام دعاهاي صحيفه را بر من املاء کرد و آن هفتاد و پنج باب بود که یازده باب آن از حافظه‌ام رفت و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم.

(۶۴) (عکبری گوید): و حدیث کرد برای ما ابوالفضل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن بن روز به ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رحبه در خانهٔ خودش. (۶۵) گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری. (۶۶) گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمیرین متوكل بلخی از پدرش متوكل بن هارون.

(٦٧) قَالَ: لَقِيْتُ يَخْيَى ابْنَ زَيْدَ ابْنَ عَلَىٰ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِشَمَامِهِ إِلَى رُؤْبَا النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - الَّتِي ذَكَرَهَا جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - (٦٨) وَفِي رِوَايَةِ الْمُطَهَّرِيِّ ذِكْرُ الْأَبْوَابِ وَهِيَ:

١	الْتَّحْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
٢	الصَّلُوةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
٣	الصَّلُوةُ عَلَى حَمْلَةِ الْعَرْشِ
٤	الصَّلُوةُ عَلَى مُصَدِّقِ الرَّسُولِ
٥	دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ
٦	دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ
٧	دُعَاؤُهُ فِي الْمُهِمَّاتِ
٨	دُعَاؤُهُ فِي الْإِشْتِغَالِ
٩	دُعَاؤُهُ فِي الْإِشْتِيَاقِ
١٠	دُعَاؤُهُ فِي اللَّجَأِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
١١	دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ
١٢	دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِرَافِ
١٣	دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ
١٤	دُعَاؤُهُ فِي الضُّلَامَاتِ
١٥	دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْمَرْضِ
١٦	دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِقَالَةِ
١٧	دُعَاؤُهُ عَلَى الشَّيْطَانِ
١٨	دُعَاؤُهُ فِي الْمَحْذُورَاتِ

(۶۷) گفت یحیی بن زید بن علی طبله را ملاقات نمودم. سپس تمام حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق از پدرانش - که درود خدا بر آنان باد - روایت فرمود بیان کرد.

(۶۸) و در روایت مطهری فهرست ابواب دعا به ترتیب زیر است:

- ۱ - حمد و ثنای الهی.
- ۲ - درود آن حضرت بر محمد و آل محمد (علیهم السلام).
- ۳ - درود آن حضرت بر حاملان عرش.
- ۴ - درود آن حضرت بر آنان که به پیامبران ایمان آورده‌اند.
- ۵ - دعای آن حضرت برای خود و نزدیکانش.
- ۶ - دعای آن حضرت به هنگام صبح و شام.
- ۷ - دعای آن حضرت به هنگام مهمات و گرفتاری.
- ۸ - دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند.
- ۹ - دعای آن حضرت در شوق به آمرزش.
- ۱۰ - دعای آن حضرت در التجاء و پناه بردن به خداوند.
- ۱۱ - دعای آن حضرت در عاقبت به خیری مددی
- ۱۲ - دعای آن حضرت در اقرار به گناه.
- ۱۳ - دعای آن حضرت در طلب حاجتها.
- ۱۴ - دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران.
- ۱۵ - دعای آن حضرت به هنگام بیماری.
- ۱۶ - دعای آن حضرت در طلب آمرزش گناهان.
- ۱۷ - دعای آن حضرت در دور کردن شیطان.
- ۱۸ - دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی‌ها.

١٩	دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ
٢٠	دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
٢١	دُعَاؤُهُ إِذَا أَخْرَنَهُ أَمْرٌ
٢٢	دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشَّدَّةِ
٢٣	دُعَاؤُهُ بِالْغَافِيَّةِ
٢٤	دُعَاؤُهُ لِأَبْوَيْهِ
٢٥	دُعَاؤُهُ لِوْلِدِهِ
٢٦	دُعَاؤُهُ لِجِيرَانِهِ وَأَوْلَيْأَنَّهِ
٢٧	دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ التَّغْوِيرِ
٢٨	دُعَاؤُهُ فِي التَّفَزُّعِ
٢٩	دُعَاؤُهُ إِذَا قَتَّرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ
٣٠	دُعَاؤُهُ فِي الْمَعْوِنَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ
٣١	دُعَاؤُهُ بِالْتَّوْبَةِ
٣٢	دُعَاؤُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ
٣٣	دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ
٣٤	دُعَاؤُهُ إِذَا ابْتَلَى أَوْرَايِ مُبْشَلِي بِفَضْيَحَةٍ بِذَنْبٍ
٣٥	دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا بِالْقَضَاءِ
٣٦	دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ
٣٧	دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ
٣٨	دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِذَارِ
٣٩	دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْغَفْوِ
٤٠	دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ



- ۱۹- دعای آن حضرت در طلب باران.
- ۲۰- دعای آن حضرت در باره اخلاق پسندیده.
- ۲۱- دعای آن حضرت هنگامی که رویدادی او را اندوهناک می نمود.
- ۲۲- دعای آن حضرت در سختی و گرفتاری.
- ۲۳- دعای آن حضرت برای تندرستی.
- ۲۴- دعای آن حضرت برای پدر و مادر خود.
- ۲۵- دعای آن حضرت برای فرزندانش.
- ۲۶- دعای آن حضرت برای همسایگان و دوستانش.
- ۲۷- دعای آن حضرت برای مرزداران.
- ۲۸- دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا.
- ۲۹- دعای آن حضرت هنگامی که روزی بر او تنگ می شد.
- ۳۰- دعای آن حضرت برای ادای وام.
- ۳۱- دعای آن حضرت در توبه و بازگشت.
- ۳۲- دعای آن حضرت در نماز شب.
- ۳۳- دعای آن حضرت در درخواست خیر و نیکی.
- ۳۴- دعای آن حضرت به هنگام گرفتاری خود یا بدین گرفتار به رسایی گناه.
- ۳۵- دعای آن حضرت در باره خشنودی به قضاى حق.
- ۳۶- دعای آن حضرت هنگام شنیدن رعد.
- ۳۷- دعای آن حضرت در شکر.
- ۳۸- دعای آن حضرت در عذرخواهی.
- ۳۹- دعای آن حضرت در طلب عفو و بخشایش.
- ۴۰- دعای آن حضرت هنگام یاد مرگ.

- |    |   |
|----|---|
| ٤١ | دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السُّتُرِ وَالْوِقَايَةِ |
| ٤٢ | دُعَاؤُهُ عِنْدَ حَشْمِهِ الْقُرْآنَ          |
| ٤٣ | دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ       |
| ٤٤ | دُعَاؤُهُ لِ الدُّخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ      |
| ٤٥ | دُعَاؤُهُ لِوَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ          |
| ٤٦ | دُعَاؤُهُ لِعِيدِ الْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ     |
| ٤٧ | دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ عَرَفةَ                  |
| ٤٨ | دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ |
| ٤٩ | دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ      |
| ٥٠ | دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ                     |
| ٥١ | دُعَاؤُهُ فِي التَّضَرُّعِ وَالْإِشْتِكَانَةِ |
| ٥٢ | دُعَاؤُهُ فِي الْأَلْحَاجِ                    |
| ٥٣ | دُعَاؤُهُ فِي التَّذَلُّلِ                    |
| ٥٤ | دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشافِ الْهَمُومِ          |



(٦٩) وَبَاقِي الْأَبْوَابِ بِلَفْظِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِي - رَحْمَةُ اللَّهِ -  
 (٧٠) حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِي (٧١) قَالَ: حَدَّثَنَا  
 عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَرَ ابْنِ خَطَّابِ الزَّيَّاتُ (٧٢) قَالَ حَدَّثَنِي خَالِي عَلَيْهِ ابْنُ  
 النَّعْمَانِ الْأَعْلَمُ (٧٣) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ ابْنُ مُتَوَكِّلٍ التَّقِيفِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ  
 آبِيهِ مُتَوَكِّلِ ابْنِ هَرُونَ (٧٤) قَالَ: أَمْلَى عَلَيَّ سَيِّدِي الصَّادِقِ، أَبُو  
 عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ (٧٥) قَالَ: أَمْلَى جَدِّي عَلَيَّ ابْنُ الْحُسَينِ عَلَى  
 أَبِيهِ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلَيٍّ - عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ - بِمَسْهَدِ مِئَى.

- ۴۱- دعای آن حضرت در درخواست پرده پوشی و تقوی.
- ۴۲- دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن.
- ۴۳- دعای آن حضرت به وقت دیدن ماه نو.
- ۴۴- دعای آن حضرت هنگام فرا رسیدن ماه رمضان.
- ۴۵- دعای آن حضرت به هنگام وداع ماه رمضان.
- ۴۶- دعای آن حضرت در روز عید فطر و جمعه.
- ۴۷- دعای آن حضرت در روز عرفه.
- ۴۸- دعای آن حضرت در روز عید قربان و جمعه.
- ۴۹- دعای آن حضرت در دفع مکر دشمنان.
- ۵۰- دعای آن حضرت در ترس از خدا.
- ۵۱- دعای آن حضرت در تضرع و زاری به درگاه خدا.
- ۵۲- دعای آن حضرت در اصرار برو طلب.
- ۵۳- دعای آن حضرت در فروتنی.
- ۵۴- دعای آن حضرت در رفع اندوهها.
- (۶۹) و باقی ابواب به لفظ ابو عبد الله حسینی در حممه الله است.
- (۷۰) حدیث کرد برای ما ابو عبد الله جعفر بن محمد حسنی.
- (۷۱) گفت: حدیث کرد برای ما عبد الله بن عمر بن خطاب زیات.
- (۷۲) گفت: حدیث کرد برایم دائم علی بن نعمان اعلم.
- (۷۳) گفت: حدیث کرد برایم عمیر بن متوكل نقفي بلخی، از پدرش متوكل بن هارون.
- (۷۴) گفت: املا فرمود بر من آقايم امام صادق ابو عبد الله جعفر بن محمد.
- (۷۵) فرمودند: جدم علی بن الحسين بر پدرم محمد بن علی -سلام بر همه آنها باد- در حضور من املا فرمود:

(١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ  
بَدَا بِالْتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلُ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرُ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ  
بَعْدَهُ (٢) الَّذِي قَسَرَتْ عَنْ رُؤْيَاةِ أَبْصَارِ النَّاظِرِينَ، وَعَجَزَتْ  
عَنْ نَعْتِيهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. (٣) أَبْتَدَأَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ أَبْتَدَاعًا،  
وَأَخْتَرَ عَهْمَهُ عَلَى مَشِيَّتِهِ أَخْتَرَا عَلَى مَسْلِكَ بِهِمْ طَرِيقَ ارْبَادِهِ،  
وَبَعْثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحْبَبِتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ شَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّ مَهْمُهُ إِلَيْهِ،  
وَلَا يَسْتَطِيغُونَ تَقْدُمًا إِلَى مَا أَخْرَهُمْ عَنْهُ. (٤) وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ  
مِنْهُمْ قُوَّاتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصُ، وَلَا  
يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدًا. (٥) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا،  
وَنَصَبَ لَهُ أَمْدًا مَخْدُودًا، يَتَخْطَلُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ  
دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثْرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، فَبَضَّهُ إِلَى  
مَا أَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَخْذُورِ عِقَابِهِ،  
لِيَجْزِي الَّذِينَ أَسَاوُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ أَخْسَنُوا بِالْخُسْنَى.  
(٦) عَدْلًا مِنْهُ، تَقَدَّسْتَ أَشْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ الْأُوْهُ، لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ  
وَهُمْ يُسْأَلُونَ. (٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْحَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ  
عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَّهُ الْمُسْتَأْعِدَةِ، وَأَشْبَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُنْتَظَاهِرَةِ،  
لَتَصَرَّفُوا فِي مِنَّهُ فَلَمْ يَخْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ.

## دعای اول

### حمد و ثنای الهی

(۱) ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. (۲) خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش قاصر و اندیشه هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. (۳) جهان آفرینش را با قدرت کامل و مشیت بالغ خویش بی‌آنکه نمونه والگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد آفرید. (۴) سپس آفریدگان را با اراده خود به راه راست راهی ساخت و آنها را در مسیر محبت خویش برانگیخت. کسانی که اراده خدا آنها را بر دیگران مقدم داشته یارای تأخیر و عقب افتادن ندارند و نیز کسانی که مشیت الهی آنان را از دیگران عقبتر انداخته است قدرت جلو افتادن ندارند. (۵) و خدای متعال برای هر یک از جانداران، رزق معلومی را تقسیم نموده است، که هرگز نتواند آنکس که برایش رزق زیادی مقدّر فرموده از آن بکاهد و کسی که برایش اندک مقدّر نموده، بر آن بیفزاید. (۶) آنگاه خداوند در زندگی هر یک از آفریدگان، آجلى را معین نموده و برای آن پایانی را منظور داشته است، که با گذر ایام عمر، به سوی آن گام بر می‌دارد. و با سپری شدن لحظات روزگار، آن اجل فرا می‌رسد. و آنگاه که آخرین قدم را بر می‌دارد و عمر او به پایان می‌رسد، خداوند جان او را بگیرد و به سوی مقصدی که دعوتش فرموده است یعنی ثواب وافر و بهشت برین یا شقاوت و دوزخ الهی، رهسپار سازد. (۷) این، برای آن است که بدکاران را به کیفر اعمال زشت خود برساند و نیکوکاران را بر اساس عدالت خویش، پاداش نیکو عطا فرماید. پاک و متنزه است اسماء او، و آشکار است نعمتهاي او. هیچ کس حق ندارد از کار او باز خواست کند اما همگان در پیشگاه او مورد سؤال واقع می‌شوند. (۸) ستایش مخصوص خدایی است که اگر شناخت حمد و ثنای خویش را با ابتلای بندگان به نعمتهاي گوناگون و احسانهاي فراوان دریغ کند، بندگان در نعمتهاي و منتهای الهی تصرف کنند و ستایش او انجام ندهند و رزق و روزی خویش گسترش دهند و شکر او ننمایند.

(٩) وَلَوْ كَانُوا كَذَالِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ  
الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُخْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالَأَنْعَامِ بَلْ  
هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا». (١٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمَّنَا  
مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ  
مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَجَنَبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ.  
(١١) حَمْدًا نُعَمَّرِيهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسِيقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى  
رِضَاهُ وَعَفْوهُ. (١٢) حَمْدًا يُضْئِلُّ لَنَا بِهِ ظُلُماتِ الْبَرَزَخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا  
بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ  
تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ، يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ  
مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ. (١٣) حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنْنَا إِلَى أَعْلَى عِلْيَيْنَ فِي  
كِتَابِ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ. (١٤) حَمْدًا تَقْرِبُهُ عَيْوَنَا إِذَا بَرِّقَتِ  
الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَتِ الْأَبْشَارُ. (١٥) حَمْدًا نُعْتَقُ  
بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جَوَارِ اللَّهِ. (١٦) حَمْدًا نَزَّاحِمُ بِهِ مَلَائِكَةُ  
الْمُقْرَبِينَ، وَنُضَامُ بِهِ أَئِيَّاءُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي  
لَا تَرُولُ، وَمَحَلٌ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ. (١٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ  
لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ. (١٨) وَجَعَلَ لَنَا  
الْفَضْلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُثْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ،  
وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ. (١٩) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ  
الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَةً؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟! لَا،  
مَتَى؟. (٢٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَبَ فِينَا الْأَلَّاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ  
لَنَا آدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِأَزْوَاجِ الْحَيَاةِ، وَأَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ  
الْأَغْمَالِ، وَغَذَانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنْهُ.

(۹) در این صورت از مرز انسانیت خارج شده و به حد حیوانیت سقوط کنند. چنانکه خداوند متعال در کتاب محکم خویش، آنها را چنین توصیف کرده است: حیوانند بلکه از حیوان گمراحتند. (۱۰) وستایش مخصوص خداست چرا که بهره‌ای از معرفت خود را به مازانی فرمود و از نعمت شکر خویش به ما الهام فرمود و برخی از درهای نامتناهی علم به روییتش را به سوی ما گشود و ما را به مرتبه اخلاص در توحید خویش راهنمایی نمود و از شائبه الحاد و شک در امرش دور کرد. (۱۱) او را چنان ستایشی کنیم که در تمام عمر در شمار بندگان ستایشگر پروردگار باشیم و با ستایش خویش گوی سبقت را از کسانی که به مقام عفو و خشنودی او سبقت گرفته‌اند برباییم. (۱۲) حمد و ستایشی که تاریکیهای عالم بزرخ را برای ما روشن سازد و راه دشوار جهان آخرت را برای ما آسان گرداند و منازل ما نزد شاهدان صحنه محشر، شریفتر شود. روزی که هر شخصی به پاداش و کیفر اعمالش می‌رسد و هرگز به کسی ستم نمی‌شود. روزی که هیچ یار و یاوری نمی‌تواند کاری انجام دهد و [انسانهای گرفتار عذاب] یاری نمی‌شوند. (۱۳) خدای را آنگونه ستایش می‌کنیم که حمد و ثنای ما تا اعلی علیین برسد و در کتاب مرقوم نزد شاهدان مقرب الهی قرار گیرد. (۱۴) ستایشی که موجب چشم روشنی ما به هنگامی گردد که چشمها از ترس و وحشت، برق زند و خیره شوند، و ما به وسیله حمدeman روزی که بدکاران روسیاه هستند نزد پروردگار روسفید شویم. (۱۵) حمدی که ما را از آتش در دنای الهی برهاند و در جوار کرم خدای، جای دهد. (۱۶) ستایشی که به ما توان آن بخشد تا بتوانیم با فرشتگان مقرب الهی رقابت و همدوشی نماییم و در بهشت جاوید الهی و محل کرامت رویی با انبیا و رسول الهی همنشین شویم. (۱۷) ستایش، مخصوص خدایی است که برای ما اخلاقی نیکو و صفات حسن را برگزید. (۱۸) و برای ما روزیهای پاکیزه ارزانی داشت و ما را بر همه آفریدگان برتری و فضیلت پایدار بخشید. تا آنجا که همه آفریدگان با قدرت کامل و عزت الهی، مطیع و منقاد مانند شوند. (۱۹) ستایش مخصوص خدایی است که جز باب نیاز ما به سوی خودش همه درهای نیاز را بر روی ما بسته است! با این حال، چگونه می‌توانیم او را ستایش کنیم و کسی می‌توانیم از عهدۀ شکر او برآییم؟ (۲۰) حمد از آن خدایی است که ابزار بسط و گسترش را با ما درآمیخت و اسباب قبض را برای ما قرار داد و ما را با نشاطهای زندگی کامیاب نمود و جوارح انجام اعمال را در وجود ما آفرید. و با روزیهای پاک، به ما غذا داد و با فضل و کرم خود ما را بی نیاز ساخت و با نعمتهاي بی پایان خویش، بر ما منت نهاد.

(٢١) ثُمَّ أَمْرَنَا لِيُخْتَبِرْ طَاعَتَنَا، وَنَهَا نَا لِيَسْتَلِي شُكْرَنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُشْوَنَ رَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبِهِ، وَلَمْ يُغَارِلْنَا بِنَقْمَتِهِ، بَلْ تَائِنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرِمًا، وَأَنْتَظَرْ مُرَاجِعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.

(٢٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسْنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَسْمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا (٢٣) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُتْتَهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلُّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنْهَا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا.

(٢٤) فَإِنَّهَا لِكُمْ مِنْ هَلْكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِنْهَا مَنْ رَغَبَ إِلَيْهِ (٢٥) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَذْنِي مَلَائِكَتَهُ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لِدِيْهِ (٢٦) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ (٢٧) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانٌ كُلُّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحْاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانٌ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبْدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ (٢٨) حَمْدًا لَا مُتَنَاهِ لِعَدَدِهِ، وَلَا حِسَابٌ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغٌ لِغَايَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعٌ لِأَمْدِهِ (٢٩) حَمْدًا يَكُونُ وُضْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبِيلًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا مِنْ نَقْمَتِهِ، وَآمِنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَاهِرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَخَاجِزًا عَنْ مَغْصِبَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَظَاهِرِهِ (٣٠) حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَادِاءِ مِنْ أُولَيَّ أَئِمَّهُ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظِيمِ الشَّهَدَاءِ بِشَيْوِفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيَ حَمْدٌ.

(۲۱) آنگاه، برای این که طاعت ما را بیازماید به ما فرمان داد و برای اینکه شکر و سپاس ما را آزمایش کند ما را از اموری نهی فرمود. با آنکه ما بندگان از امر او سر پیچی کردیم و بر مرکب نافرمانی سوار شدیم، اما او بر عقوبت ما مبادرت نکرد و در اتقام خوبیش تعجیل نفرمود. بلکه با رحمت خاص خود از روی لطف و کرم با ما مدارا نمود و با رأفت و مهربانی، از روی حلم و بردباری انتظار توبه و بازگشت ما را داشت. (۲۲) ستایش مخصوص خدایی است که ما را بر توبه راهنمایی کرد، نعمتی که فقط به خاطر فضل و کرمندی از آن، بهره مند شدیم. و اگر تنها به وسیله توبه، اهل فضل و کرم خدا به شمار آییم تحقیقاً نعمت او نزد ما نیکو و احسان و فضل او بر ما، بسیار عظیم است. (۲۳) البته، سنت خداوند در مورد توبه برای کسانی که پیش از ما زندگی می کردند اینگونه نبوده است. همانا، خداوند آنچه خارج از توان و طاقت ما بود از ما برداشته و جز به اندازه توان، به ما تکلیف نفرموده و تنها به تکالیف سهل و آسان ما را موظّف ساخته است و برای هیچ کس، حجت و عذری باقی نگذاشته است.

(۲۴) بنابراین، شقی وزیان کار کسی است که با معصیت پروردگار هلاکت خوبیش را فراهم می سازد. و سعادتمند و رستگار کسی است که مشتاق و راغب خدا بوده از او اطاعت می کند. (۲۵) و ستایش مخصوص خداست. آسان که بتواند همه ستایشی را که مقریترین ملائکه و بهترین خلق او و پیشنهاده ترقیتی سنایشگران نزداو انجام می دهد شامل بشود. (۲۶) ستایشی که فضیلت و برتری آن نسبت به سایر ستایشها بسان برتری پروردگار بر تمام خلق باشد. (۲۷) پس از همه حمد و ثناء، باز حمد و ثنا از آن اوست. در مقابل هر نعمتی که به ما و بر همه بندگان گذشته و بازماندگان عطا فرموده حمدی سزای او است به اندازه همه اشیائی که علم بی پایانش به آنها احاطه دارد. و در برابر هر یک از آن اشیاء و موجودات، به اندازه چندین برابر عددشان حمدی ابدی و سرمدی تا روز قیامت سزای اوست. (۲۸) حمدی که اندازه اش پایان ناپذیر و شمارش بی حساب و مقدارش نامتناهی و زمانش پیوسته باشد.

(۲۹) حمدی که ما را به مقام عفو و طاعتیش بر ساند و موجب خشنودی او و وسیله آمرزش گردد. و ما را به سوی بهشت خدا راهنمایی کند و از عذاب الهی حفظ نماید و از غضبیش ایمن گرداند و بر طاعت و بندگیش مؤید بدارد و از معصیتش باز دارد و یاور ما بر ادای حق و انجام وظایف الهی باشد. (۳۰) حمدی که ما را در شمار سعادتمدان و اولیای الهی قرار دهد و در صفات آنان که با شمشیر دشمنان به شهادت رسیده اند در آورد. البته، او سرپرست و ستدوده است.

(٢)

وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا تَحْمِيدٌ  
فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

(١) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا مُحَمَّدًا نَبِيًّا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
دُونَ الْأَمَمِ الْمَاضِيَّةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَغْرِبُ عَنْ  
شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَغُوْثُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ. (٢) فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ  
مَنْ ذَرَءَ، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَكَفَرَنَا بِمَا نَهَى عَلَى مَنْ قَلَ.  
(٣) أَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمْبِنِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِّيْكَ مِنْ  
خَلْقِكَ، وَصَفِّيْكَ مِنْ عِبَادِكَ، امَّا مِنَ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ  
الْبَرَكَةِ. (٤) كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ (٥) وَعَرَضَ فِيْكَ لِلْمَكْرُوهِ  
بَدَنَةً (٦) وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامِتَهُ (٧) وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ  
أُسْرَتَهُ (٨) وَقَطَعَ فِي إِخْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ. (٩) وَأَقْصَى الْأَدْنِينَ  
عَلَى جُحُودِهِمْ (١٠) وَقَرَبَ الْأَقْصَيْنَ عَلَى اسْتِجْاْيَهِمْ لَكَ. (١١) وَإِلَى  
فِيْكَ الْأَبْعَدِينَ (١٢) وَعَادَى فِيْكَ الْأَقْرَبِينَ (١٣) وَأَذَابَ نَفْسَهُ فِي  
تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ (١٤) وَأَثْبَتَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ. (١٥) وَشَغَلَهَا بِالْتُّضْعِ  
لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ (١٦) وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ، وَمَحَلَّ الثَّأْيِ عنْ  
مَوْطِنِ رَحِيلِهِ، وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَمَشْقَطِ رَأْسِهِ، وَمَائِسِ نَفْسِهِ،  
إِرَادَةً مِنْهُ لِإِغْزَازِ دِينِكَ، وَاسْتِئْضَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ. (١٧) أَحْشَى  
اسْتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ (١٨) وَأَسْتَسْمَ لَهُ مَا دَبَرَ فِي أَوْلَيَاِكَ.

## دعای دوم:

### دروع و تحيیت بر پیامبر(ص)

(۱) حمد و ستایش خدای را که با نعمت وجود پیامبر بزرگوارش حضرت محمد ﷺ بر ما منت نهاد و بر امتهای پیشین و فرنهای گذشته چنین منتنی نگذاشت. و این نعمت بزرگ را با قدرت بی پایان خویش بر ما عطا نمود، قدرتی که هیچگونه عجزی در آن راه ندارد و کوچکترین اشیاء از حیطه قدرت و علمش ناپدید نخواهد شد. (۲) او ما را خاتم همه امتهای قرار داد و بر ملل گذشته برتری بخشید. ما را بر منکران حضرت شاهد و گواه قرار داد و بر مردمی که بی ارزش و بی عزت بودند غلبه و فزونی بخشید. (۳) پروردگارا پس بر محمد ﷺ که امین وحی تواست و شریفتر و بزرگوارتر از همه آفریدگان تو می باشد و پیشوای رحمت و قائد خیر است و کلید برکات است، درود و تحيیت فرست. (۴) آنچنانکه برای اقامه امر و فرمان تو جان خود را در طبق اخلاص گذاشت. (۵) و بدنه خود را در معرض سختیها قرار داد. (۶) و در دعاها بیکن که درگاهت داشت عداوت خود را با خویشاوندان مشرکش اظهار ننمود (۷) و در راه رضا و خشنودی تو با بستگان و قبیله خود جنگ کرد (۸) و برای احیای دین تو از ارحام خویش نیز گردید (۹) تا آنجا که نزدیکان خود را که بخدای یکتا ایمان نیاوردهند همراه از خود دور کرد (۱۰) و بیگانگان را که حکم تورا اجابت کردند بخود نزدیک نمود (۱۱) و در راه رضای تو با دورترین مردم که ایمان آوردهند دوستی کرد (۱۲) و با نزدیکترین کسانش که کفر پیشه کردند آهنگ دشمنی نواخت (۱۳) و در رساندن پیام تو خود را خسته کرد (۱۴) و نفس شریف خود را در راه دعوت به آیین و دین تو به رنج و سختیها فراوان افکند. (۱۵) و عمری را بالاندرز و نصیحت، به تربیت آنان که دعوت را پذیرفتند سپری نمود (۱۶) و از وطن خود به سوی بلاد غربت دور از شهر و دیار خویش و دور از محل اقامت و زادگاه خود و دور از جایگاه انس و الفتشر با اراده ای پایدار در راه عظمت و اعزاز دین تو هجرت نمود و از تو ای خدای بزرگ علیه کافران یاری طلبید (۱۷) تا خواسته اش در مورد غلبه بر کافران و منکران تحقق یافت (۱۸) و آنچه درباره اولیاء و دوستان تو تدبیر نمود بحد تمام و کمال رسانید.

(١٩) فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَقْبِلًا بِعَوْنَكَ، وَمُسْتَقْوِيًّا عَلَى ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ  
 (٢٠) فَغَزَاهُمْ فِي عُقُورِ دِيَارِهِمْ. (٢١) وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُخْبُوْحَةِ قَرَارِهِمْ  
 (٢٢) حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَعَلَّتْ كَلِمَتُكَ، وَلَوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ. (٢٣) اللَّهُمَّ  
 فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنْتِكَ (٢٤) حَتَّى لا  
 يُسَاوِي فِي مَنْزِلَةٍ، وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ  
 مُقْرَبٌ، وَلَا تَبِي مُرْسَلٌ. (٢٥) وَعَرَفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَمَّتِهِ  
 الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ (٢٦) يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا  
 وَافِي الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ  
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ  
 عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَكُلِّ مَلَكٍ مُقْرَبٍ:

(١) اللَّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَقْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا  
 يَسْتَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ، وَلَا يَسْتَخِسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ  
 التَّفْصِيرَ عَلَى الْجِدْدِ فِي أَمْرِكَ، وَلَا يَغْلُطُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَيْكَ  
 (٢) وَإِشْرَاقيْلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاهِصُ الَّذِي يَسْتَظِرُ مِنْكَ الْأَذْنَ،  
 وَخُلُولُ الْأَمْرِ، فَيُبَيِّهُ بِالْتَّفْخِةِ صَرْعَى رَهَائِنَ الْقُبُورِ. (٣) وَمِنْ كَائِلُ  
 ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ. (٤) وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ  
 عَلَى وَحِيْكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقْرَبُ عِنْدَكَ

- (۱۹) و بر اصلاح امور امت قیام کرد در حالیکه فتح و پیروزی خود را با یاری تو طلب می کرد و بر ضعف خود به نصرت و یاری تو نیرو می گرفت.
- (۲۰) از همین رو بود که در عمق خاک دشمن به جنگ آنها برخاست (۲۱) و در قرارگاه دشمن بر آنها هجوم برد، (۲۲) تا آنکه امر و فرمان حضرت ظاهر شده و با وجود آنکه مشرکان کراحت داشتند کلمه توحید چیره گشت.
- (۲۳) پروردگارا، آن حضرت را در مقابل رنجها و سختیها که در راه تو کشیده است رفعت مقام بخش و در فردوس بربین، عالیترین درجات را به او عطا فرما (۲۴) تا آن مقامی که هیچ یک از ملائکه مقرّب و انبیا مرسل در منزلت و مقام، همتا و همسان او نباشند (۲۵) و او را در میان اهل بیت پاکش و امت با ایمانش با شفاعت نیکو به بهترین وجهی که وعده داده ای معروف کن.
- (۲۶) ای خدایی که وعده تو نافذ است، ای آنکه قول و عهد تو باوفای کامل است، ای آنکه گناهان و سیئات بندگان را به چندین برابر به حسنات تبدیل می کنی، همانا تو صاحب فضل و کرم بزرگ می باشی.



## مَرْكَزُ تَحْقِيقَاتِ تَكْوِينِ قُرْآنٍ وَسُونَّةِ نَبِيِّنَا

### دعای سوم:

#### ستایش و تمجید فرشتگان

- (۱) پروردگارا درود فrust بر حاملان عرشت که هیچ گاه از تسبيح ذات پاکت و تقدیس حضرت واز عبادت و بندگیت باز نایستند و خسته نشوند و هیچ تفصیری را در فرمانبرداریت برکوشش و تلاش مقدم ندارند واز حیرت به سوی تو غافل نشوند.

(۲) و بر اسرافیل که مأمور نفخه صور است و همواره منتظر فراسیدن فرمان تو است تا کسانی را که به فعر قبرهای خود بیهوش و محبوس در افتاده اند با نفخه صور هوشیار سازد.

(۳) و بر میکائیل که نزد تو دارای جاه و مقام بلند است.

(۴) و بر جبرائیل که امین وحی و مطاع فرشتگان آسمانهای تو است و در بارگاه قدس تو جای دارد و در نزد تو مقرّب است.

(٥) وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْخُجُبِ . (٦) وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلَّى عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ (٧) وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَبْطَةٌ مِنْ دُوْبٍ، وَ لَا إِغْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا تَشْغُلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهْوَاتُ، وَ لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَسْعِيَتِكَ سَهْوُ الْفَقَلَاتِ . (٨) الْخُشُعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُوْمُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، التَّوَاكِسُ الْأَذْقَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْرِونَ بِذِكْرِ الْأَئِكَ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبِيرِ يَائِكَ (٩) وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزَفَّرُ عَلَيَّ أَهْلِ مَغْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقًّا عَبَادَتِكَ . (١٠) فَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيَّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الرُّؤْلَفَةِ عِنْدَكَ، وَ حُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسْلِكَ، وَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ (١١) وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ احْتَضَنُوكُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَغْنَيْتُهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ، وَ أَسْكَنْتُهُمْ بِطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ . (١٢) وَ الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِسَمَامٍ وَ عَدِكَ (١٣) وَ خَرَانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِ السَّحَابِ (١٤) وَ الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَقِيقَةُ السَّحَابِ التَّمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ . (١٥) وَ مُشَيَّعِي الثَّلْجِ وَ الْبَرِدِ، وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ القُوَّامِ عَلَى خَرَائِنِ الرِّيَاحِ، وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ (١٦) وَ الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ ما تَخْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (١٧) وَ رُسْلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيَّ أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهٍ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَخْبُوبِ الرَّخَاءِ

(۵) و بر روح که فوق فرشتگانِ حجایها است (۶) و بر آن روح که از امر تو تکون یافته است. پس، ای پروردگار بزرگ بر همه آن فرشتگان درود و رحمت فrst و نیز بر فرشتگان دیگر که از نظر مرتبه و مقام کمتر از آنها هستند و در آسمانها سکونت دارند و اهل امانت و حفاظت نسبت به رسالتها و رسولان تو می‌باشند (۷) و بر آنانکه از کار و کوشش خسته نشوند و هیچ درماندگی از رنج و سختی طاعت نیابند و شهوتها و امیال نفسانی، آنها را از تسیع و تنزیه تو باز ندارد و سهو و غفلتها از تعظیم جلال تو آنان را منع نکنند.

(۸) هم آنان چشمهاشان چنان به حال خشوع و تذلل است که اراده نگریستن به انوار جلالت نمی‌نمایند. و سرها به زیر افکنده‌اند. آنان که عشق و شوقشان به آنچه نزد توست فراوان است. شیفتۀ یاد نعمتهای توأند. در برابر بزرگی و جلال کبریائیت متواضعند (۹) و بر آن فرشتگان که چون دوزخ را بر گنهکاران خروشان ببینند می‌گویند: ای خدای منزه و پاکیزه ما تو را چنان که سزاوار توست عبادت نکردیم (۱۰) پس بر همه آنان درود فrst، و نیز بر روحانیان از ملائکه‌ات و اهل منزلت و قوب در پیشگاهت، و حاملان پیام غیب به سوی فرستادگان و امینان بر وحیت (۱۱) و اصناف فرشتگانی که آنان را به خود اختصاص داده‌ای و به وسیله تقدیس خود ایشان را از خوردنی و آشامیدنی بی‌نیاز نموده‌ای و در اندرون طبقات آسمانهاست مسکن داده‌ای (۱۲) و بر آن فرشتگان که چون فرمانت به انجام وعده‌ات صادر گردد بر اطراف آسمانها گماشته شوند (۱۳) و بر گنجینه داران باران، بر حرکت دهنده‌گان ابر (۱۴) و بر آن ملکی که از فریاد و ناله‌اش، غرّش رعدها شنیده شود و چون که ابر خروشان به وسیله او به حرکت درآید، صاعقه و برق بدرخشند (۱۵) و بر فرشتگانی که دانه‌های برف و تگرگ را بدرقه می‌کنند و ملائکه‌ای که همراه قطرات باران فرود می‌آیند، و بر آنان که بر گنجینه‌های باد و کیل اند و آنان که بر کوهها گماشته شده‌اند تا از جا در نرون (۱۶) و بر آنان که درک آبهای واندازه بارانهای سیل آسا و رگبارهای متراکم را به آنان آموخته‌ای (۱۷) و بر فرشتگانی که به سوی اهل زمین گسیل می‌شوند تا گرفتاری و ناخوشایندی و گشایش و خوشایندی بر آنان ببارند.

(١٨) وَالسَّفَرَةُ الْكِرَامُ الْبَرَّةُ، وَالْحَفَظَةُ الْكِرَامُ الْكَاتِبِينَ، وَمَلِكُ الْمَوْتِ وَأَغْوَانِهِ، وَمُنْكِرُ وَنَكِيرُ، وَرُومَانَ فَتَانِ الْقُبُورِ، وَالْطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكُ، وَالْخَزَنَةُ، وَرِضْوَانُ، وَسَدَّانَةُ الْجِنَانِ.

(١٩) وَالَّذِينَ لَا يَغْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ

(٢٠) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمٌ عُثْبَى الدَّارِ

(٢١) وَالرَّبَانِيَّةُ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغَلُوْهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُوْهُ ابْتَدِرُوهُ سِرَاعًا، وَلَمْ يُنْظِرُوهُ. (٢٢) وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَغْلُمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَبِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلَّتَهُ. (٢٣) وَسُكَّانُ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ (٢٤) فَصَلَّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَّا قَعَدَ سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (٢٥) وَصَلَّ عَلَيْهِمْ صَلُوْهُ تَرْيِدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ (٢٦) اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَبَلَغْتُهُمْ صَلواتُنَا عَلَيْهِمْ فَصَلَّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

﴿٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ  
عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسُلِ وَمُصَدِّقِيهِمْ:

(١) اللَّهُمَّ وَأَتْبَاعُ الرَّسُلِ وَمُصَدِّقُهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُغَارِبَةِ  
الْمُغَانِدِينَ لَهُمْ بِالْتَّكْذِيبِ وَالْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَّائِقِ الْإِيمَانِ

(۱۸) و بر سفیران بزرگوار نیکوکار، و فرشتگان بزرگواری که حافظ عمل مردم و نویسنده آنند. و بر فرشته مرگ و یارانش، و منکر و نکبر، و بر فرشته آزمایش کننده مردگان درگور بنام «رومان»، و بر طواف کنندگان بهشت (۱۹) و بر فرشتگانی که خدا را در آنجه امر می‌کند معصیت نمی‌کنند (۲۰) بر فرشتگانی که به اهل بهشت می‌گویند: سلام بر شما به خاطر آنکه صبر گردید، پس خانه آخرت برای شما سرای خوبی است (۲۱) و بر فرشتگان نگاهبان دوزخ که چون به آنان فرمان رسد: «او (گناهکار) را بگیرید و به زنجیر کشید و سپس به آتش دراکنید.» او را دستگیرش کنند و به او مهلت ندهند. (۲۲) و بر هر فرشته‌ای که نامش را یاد نکرده‌ایم، واز قدرش در پیشگاه تو خبر نداریم و می‌دانیم او را به چه کاری گماشته‌ای.

(۲۳) و بر آن فرشتگانی که ساکن هوا و زمین و آبند، و بر هر کدام از آنان که موکل بر آفریدگارند.

(۲۴) پس بر همه آنان درود فرست در روزی که با هر کس دو فرشته یکی راهبر و دیگری گواه می‌آید (۲۵) و بر ایشان درود فرست درودی که بر بزرگواریشان بیفزاید و بر طهارتان اضافه کنند ~~که بتویزد~~ ~~در روزی~~

(۲۶) بارالها وقتی که بر فرشتگانت و فرستادگانت درود می‌فرستی و درود مارا به آنان ابلاغ می‌کنی، به خاطر آن گفتار نیکوکه در وصف آنان بر زبان و دل ما روان ساخته‌ای، بر ما نیز درود و رحمت فرست، که تو بخشندۀ ویزرنگواری.

### دعای چهارم:

#### درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر(ص)

(۱) پروردگارا سلام بر جمیع پیامبران و رسولات و بر آنان از اهل زمین که رسولان الهی را غایبانه تصدیق کردند در حالیکه معاندین با پیامبران را تکذیب می‌کردند و همچون مؤمنان حقیقی با حقیقت ایمانهای خود مشتاق رسولان الهی در هر عصر و زمان بودند.

(١) فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقْمَتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ أَدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أئمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةِ أَهْلِ التَّقْوَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ.

(٢) أَللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةُ الَّذِينَ أَخْسَسُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانُوا فِي هُنْدَرَةِ أَلْفٍ وَ سَبْعِينَ، وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا إِلَيْهِ حَيْثُ أَشْعَعُهُمْ حُجَّةً رِسَالاتِهِ.

(٣) وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأُوْلَادَ فِي اِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْأَبْنَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَبْيَطِ نُبُوَّتِهِ، وَ انتَصَرُوا بِهِ. (٤) وَ مَنْ كَانُوا مُنْظَوِينَ عَلَى مَعْبَيْهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ. (٥) وَ الَّذِينَ هَجَرُوكُمْ أَعْشَائِرُهُمْ إِذْ تَعْلَقُوا بِعُرُوقِهِ، وَ اشْتَقْتُمْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَائِبِهِ. (٦) فَلَا تَسْنَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بِمَا حَشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ، وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاءً لَكَ إِلَيْكَ. (٧) وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِي دِيَارِ قَوْمِهِمْ، وَ حُرُونِجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ، وَ مَنْ كَثُرَ فِي إِغْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ. (٨) أَللَّهُمَّ وَ أُوصِلُ إِلَى الثَّابِعِينَ لَهُمْ يَا حُسَنِ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا أَغْفِرْلَنَا وَ لَا خُوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرٌ جَزَآئِكَ. (٩) الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّرُوا وِجْهَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. (١٠) أَلَمْ يَشْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجُهُمْ شَكٌ فِي قَفْوِ أَشَارِهِمْ، وَ الْإِتِّمامُ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ. (١١) مُكَانِفِينَ وَ مُوازِرِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَفَقَّونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَهْمُونَهُمْ فِيمَا أَدْوَا إِلَيْهِمْ.

(۱) تو ای خدای بزرگ در هر زمانی برای اهل آن روزگار، از زمان آدم تا پیغمبر خاتم حضرت محمد ﷺ راهنمایانی فرستادی که پیشوايان هدایت خلق و مریان اهل تقوی بودند، درود بر همه آنها باد. و ای پروردگار بزرگ همه آنها را از روی لطف و احسان خویش به مغفرت و خشنودی یاد فرما. (۲) خداوندا از یاد میر اصحاب گرامی محمد ﷺ را که نیکوترين اصحاب بودند و آنان را که در یاري او با امتحان نیکو، آزموده گردیدند و آن وجود مبارک را در کتف حفظ و حمایت خود گرفتند و به استقبالش شتافتند و در اجابت دعوت نبوتش بر یکدیگر سبقت گرفتند و چون پیامبر ﷺ دلیل رسالتش را به گوش آنها رساند دعوتش را پذیرفتند (۳) و در راه انتشار آئین توحیدی اش از زن و فرزند خود کناره گرفتند و با پدران و فرزندان خود جنگ و قتال کردند و در سایه وجود آن حضرت پیروز شدند. (۴) و آنان را که در درون دلها مهر و محبت آن پیغمبر گرامی را پنهان داشتند و با عشق و محبت او در آرزوی سودایی بی زیان بودند. (۵) و آنان را که چون به ریسمان محکم آئین او چنگ زدند همه معاشرینشان از آنها دوری گزیدند و چون در سایه قرابت ايمانی رسول ﷺ در آمدند خوشاوندانشان هم از آنها بریدند، خدایا آنها را هم از یاد نبر (۶) و مشمول درود و رحمت خاص خود بگردان) (۷) پروردگارا، آنچه را که برای رضای تو و در راه احیای دین تو از آن چشم پوشیدند از کرم خویش به آنها عطا فرما. و آنها بودند که همراه با پیغمبر، مردم را برای رضا و خشنودیت به سوی تو دعوت کردند. (۸) خدایا از آنها به خاطر آنکه در راه تو از دیار خویش دور شدند و از زندگی خویش و از وسعت و گشایش، به فقر و سختی در افتادند و برای اعزاز و تعظیم دین تو، آن ستمدیدگان بسیار رنج و تعب دیدند، قدر دانی و سپاسگزاری فرما. (۹) پروردگار!! خیر و نیکی رسان بر آنان که از اصحاب پیغمبر ﷺ پیروی کرده‌اند. آنان که می‌گویند «خدایا تو از لطف و کرم خویش، به ما و به برادران ايمانی که بر ما در ايمان به پیامبرت سبقت گرفتند، أمرزش و مغفرت و بهترین جزا را عطا فرما.» (۱۰) آنان که به سوی مقصد اصحاب نبی ﷺ حرکت کرده‌اند و در پی آنها شتافته‌اند و همچنان با عقیده و ايمان اصحاب، زندگی را بدروع گفته‌اند، (۱۱) و هیچ شک وربی، بصیرت و معرفت آنها را از راه توحید خدا منحرف نکرده است و هرگز در مورد پیروی از اصحاب و اقتدا به هدایت آنها، شک و شباهه‌ای در دل پاکشان راه نیافته است. (۱۲) در حالی که از راه و هدف اصحاب، نگهبانی کردند و در راه مقصود، آنها را یاري دادند. دین پاک آنها را برگزیدند و به راه هدایت آنها شتافتند و به آنها اقتدا تموندند. و هر چه از اصحاب به آنان (تابعین) رسید همه را بدون اتهام به کذب و خلاف پذیرفتند.

(١٣) اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرَّيَّاتِهِمْ وَعَلَى مَنْ أَطْاعَكَ مِنْهُمْ. (١٤) صَلُوةً تَغْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَغْصِبَتِكَ، وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَتُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَغَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بُرُّ، وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. (١٥) وَتَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اغْتِقَادِ حُسْنِ الرِّجَاءِ لَكَ، وَالظَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرْكِ التَّهْمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ (١٦) التَّرَدَّهُمْ إِلَى الرَّعْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَتُرَهَّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْغَايِلِ، وَتُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْأَجِلِ، وَالإِشْتِغَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ (١٧) وَتُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحْلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا (١٨) وَتُعَا فِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَخْذُورَاتِهَا، وَكَبَّةِ الثَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا (١٩) وَتُصَيِّرُهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُسْتَقِنِ.

(٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
لِنَفْسِهِ وَلِأَهْلِ وَلَا يَتِيمٍ

(١) يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْأَلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ (٢) وَيَا مَنْ لَا تَشْهِي مُدَّةً مُلْكِهِ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَغْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ. (٣) وَيَا مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنَ رَحْمَتِهِ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ.

(۱۳) پروردگارا، از هم اکنون تا روز قیامت بر پیروان رسول اکرم ﷺ و بر آنان که از تو اطاعت می‌کنند درود و رحمت فرست. (۱۴) درود و رحمتی که به وسیله آن، آنها را از معصیت خودت، محفوظ و مقصوم سازی و در باغهای بهشت، و سعستان بخشی و مکروحیله شیطان را از آنان دور فرمایی و آنها را بر کارهای نیکی که از تو بر انجام آنها یاری جستند کمک کنی و از حوادث ناگوار شب و روز جز حوادث خیر، آنها را محفوظ داری (۱۵) و نیز با رحمت خویش، چنان کن که همواره به سوی اموری همچون اعتقاد نیک، امیدواری به لطف و کرمت، و طمع و آرزو به آنچه نزد تو است بستابند و بر ترک اتهام یا ترک حرص به آنچه در دست بندگان است بر انگیخته شوند. (۱۶) تا آنها را به سوی رغبت به خودت و ترس از قهر و غضبیت هدایت کنی و آنها از آنچه ناپایدار است دل بردارند و به عمل خیر که پایدار و سرمدی است به عنوان زاد آخرت دل بینند. و بدینسان، آماده جهان پس از مرگ شوند (۱۷) و همه مشکلات آنها را به هنگام مرگ که روح از بدنشان بیرون می‌رود سهل و آسان سازی. (۱۸) و آنان را از هر عملی که موجب فتنه و فساد می‌شود عافیت بخشی و از در افتادن به آتش دوزخ و جاودانگی در آن معاف داری (۱۹) و آنها را به مقام امن و امان که محل راحت اهل تقوی است منتقل فرمایی.

### دعای پنجم: دعا برای خانواده و دوستان

(۱) ای آنکه شگفتیهای عظمت و جلالش را حدّ و پایانی نیست، بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از شرک و عناد در بزرگی و عظمت خودت دور کن.  
 (۲) ای آنکه دوران سلطنتش را پایانی نیست بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از دوزخ انتقام خویش رهایی بخش. (۳) و ای آنکه گنجینه‌های رحمت وسیع و بی‌انتهاییش فنا پذیر نیست بر محمد و آل پاکش درود فرست و بر ما از رحمت واسعه‌ات بهره‌ای عطا فرما.

(٤) وَيَا مَنْ تَنْقِطُعُ دُونَ رُؤْسِهِ الْأَبْصَارُ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
 وَأَذْنَانَا إِلَى قُرْبِكَ (٥) وَيَا مَنْ تَضَغَّرَ عِنْدَ حَطَرِ الْأَخْطَارِ،  
 صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَرِّمَنَا عَلَيْكَ (٦) وَيَا مَنْ تَظَهَّرَ عِنْدَهُ  
 بِوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَنِكَ (٧) أَللَّهُمَّ  
 أَغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَابِينَ بِهِبَتِكَ، وَاكْفِنَا وَخَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ  
 حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ، وَلَا نَشَوِحَشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ  
 فَضْلِكَ (٨) أَللَّهُمَّ فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكِدْلَنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا،  
 وَامْكُرْلَنَا وَلَا تَمْكُرْلَنَا، وَادِلْلَنَا وَلَا تُسْدِلْ مِنْنَا (٩) أَللَّهُمَّ  
 صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَامِنِكَ، وَاحْفَظْنَا بِكَ، وَاهْدِنَا إِلَيْكَ، وَلَا  
 ثُبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنَّ مَنْ تَقِيمَ كِشْلَمَ وَمَنْ تَهْدِهِ يَعْلَمُ، وَمَنْ تُقْرَبَهُ إِلَيْكَ  
 يَعْلَمُ (١٠) أَللَّهُمَّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا حَدَّ نَوْآئِبِ الزَّمَانِ،  
 وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَمَرَازِهَ صَوْلَهُ السُّلْطَانِ (١١) أَللَّهُمَّ إِنَّمَا  
 يَكْتُفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا، وَإِنَّمَا  
 يُغْطِي الْمُغْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَغْطِنَا،  
 وَإِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بُنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
 وَاهْدِنَا (١٢) أَللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَّيْتَ لَمْ يَضُرْهُ خَذْلَانُ الْخَادِلِينَ، وَمَنْ  
 أَغْطَيْتَ لَمْ يَنْقُضْهُ مَنْعُ الْمَانِعِينَ، وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغُوهُ اِضْلَالُ  
 الْمُضِلِّينَ (١٣) فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَغَنَا بِعِزْكَ مِنْ عِبَادِكَ،  
 وَأَغْنَنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ (١٤)  
 أَللَّهُمَّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ،  
 وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلاقَ السِّتِّينَا فِي وَضْفِ مِئَتِكَ.

(۴) وای آنکه چشمها بدون آنکه به رؤیت ذاتش، نایل شوند از کار افتاده و منقطع شوند، پس بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را به مقام قرب خود نزدیک فرما. (۵) ای آنکه هر امر بزرگی در مقابل عظمتش کوچک است بر محمد و آل پاک او درود فرست و بر خودت کرامت ما را فرض و واجب کن. (۶) ای آنکه در پیشگاهش، باطن و واقع خبرها آشکار است بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را نزد خود رسو و شرمگین مفرما. (۷) پروردگارا، به لطف و احسان خویش ما را از عطای اهل جود و سخاوت بی نیاز گردان و از وحشت و هراس آنکه خلق از ما بریدند کفایت فرماتا آنکه با بخشش و احسان تو، رغبتی به عطای کسی نداشته باشیم. و با وجود فضل و بخشش تو از کسی نه راسیم. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و تو تقدیر و تدبیر خویش را به سود ما قرار ده ته به ضرر وزیان ما و مکر و تدبیرت را به منفعت ما مقرر فرمانه به زیان ما، ما را چیره و غالب گردان نه مغلوب و شکست خورده. (۹) پروردگارا، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از قهر و غضب خود نگاه دار و به لطف و کرم حفظ فرمایند و ما را به سوی حضرت هدایت فرمایند درگاهت دورمان نکن همانا هر کس را که تو نگهداری سالم خواهد بود و هر کس را تو هدایت کنی با علم و دانش خواهد زیست و هر که را تو مقرب درگاه خود گردانی برایش غنیمت خواهد بود. (۱۰) پروردگارا، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از سختیهای حوادث عالیم کفایت فرمایند و از شر و آسیب دامهای شیطان و تلخی چیرگی و اقتدار سلطان محفوظ دار. (۱۱) پروردگارا آنان که در عالم کفایت یافتند به فضل و توانایی تو یافتند پس بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را هم کفایت فرمایند، همانا آنان که اهل عطا و بخشش شدند از فضل و بخشش تو این بهره یافتند. پس درود فرست بر محمد و آل پاکش و ما را هم از عطای بی حد و حساب خویش بهره کامل عطا فرمایند آنان که هدایت یافتند به نور جمال تو یافتند. پس ای خدا بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را هم هدایت فرمایند. (۱۲) ای خدا آنکه تو دوست و یاورش باشی هرگز از متارکه خلق ضرری نمی یابند و کسی را که تو بر او کرم کنی و عطا بخشی، منع و حرمان دیگران، زیانی بد و نرساند و هر که را تو هدایت کنی، اصلال و رهزنی گمره کنندگان گمراهش نتوانند کرد. (۱۳) پس، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را با عزّت خودت از (آسیب رساندن و آسیب دیدن) بندگان منع فرمایند و به کرم از عطای غیر خود بی نیاز گردان و به ارشاد و رهنمایی خویش به راه حق و حقیقت رهبری فرمایند. (۱۴) پروردگارا بر محمد و آل پاکش درود فرست و سلامت دلهای ما را در یاد عظمت خود قرار ده و آسایش تن و صحت بدن ما را به شکر نعمت و سپاسگزاری خود بدار و آزادی زیان ما را در راه وصف نعمتها و احسان خویش قرار بده.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ،  
وَهُدًاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

﴿٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ (٢) وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا  
بِقُدرَتِهِ (٣) وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدَّاً مَحْدُودًا، وَأَمَدَّا مَمْدُودًا  
(٤) يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرِ  
مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَعْدُو هُمْ بِهِ، وَيُشَفِّعُهُمْ عَلَيْهِ (٥) فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ  
لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَّ كَاتِ التَّغْبُّ وَنَهَضَاتِ النَّصْبِ، وَجَعَلَهُ لِبَاسًا  
لِيَلْبِسُوا مِنْ رَاحِتِهِ وَمَنَامِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَتَالُوا  
بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً (٦) وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَسْتَغْوِي فِيهِ مِنْ  
فَضْلِهِ، وَلِيَسْبِبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرُحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ  
نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَا هُمْ، وَدَرَكُ الْأَجِلِ فِي أُخْرِيَّهُمْ (٧) كُلُّ ذَلِكَ  
يُضْلِعُ شَانِهِمْ، وَيَبْلُو أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ،  
وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ أَخْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا  
عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَخْسَنُوا بِالْخُشنَى. (٨) اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ  
عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْأَصْبَاحِ، وَمَتَفَقَّنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَرَنَا  
مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَيَّنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَفَاتِ.

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از آنان فرار ده که خلق را به سوی تو دعوت می‌کنند و از آنان مقرر فرمایه بندگان را به درگاه تو هدایت و راهنمایی می‌کنند و ما را از بهترین خاصیات نزد خود بگردان ای مهریانترین مهریانان.

### دعای ششم: به وقت صبح و شام

(۱) سپاس خدای را که به نیروی خود شب و روز را آفرید. (۲) و به توانائی خویش میان آن دو تفاوت قرار داد. (۳) و برای هر یک حدی محدود و زمانی مشخص نهاد. (۴) هر یک را درون دیگری فرو برد و برون آرد از یکی بکاهد و به دیگری بیفزاید و با این نظم دقیق روزی بندگان و نشوونمای آنان را تأمین فرماید. (۵) پس شب را برای بندگان آفرید تا در آن از حرکت رنج آور و فعالیتهای خسته کننده ببارمند، و آن را ~~الیام~~ قرار داد تا مردم در آن آرام گیرند و خواب راحت کنند و این همه سبب آسایش و توانایی ایشان است و در پی آن به لذت و خوشی می‌رسند. (۶) و روز را بینایی بخش قرار داد تا در آن به جستجوی فضل حق خیزند، و به اسباب رزق و روزی او دست یابند، و در زمین او در پی سود ناپایدار دنیا و ادراک نفع دائمی آن جهان به راه افتد.

(۷) به همه این امور کار ایشان را به سامان می‌آورد و اعمالشان را می‌آزماید و می‌نگرد که به هنگام طاعت، و اوقات بجا آوردن واجبات، و موارد احکام او چگونه‌اند؟ تا بدکاران را به جزای عملشان و نیکوکاران را به پاداش کردار نیکشان برساند.

(۸) بار الها پس تو را سپاس که پرده سیاه شب را به نور صبح شکافتی و ما را از روشنی روز بهره‌مند ساختی و در راه فراهم آوردن روزی بینا فرمودی و از پیشامدهای خطرناک بلا و سختیها نگه داشتی.

(٩) أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحْتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوَهَا وَأَرْضُهَا،  
 وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنَةٌ وَمُتَحَرِّكَةٌ، وَمُقِيمَةٌ وَشَاهِضةٌ  
 وَمَا عَلَّا فِي الْهَوَاءِ، وَمَا كُنَّ تَحْتَ التَّرَى (١٠) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ  
 يَخْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ، وَتَضَعُّنَا مَشِيشُكَ، وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ،  
 وَنَتَقْلُبُ فِي تَدْبِيرِكَ (١١) لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنَ  
 الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ (١٢) وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ  
 عَتِيدٌ، إِنْ أَخْسَنَا وَدَعَنَا بِحَمْدٍ، وَإِنْ أَسَانَا فَارَقَنَا بِذَمٍ (١٣) أَللَّهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنَا حُسْنَ مُصَاحِبَتِهِ، وَاغْصِّنَا مِنْ سُوءِ  
 مُفَارِقَتِهِ بِإِرْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ (١٤) أَوْ أَجْزِلْنَا  
 فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَامْلَأْنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ  
 حَمْدًا وَشُكْرًا وَأَجْرًا وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِخْسَانًا (١٥) أَللَّهُمَّ يَسِّرْ  
 عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤْتَمِنًا، وَامْلَأْنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَافِنَا،  
 وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا (١٦) أَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ  
 مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِكَ، وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ  
 مَلَائِكَتِكَ (١٧) أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا  
 وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِيلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِنَا، حِفْظًا  
 عَاصِمًا مِنْ مَغْصِبَتِكَ، هَادِيًّا إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَغْمِلًا لِمَحِبَّتِكَ.  
 (١٨) أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفُقِّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ  
 وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لَا سِتْغَمَالٌ لِالْخَيْرِ، وَهِجْرَانٌ الشَّرِّ، وَشُكْرٌ الشَّعْمِ،  
 وَاتِّبَاعٌ السُّنْنِ، وَمُجَانَبَةٌ الْبِدَعِ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالثَّنْهَى عَنِ  
 الْمُنْكَرِ، وَحِيَاةٌ الْإِسْلَامِ، وَانْتِقَاصٌ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ، وَنُصْرَةٌ الْحَقِّ  
 وَإِعْزَازِهِ، وَإِرْشَادِ الضَّالِّ، وَمُعَاوَنَةِ الْضَّعِيفِ، وَإِدْرَاكِ الْلَّهِيفِ

(۹) شب را به صبح رساندیم و تمام آفریدگان جملگی پای در میدان صح نهادند: آسمان و زمین و آنچه در این دو پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده، ایستاده و رونده، و هر چه در هوا بالا رفته، و آنچه در زمین پنهان شده، به صبح درآمدند در حالیکه همه در اختیار تو هستیم. (۱۰) و همه در سراینجه قدرت تو به صبح رسیدیم در حالی که سلطنت و پادشاهی تو ما را فراگرفته، و مشیت تو ما را تحت پوشش خود درآورده و به فرمان تو در کارها تصرف می‌کنیم، و در عرصه تدبیر تو رفت و آمد می‌کنیم. (۱۱) به غیر آنچه فرمان تو بر آن رفته کاری نتوانیم، و جز آنچه تو بر ما بخشیده‌ای خیری به ما نرسیده است. (۱۲) امروز روزی جدید و تازه است، و او بر ما گواه آماده‌ای است، اگر خوبی کنیم ما را با سپاسگزاری ترک کند و اگر بدی کنیم نکوهش کنان از ما جدا گردد.

(۱۳) بار خدایا بر محمد و آلس درود فرست و نیکی همراه بودن با این روز را روزی مادرگران، و ما را از بدی مفارقتیش به خاطر ارتکاب گناه، یا کسب معصیت کوچک و بزرگ حفظ فرما. (۱۴) و در این روز بهره ما را از خوبیها سرشار کن، واز زشتهایا پیراسته مانساز، واز ابتدای تاپایان آن را برای ما از حمد و شکر واجر و اندوخته آخرتی و فضل و احسان آنپاشته کن.  
مدی

(۱۵) الهی زحمت ما را بر فرشتگان نویسنده اعمال آسان گردان و پرونده کردار مان را از حسنات آکنده ساز و ما را در نزد آن فرشتگان با کردارهای زشتمان رسوا مکن. (۱۶) خداوندا در هر ساعت از ساعتها روز برای ما بهره‌ای از مقامات بندگان خاصت، و نصیبی از شکرت و گواه صدقی از ملائکه‌ات قرار بده.

(۱۷) بار الها بر محمد و آلس درود فرست، و ما را از پیش رو و پشت سر واز طرف راست واز جانب چپ واز همه طرف حفظ فرما، حفظی که ما را از نافرمانی تو باز دارد و به طاعت راهنمایی کند و برای محبت و دوستی تو بکار آید.

(۱۸) بار خدایا بر محمد و آلس درود فرست و ما را در این روز و این شب و همه روزهایمان برای انجام خیر، و دروی از شر، و شکر نعمتها، و پیروی سنتها، و دوری از بدعتها، و امر به معروف و نهی از منکر، و پاسداری اسلام، و نکوهش باطل و خوار ساختن آن و یاری حق و گرامیداشت آن، و راهنمایی گمراه و یاری ناتوان، و پناه دادن به ستمدیده موفق بدار.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ يَوْمَ عَهْدَنَا، وَأَفْضِلَ صَاحِبِ صَحِيبَنَا، وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَّنَا فِيهِ (٢٠) وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكَرُهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ، وَأَقْوَمُهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرًا إِعْكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمًا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ. (٢١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ وَكَفِي بِكَ شَهِيدًا، وَأَشْهُدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَشْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْلَتِي هَذِهِ وَمُسْتَقْرِي هَذَا، إِنِّي أَشْهُدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَاتِلُ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ. (٢٢) وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلَتُهُ رِسَالَتُكَ فَادَّاهَا، وَأَمْرَتُهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا (٢٣) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْفُرُ مَا صَلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَتَهُ عَنِّي أَفْضَلَ مَا أَتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْزِهْ عَنِّي أَفْضَلَ وَأَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنِّي أُمَّتِهِ (٢٤) إِنَّكَ أَنْتَ الْمَثَانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَيْنَ.

(٧)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ  
لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَّلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

(١) يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأِبِهِ حَدُّ  
الشَّدَادِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمِسُ مِنْهُ الْمَخْرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ.

(۱۹) بارالها بر محمد و آلس درود فrst و امروز را فرخنده‌ترین روزی قرار بدده که تاکنون یافته‌ایم و برترین رفیقی که با او همراه بوده‌ایم، و بهترین زمانی که در آن بسر برده‌ایم. (۲۰) و ما را خشنودترین کسان از جمله بندگانت که شب و روز بر ایشان گذشته قرار بده شاکرترین ایشان در مقابل نعمتها بی که عنایت فرموده‌ای، و پایدارترین ایشان به شریعتها بی که پدید آورده‌ای، و خویشتن دارترین ایشان از نافرمانیها بی که از آنها بیم داده‌ای. (۲۱) بارالها من تو را گواه می‌گیرم و تو بس هستی برای گواهی و گواه می‌گیرم آسمان و زمینت را و همچنین ملائکه و دیگر آفریدگانت را که در زمین و آسمان مسکن داده‌ای در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه که من در آن قرار دارم به اینکه گواهی می‌دهم خدایی هستی که جز تو خدایی نیست بر پا دارنده عدل، عادل در حکم، مهربان به بندگان و دارنده سلطنت و پادشاهی و رحیم بر تمام خلق هستی. (۲۲) و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده و برگزیده تو از میان آفریدگان تو است آن که رسالت را بر عهده اش گذاشتی و او آن را به خوبی به انجام رساند و او را به خیر خواهی امتش فرمان دادی پس برای آناد خبر خواهی نمود. (۲۳) بارالها پس بر محمد و آلس درود فrst بیش از آنچه که بتو هر یکی از دیگر آفریدگانت درود فرستاده‌ای و از سوی ما بهترین چیزی را که به یکی از بندگانت داده‌ای به او بده، و از جانب ما برترین و گرامیترین پاداشی را که به هریک از پیامبرانت از جانب امتش داده‌ای به او عنایت فرما. (۲۴) زیرا تویی بسیار بخشنده نعمت بزرگ، و بخشاینده گناه‌سترنگ، و تو از هر مهربانی مهربانتری. پس بر محمد و آلس که پاکیزگان و پاکان و نیکوکاران و سر آمد تمام برگزیدگانند درود فrst.

### دعای هفتم:

**دعای او به هنگامی که برای وی مهمی دست می‌داد  
یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه»**

(۱) ای آنکه گره هر سختی بدست او گشوده شود، و ای آنکه تندي سختیها بدست او می‌شکند، ای آنکه راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود.

(٢) ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَشْبَابُ، وَجَرَى  
بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. (٣) فِيهِ  
بِمَشِيشَتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُثْرَجَةٌ.  
(٤) أَنْتَ الْمَذْعُوُّ لِلْمُهْمَمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلْمَمَاتِ، لَا يَنْدَفعُ  
مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَتْ، وَلَا يُنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفَتْ (٥) وَقَدْ نَزَّلَ  
بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ، وَآلَمَ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ.  
(٦) وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَهْتَهُ إِلَيَّ. (٧) فَلَا  
مُضْدِرٌ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفٌ لِمَا وَجَهْتَ، وَلَا فَاتِحٌ لِمَا أَغْلَقْتَ،  
وَلَا مُعْلِقٌ لِمَا فَسَخْتَ، وَلَا مُيَسِّرٌ لِمَا عَسَرْتَ، وَلَا نَاصِرٌ لِمَنْ  
خَذَلَتْ. (٨) فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللهِ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ  
بِطْوَلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَانْلُنِي حُسْنَ النَّظرِ  
فِيمَا شَكَوْتُ، وَادْفُنِي حَلَاؤَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ  
لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرْجًا هَنْيَّاً، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مُخْرَجًا وَحِيَّاً.  
(٩) وَلَا تَشْغُلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاوِدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِغْمَالِ  
سُتُّتِكَ. (١٠) فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَّلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعًا، وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ  
مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنْبَثِتُ بِهِ، وَدَفَعْ  
مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعُلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَشْتُوْجِبَهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ  
الْعَظِيمِ.

(۲) دشواریها به لطف تو آسان گردد، و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند، و قضا به قدرت جریان گیرد، و همه چیز به اراده تو روان شود.

(۳) تنها به خواست تو بی آنکه فرمان دهی همه چیز فرمان برد، و هر چیز محض ارادهات بی آنکه نهی کنی از کار باز است.

(۴) در تمام دشواریها تو را می خوانند، و در گرفتاریها به تو پناه می آورند، غیر از بلایی که تو دفع کنی بلایی دور نشود و غیر از آن گرفتاری که تو برطرف کنی، هیچ گرفتاری برطرف نشود.

(۵) الهی، بلایی بر من فرود آمده که سخنی و سنگینی آن مرا در هم شکسته و گرفتاریها بی بر من رو آورده که تحملش مرا درمانده ساخته است.

(۶) و آن را تو از باب قدرت بر من وارد کرده‌ای، و به اقتدار خود متوجه من نموده‌ای.

(۷) پس چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو فرستاده‌ای دیگری بازنگرداند و بسته تو را کسی نگشاید و چیزی را که تو بگشایی دیگری نبندد، و آنچه را تو دشوار نموده‌ای کسی آسان نکند، و آن را که تو ذلیل کرده‌ای یاوری نباشد.

(۸) پس بر محمد والش درود فرست، و به رحمت -الها- در آسایش را به رویم بازکن، و به قدرت سلطنت غم را در زندگیم درهم بشکن، و به من در موردی که از آن شکوه دارم با دیده عنایت و احسانت بنگر، و به من در مورد درخواستم شیرینی احباب بچشان، و از سوی خودت رحمت و گشایش دلخواه نصیبیم فرما، و برایم نجات و خلاصی سریع از گرفتاریها مقرر کن

(۹) و مرا به خاطر غم و اندوه از رعایت واجبات و به کار بستن مستحبات خود باز مدار.

(۱۰) پس ای پروردگار به خاطر آنچه به من رسیده بی تاب و توان شده‌ام، و بخاطر آنچه در زندگیم رخ داده پر از اندوه گشته‌ام و تو، به رفع گرفتاریها یام و رفع آنچه در آن درافتاده‌ام تواناییم، پس آن گرفتاری را از من دور کن، گرچه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش عظیم.

(٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِغَاةِ مِنَ  
الْمُكَارِ وَسَيِّءِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ، وَسَوْرَةِ الْغَضَبِ،  
وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ الصَّبْرِ، وَقِلَّةِ الْقَناعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،  
وَالْخَاجِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيمَةِ (٢) وَمُتَابِعَةِ الْهَوَى، وَمُخَالَفَةِ  
الْهُدَى، وَسَيْنَةِ الْغَفْلَةِ، وَتَعَاطِيِ الْكُلْفَةِ، وَإِيْثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى  
الْحَقِّ، وَالْإِصْرَارِ عَلَىِ الْمَأْثَمِ، وَاسْتِضْغَارِ الْمَغْصِبَةِ، وَاسْتِكْبَارِ  
الطَّاغِيَةِ (٣) وَمُسْبَاهَاتِ الْمُكَفِّرِينَ، وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقْلِبِينَ،  
وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنِ اضْطَعَ  
الْغَارِفَةِ عِنْدَنَا (٤) أَوْ أَنْ تَغْضُدَ ظَالِمًاً أَوْ تَخْذُلَ مَلْهُوفًاً، أَوْ  
تَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ تَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٥) وَنَعُوذُ  
بِكَ أَنْ تَنْظُويَ عَلَىِ غِشٍّ أَحَدٍ، وَأَنْ تُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا، وَنَمُدُّ  
فِي أَمَالِنَا (٦) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ،  
وَأَنْ يَسْتَخِودَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّنَا  
السُّلْطَانُ (٧) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاؤلِ الْأَسْرَافِ، وَمِنْ فِقدَانِ  
الْكَفَافِ (٨) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَائِتَةِ الْأَغْدَاءِ، وَمِنْ السَّفَرِ إِلَىِ  
الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةِ فِي شِدَّةٍ، وَمَيْتَةِ عَلَىِ غَيْرِ عُدَّةٍ.

### دعای هشتم:

پناه بردن به خدا از سختیها  
و اخلاق ناپسند و کردار نکوهیده

(۱) پروردگارا به تو پناه می‌برم از هیجان حرص و آز واز شدت خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و ملکه عصبیت (طرفداری از باطل)

(۲) و (به تو پناه می‌برم) از پیروی هوس و مخالفت هدایت و خواب غفلت و انجام کارهای سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و بندگی

(۳) و (به تو پناه می‌برم) از فخر فروشی ثروتمندان و خوار و کوچک شمردن نیازمندان و بد رفتاری با زیردستانمان و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است.

(۴) و (به تو پناه می‌برم) از اینکه به ستمگری کمک کنیم یا اینکه ستمدیده‌ای را خوار گردانیم یا آنچه حق ما نیست بخواهیم یا درباره علم از روی نادانی سخن بگوییم.

(۵) و به تو پناه می‌بریم از اینکه قصد غش و خیانت به کسی را در سر پرورانیم و با اعمالمان به عجب و خودپسندی گرفتار شویم و آرزو هامان را دراز کنیم.

(۶) و به تو پناه می‌بریم از باطن و سیرت زشت و کوچک شمردن گناه کوچک، و از اینکه شیطان بر ما چیره شود یا روزگار ما را بدبخت کند یا پادشاه بر ما ستم نماید.

(۷) و به تو پناه می‌بریم از اقدام بر اسراف و از نیافتن روزی به اندازه نیاز.

(۸) و به تو پناه می‌بریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به همنوعان و از زندگی در سختی و از مرگ بدون آمادگی (بدون توشه)

(٩) وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعَظِيمِ، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَ أَشْتَى  
الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَابِ، وَ حِزْبِ الْثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ (١٠) اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اعْذُنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٩)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ  
إِلَى طَلْبِ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَبِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ،  
وَأَرْلَنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْأَضْرَارِ (٢) اللَّهُمَّ وَمَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَفَصَيْنِ  
فِي دِينِ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعْنَا بِالْقُصْصِ بِاَشْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَاجْعَلْ  
الْتَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً (٣) وَإِذَا هَمَّمْنَا بِهِمَيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا،  
وَيُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا، وَأَوْهِنْ قُوَّتَنَا  
عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا (٤) وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ ثُفُوسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا،  
فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلنَّاطِلِ إِلَّا مَا وَفَقْتَ، أَمْارَةٌ بِالسُّوَءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ  
(٥) اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الْضُّعْفِ خَلَقْنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَيَّنَنَا، وَمِنْ مَاءِ  
مَهِينِ ابْتَدَأْنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنَكَ  
(٦) فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدَّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَأَغْمَمْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا  
خَالَفَ مَحَبَّتِكَ، وَلَا تَجْعَلْ لِشَفَعَ مِنْ جَوَارِ حِنَا نُقُودًا فِي مَغْصِبَتِكَ

(۹) و به تو پناه می برمی از بزرگترین افسوس و بزرگترین مصیبت و بدترین بدبختی و فرجام بد و نومیدی از ثواب و در افتادن به کیفر.

(۱۰) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست و به من و همه مردان وزنان با ایمان از آنچه گفته شد پناه ده، ای مهربانترین مهربانان.

### دعای نهم:

#### درخواست آمرزش از خدا

(۱) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست و ما را به سوی توبه که محبوب تو است سوق ده و از اصرار بر آنچه نمی پسندی بازدار.

(۲) خدا یا و آنگاه که بین دو نقص قرار گرفتیم یکی در دین و یکی در دنیا، پس نقص را در آنکه زودتر می گذرد قرار ده و توبه را در آنکه مدت بقائش پایدارتر است مقرر فرما.

(۳) و آنگاه که بر دو امر تصمیم گیریم و همت گماریم که یکی تو را از ما خشنود می سازد و دیگری خشمگین می کند پس ما را به آنچه تو را خشنود می سازد متوجه کن. و توان ما را از آنچه سبب غضب تو می شود به سُستی تبدیل کن.

(۴) و در چنین موردی (که بین خشنودی و غضب تو قرار می گیریم) نفس ما را به اختیار خودش و امگذار، زیرا نفس ما همواره باطل را برمی گزیند مگر آنجاکه تو توفیق دهی، و همواره برزشی فرمان می دهد مگر آنگاه که تو رحم فرمایی.

(۵) خدا یا تو ما را از ناتوانی آفریده ای و بر سستی بنیانمان نهاده ای، و از آب بی ارزش آغاز مان کرده ای، پس ما هیچ حرکتی جز بانیروی تو و هیچ توانی جز با یاری تو نداریم.

(۶) پس با توفیق خودت ما را تأیید کن، و در راه هدایت، استوارمان گردان و دیدگان دلهامان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور کن. و هیچ یک از اندامهای ما را در راه معصیت فرار نده.

(٧) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ  
أَعْضَائِنَا وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَلَهُجَتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوْجَاتِ ثَوَابِكَ  
حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحْقُ بِهَا جَزَاءً كَمَا لَا تَبْقِي لَنَا سَيِّئَةٌ  
نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ.

﴿١٠﴾



(١) اللَّهُمَّ إِنْ شَاءْتَ فُعِلْفُ عَنِّي فِي فَضْلِكَ، وَإِنْ شَاءْتَ شَعَذْنَا فِي بَعْدِكَ  
(٢) فَسَهَّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمِنْكَ، وَاجْرَنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوِزِكَ، فَإِنَّهُ  
لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْكَ، وَلَا نَجَاهَةَ لِأَحَدٍ مِنْنَا دُونَ عَفْوِكَ (٣) يَا غَنِيَّ  
الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ،  
فَأَجْبَرْ فَاقْتَنَا بِوْسِعِكَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَاهَ نَابِعِنِكَ، فَتَكُونَ قَدْأَشَقِيَّتَ  
مَنِ اسْتَسْعَدَكَ، وَحَرَّمَتْ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ (٤) فَإِلَى مَنْ حِبَّيْتَ  
مُنْقَلَبَنَا عَنْكَ، وَإِلَى أَيْنَ مَذْهَبَنَا عَنْ بَابِكَ، سُبْحَانَكَ نَحْنُ  
الْمُضْطَرُونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجْاْبَتَهُمْ، وَأَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ  
وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ (٥) وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَسْيَكَ، وَأَوْلَى  
الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مَنِ اسْتَرْحَمَكَ، وَغَوْثً مَنِ اسْتَغَاثَ  
بِكَ، فَأَرْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَيْكَ، وَأَغْنَنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

(۷) خدا یا پس بر محمد و آل او درود فرست و رازهای دل ما و حرکت اندامها و نگاههای پنهانی چشمها و سخنان زیانهایمان را موجب ثواب خودت قرار ده تا کار نیکی که به وسیله آن سزاوار پاداش تو شویم از دست ندهیم. و کار بدی که به وسیله آن مستوجب کیفر تو شویم برایمان باقی نماند.

### دعای دهم:

#### پناه آوردن به خداوند

(۱) خداوندا به خاطر فضل و احسانت اگر بخواهی ما را می بخسی، و به خاطر عدالت و دادگیریت اگر بخواهی ما را عذاب می کنی.

(۲) پس بر ما منت گذار و بخشش را بر ما آسان فرما، و با گذشت خود ما را از کیفر رهایی بخش، چه اینکه، مانعی توفیق عدالت تو را تحمل کنیم و هیچ یک از ما بدون بخشن تو، راه نجاتی نداریم.

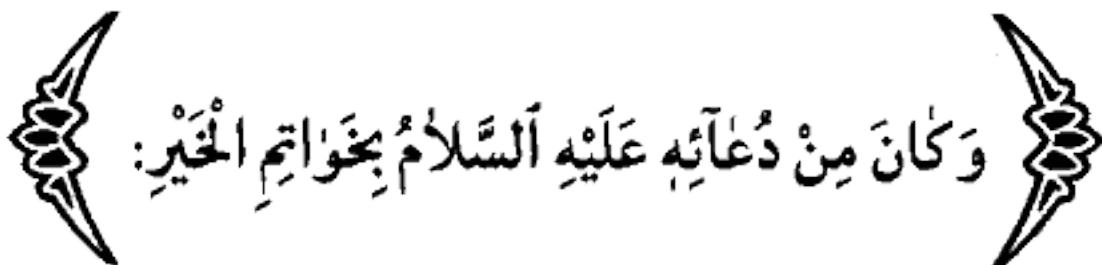
(۳) ای بی نیاز بی نیازان، اینک ما بندگان تو، در اختیار توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز مهارایا بی نیازی (و عطای بی منتهای) خوش بر طرف فرما، و امید ما را با منع (از رحمت) خود نومید مکن. زیرا، (اگر چنین کنی) بد بخت کرده‌ای کسی را که از تو نیکی خواسته، و محروم ساخته‌ای آن را که از فضل تو بخشن خواسته است.

(۴) پس در آن صورت (که به بد بختی و تیره روزی گرفتار شویم و از جانب تو محروم شویم) از پیشگاه تورو به سوی که آوریم و از درگاه توبه کجا رویم؟ پاک و منزه‌ی تو، ما همان بیچارگانی هستیم که اجابت آنها را واجب گردانیده‌ای، و همان بد حالانی هستیم که رفع گرفتاریشان را وعده داده‌ای.

(۵) شبیه‌ترین چیزها به مشیت تو و سزاوارترین کارها به ذات مقدس تو در عظمت و بزرگواریت، بذل رحمت و بخشش برکسی است که از تو در خواست رحمت کرده است و فریاد رسی از کسی است که از تو فریاد رسی خواسته است. پس بر زاری و تضرع ما به درگاهت رحم کن، و چون خودمان را به تو سپرده‌ایم، بی نیازمان کن.

(٦) اللهم إنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِّتَ بِنَا إِذْ شَأْيَثَاهُ عَلَى مَغْصِبِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُشْمِتْنَا بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِيَّاهُ لَكَ، وَرَغَيْتَنَا عَنْهُ إِيَّاكَ.

﴿١١﴾



(١) يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلَّذَا كَرِينَ، وَيَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاةُ الْمُطَبِّعِينَ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغُلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسَّمْطُ بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ. (٢) فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةً لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَغُّةً، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَمْمَةً، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتُبُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَّةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّنِي كُتُبُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مُسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا، وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاةِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَخْضَرَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا يَدْعُ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِها، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُخْصِي عَلَيْنَا كِتَبَةً أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِنُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَغْصِبَةً افْتَرَقْنَاها. (٤) وَلَا تَكْسِفْ عَنَّا سِرْأَ سَرْرَةً عَلَى رُؤُسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. (٥) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

(۶) خدایا به خاطر آنکه در راه معصیت تو از شیطان پیروی کردیم، او ما را سرزنش کرد. پس بر محمد و آل او درود بفرست، و پس از آنکه به خاطر تو شیطان را ترک کردیم و از او روی برگرداندیم و به درگاه نوری آوردیم، سرزنش و شماتت او را از ما دور کن.

### دعای یازدهم:

#### دعا برای حُسن عاقبت

(۱) ای آنکه یاد او برای یاد کنندگان، شرافت است.

(۲) وای آنکه شکر و سپاس او، برای سپاسگزاران، رستگاری است، وای آنکه طاعت و فرمانبرداری او، برای اطاعت کنندگان و فرمانبرداران نجات و رهایی است. بر محمد و آل او درود فرست، و قلبهای ما را با یاد خودت از هر یادی بازدار، و زیانهای ما را با شکر خودت از هر شکری نگهدار و اندامهای ما را با طاعت خودت از هر طاعتنی بازدار.

(۳) و اگر برای ما فراغتی از کارها مقدار فرمودهای آن را فراغت سالم قرار ده که در آن، گناهی ما را در نباید و خستگی به ما رو نیاورد تا (فرشتنگان و نویسندهان) بدیها با پروندهای خالی از بیان گناهانمان از سوی ما برگردند و نویسندهان نیکیها به خاطر نیکیهایی که از ما نوشته‌اند شادمان شوند.

(۴) و هنگامیکه روزهای زندگانی ما سپری گردید و به تدریج مدت عمرمان به پایان رسید و دعوت تو که چاره‌ای از پذیرفتنش نیست ما را احضار نمود، پس بر محمد و آل او درود فرست. و پایان آنچه نویسندهان اعمال ما، بر می‌شمارند توبه مقبول قرار ده تا پس از آن برگناهی که مرتکب شده‌ایم و بر معصیتی که انجام داده‌ایم باز نداری.

(۵) و روزی که خبرهای بندگان را می‌آزماییم، پوششی را که با آن اعمال ما را پوشانده‌ای در برابر دیدگان گواهان برندار.

(۶) همانا تو، نسبت به هر کسی که ترا بخواند مهریانی، و برای کسی که تو را ندا در دهد رواکننده‌ای.

﴿١٢﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ  
وَ طَلَبُ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَخْجُبُنِي عَنْ مَسَأْلِتِكَ خَلَالُ ثَلَاثَةِ، وَ تَحْدُونِي  
عَلَيْهَا حَلَّةً وَاحِدَةً: (٢) يَخْجُبُنِي أَمْرٌ أَمْرَتَ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ،  
وَ نَهَيْتُ نَهْيَتِنِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةً أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَرْتُ  
فِي شُكْرِهَا. (٣) وَ يَخْدُونِي عَلَى مَسَأْلِتِكَ تَفْضُلَكَ عَلَى مَنْ  
أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَقْدَتْ حَسِنٌ ظَنَّةُ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ احْسَانِكَ  
تَفَضُّلٌ، وَ إِذْ كُلُّ نِعْمَكَ اِتَّدَاءٌ (٤) فَهَا آنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَاقْفُ بِبَابِ  
عِزْكَ وُقُوفَ الْمُسْتَشِلِمِ الذَّلِيلِ، وَ سَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاةِ مِنْ  
سُؤَالِ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ (٥) مُقِرٌّ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَشْتَشِلِمْ وَ قَتَ احْسَانِكَ  
إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلُّهَا مِنْ  
أَمْتِنَانِكَ. (٦) فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِفْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ  
مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِيَنِي مِنْكَ اغْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟  
أَمْ أَوْجَبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟ أَمْ لَزِمَّنِي فِي وَقْتِ دُعَائِي  
مَقْتُكَ؟ (٧) سُبْحَانَكَ، لَا يَسُؤُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ،  
بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفُ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ.

## دعای دوازدهم:

### اعتراف به گناه و در خواست توبه

(۱) خدایا، سه خصلت مرا از سؤال به درگاهت منع می‌کند و یک خصلت مرا به آن وا می‌دارد.

(۲) امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن درنگ کردم و نهیی که از آن جلوگیری کردی و من به سوی آن شناختم، و نعمتی که به من ارزانی داشتی و من در سپاسگزاریش کوتاهی نمودم، مرا (از سؤال به درگاهت) باز می‌دارد.

(۳) وفضل و احسان تو برکسی که رو به سوی تو کرده و با گمان نیک به سوی تو آمده است مرا به سؤال از درگاهت وا می‌دارد. زیرا، همه احسانهای تو، بخشش و تفضیل است و همه نعمتهای تو ابتدایی است.

(۴) پس اینک، ای خدای من، من به درگاه گرامی تو بسان فرمانبردار خوارایستاده ام و با شرمندگی همچون محتاج عیال مند در خواست می‌کنم.

(۵) اعتراف می‌کنم به اینکه ~~جزویتاً خودداری~~ از معصیت تو در هنگام احسانت، تسلیم تو نشده ام و در هیچ حالت بدون منت و احسان تو نبوده ام.

(۶) پس ای پروردگار من، آیا اقرار من در پیشگاه تو به بدی آنچه انجام داده ام، سودی خواهد بخشدید؟ و آیا اعتراف من در درگاهت به زشتی آنچه مرتکب شده ام نجاتم خواهد داد؟ یا آنکه در این مقام دشمنی خود را برایم فرض کرده ای؟ یا هنگام دعای من، دشمنی تو همراه من بوده است؟

(۷) پاک و منزه‌ی، هرگز از تو نومید نمی‌شوم و حال آنکه تو در توبه را برویم گشوده‌ای، بلکه می‌گوییم: گفتار بندۀ خواری که به خود ستم کرده و حرمت پروردگارش را کم شمرده است.

(٨) الَّذِي عَظَمْتُ ذُنُوبَهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرْتُ أَيَّامَهُ فَوَلَّتْ حَتَّى  
إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ وَغَايَةَ الْعُمُرِ قَدِ اسْتَهَتْ، وَأَيْقَنَ  
أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ، شَلَّاقَ بِالْإِنْبَاتِ،  
وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَّقِيًّا، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ  
خَائِلٍ خَفِيًّا. (٩) قَدْ تَطَاطَّأَ لَكَ فَانْحَنَى، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْقَنَى،  
قَدْ أَرْعَشَتْ خَشِيشَةً رِجْلَيْهِ، وَغَرَّقَتْ دُمُوعَهُ خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ بِيَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اتَّبَعَ الْمُسْتَرِّحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنِ أَطَافَ  
بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفَوَهُ أَكْثَرٌ مِنْ نَقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرَ مِنْ  
سَخَطِهِ. (١٠) وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِخُسْنِ التَّجَاوِزِ، وَيَا مَنْ عَوَدَ  
عِبَادَةَ قَبُولِ الْإِنْبَاتِ، وَيَا مَنْ اسْتَضَلَّ حَفِيلًا فَاسِدَهُمْ بِالْتَّوْبَةِ وَيَا مَنْ رَضَى  
مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيُسْرَى، وَمَنْ كَافَى قَلِيلَهُمْ بِالْكَثِيرِ، وَيَا مَنْ ضَمِّنَ لَهُمْ  
إِجَابَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضِيلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.  
(١١) مَا أَنَا بِأَغْصَى مَنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ، وَمَا أَنَا بِالْوَمِ مَنْ اغْتَذَرَ  
إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ، وَمَا أَنَا بِأَظْلَمُ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعَذَّتْ عَلَيْهِ. (١٢) أَتُوْبُ  
إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ، مُشْفِقٌ مِمَّا اجْتَمَعَ  
عَلَيْهِ، خَالِصُ الْحَيَاةِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ. (١٣) عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنبِ  
الْعَظِيمِ لَا يَسْعَاهُمْكَ، وَأَنَّ التَّجَاوِزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضِعُكَ،  
وَأَنَّ اخْتِمَالَ الْجِنَانِيَّاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَسْكَادُكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ  
مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانِبَ الْإِضْرَارَ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفارَ.  
(١٤) وَأَنَا أَبْرُءُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكِبَ، وَأَغُودُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ،  
وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

(۸) بیندهای که گناهانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش به او پشت کرده و از او برگشته است. سرانجام ببیند زمان کارگذشته و عمر به پایان رسیده و یقین کند که در برابر تو چاره‌ای ندارد و گریزگاهی برایش نیست، به وسیله توبه به تورو آورد و توبه را برای تو خالص کند، آنگاه با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخیزد و با صدای تغییر یافته به آرامی تو را بخواند. (۹) در حالی که برای تو تواضع کرده و سرفود آورده، و سربه زیر افکنده و کج شده و ترس پاهایش را به لرزه انداخته واشک چهره‌اش را فراگرفته است، ترا چنین می‌خواند: ای مهربانترین مهربانان و ای بخشندۀ ترین که رحمت جویان همواره رو به سوی او دارند. ای مهربانترین کسی که آمرزش خواهان گرد او در طوفاند. و ای آنکه بخشش او از کیفرش بیشتر است. و ای آنکه خشنودی او از خشممش افزونتر است.

(۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک خوبیش، سزاوار حمد و ثنای آفریدگان گردیده، و ای آنکه بندگانش را به پذیرفتن توبه عادت داده، و ای آنکه گناه و تباہی بندگان را با توبه اصلاح کرده و ای آنکه با کاراندک ایشان خشنود گشته، و ای آنکه کاراندک بندگان را پاداش فراوان داده، و ای آنکه احبابت دعای ایشان را ضمانت کرده، و ای آنکه از روی احسان خوبیش و عنده پاداش نیک به بندگان را داده (۱۱) من گناهکارتر از آنکه معصیت تو کرده و اورا آمرزیده‌ای نیستم، و نکوهیده‌تر از کسی که به پیشگاه تو عذر تقصیر آورده و عذرش را پذیرفته‌ای نیستم، و ستمکارتر از کسی که به درگاه تو توبه کرده و به سوی او بازگشتی، نیستم (۱۲) در این مقام که هستم به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، توبه کسی که از کرده‌های خود پشیمان است، و از اندوخته‌های خود بیمناک است و از آنچه در آن گرفتار شده شرمنده است (۱۳) من داند که بخشش گناه بزرگ برای تو کار سنگینی نیست و گذشت از معصیت فراوان بر تو دشوار نیست، و تحمل جنایات زشت بر تو گران نمی‌باشد، و محبوبترین بندگان در پیشگاه تو کسی است که بر تو سرکشی نکند و از اصرار (بر گناه) اجتناب ورزد، و همواره طلب آمرزش کند. (۱۴) من در پیشگاه تو از سرکشی بیزاری می‌جویم و از اینکه (در گناه و سرکشی) اصرار کنم به تو پناه می‌برم، و به خاطر کوتاهی و قصوری که رو داشتم از تو آمرزش می‌خواهم، و برکارهایی (عبدات و طاعات) که از انجام آن ناتوانم از تو یاری می‌طلبم.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَحِبُّ عَلَيَّ لَكَ،  
وَعَافِنِي مِمَّا أَشَوَّجَهُ مِنْكَ، وَأَجْرِنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسْلَامِ،  
فَإِنَّكَ مَلِيءٌ بِالْعَفْوِ، مَرْجُوُ لِلْمَغْفِرَةِ، مَغْرُوفٌ بِالْتَّجَاهُورِ، لَيْسَ  
لِحاجَتِي مَطْلُبٌ سِواكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ (١٦) وَلَا  
أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلُّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْضِ حاجَتِي، وَأَنْجُحْ طَلَبِي، وَاغْفِرْ  
ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفَ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ  
يَسِيرٌ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلْبِ  
الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ يَا مُشْتَهِي مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ (٢) وَيَا مَنْ عِنْدَهُ تَيْلُ  
الْطَّلِيلَاتِ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَبِعُ نِعْمَةً بِالْأَثْمَانِ (٤) وَيَا مَنْ  
لَا يُكَدِّرُ عَطَاءً يَا هُوَ بِالإِمْتَانِ (٥) وَيَا مَنْ يُسْتَغْنَى بِهِ وَلَا يُسْتَغْنَى  
عَنْهُ (٦) وَيَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ (٧) وَيَا مَنْ لَا تُفْنِي  
خَزَائِنَةُ الْمَسَائلِ (٨) وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَةُ السَّوَائِلِ (٩) وَيَا  
مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُخْتَاجِينَ (١٠) وَيَا مَنْ لَا يُغَنِّيهِ دُعَاءُ  
الدَّاعِينَ (١١) تَمَدَّحْتَ بِالْفَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فrst، و آنچه از (حقوق) تو بر من واجب است بر من ببخش، و از آنچه از جانب تو سزاوار آنم معافم دار، و از آنچه زشت کاران از آن بیناکند پناهم ده، زیرا تو می توانی ببخشی و آمرزش تو مورد امید است، تو به گذشت، شهرت داری، برای خواسته من، غیر از تو هیچ پاسخی نیست و برای گناه من، غیر از تو بخشنده‌ای نیست. تو از همه عیبها پاک و دور هستی.

(۱۶) و من بر خودم جز از تو نمی ترسم، زیرا تو شایسته آن هستی که از تو بترسند و سزاوار آن هستی که دیگران را ببخشایی، بر محمد و آل محمد درود فrst. و حاجتم را رواین و خواسته‌ام را برآور و گناهم را ببخش، و مرا از ترس، ایمن گردان، زیرا تو به هر چیز توانایی برآوردن آنچه خواستم بر تو آسان است. دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان.



### دعای سیزدهم:

### در خواست حاجتها

- (۱) پروردگارا، ای منتهای در خواست حاجتها.
- (۲) و ای آنکه رسیدن به خواسته‌ها در پیشگاه اوست.
- (۳) و ای آنکه نعمتهای خوبیش را با قیمت نمی فروشد.
- (۴) و ای آنکه داده‌های خوبیش را با ملت گزاردن تیره نمی کند.
- (۵) و ای آنکه می توان با او بی نیاز شد ولی هرگز نمی توان از او بی نیاز شد.
- (۶) و ای آنکه به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.
- (۷) و ای آنکه گنجینه‌های او را در خواستها نابود نمی کند.
- (۸) و ای آنکه، اسباب و وسائل حکمت او را تغییر نمی دهد.
- (۹) و ای آنکه خواسته‌های نیازمندان از او قطع نمی شود.
- (۱۰) و ای آنکه دعای دعاکنندگان او را به زحمت نمی اندازد.
- (۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانست ستد و راستی سزاوار بی نیازی از آنها هستی.

(١٢) وَسَبَّبُتُهُمْ إِلَى الْفَقْرِ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ. (١٣) فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلْتِهِ  
 مِنْ عِنْدِكَ، وَرَأَمَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي  
 مَظَانِهَا، وَأَتَى طَلَبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا. (١٤) وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتَهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ  
 خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجُوحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْزِ مَانِ، وَاسْتَحْقَ  
 مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الْإِخْسَانِ. (١٥) اللَّهُمَّ وَلِيَ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا  
 جُهْدِي، وَتَقْطَعَتْ دُونَهَا حِيلَى، وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَى مَنْ  
 يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَلَا يَسْتَغْشِي فِي طَلْبَاتِهِ عَنْكَ، وَهِيَ زَلَّةٌ مِنْ  
 زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثَراتِ الْمُذْنِبِينَ. (١٦) ثُمَّ اسْتَبَهْتُ  
 بِتَذْكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي، وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلْتِي، وَرَجَفْتُ  
 وَنَكَضْتُ بِسَندِ دِيْدَكَ عَنْ عَثْرَتِي. (١٧) وَقُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ  
 مُخْتَاجٌ مُخْتَاجًا؟ وَأَنَّى يَوْغَبُ مُغْدِمٌ إِلَى مُغْدِمٍ؟ (١٨) فَقَصَدْتُكَ، يَا  
 إِلَهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رِجَائِي بِالشُّفَقَةِ بِكَ. (١٩) وَعِلِّمْتُ أَنَّ  
 كَثِيرًا مَا أَسْأَلَكَ يَسِيرُ فِي وُجْدِكَ، وَأَنَّ حَطِيرًا مَا أَسْتَوْهِبِكَ حَقِيرًا فِي  
 وُسْعِكَ، وَأَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا  
 أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ. (٢٠) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ  
 عَلَى التَّفَضُّلِ، وَلَا تَخْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِخْفَاقِ، فَمَا أَنَا بِأَوْلِ  
 رَاغِبٍ رَغْبَ إِلَيْكَ فَأَعْطِيَتِهُ وَهُوَ يَسْتَحْقُ الْمَنْعَ، وَلَا بِأَوْلِ سَائِلٍ  
 سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْزِ مَانَ. (٢١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَمِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَلَا تَضْرُّ عَنِ  
 رَاجِهَا، وَلِصَوْتِي سَامِعًا. (٢٢) وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ، وَلَا تَبْتَ  
 سَبَبَيِّ مِنْكَ، وَلَا تَوْجَهْنِي فِي حاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِواكَ

(۱۲) آفریدگان را به فقر و تنگدستی نسبت داده‌ای و راستی آنها نیز شایسته احتیاج بسوی تواند. (۱۳) پس، کسی که از درگاه تو بخواهد روزنه نیاز خود را بینند و به وسیله تو بخواهد فقر را از خود بر طرف کند، محققًا خواسته خود را از جایگاه حقیقی اش طلب کرده است و از راه صحیح به خواسته اش رسیده است. (۱۴) و کسی که حاجت خود را به یکی از آفریدگان عرضه کند یا او را سبب برآمدن حاجت خود قرار دهد نه تو را بلکه به یقین، خود را محروم ساخته و مستحق از دست دادن احسان در پیشگاه تو گردیده است. (۱۵) خدا یا من به درگاه تو حاجتی دارم که توانم به آن نمی‌رسد و در برابر آن بیچاره شده‌ام و نفس من چنین وانمود می‌کند که حاجتم را پیش کسی برمکه او خود حاجتها یش را نزد تو می‌آورد و در خواسته‌هایش از تو بی نیاز نیست. و آنچه نفس وانمود می‌کند لغزشی است از لغزش‌های خطاكاران و گناهی است از معصیت‌های گناهکاران.

(۱۶) سپس به خاطر آنکه مرا آگاه کردی از غفلت و فراموشی خویش، آگاه شدم و به واسطه توفیق تو از لغشم برخاستم و با راهنمایی تو از گناهم برگشتم (۱۷) و چنین گفتم: پاک و منزه است پروردگار من، چگونه نیازمندی از نیازمندی در خواست می‌کند. و کجا فقیر و تنگدستی به فقیری بسان خود رو می‌آورد؟ (۱۸) پس ای پروردگار من، من از روی رغبت آهنگ تو نموده‌ام و با اعتماد به تو امید بر تو بسته‌ام (۱۹) و دانسته‌ام که حتماً بیشترین چیزی را که از تو بخواهم در برابر دارائی و توان تو، اندک است و بزرگترین چیزی را که از تو طلب کنم در برابر گستره فیض و رحمت تو کوچک است. والبته، جود و بخشش تو از درخواست کسی کم نمی‌آورد و دست تو در بخششها از هر دستی برتر است. (۲۰) خدا یا پس بر محمد و آل او درود فرست و با من به احسان و تفضل رفتار کن و با من با عدالت و دادگیریت به استحقاق رفتار مکن. چه اینکه من اول رو آورنده‌ای نیستم که به سوی تو رو آورده و با آنکه سزاوار منع است به او بخشش کرده‌ای و اول سائلی نیستم که از تو در خواست کرده و با آنکه سزاوار محرومیت بوده است به او احسان کرده‌ای. (۲۱) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست، و اجابت کننده دعایم باش و به ندایم نزدیک و به تضرع وزاریم مهریان و به صدایم شنوای باش. (۲۲) و امیدم را از خودت قطع نکن و دعایم را از درگاهت بر مگردان، و در این خواسته و غیر آن، گرایشم را به غیر خودت متوجه نکن

(٢٣) وَتَوَلَّنِي بُشْجِحٍ طَبِبِيٍّ وَقَضَاءٍ حَاجَتِي وَنَيْلٌ سُولِي قَبْلَ زَوَالِي  
عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَسْبِيرِكَ لِسَيِّدِ الْعَسِيرِ وَخُشْنَ تَقْدِيرِكَ لِي فِي  
جَمِيعِ الْأَمْوَارِ (٢٤) وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً دَائِمَةً نَامِيَّةً لَا  
اِنْقِطَاعَ لِأَبِدِهَا وَلَا مُنْتَهِي لِأَمْدِهَا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنَانِي وَسَبِيلًا  
لِلنَّجَاحِ طَبِبِيٍّ، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ (٢٥) وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا  
[وَتَذَكُّرُ حَاجَتِكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَنْفُولُ فِي سُجُودِكَ:] فَضْلُكَ أَنَسَنِي،  
وَإِخْسَانُكَ دَلَّنِي، فَاسْأَلْكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا  
تَرْدَنِي خَائِبًا.

﴿١٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَتَدِي  
عَلَيْهِ أَوْرَأَيَ مِنْ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ:

(١) يَا مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُنْتَظَلِمِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يَخْتَاجُ  
فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ. (٣) وَيَا مَنْ قَرِبَتْ  
نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ (٤) وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنَةَ عَنِ الظَّالِمِينَ  
(٥) قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ مِمَّا  
حَظَرْتَ وَأَنْتَهَكَهُ مِنْ مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطَرَأَ فِي نِعْمَتِكَ  
عِسْدَهُ، وَأَغْتِرَأَ رَأْيَكَ عَلَيْهِ. (٦) أَللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَخُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَافْلُ حَذَّهُ  
عَنِي بِقُدرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَسِّيهِ، وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ

(۲۳) و مرا با برآوردن خواسته‌ام و رواکردن حاجتمن و رسیدن به خواسته‌ام پیش از آنکه از این سرای فانی بروم با آسان کردن دشواری برایم و خوبی تقدیر تو در همه امور برایم، یاری و کفايت فرما.

(۲۴) و بر محمد و آل او درود فرست، درود همیشگی که رو به فزونی است و جاودانگیش پایان نپذیرد و فرجامش آخر نداشته باشد و آن را باور من قرار داده و برای برآمدن حاجتمن وسیله بگردان. زیرا، تو دارای رحمت گسترده و بخشش بسیاری.

(۲۵) و از جمله حاجت من ای پروردگار من چنین و چنان است. [حاجت خود را ذکر می‌کنی آنگاه به سجده می‌روی و در سجده چنین می‌گویی :] فضل و بخشش تو مرا مأнос کرده است و احسان تو مرا راهنمایی کرده، پس از تو می‌خواهم به بحق خودت و به حق محمد و آل او، (درودهای تو بر ایشان باد) که مرا نومید [و دست خالی] بر نگردانی.



#### دعای چهاردهم:

#### هنگام فرا رسیدن ستم و زیان

(۱) ای آنکه خبرهای شکوه کنندگان از ستم، برا او پنهان نیست.

(۲) و ای آنکه در سرگذشت ستم دیدگان، نیازی به گواهی ندارد.

(۳) و ای آنکه یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.

(۴) و ای آنکه یاری او از ستمگران دور است.

(۵) ای پروردگار من، یقیناً تو می‌دانی آنچه از فلان، فرزند فلان به من رسیده است از آنچه تو نهی کرده‌ای و او نسبت به من در مورد همان چیزی که او را منع کرده‌ای هنگام حرمت کرده است، این ستمها سرکشی در نعمت تو است که به او رسیده است و بی باکی از کیفر تو است.

(۶) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با قدرت و توان بسی انتهایت، ستم کننده و دشمن مرا از ستم بر من بازدار و با قدرت بی‌پایان، تیغ ستمش را بر من، گند ساز، واور را به امور منبوط به خودش مشغول‌دار و از نیت بد یا دشمنی با من ناتوان گردان.

(٧) اللهم صل على محمد وآلـه، ولا تسعـ لـه ظـلمـي، وأخـسـنـ  
عـلـيـهـ عـونـىـ، واعـصـمـنـىـ مـنـ مـثـلـ أـفـعـالـهـ، وـلا تـجـعـلـنـىـ فـيـ مـثـلـ حـالـهـ

(٨) اللهم صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـآلـهـ وـأـعـدـنـىـ عـلـيـهـ عـذـوـيـ حـاضـرـةـ، تـكـوـنـ  
مـنـ غـيـظـيـ بـهـ شـفـاءـ، وـمـنـ حـنـقـيـ عـلـيـهـ وـفـاءـ. (٩) اللهم صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ  
وـآلـهـ، وـعـوـضـنـىـ مـنـ ظـلـمـهـ لـيـ عـفـوكـ، وـأـبـدـلـنـىـ بـسـوـءـ صـنـيـعـهـ بـسـ  
رـحـمـتـكـ، فـكـلـ مـكـرـوـهـ جـلـلـ دـوـنـ سـخـطـكـ، وـكـلـ مـرـزـئـةـ سـوـاءـ مـعـ  
مـوـجـدـتـكـ. (١٠) اللهم فـكـما كـرـهـتـ إـلـيـ آـنـ أـظـلـمـ فـقـنـىـ مـنـ آـنـ أـظـلـمـ.

(١١) اللهم لا أـشـكـوـ إـلـىـ أـحـدـ سـوـاـكـ، وـلـآـشـعـنـ بـحـاـكـمـ غـيـرـكـ، حـاشـاكـ،  
فـصـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـآلـهـ، وـصـلـ دـعـائـيـ بـالـإـجـابـةـ، وـأـفـرـنـ شـكـايـتـيـ  
بـالـتـغـيـيرـ. (١٢) اللهم لا تـقـتـنـىـ بـالـقـنـوـطـ مـنـ إـنـصـافـكـ، وـلـآـتـقـنـةـ بـالـأـمـنـ  
مـنـ إـنـكـارـكـ، فـيـصـرـ عـلـىـ ظـلـمـيـ، وـيـعـاـضـرـنـىـ بـعـقـىـ، وـعـرـفـهـ عـمـاـ قـلـلـ  
مـاـ أـوـعـدـتـ الـظـالـمـينـ، وـعـرـفـنـىـ مـاـ وـعـدـتـ مـنـ إـجـابـةـ الـمـضـطـرـينـ.

(١٣) اللهم صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـآلـهـ، وـوـقـنـىـ لـقـبـولـ ماـ قـضـيـتـ لـيـ وـعـلـىـ،  
وـرـضـنـىـ بـمـاـ أـخـذـتـ لـيـ وـمـنـىـ، وـاهـدـنـىـ لـلـتـىـ هـىـ أـقـوـمـ، وـاسـتـعـمـلـنـىـ  
بـمـاـ هـوـ أـسـلـمـ. (١٤) اللهم وـإـنـ كـانـتـ الـخـيـرـةـ لـيـ عـنـدـكـ فـيـ تـأـخـيرـ الـأـخـذـ  
لـيـ وـتـرـكـ الـإـنـتـقـامـ مـمـنـ ظـلـمـنـىـ إـلـىـ يـوـمـ الـفضلـ وـمـجـمـعـ الـخـضـمـ،  
فـصـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـآلـهـ، وـأـيـدـنـىـ مـنـكـ بـيـنـيـةـ صـادـقـةـ وـصـبـرـ دـائـمـ

(١٥) وـأـعـدـنـىـ مـنـ سـوـءـ الرـغـبـةـ وـهـلـعـ أـهـلـ الـحـرـصـ، وـصـوـرـ فـيـ قـلـبـيـ مـشـالـ  
مـاـ اـدـخـرـتـ لـيـ مـنـ ثـوـابـكـ، وـأـعـدـدـتـ لـخـضـمـيـ مـنـ جـزـآـئـكـ وـعـقـابـكـ،  
وـاجـعـلـ ذـلـكـ سـبـبـاـ لـقـنـاعـتـيـ بـمـاـ قـضـيـتـ، وـثـقـتـ بـمـاـ تـعـيـرـتـ (١٦) أـمـيـنـ  
رـبـ الـعـالـمـينـ، إـنـكـ ذـوـ الـفـضـلـ الـعـظـيمـ، وـأـنـتـ عـلـىـ كـلـ شـئـ قـدـيرـ.

(۷) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و به دشمن من، اجازه ستم کردن مده، و به خوبی مرا در برابر شکمک کن، و از انجام کارهایی همچون کارهای او نگهدار و در مثل حال او قرار مده. (۸) خدایا بر محمد و آل او درود فرست و در برابر دشمن یاریم کن آنسان که هم اکنون یاری تو خشم را فرو نشاند و درد کینه و غضبم را شفا بخشد. و دادم را از دشمن بستاند.

(۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و در عوض ستمی که دشمن به من کرده است بخشش و عفوت را شامل حالم گردان، و بجای بدرفتاری او نسبت به من، رحمت را به من ارزانی دار، زیرا هر رنج و ناپسندی در برابر خشم تو ناچیز است وجود عدم هر بلا و مصیبتی جز قهر و غصب تو، بکسان است.

(۱۰) پروردگارا همچنانکه ستم کشی را برایم ناپسند قرار دادی، از اینکه به خلق ستم کنم مرا نگهدار (۱۱) خدایا به کسی جز تو شکوه نمی‌کنم و از هیچ حاکمی جز تو یاری نمی‌خواهم حاشا که با وجود تورو به غیر تو آرم. پس بر محمد و آل او درود فرست، و دعایم را به اجابت رسان و شکوه ام را با تغییر و رفع آن همراه ساز (۱۲) خدایا مرا بانومیدی از عدل و انصاف خود آزمایش نکن، و دشمنم را با آسودگی از جهل و ندادانی به (فرجام) خویش میازما، تا بر ستم کردن بر من اصرار ورزد و بر حق دست یابد و بزوذی آنچه به ستمگران وعده داده ای به او بنما و وعده ای که در مورد اجابت بیچارگان داده ای بر من آشکار کن. (۱۳) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و به من توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدار نموده ای بپذیرم و به آنچه برای من و از من گرفته ای خوشنودم کن. و به بهترین راه راهنماییم کن، و به آنچه سالمتر است بگمارم. (۱۴) خدایا اگر خیر و نیکی من در این است که دست گیری از من را به تأخیر اندازی و انتقام را از کسی که بر من ستم کرده است تا فرا رسیدن روزی که حق و باطل از هم جدا می‌شوند و دشمنان گود می‌آیند ترک کنی پس بر محمد و آل او درود فرست و به من با نیت درست و شکیبا یی همیشگی کمک فرما. (۱۵) و از خواهش بد و حرصن آزمندان، پناهم ده، و در دلم نمونه پاداشی که برایم اندوخته ای و کیفری که برای دشمنم آماده کرده ای ترسیم کن، و آن را وسیله فناعتم به آنچه مقدار فرموده ای و اطمینانم به آنچه بر گزیده ای قرار ده. (۱۶) دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان، زیرا، تو دارای احسان بزرگی و بر همه چیز توانا هستی.

(١٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ  
أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبَ أَوْ بَلَيْهُ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَرَأَ أَتَصْرَفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدْنِي،  
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخْدَثَ بِي مِنْ عِلْمٍ فِي جَسَدِي (٢) فَمَا أَذْرِي،  
يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ  
(٣) أَوْ قُلْ الصَّحَّةُ الَّتِي هَنَّا شَنِي فِيهَا طَيَّبَاتِ رِزْقِكَ، وَنَشَطَشَنِي بِهَا  
لَا يَتَغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَيْتَنِي مَعْهَا عَلَى مَا وَقْتَنِي لَهُ مِنْ  
طَاعَتِكَ؟ (٤) أَمْ وَقْتُ الْعِلْمِ الَّتِي مَحَضَشَنِي بِهَا، وَالنُّعْمَ الَّتِي أَشْعَفَشَنِي  
بِهَا، تَخْفِيًّا لِمَا ثَقَلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهُورِي مِنَ الْخَطَبَاتِ، وَتَطْهِيرًا لِمَا  
انْغَمَسَتْ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَتَبْيَاهًا لِتَنَاؤلِ التَّوْبَةِ، وَتَذْكِيرًا لِمَخْوِ  
الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؟ (٥) وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ  
زَكِّيَّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَرَفِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحةٌ  
تَكَلَّفَتْهُ، بَلْ اِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنَيعِكَ إِلَيَّ. (٦) اللَّهُمَّ  
نَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيَتْ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا  
أَخْلَلتَ بِي، وَطَهُّرْنِي مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ، وَامْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ،  
وَأُوْجِدْنِي حَلَاوةَ الْغَافِيَةِ، وَأَذْفَنْيِ بَرَدَ السَّلَامَةِ، وَاجْعَلْ مَخْرَجِي  
عَنْ عِلْتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَمَسْتَحَوْلِي عَنْ صَرْعَتِي إِلَى تَجَاوِزِكَ، وَخَلَاصِي  
مِنْ كَسْبِيِّ إِلَى رَوْحِكَ، وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرِجِكَ

### دعای پانزدهم:

#### دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری

- (۱) خدا آیا تو را سپاس بر سلامتی بدنم که همواره در آن بسر می برم، و تو را سپاس بر بیماری که در بدنم پدید آورده ای.
- (۲) پس، چه می دانم، ای خدای من، کدامیک از این دو حال من برای سپاسگزاری تو سزاوارتر است، و کدامیک از این دو وقت (سلامتی و بیماری) برای ستایش تو بهتر است.
- (۳) آیا هنگام سلامتی که در آن حال، روزیهای پاکیزه ات را برایم گوارا ساختی و برای بدست آوردن خشنودیت، نشاط و شادمانیم بخشدی و با آن نعمتها بر طاعت خویش، توانایم کردی تا بر طاعت موفق گردیدم؟
- (۴) یا اوقات مرض و بیماری که بواسطه آن، مرا از آلایش و کدورت گناهان پاک و پاکیزه نمودی و آن درد و رنجها نیز نعمتها بی بود که بر من هدیه کردی تا بار گناهان سنگین مرا بر دوشم سبک کنی و روح قدسی مرا از فرو رفتن در منجلاب گناهان پاک و مهدب گردانی و نیز برای قویه و اتابه به درگاهت متذکرم فرمایی، تا سرانجام، گناهانم بواسطه نعمت و احسان قدیمت محو و نابود گردد.
- (۵) در خلال ایام بیماری دو فرشته نویسنده اعمال، در پرونده عملم، حسناتی بزرگ بنویسند که نه در قلب من خطور کرده و نه زیانم به آن گویاگشته و نه عملی به جوارح و اندام از من صادر شده بلکه به صرف فضل و احسان تو به من باشد.
- (۶) پس، پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنچه برایم پسندیده ای محبوب من گردان، و آنچه بر من فرود، آورده ای (از مشکلات) برایم آسان فرما، و مرا از آلایش پلیدی گناهان پیشین پاک و پاکیزه فرما و اعمال بد گذشته ام را نابود کن و همچنان شیرینی ولذت تندرنستی را بر من عطا فرما و آسایش سلامتی و عافیت را به من بچشان، و بیرون شدنم از بیماری را بسوی عفو و بخشش خود فرار ده، و بازگشت از لغزشگاه گناهان را به آمرزش و گذشت قرار ده و از غم و اندوهم با رحمت خلاصی بخش، و سلامتی ام از این سختی را به گشايشت فرار ده.

(٧) إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ، الْوَهَابُ الْكَرِيمُ،  
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

﴿١٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَتَّقَالَ مِنْ  
ذُنُوبِهِ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ:

(١) أَللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغْيِثُ الْمُذْنِبُونَ (٢) وَ يَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ  
إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُونَ (٣) وَ يَا مَنْ لِخَيْفَتِهِ يَسْتَحْبُ الْخَاطِئُونَ  
(٤) يَا أَنْسَ كُلُّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَ يَا فَرَجَ كُلُّ مَكْرُوبٍ كَيْبٍ،  
وَ يَا غَوْثَ كُلُّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَ يَا عَضْدَ كُلُّ مُخْتَاجٍ طَرِيدٍ (٥) أَنْتَ  
الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا (٦) وَ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ  
مَخْلُوقٍ فِي نِعِمَكَ سَهْمًا (٧) وَ أَنْتَ الَّذِي عَفْوَهُ أَغْلَى مِنْ عِقَابِهِ  
(٨) وَ أَنْتَ الَّذِي تَشْعِنِي رَحْمَتَهُ أَمَامَ غَضَبِهِ (٩) وَ أَنْتَ الَّذِي  
عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنْعِهِ (١٠) وَ أَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلَائقُ كُلُّهُمْ  
فِي وُسْعِهِ (١١) وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَزُغُّ فِي جَزَاءٍ مِنْ أَعْطَاهُ (١٢) وَ أَنْتَ  
الَّذِي لَا يُفِرِطُ فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاهُ (١٣) وَ إِنَّا، يَا أَللَّهُ، عَبْدُكَ  
الَّذِي أَمْرَتَهُ بِالدُّعَاءِ فَقَالَ: لَبَيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا آتَاهَا، يَا رَبَّ، مَطْرُوحٌ  
بَيْنَ يَدَيْكَ. (١٤) إِنَّا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهِيرَةً، وَ إِنَّا الَّذِي أَفْسَنْتِ  
الذُّنُوبَ عُمْرَةً، وَ إِنَّا الَّذِي بِجَهَلِهِ عَصَاكَ، وَ لَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاكَ.

(۷) همانا تو خدایی هستی که بی اندازه احسان می کنی و نعمت بزرگ می بخشی، بسیار بخشنده بزرگوار هستی و صاحب عظمت و بزرگی می باشی.

### داعی شانزدهم:

#### طلب آمرزش

(۱) پروردگارا، ای آنکه گناهکاران به سبب رحمتش، فریاد رس می طلبند.

(۲) و ای آنکه بیچارگان بیاد احسان او فریاد وزاری می کنند.

(۳) و ای آنکه خطاکاران از ترس او با آه و ناله می گریند.

(۴) ای آرام دلهای متوجه سرگردان، ای گشایش دلهای اندوهگین و شکسته، و ای فریادرس انسانهای خوار و تنها مانده، ای یاور هر نیازمند رانده شده.

(۵) توبی که به گستره علم و رحمت برهمه موجودات احاطه داری.

(۶) و توبی که برای هر آفریده ای، بهره ای در نعمتهايت قرار داده ای.

(۷) توبی که بخشش و عفووت از کیفریت برقرار است

(۸) توبی که رحمت بر غضب پیشی می گیرد.

(۹) و توبی که بخشش و فضیلت از منعث بیشتر است.

(۱۰) توبی که همه آفریدگان را از رحمت واسعة خود، وسعت عطا کرده ای

(و به همه مخلوقات، بهره کامل بخشیده ای)

(۱۱) توبی که از عطا و بخشش خود به خلق، پاداش نمی خواهی.

(۱۲) و توبی که در کیفر گناهکاران افراط (زیاده روی) نمی کنی.

(۱۳) و من ای خدا، بنده توام که اورا به دعا امر فرمودی و او لبیک و سعدیک گویان اظهار کرد که اینک منم، ای پروردگار بنده ای که در پیشگاهت به خاک ذلت و عبودیت افتاده.

(۱۴) منم آنکه خطاهای بر پشتیش بس سنگینی کرده است و منم آنکه عمرش در گناه فانی شده است. و منم آنکه با نادانی تو را نافرمانی کرده در حالی که تو شایسته نافرمانی او نبودی.

(١٥) هل أنت يا إلهي، راجح من دعاك فائلي في الدعاء؟ أم أنت غافر لمن بكاك فأشرع في البكاء؟ أم أنت متجاوز عن عذر لك وجدهه تذلل؟ أم أنت معن من شكا إليك، فقره توكل؟ (١٦) إلهي لا تخيب من لا يجد معطياً غيرك، ولا تخذل من لا يستغنى عنك بأحد دونك.

(١٧) إلهي فصل على محمد واله، ولا تفرض عني وقد أقبلت عليه، ولا تخربني وقد رغبت إليه، ولا تجهبني بالردد وقد انتصب بين يديك. (١٨) أنت الذي وصفت نفسك بالرحمة، فصل على محمد واله، وارحمني، وأنت الذي سميت نفسك بالغفو فاغف عني (١٩) قد ترى، يا إلهي، فيض دمعي من خيفتك، ووجيب قلبي من خشيتك، وانتقام جوارحي من هيستك (٢٠) كل ذلك حياءً منك لسوء عملي، ولذاك حمد صوتي عن العjar إليك، وكل لسانى عن مناجاتك.

(٢١) يا إلهي فلك الحمد لكم من عايبة ستراها على فلم تفضحني، وكمن ذئب عطية على فلم تشهرني، وكمن من شايبة المفت بها فلم تهتك عني سترها، ولم تقلدني مكروده شنارها، ولم تبد سواتها لمن يلتمس مغائبى من جيرتى، وحسدة نعمتك عندى (٢٢) ثم لم ينهنى ذلك عن أن جريث إلى سوء ما عهدت مثى! (٢٣) فمن أجهل مثى، يا إلهي، برشده؟ ومن أغلق مثى عن حظه؟ ومن أبعد مثى من استصلاح نفسه حين أتفق ما أجرت على من رزقك فيما نهيتني عنه من معصيتك؟ ومن أبعد غوراً في الباطل، وأشد إقداماً على الشوء مثى حين أقف بين دعوتك ودعوة الشيطان فاتبع دعوته على غير عمى مثى في معرفة به ولا نسيان من حفظي له؟

(۱۵) اکنون، ای خدای من، آیا درباره کسی که به درگاهت دعا می‌کند ترحم خواهی کرد تا بر دعا بیفزایم؟ و آیا آن را که به درگاهت گریه کند می‌آمرزی تا بیشتر گریه کنم؟ آیا هر که را که با خواری در پیشگاه با عزّت، روی خود به خاک ذلت‌بمالد می‌بخشی؟ و آن کس را که از فقر و پریشانی خود به حضرت شکایت می‌کند و توکل و اعتمادش به تو است بی نیاز خواهی کرد؟ (۱۶) خدا یا کسی را که جز تو بخشنده‌ای نمی‌یابد نومید ممکن، و کسی را که از احدی جز تو بی نیازی نمی‌طلبید، نومید و خوار مگردان (۱۷) خدا یا پس بر محمد و آل او درود فرست، و از من که به سوی تو رو آورده‌ام روی مگردان، و مرا که مشتاق و متضرع به درگاه توام از عنایت محروم مفرما و اکنون که در پیشگاهت ایستاده‌ام دست را بر پیشانیم مزن. (۱۸) تو آنیکه ذات پاک خود را به رحمت، و صفت فرموده‌ای، بر محمد و آل او درود فرست، و به من رحم کن، تو آنی که خود را بخشنده نامیدی، پس مرا ببخش. (۱۹) ای خدای من، می‌بینی که اشک چشم از ترس تو روان شده است و دلم از بیم عظمت نگران گردیده و اندام از بزرگی و عظمت لرزان شده است (۲۰) همه اینها از شرمندگی از تو است به خاطر رفتار ناپسندم، و از همین رو است که صدایم از زاری و تصرع به درگاهت گرفته وزیانم از راز و نیاز با تو گند شده است. (۲۱) ای خدای من، شکر و سپاس برای تو است که چه بسیار عییم را پوشاندی و رسوایم نکردی، و چه فراوان گناهم را پنهان کردی و مشهورم نساختی و چه بسیار زشتیها که انجام دادم و پرده مرا ندریدی و طوق زشتی آن را بر گردنم نیفکنندی، و بدیهای آن را بر همسایگانم که در جستجوی عییها یم هستند و نیز بر حسودانی که از وجود نعمتهای تو در نزد من رشگ می‌برند، آشکار نساختی (۲۲) اما، آن همه خوبیهای تو من را از انجام کارهای بدی که تو از من می‌دانی باز نداشت! (۲۳) معبد من، چه کسی از من نادانتر به رشد و رستگاری خود است؟ و چه کسی از من غافلتر از بهره و نیکبختی خود است؟ و چه کسی از من دورتر از اصلاح ذات خود است در حالی که روزی تو را در راه معصیت تو که مرا از آن نهی کرده‌ای صرف می‌کنم؟ و چه کسی از جهت غوطه‌وری در باطل از من دورتر است؟ و چه کسی از جهت ارنکاب بدیها از من سخت‌تر است که وقتی بین دعوت تو و دعوت شیطان قرار می‌گیرم دعوت شیطان را - نه از روی نابینایی در شناختم از او و نه از روی فراموشی او - می‌پذیرم؟

(٤) وَأَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُشْتَهِي دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُشْتَهِي دَعْوَتِهِ  
إِلَى النَّارِ. (٥) سُبْخَانَكَ!! مَا أَغْرَبَ مَا أَشَهَدُ بِهِ عَلَى  
نَفْسِي، وَأَعْدَدُهُ مِنْ مَكْتُومٍ أَمْرِي. (٦) وَأَغْرَبَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّا تُكَبَّرُ  
عَنِّي، وَإِبْطَأْتُكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ  
ثَانِيًّا مِنْكَ لِي، وَتَفْضِلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ أَزْتَرَعَ عَنْ مَغْصِبَتِكَ  
الْمُسْبِحَةِ، وَأَقْلَعَ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُخْلِقَةِ، وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ  
إِلَيْكَ مِنْ عَقُوبَتِي (٧) بَلْ أَنَا، يَا إِلَهِي، أَكْثُرُ ذِنُوبِي، وَأَقْبَحُ أُثَارِي،  
وَأَشَنُّ أَفْعَالِي، وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ شَهْوَرًا، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ  
شَيْقَظَا، وَأَقْلُ لِوَعِدِكَ اثْبَاهَا وَازْتَقَابَا مِنْ أَنْ أُخْصِي لَكَ عُيُوبِي،  
أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذِنُوبِي. (٨) وَإِنَّمَا أَوْبَخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعاً فِي  
رَأْفِتَكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا  
فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ. (٩) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرْقَثَهَا  
الذُّنُوبُ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي  
قَدْ أَنْقَلَثَتِهُ الْخَطَايا، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفَّتْ عَنِّي بِمَنْكَ  
(١٠) يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ، وَأَسْتَحْبَثُ  
حَتَّى يَنْقُطَ صَوْتِي، وَقُنْتُ لَكَ حَتَّى تَسْتَرَ قَدَمَائِي، وَرَكَغْتُ لَكَ  
حَتَّى يَنْخَلِعَ صَلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَسْقَعَ حَدَقَتَائِي، وَأَكَلْتُ تُرَابَ  
الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي، وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ أُخْرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي  
خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَزْفَعْ طَرْفَتِي إِلَى أَفَاقِ السَّمَاءِ  
إِسْتِخْيَاءَ مِنْكَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَسَيَّةً وَاحِدَةً مِنْ سَيِّئَاتِي.

(۲۴) و من هم اکنون باور دارم که فرجام دعوت تو بهشت و پایان دعوت او آتش است.

(۲۵) پاک و منزه‌هی! چه شکفت آور است چیزی که بر خود گواهی می‌دهم، و از امور پنهانی خودم می‌شمارم.

(۲۶) و شکفت تراز آن، بردباری تو درباره من و درنگ تو از تعجب در کیفر من است، و این به خاطر گرامی بودن من نزد تو نیست، بلکه به خاطر مدارا و احسان تو بر من است تا از معصیت خشم آور تو خود داری کنم و از گناهان خوارکننده، دست بر دارم و نیز به خاطر آن است که گذشتن تو از من به درگاهت از کیفر من محبوبتر است.

(۲۷) بلکه من، ای پروردگار من، گناهانی بیشتر و آثاری زشن و در باطل، بی‌باقی شدیدتر دارم و هنگام طاعت تو بیداریم کمتر است و برای وعده‌های تو، آگاهی و مراقبتیم کمتر از آن است که عیبهای خود را برای تو بشمارم یا بتوانم گناهانم را ببیاد آورم.

(۲۸) و فقط به خاطر طمع در مهرتانی تو که اصلاح کار گناهکاران به آن است، خودم را با این سخنان توبیخ می‌کنم و نیز به خاطر امید به رحمت تو که نجات خطاکاران به آن است.

(۲۹) پروردگارا، و این گردن من است که گناهان، آن را باریک کرده است، پس بر محمد و آل او درود فرست، و با منت خود آن را سبک فرما.

(۳۰) ای خدای من، اگر به درگاهت بگریم تا پلکهای چشمانم بیفتند و با آواز بلند ناله کنم تا صدایم قطع شود و در پیشگاه تو بایstem تا پاهایم و زم کند، و در برابرت رکوع کنم تا استخوان پشم از جا در آید و برای تو سجده کنم تا کاسه چشمانم بگودی رود و همه عمرم، خاک زمین بخورم و تا پایان روزگارم آب خاکستر بنویم و در خلال اینها به ذکر تو مشغول شوم تا زبانم کند شود آنگاه به خاطر شرمندگی، چشم به اطراف آسمان بلند نکنم، با این کارها هرگز مستوجب از بین رفتن گناهی از گناهانم نمی‌شوم.

(٣١) وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَشْتُوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ أَشْتَحِقُ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاِسْتِحْقَاقٍ، وَلَا أَنَا أَهْلُ لَهُ بِاِسْتِيجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِثْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارَ، فَإِنَّ تُعْذِّبَنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي. (٣٢) إِلَهِي فَإِذْ قَدْ تَغْمَدْتَنِي بِسُرُوكِ فَلَمْ تَفْضُخْنِي، وَتَأْيَّسْتَنِي بِكَرَّمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَحَلَّمْتَ عَنِّي بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، وَلَمْ تُكَدِّرْ مَغْرُوفَكَ عِنْدِي، فَازْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ مَسْكَتِي، وَسُوءَ مَوْقِفي. (٣٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي، وَاسْتَغْفِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنْابةِ، وَطَهِّرْنِي بِالْتَّوْبَةِ، وَأَيْدِنِي بِالْعُضْمَةِ، وَاسْتَضْلِلْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَذْفَنِي حَلْوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْغَاجِلِ دُونَ الْأَجِلِ، بُشِّرِّي أَغْرِفُهَا، وَعَرَفْنِي فِيهِ عَلَامَةً اتَّبَعْتُهَا. (٣٤) إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْنِكَ فِي وُسْعِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَسْعَدُكَ فِي آناتِكَ، وَلَا يُؤُدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا شَاءَ، وَتَخْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

### ﴿١٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ  
فَأَسْتَغْاثَ مِنْهُ وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ زَرَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ  
وَمَكَائِدِهِ، وَمِنَ الشُّقَّةِ بِأَمَانِيَّهِ وَمَوَاعِدِهِ وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ.

(۳۱) و آنگاه که سزاوار آمرزش تو شوم اگر مرا بیامرزی، و آنگاه که شایسته بخشش تو شوم اگر مرا ببخشی، محققاً آن بخشش تو از روی استحقاق و شایستگی من واجب نشده است. زیرا، نخستین بار که تو را معصیت کردم، جزای من از جانب تو آتش بوده است. از این رو، اگر مرا کیفر نمایی به من ستم نکرده‌ای.

(۳۲) ای خدای من، و چون مرا با پرده خود پوشاندی و رسوايم نکردي، و با بخشش خود با من مدارا کردي و در کيفرم شتاب ننمودي و با فضل و احسان خود نسبت به من بر دباري کردي و نعمت را برابر من تغيير ندادي و نيكى ات را نزد من تيره نساختي، پس، بر تصرع وزاري طولاني من و شدت فقر و تنگdesti من و بدی جايگاهم رحم کن.

(۳۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان نگهدار، و در طاعت خود بکارم گير، و نيكى بازگشت از گناه را روزی ام فرما و به وسیله توبه پاکم کن، و با عصمت (ملکه خودداری از گناه) ياریم ده، و با عافیت و تندريستی کارم را اصلاح نما، و شيريني آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده بخشش و آزاد شده رحمت قرار بده، و برايم ايم از خشم و غضب را بنويس و محظوم کن، و با آن در ذنيا پيش از آخرت به من مرده ده مرده‌ای که آنرا بشناسم و در آن علامتی نشانم ده که آن را هويدا يابم.

(۳۴) به درستی که اجابت خواسته‌های من در برابر رحمت گسترده تو دشوار نیست. و تو را در قدرت بي پایان و بر دباري فراوان است به زحمت نمی افکند، و در بخششهاي فراوان است که آيات تو بر آن دلالت دارد گران نمی افتد. زیرا، تو آنچه می خواهی انجام می دهی و به آنچه اراده کنی حکم می کنی. چونکه بر هر چيز توانایی.

### دعای هفدهم:

#### پناه بردن به خدا از شیطان

(۱) خدايا، از وسوسه‌های شیطان رانده شده و از حیله و مکره‌ای گوناگون او، و از اطمینان به آرمان و وعده‌ها و فریب و دامهای او.

(١) وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَإِمْتِهانِنَا بِمَغْصِبِتِكَ،  
 أَوْ أَنْ يَخْشَى عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا  
 مَا كَرِهَ إِلَيْنَا. (٢) اللَّهُمَّ اخْسِأْ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَأَكْبِثْ بِدُؤُبِنَا فِي  
 مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِرَّاً لَا يَهْتَكُهُ، وَرَذْمَا مُضِيَّاً لَا يَفْتَهُ.  
 (٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغُلْ عَنَّا بِبَغْضٍ أَغْدَآئِكَ،  
 وَاغْصِنْنَا مِنْهُ بِخُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَأَكْفِنَا حَشْرَهُ، وَوَلْنَا ظَهَرَهُ، وَاقْطُعْ  
 عَنَّا إِثْرَهُ. (٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمْتَغْنَا مِنَ الْهُدَى  
 بِمِثْلِ ضَلَالِهِ، وَزَوَّذْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَایتِهِ، وَاشْلُكْ بِنَا  
 مِنَ التَّقْنِي خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى. (٥) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا  
 مَذْخَلًا وَلَا تُوْطِنَّ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مُثْرِلاً. (٦) اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا  
 مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ، وَإِذَا عَرَفْنَاهُ قِنَاهُ، وَبَصَرْنَا مَا نُكَانَدُ بِهِ،  
 وَأَهْمَنَا مَا نُعْدُهُ لَهُ، وَأَيْقَظْنَا عَنْ سِيَّكَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ،  
 وَأَخْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَانَا عَلَيْهِ. (٧) اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبِنَا إِنْكَارَ  
 عَمَلِهِ، وَالْطُّفْ لَنَا فِي نَفْضِ حِيلِهِ. (٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
 وَحَوْلَ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَاقْطُعْ رَجَاءَهُ مِنْنَا، وَادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا.  
 (٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَبَاءَنَا وَأَمْهَاتَنَا وَأَوْلَادَنَا  
 وَأَهْلَيَنَا وَذَوَى أَزْخَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
 مِنْهُ فِي حِزْرِ حَارِزٍ، وَحِضْنِ حَافِظٍ، وَكَهْفِ مَانِعٍ، وَالْبِسْهَمِ مِنْهُ  
 جُنَاحًا وَاقِيَّةً، وَأَغْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَّةً. (١٠) اللَّهُمَّ وَاغْمُمْ بِذَلِكَ  
 مَنْ شَهَدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأَخْلَصْ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَعَادَةَ لَكَ  
 بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَاسْتَظْهَرْ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَفْرَفَةِ الْقُلُومِ الرَّبِّانِيَّةِ.

(۱) واز اینکه شیطان در گمراه کردن ما از طاعت، و خوار کردن ما در معصیت طمع کند، یا اینکه نیکو باشد نزد ما چیزی که او برای ما نیکو می نماید، یا اینکه بر ما سنگین آید چیزی که او در نظر ما بد جلوه داده است مصونمان دار. (۲) خدايا، به خاطر عبادت و بندگیت او را از ما دور کن و به خاطر تلاش ما، در محبت، او را ذلیل فرما و میان ما و او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد و سد محکمی که آن را نشکند. (۳) خدايا بر محمد و آل او درود فرست، و آنچنان کن که شیطان مطرود، بجای ما همواره با دشمنان هدم و همنشین باشد. و با حسین نگهداری والتفات ما را از شر او حفظ کن. و مکر او را از ما دور فرما و او را از ما رویگردان کن، و هرگونه وسوسه و مکر و حبله‌اش را از ما قطع فرما. (۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و همان اندازه که او در گمراهی و شقاوت است ما را از هدایت بهره‌مند فرما، و بر خلاف گمراهی و اغواي او، ما را زاد و توشه تقوی عطا فرما و بر خلاف راه او که راه تباها است ما را برآ پرهیزگاری ببر. (۵) پروردگارا، شیطان را در دلهای ما جای مبخش و برای او در آنچه نزد ما است جایگاهی آماده نکن. (۶) پروردگارا باطلی را که برای ما می‌آراید به ما بشناسان، و چون آن را به ما بشناساندی ما را از آن نگهدار، چشم ما را به چیزی که بتوانیم با آن، شیطان را بفریبیم بینا فرما، و به قلب ما الهم فرما که برای دور کردن او چیزی فراهم کنیم. واز خواب غفلت که میل به او را در خود دارد بیدارمان کن و با توفیق خود ما را به خوبی کمک کن که با وی بجنگیم (۷) پروردگارا، دلهای ما را با انکار محبت و طاعت شیطان آبیاری فرما و شکستن رشته‌های دام وی را به ما لطف کن. (۸) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و سلطنت شیطان را از محیط زندگی ما بگردان و امیدش را برای همیشه از اغواي ما به نومیدی بدل کن، و او را از حرص به اغواي ما بازدار (۹) پروردگارا بر محمد وآل او درود فرست، و پدران و مادران و فرزندان و خویشاوندان و دوستان و آشنايان و همسایگان ما را از مردان و زنان اهل ایمان در جایی محکم و در قلعه‌ای نگهبان و در پناهگاهی باز دارنده از شر شیطان ایمن دار و بر آنها جوشنى نگهدارنده بپوشان که از شر تیرهای جانگزای شیطان درامان باشند و به دست آنها حریه‌ای بران عطا فرما.

(١٢) اللهم اخلل ما عقد، واقتض ما رتق، وافسخ ما دبر، وثبطة إذا  
عزم، وانقض ما آبرم. (١٣) اللهم واهزم جنده، وابطل كيده واهدم  
كهفه، وازغم أنفه (١٤) اللهم اجعلنا في نظم أعدائه، واغز لنا عن  
عدا أولئك، لأنطique له إذا استهوانا، ولا نستجرب له إذا دعانا، نأمر  
بمنوااته، من أطاع أمرنا، ونعطي عن متابعته من أربع زجرنا.  
(١٥) اللهم صل على محمد خاتم النبيين وسيد المرسلين وعلى أهل  
بيته الطيبين الطاهرين، وأعذنا وأهالينا وأخواننا جميع المؤمنين  
والمؤمنات مما استعدنا منه، وأجزنا مما استحرنا بك من خوفه  
(١٦) واسمع لنا ما دعونا به، وأغطناماً أغفلناه، واحفظ لنا ما نسيناه،  
وصيرنا بذلك في درجات الصالحين ومراتب المؤمنين، أمين رب العالمين.



مركز تحقيق تراث الإمام زيد

(١٨)

وكان من دعائيه عليه السلام إذا دفع عنه  
ما يحذره أو عجل له مطلبه:

(١) اللهم لك الحمد على حسن قضائك، وبما صرفت عني  
من بلائك، فلا تجعل حظي من رحمتك ما عجلت لي من عافيتك  
فاكون قد شقيت بما أحببته وسعد غيري بما كرحت. (٢) وإن  
يكن ما ظللت فيه أوبت فيه من هذه الغافية بين يدي بلا لا ينتقطع  
وزر لا يرتفع فقدم لي ما أخرت، وأخر عني ما قدمت.

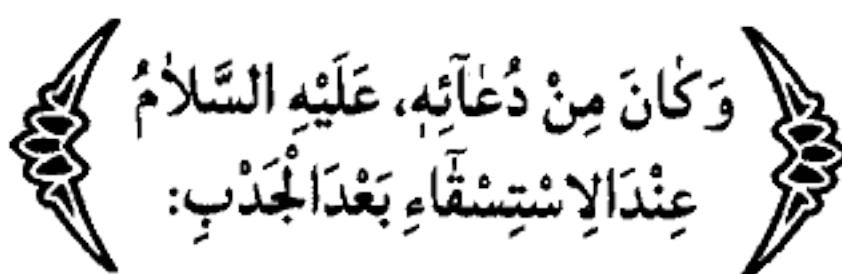
(۱۱) پروردگارا، این دعا را شامل حال کسی بگردان که به رویت تو گواهی می‌دهد و بر یکتایی تو اخلاص دارد و با حقیقت بندگی برای تو به دشمنی با شیطان بر می‌خیزد و نیز بر دشمنی با او در آموختن معارف آسمانی از تو پشتیبانی می‌خواهد. (۱۲) پروردگارا، آنگره‌ها را که شیطان بسته است بگشای و دوخته‌هایش را از هم بشکاف و تدبیرش بگسل و عزمش را بر هم زن و آنچه بر پا کرده است فرو بشکن. (۱۳) پروردگارا، لشکریانش را مغلوب کن (جمععش را پریشان ساز) و نقشش را بر آب کن و پناهگاهش را ویران کن و بینی‌اش را به خاک فرومال. (۱۴) پروردگارا، ما را در صف دشمنان شیطان فرار ده و از شمار دوستانش بیرون کن تا از وسوسه‌ها و فربیهای او پیروی نکنیم و آنگاه که ما را فرا خواند اجابت‌ش ننماییم، هر که از امر ما پیروی کند او را به دشمنی با شیطان فرمائش دهیم و کسی که نهی ما را بپذیرد از پیروی او بازش داریم. (۱۵) پروردگارا بر محمد خاتم پیامبران و سید رسولان و فرزندان طاهرینش درود بفرست و ما و قبیله ما و برادران ما و همه مردان و زنان اهل ایمان را از آنچه به تو پناه خواسته‌ایم و از آن همی ترسیم پناه ده. (۱۶) پروردگارا، دعای ما را بشنو و آنچه را غفلت کردیم به ما عطا فرما و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و به وسیله آن ما را در ردیف پارسایان و اهل ایمان قرار ده. آمین یا رب العالمین.

### دعای هجدهم: برای شکرگزاری

(۱) پروردگارا، شکر و سپاس تو را به خاطر تقدیر نیکوی تو، و به خاطر بلایی که از من دور کردی، پس بهره مرا از رحمت بی‌منتهای خویش تنها عافیتی که هم‌اکنون بهره‌مندم ساختی قرار نده که این وضع دلخواه من مایه شقاوتم گردد و دیگران به خاطر آنچه مورد پسند من نیست خوشبخت شوند. (۲) و اگر این عافیت که اکنون نصیبم گردیده و در آن روز را به شب یا شب را به روز بردہ‌ام به عافیت اخروی من زیان رساند و مرا به بلایی جاوید و رنجی پایدار گرفتار سازد پس آنچه برایم به واپس انداختی پیش آور و آنچه را پیش انداخته‌ای، مؤخر کن.

(٣) فَعَيْنَرْ كَثِيرٌ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ، وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلَّى  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

﴿١٩﴾



(١) اللَّهُمَّ اشْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ  
مِنَ السَّحَابِ الْمُسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُؤْنِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ.  
(٢) وَامْثُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِأَيْثَاعِ الشَّمَرَةِ، وَأَخْيِ بِلَادِكَ بِبُلُوغِ  
الزَّهْرَةِ، وَأَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ،  
دَائِمٍ غُزْرَةً، وَاسِعٍ دِرَرَةً، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ. (٣) ثُخِيْ بِهِ مَا قَدَّ  
مَاتَ، وَتَرْدِ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجْ بِهِ مَا هُوَ أَتِ، وَتُوَسِّعْ بِهِ  
فِي الْأَقْوَاتِ، سَخَابًا مُتَرَا كَمَا هَنَيْنَا مَرِيَنَا طَبَقًا مُجَلْجَلًا، غَيْرَ مُلْثُ  
وَذَقَةً، وَلَا خُلْبٌ بَرْقَةً. (٤) اللَّهُمَّ اشْقِنَا غَيْثًا مُغِيْثًا مَرِيْعًا  
عَرِيْضاً وَاسِعاً غَزِيرَاً، تَرْدِ بِهِ التَّهِيْضَ، وَتُجْبِرْ بِهِ الْمَهِيْضَ (٥) اللَّهُمَّ  
اشْقِنَا سَقِيَا تُسِيلُ مِنْهُ الظَّرَابَ، وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَتُسْجِرُ بِهِ  
الْأَنْهَارَ، وَتُثْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرْجِعُ بِهِ الْأَشْغَارَ فِي جَمِيعِ  
الْأَمْصَارِ، وَتُنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخُلُقَ، وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيَّبَاتِ الرُّزْقِ،  
وَتُثْبِتُ لَنَا بِهِ الرَّزْعَ وَتُدْرِئُ بِهِ الضَّرَعَ وَتُزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

(۳) آنچه فناپذیرد هر چه بسیار باشد باز هم اندک است ولی آنچه جاویدان بماند هر قدر کم و ناچیز باشد همچنان بسیار است و صلّ علی محمد و آل‌هـ.

### دعای نوزدهم:

#### در طلب باران

(۱) پروردگارا، به ما از باران رحمت بچشان و ما را سیراب گردان، و سایه رحمت را با باران پر برکت خویش از ابری که برای رویاندن سبزه‌ها و گیاهان در همه آفاق گسترشده است بگشای (۲) و بر بندگانت منت گذار و میوه‌های باغها را به بار آور، و شهرهایت را با شکفته شدن غنچه‌های شکفته گلها و گیاهان، شاداب وزنده‌دار، و فرشتگان بزرگوارت را که سفیران تواند شاهد و ناظر آن باران رحمت و سودمندت قرار بده، بارانی که همواره ببارد و فراگیر و دانه درشت باشد سخت و سریع و شتابان فرود آید.

(۳) خدا ایا، بارانی فرو فرست که سرزمینهای مرده‌مان را با آن زنده و سر سبز کنی و منفعتها بی که به خاطر قحطی و خشکسالی از دست داده‌ایم به ما بازگردانی، و از دل زمین گل و گیاه و میوه‌های گوناگون را بیرون آری، و روزیهای ما را فراوان کنی. آری، ای خدای بزرگ، ابری بر انگیز که روی هم انباسته باشد و خوشی و گوارائی به همراه آرد و گسترده‌اش فراگیر و صدای رعد از آن شنیده شود، همیشه ببارد و برقش فریبنده نباشد. (۴) پروردگارا، ما را از باران رحمت سیراب کن، بارانی که خشکسالی را بزداید و گیاهان را برویاند، وسیع و گسترشده و سرشار باشد. به وسیله آن گیاهان سر سبز و خرم سالهای گذشته را بازگردانی و گیاهان شکسته و پژمرده را با نشاط کنی و پرورش دهی. (۵) پروردگارا به ما آب را ارزانی دار، آبی که آنرا بر تل‌ها جاری سازی، و چاهها را پر گردانی و از آن، جویها جاری کنی و درختها برویانی و قیمتها را در همه شهرها کاهش دهی، و مایه شادابی و نشاط چهارپایان و آفریدگان را فراهم کنی و روزیهای پاکیزه را برای ما کامل گردانی و کشت ما را با آن برویانی و پستان چهار پایان را پر از شیر سازی، و توان بر توان ما بیفزایی.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سُومًا، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا،  
وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاجًا.  
(٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٢٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ  
الْأَخْلَاقِ وَمَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلْغْ بِاپْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ،  
وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَاثْتَهِ بِنِيَّسِي إِلَى أَخْسَنِ النِّيَّاتِ،  
وَبِعَمَلِي إِلَى أَخْسَنِ الْأَعْمَالِ. (٢) اللَّهُمَّ وَفِرْ بِلُطْفِكَ نِيَّسِي، وَصَحْخَعْ  
بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَضْلِعْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي. (٣) اللَّهُمَّ  
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغُلُنِي الْإِهْتِسَامُ بِهِ، وَاسْتَغْمِلْنِي  
بِمَا تَسْأَلْنِي غَدَأَ عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَأَغْنِنِي  
وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تَقْتِنِي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْلِيَّنِي  
بِالْكِبَرِ، وَعَبَّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجُبِ، وَاجْرِ لِلنَّاسِ  
عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَلَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنْ، وَهَبْ لِي مَعَالِي الْأَخْلَاقِ،  
وَاغْصِنْنِي مِنَ السَّفَرْ. (٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا  
تُخَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقُدْرَهَا.

(۶) پروردگارا، سایه آن ابر را بر ما گرم مگردان و سردیش را بر ما شوم نساز و بارش آن را مایه عذاب ما فرار نده و آبشن را شور نکن.

(۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به ما از برکات آسمانها و زمین روزی عطا کن، زیرا، تو بر هر چیزی توانایی.

### دعای بیستم:

#### درخواست توفیق از خدا

(۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و ایمانم را به کاملترین درجه ایمان برسان و یقینم را بهترین یقین فرار ده، و فرجام نیتیم را بهترین نیتها بگردان و عملیم را به بهترین اعمال برسان.

(۲) پروردگارا، با لطف خودت نیتیم را نیکوگردان، و یقینم را با رحمت بی پایان از گزند انحراف، مصون دار، و با قدرت بی انتهایت، هر عمل فاسدی که از من سرزده است اصلاح فرما.

(۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و اموری را که اهتمام به آنها مشغولم می کند کفايت فرما و مرا بکاري که فرداي قیامت از من در خواست می کنم و ادارگن و در ایام عمرم فراغتی بخش تا بکاري که برای آنم آفریده ای بپردازم و بی نیازم کن و به من روزی وسیع عطا فرما و عزت ببخش و گرفتار فکر و خود پسندی نکن و به عبادت خالص مشغولم دار و عبادتم را با عجب و غرور باطل نکن و کارهای خیر برای مردم را بدست من اجراء کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن، و مرا به بالاترین زیورها و ارزشهاي اخلاق، آراسته کن. و مرا از فخر مصون دار.

(۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با هر اندازه ای که میان مردم مرا مرتبت می بخشی پیش خودم به همان مقدار خوارم کن، و هر عزت ظاهری که برایم پدیدار می سازی بهمان اندازه پیش نقسم برای من خواری باطنی پدید آور.

(٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّغِنِي بِهُدَىٰ صَالِحٍ  
لَا أَشْبَدُلُ بِهِ، وَطَرِيقَةٌ حَقٌّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَنِيَّةٌ رُشْدٌ لَا أَشْكُ  
فِيهَا، وَعَمْرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِّهِ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي  
مَرَّتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتَكَ إِلَيَّ، أَوْ  
يَسْتَخِكَمْ عَصْبَكَ عَلَيَّ. (٦) اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَضْلَةً ثُغَابًا مِنْتِي  
إِلَّا أَضْلَخَتَهَا، وَلَا عَائِبَةً أَوْتَبَ بِهَا إِلَّا حَسَّثَتَهَا، وَلَا أُكْرُومَةً فِي  
شَاقِصَةٍ إِلَّا أَشْمَمَتَهَا. (٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَأَبْدِلْنِي مِنْ بُغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمَحَبَّةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ  
الْبَغْيِ الْمَوَدَّةِ، وَمِنْ ظِلَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الشَّفَّةِ، وَمِنْ عَدَاوَةِ  
الْأَذَّيْنِ الْوَلَايَةِ، وَمِنْ غُثُوقِ ذُوِّي الْأَرْخَامِ الْمَبَرَّةِ، وَمِنْ  
خِذْلَانِ الْأَقْرَبَيْنِ النُّصْرَةِ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِبِنِ تَضْعِيفِ الْمِقَةِ،  
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسَيْنِ كَرْمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَازَةِ حَوْفِ الظَّالِمِينِ  
حَلَاوةَ الْأَمْنَةِ. (٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي  
يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَّمَنِي، وَظَفَرًا  
بِمَنْ عَانَدَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايدَنِي، وَقُذْرَةً عَلَى  
مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي،  
وَوَقْتَنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي. (٩) اللَّهُمَّ  
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدَّدْنِي لِأَنْ أُغَارِضَ مَنْ غَشَّنِي  
بِالْتُّضْحِيَّةِ، وَأَجْزِيَّ مَنْ هَجَرَنِي بِالْأَبْرِيَّةِ، وَأُثْبِبَ مَنْ حَرَّمَنِي  
بِالْبَذْلِ، وَأَكْفَافِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصُّلْلَةِ، وَأَخْالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي  
إِلَى خُسْنِ الذُّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأَغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ.

(۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فrst و چنان کن که از هدایت شایسته بهره مند شوم و آن را با هیچ چیز عوض نکنم و از راه حق بهره مند گردم و از آن بیرون نروم، و به نیت درست دست یابم و در آن شک نکنم، و تا هنگامی که عمرم در راه طاعت تو می گذرد به من عمر بدء و آنگاه که عمرم چراگاه شیطان شود، پیش از آنکه دشمنی سخت توبه من رو آورد یا خشم تو محکم و پایدار گردد جانم را بگیر. (۶) پروردگارا، هیچ خصلتی را که مردم زشت بدانند در من نگذار مگر آنکه اصلاحش کنی، و هیچ عادت ناپسندی را که مردم سرزنشم کنند باقی نگذار مگر آنکه نیکش سازی، و هیچ خوی پسندیده ای را در من ناقص نگذار مگر آنکه کاملش کنی. (۷) پروردگارا بر محمد و آل او درود فrst، و دشمنی سخت دشمنان را درباره من به دوستی تبدیل کن و حسد و بدخواهی سرکشان را به محبت تغییر ده و بدگمانی صالحان را به اطمینان و دشمنی نزدیکان را به دوستی و بدرفتاری خویشان را به خوشرفتاری و خوار کردن نزدیکان را به یاری، و دوستی مدارا کنندگان را به دوستی واقعی و رفتارهای اهانت آمیز را به آمیزش نیک و تلخی ترسی از ستمگران را به شیرینی ایمنی مبدل فرما. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst و در برابر کسی که به من ستم کرده توانایی بخش و در برابر کسی که با من بحث و مخاصمه کند، حجت و برهان بدده، و در برابر کسی که با من عناد و کینه بورزد پیروزی عطا کن، و به من در برابر کسی که درباره ام حیله کند مکر و چاره ببخش، و در برابر کسی که بر من چیره شود توانایی بده و در برابر کسی که به من دشنام دهد تکذیب عطا کن، و در برابر آنکه مرا بترساند، تندرنستی ببخش و به من توفیق ده تا از کسی که مرا به راه راست هدایت کند و به ارشاد و راهنماییم همت گمارد پیروی کنم. (۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst و به من کمک کن تا با کسی که با من غیش کرده است با نصیحت و درستی رفتار کنم و پاداش کسی را که از من دوری گزیده است به نیکی بدهم، و کسی که مرا نومید کرده با بذل و بخشش جبران کنم، و با کسی که از من بریده، با پیوستن رویا رویی نمایم، و از کسی که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم، و نیز توفیقم ده تا نیکی را سپاس گویم و از بدی

چشم بپوشم:

(١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلْنِي بِحُلْمِ الصَّالِحِينَ، وَأَبْشِنِي  
زِينَةَ الْمُتَقِّينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظِيمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّاثِرَةِ، وَضَمِّ  
أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْغَارِفَةِ، وَسَرِّ الْعَائِبَةِ،  
وَلِبِنِ الْعَرِبَكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيِّرَةِ، وَسُكُونِ الرَّبِيعِ،  
وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبِقِ إِلَى الْفَضْلَةِ، وَإِبْشَارِ الشَّفَّالِ، وَتَرْوِكِ  
الثَّغَيْرِ، وَالْأَفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ،  
وَاسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ  
مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَأَكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ،  
وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ، وَمُسْتَقْبَلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرِعِ.(١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقَكَ عَلَى إِذَا كَبَرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِي  
إِذَا نَصَبْتُ، وَلَا تَبْتَلِّنِي بِالْكَسْلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا أَعْمَنِ عَنْ  
سَبِيلِكَ، وَلَا بِالتَّعَرُّضِ لِلْخَلَافَ (جَعَلَكَ)، وَلَا مُجَامِعَةً مَنْ تَفَرَّقَ  
عَنْكَ، وَلَا مُفَارِقَةً مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.(١٢) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ  
عِنْدَ الْضَّرُورَةِ، وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَاتَّضَرِعُ إِلَيْكَ عِنْدَ  
الْمَسْكَنَةِ، وَلَا تَقْتَنِي بِالإِسْتِغْانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ  
لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَرَتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهِبْتُ،  
فَأَشْتَحِقُ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَإِغْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.  
(١٣) اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوْعَى مِنَ الشَّمْنِي وَالشَّظْنِي  
وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَنْكِرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذَبِّرًا عَلَى  
عَدُوكَ، وَمَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَمِّ  
عَرْضٍ أَوْ شَهَادَةً بِاُطْلِيلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبٌ حَاضِرٍ

(۱۰) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به زینت صالحان آراسته فرما وزیور پرهیزکاران را به من بپوشان تا در گستردن عدل و فرونشاندن خشم، و خاموش کردن آتش کینه، و پیوند دلهای پراکنده و اصلاح و آشتی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکیها و پوشاندن زشتیها و عیبها، و نرم خوبی و تواضع و خوش سیرتی واستوار گامی، و معاشرت نیک، پیشنازی به سوی نیکیها و برگزیدن احسان و نفضل و ترک سرزنش، و ترک همکاری با نااهلان و به حق سخن گفتن هر چند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد، وزیاد شمردن بدی در گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته زیبایی و آراستگی صالحان گردم، و همه اینها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و بیشترین روزیت را به هنگام پیری که بر سنین عمرم افزوده می شود پرایم قرار بده و نیرومندترین تواناییت را آنگاه که به رنج و زحمت در افتتم به من ارزانی دار، و مرا با سنتی در بندگیت و کوری و گمراهی از راه مستقیم خودست آزمایش ممکن و هرگز مرا در معرض حرمان محبت قرار نده و با آمیختن با کسانی که از تو دوری گزیده‌اند و نیز با جدا شدن از کسانی که به سوی تو جمع شده‌اند گرفتارم مفرما.

(۱۲) پروردگارا، بگذار با نیروی تو بر شدائید حمله آورم و دست نیاز به سوی تو بگشایم و پیشانی تصرع و مسکنت بر آستان تو به خاک مالم، و مگذار به هنگام اضطرار دست نیاز به سوی دیگران دراز کنم و مگذار به هنگام احتیاج برای غیر تو از روی فروتنی خواهش کنم و نیز نپسند به موقع ترس، به درگاه غیر تو زاری نمایم که بدینسان سزاوار خواری و منع تو باشم و مستحق قهر و روی گرداندن تو گردم، ای بخشندۀ ترین بخشندگان.

(۱۳) پروردگارا، بجای آنچه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می افکند چنان کن که از عظمت تو یاد کنم و به توانایی تو بیندیشم و بر ضد دشمنان تو تدبیر نمایم، و بجای دشnam و ناسزا یا عیب جویی و عیب گویی یا گواهی دادن باطل یا غیبت کردن برادر مؤمن و یا ناسزا گفتن به برادر حاضر

وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ سُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِغْرَاقًا فِي الشَّنَاءِ عَلَيْكَ،  
 وَذَهابًا فِي تَسْمِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَإِغْرَاقًا بِإِخْسَانِكَ،  
 وَإِخْصَاءً لِمِنْتِكَ. (١٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَنَّ  
 وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ  
 إِنِّي، وَلَا أَضْلَنَّ وَقَدْ أَمْكَنْتَ هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ  
 وُسْعِي، وَلَا أَطْغَيْنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُجْدِي. (١٥) اللَّهُمَّ إِلَيْكَ مَغْفِرَتِكَ  
 وَفَدْتُ، وَإِلَيْكَ عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَيْكَ تَجَاوِزِكَ اشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ  
 وَثَقْتُ، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوْجِبُ لِي مَغْفِرَتِكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا  
 أَشَحَّقُ بِهِ عَفْوَكَ، وَمَا لِي بِغَدَ أنْ حَكَمْتَ عَلَيَّ نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ،  
 فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ. (١٦) اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى،  
 وَأَهْمِنِي التَّقْوَى، وَوَقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَرْكَنِي، وَاسْتَغْمِلْنِي بِمَا هُوَ  
 أَرْضِي. (١٧) اللَّهُمَّ اشْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُثْلِى، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلْتَكَ  
 أَمْوَاتُ وَأَخْيَى. (١٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَسْغِنِي بِالْإِقْتِصادِ،  
 وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ ضَالِّعِ الْعِبَادِ،  
 وَازْرُقْنِي فَوْرَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ. (١٩) اللَّهُمَّ حُذِّلْنِفِسِكَ مِنْ  
 نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَأَبْقِنِفِسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُضْلِلُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي  
 هَاكِهَةُ أَوْ تَغْصِمُهَا. (٢٠) اللَّهُمَّ أَنْتَ عُذْتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ مُشَجَّعِي إِنْ  
 حُرِّمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاشْتِي إِنْ كَرِّثْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَلِمَا  
 فَسَدَ صَلَاحُ، وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ، فَامْتَنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ  
 بِالْغَافِيَةِ، وَقَبْلَ الْطَّلَبِ بِالْجِدَةِ، وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَاكْفِنِي مَؤْنَةَ  
 مَعْرَةِ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَامْتَخِنِي حُسْنَ الْأَرْشَادِ.

و چیزهایی شبیه آن، بر زیانم می‌پاسگویی تو وستایش فراوان تو و حرکت در راه بزرگ شمردن تو و شکر نعمتهای فراوان تو و اعتراف به نیکی تو و بر شمردن نعمتهایت را جاری کن. (۱۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مگذار که بر من ستم رود در حالی که تو بر جلوگیری از ستم توانایی، و نیز روا مدار که من ستم کنم در حالی که تو می‌توانی مرا از ستم بازداری و تاراه هدایت تو باز است نپسند که در گمراهی بمانم، و نخواه که من نیازمند شوم در حالی که وسعت زندگیم از جانب تو است. و تا داراییم از سوی تو است مرا از طغیان و عصیان بازدار. (۱۵) پروردگارا، به گذشت و آمرزش تور روی کرده و اشتیاق دارم و به سوی بخشش تو آهنگ کرده‌ام و به گذشت تو اشتیاق دارم و به احسان و نیکی تو اعتماد آورده‌ام ولی دستم از آنچه موجب آمرزش تو گردد تهی است و در کردارم هیچ چیزی که به موجب آن، مستحق بخشش تو گردم وجود ندارد. و بعد از آنکه خویشن بر ضد خویش گواهی داده‌ام، جز به فضل تو امیدی ندارم. پس بر محمد و آل او درود فرست و فضل و احسان را بر من فرو فرست. (۱۶) پروردگارا، زیانم را به هدایت گویا کن و به قلب تقوی را الهام فرما، و بر آنچه پاکتر و پسندیده‌تر است توفیقم ده، و مرا به سوی آن فضیلت که رضایت ترا بیشتر تأمین کند بگمار. (۱۷) پروردگارا، مرا به بهترین راه ببر، و آنسان قرارم ده که بر دین تو بمیرم و زندگم گردد، (۱۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از میانه روی بهره‌مندگردان، و در صفت رستگاران و راهنمایان بخیر و نیکی قرارم ده و از بندگان شایسته به حسابم آور و رستگاری در قیامت و نجات وسلامتی از دوزخ را روزیم فرما (۱۹) پروردگارا، به خاطر رضای خویش آنچه مایه رهائیم شود از من بگیر، و برای من از خودم چیزی را بجای گذار که صلاح نفسم باشد، زیرا نفس من هلاک خواهد شد مگر آنکه تو آنرا مصون داری و در پناه حصمت تو قرار گیرد. (۲۰) پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایه سامان و خشنودی منی، و آنگاه که محروم و نومید گردم، فریاد رس و امیدم توبی، و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم توبی آنچه از دست ما بدر رود نزد تو باز خواهیم یافت. و آنچه به فساد گراییده است نزد تو صلاح و سازگاری خواهد یافت و در آنچه زشت شمرده‌ای تغییرش به دست تو است، پس، پیش از گرفتاری، بر من عافیت و تندرستی ببخش، و پیش از خواستن، حاجت روا کن و پیش از گمراهی، راهنمایمان گردان، و مرا از عیب جویی بندگان کفایت فرما، وايمنی و راحتی روز قیامت را بر من ببخشای و به من خوبی ارشاد و راهنمایی کردن را عطا فرما.

- (٢١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرِأْعَنِي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي  
بِنِعْمَتِكَ، وَاصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ، وَداوِنِي بِصُنْعِكَ، وَاظْلَنِي فِي  
ذَرَاكَ، وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ، وَوَفْقِنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا،  
وَإِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاهَى قَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.
- (٢٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوْجِنِي بِالْكِفَايَةِ، وَسُمِّنِي  
حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَفْتَنِي بِالسَّعْةِ،  
وَامْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدَأَكَدَا، وَلَا تَرْدَدْ  
دُعَائِي عَلَى رَدَدَا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدَا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدَا.
- (٢٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَغِنِي مِنَ السَّرَّافِ، وَحَصِّنِ  
رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّنْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ، وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ  
الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ. (٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَاكْفِنِي مَؤْنَةَ الْأَكْتِسَابِ، وَازْرُقْنِي مِنْ غَيْرِ اخْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغلَ  
عَنْ عِبَادَتِكَ بِالْطَّلبِ، وَلَا أَخْتَمِلَ إِضْرَابَتِ الْمَكْسَبِ. (٥) اللَّهُمَّ  
فَأَطْلِبْنِي بِقُدْرَاتِكَ مَا أَطْلَبْ، وَأَجْزِنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبْ. (٦) اللَّهُمَّ  
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنِّ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَذِلْ جَاهِي  
بِالْإِقْتَارِ فَأَشْرَقْ زَقَّ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَشْغَطْنِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتَنِنِ بِحَمْدِ  
مَنْ أَعْطَانِي، وَأَبْشِلِنِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلَئِنِ الْأَعْطَاءُ  
وَالْمَنْعُ. (٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ  
وَفَرَاغَةِ زَهَادَةِ، وَعِلْمًا فِي اشْتِغَالِ، وَوَرَعًا فِي اجْتِمَاعِ.  
(٨) اللَّهُمَّ أَخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجْلِي، وَحَقْقَنِي فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمْلِي،  
وَسَهَّلْ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبْلِي، وَحَسْنَ فِي جَمِيعِ أَخْوَالِي عَمَلِي.

(۲۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst و به لطف خویش، پیشامدهای بد را از من دور کن، به نعمت خویش مرا پرورش ده، و به کرم و بخشش خویش مرا اصلاح کن و به صنع و رحمت خویش دردم را درمان فرما، و در سایه رحمت بی پایانت مرا جای ده و خوشنودیت را شامل حالم گردان، و چون کارها به هم در پیچند، درست ترین آنها را بر من بنمایان، و آنگاه که اعمال با یکدیگر مشتبه شوند به پاکیزه ترین آنها هدایت فرما و وقتی اقوام و مذاهب، روی در روی یکدیگر شوند به حمایت و پیروی از پسندیده ترین آنها توفیقم ده. (۲۲) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst، و تاج و دیهیم بی نیازی و قناعت را بر سرم بگذار و مرا با زیبایی ولایت در کارهایی که به آن قیام می کنم بیارای، و به من، صداقت در هدایت عطا فرما، و به فتنه ثروت و فراخی گرفتارم نکن، وزندگی آسوده و آرامش خاطر به من ارزانی دار، وزندگی را بر من دشوار مساز، و دعایم را به سوی من بازمگردان زیرا، من آن بندۀ مخلصی هستم که برای تو شریکی فرار نمی دهم و ببا تو مانندی را نمی خوانم.

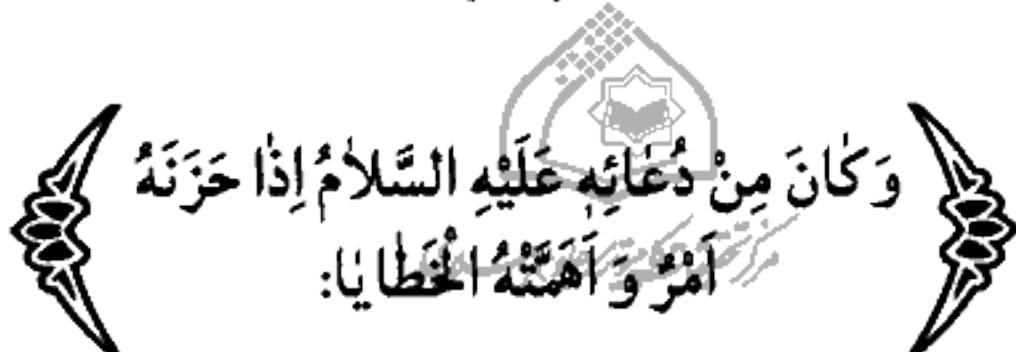
(۲۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst و مرا از زیاده روی بازدار، و روزی ام را از زیان و تلف ایمن دار و به دارائیم برکت ده، و مرا به خاطر آنچه از دارائیم به نیکی اتفاق می کنم به راه هدایت و رستگاری برسان. (۲۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst، و تلاش معاش را بر من آسان گردان و بی حساب روزیم ده تا از بندگی تو به خاطر بدست آوردن روزی باز نمانم، و پیامدهای ناگوار کسب را تحمل نکنم.

(۲۵) پروردگارا، به قدرت کاملهات خواسته هایم را برآور، و به عزّت و چیرگیت از آنچه می ترسم پناهم ده. (۲۶) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst و آبرویم را در میان مردم نگهدار، ارزشم را بآنیازمندی به خلق، کم نکن تا از روزی خوارانت روزی بخواهم، و دست نیاز به سوی آفریدگان پست و شریرت دراز کنم و بستایش آنکه به من چیزی بخشیده گرفتار شوم و به نکوهش کسی که مرا منع کرده است مبتلا گردم، در حالتی که بخشیدن و نببخشیدن بدست تو است و تو ولی آنی، نه ایشان.

(۲۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فrst، و تندرستی در عبادت را به من ارزانی دار و نیز فرات و آسایش در زهد را و علم با عمل و پرهیز کاری همراه با میانه روی را روزی من فرما. (۲۸) پروردگارا، روزگارم را با عفو و بخشش خویش به انجام رسان، و آرزویم را در امید به رحمت خویش محقق ساز، و راههایم را برای رسیدن به خوشنودیت آسان فرما، و در همه حالات، عمل ام را نیکو گردان.

(٢٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَكْفُنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ،  
وَاسْتَغْفِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَيْ لِي إِلَى مَحِبَّتِكَ سَبِيلًا  
سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٣٠) اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى  
أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَأَنْتَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ  
عَذَابَ النَّارِ.

(٤١)



(١) اللَّهُمَّ يَا كَافِي الْفَرِدِ الْمُضَعِّفِ، وَوَاقِي الْأَمْرِ الْمَخْوِفِ، أَفْرَدْتَنِي  
الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبٌ مَعِي، وَضَعَفْتُ عَنْ غَضِبِكَ فَلَا مُؤَيَّدٌ لِي،  
وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسْكُنٌ لِرَوْعَتِي (٢) وَمَنْ يُؤْمِنُ  
مِثْكَ وَأَنْتَ أَخْفَشِنِي، وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي، وَمَنْ  
يُقْوِيَنِي وَأَنْتَ أَضْعَفْتَنِي؟ (٣) لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى  
مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى  
مَطْلُوبٍ. (٤) وَبِيَدِكَ، يَا إِلَهِي، جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمَفْرُوْ  
الْمَهْرَبُ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِزْ هَرَبِي، وَأَسْجِعْ مَطَلَبِي.

(۲۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و در اوقات فراموشی و غفلت، برای یاد خودت بپدارم کن و در ایام مهلت (زندگی دنیا) بکار بندگی و ادارم کن، و مرا به سوی محبت خویش در راهی هموار و آسان ببر، و با محبت خودت، خبر دنیا و آخرت را برایم کامل فرما.

(۳۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست همچون بهترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگان خود فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد. و به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا فرما، و با رحمت واسعه اات مرا از عذاب آتش نگهدار.

### دعای بیست و یکم: هنگام اندوه و نگرانی از گناه



(۱) پروردگارا، ای کفایت کننده فرد ناتوان، و ای نگهدارنده امر و حشتناک، گناهانم مرا بی کس و تنها کرده است و هیچ یار و همراهی جز توندارم، و از خشم و غصب تو، ناتوان شده ام و کسی که از من پیشیباقی کند جز تو نیست، و می دانم که به زودی به سوی تو باز خواهم گشت و از لفای تو می ترسم و در هراسم و هیچ تسکین دهنده ای برای ترسم وجود ندارد.

(۲) و کیست که از تو ایمن ام سازد در حالی که تو مرا ترسانده ای، و کیست مرا یاری دهد هنگامی که تو مرا بی کس و تنها گذارده ای، و کیست به من توانایی بخشد در جایی که تو مرا ناتوان ساخته ای؟

(۳) ای خدای من، جز پروردگار، پروردگر خود را پناه نمی دهد، و جز چیره و غالب، شکست خورده را ایمنی نمی بخشد. و جز جوینده و طالب، مطلوب را یاری نمی کند.

(۴) ای خدای من، همه آن اسباب بدست توانای تو است، و فرار و گریز به سوی تو است، پس بر محمد و آل او درود فرست، بدرگاه خویش پناهم ده و آرزویم را برآور.

- (٥) اللهم إنك إن صرفت عنى وجهك الكريم أو منعك فضلك الجسيم أو حظرت على رزقك أو قطعت عنى سببك لم أجد السبيل إلى شيءٍ من أملٍ غيرك، ولم أقدر على ما عندك بمعونةِ سواك، فإني عبدهك وفي قبضتك، ناصيتي بيدهك. (٦) لا أمر لي مع أمرك، ماضٍ في حكمك، عدلٌ في قضاوك، ولا ثوةٌ لي على الخروج من سلطانك، ولا أستطيع مجاوزة قدرتك، ولا أستميل هواك، ولا أبلغ رضاك، ولا أنا أملك ما عندك إلا بطاعتكم وفضل رحمتك. (٧) إلهي أصبحت وأمسكت عبداً داخراً لك، لا أملك لنفسي نفعاً ولا ضرّاً إلا بك،أشهد بذلك على نفسي، وأعترف بضعف قوّتي وقلة حيلتي، فأنجز لي ما وعدتني، وتمم لي ما أتيشتني، فإني عبدهك المُشكين المُستكين الضعيف الضريير الحقير المتهين الفقير الخائف المستجير.
- (٨) اللهم صل على محمدٍ واله، ولا تجعلني ناسياً لذكرك فيما أوليتني، ولا غافلاً لإنسانك فيما أبلتني، ولا أيساً من إجازتك لي وإن أبطأك عني، في سراء كنت أو ضراء، أو شدة أو رحاء، أو عافية أو بلاء، أو بؤس أو نعماء، أو جدة أو لواء، أو فقر أو غنى.
- (٩) اللهم صل على محمدٍ واله، واجعل ثنائي عليك، ومدحني إليك، وحمدك لك في كل حالاتي حتى لا أفرح بما أتيشتني من الدنيا، ولا أحزن على ما منعك فيها، وأشعز قلبي تقواك، واستعمل بدني فيما تقبله متنى، واسغل بطاعتكم نفسي عن كل ما يردد على حتى لا أحب شيئاً من سخطك، ولا أشخط شيئاً من رضاك. (١٠) اللهم صل على محمدٍ واله، وفرغ قلبي لمحيتك، واسفله بذكرك، وانعش

(۵) پروردگارا، اگر روی کریم خویش را از من برگردانی یا از فضل و احسان بزرگ محروم داری یا روزت را بمن دریغ نمایی، یا اگر وسیله و سبب رحمت را از من قطع کنی جز تراحتی به سوی چیزی از آرزویم نمی‌یابم، و توان رسیدن به آنچه نزد تو است به کمک غیر تو ندارم، زیرا، من بندۀ تو و در مشت توام، موی پیشانی من در دست توانای تو است. (۶) برای من هیچ امری با بودن فرمان تو نیست. فرمان تو درباره من جاری است و قهلاً و قدر تو درباره من عین عدالت است، و من توانایی بیرون رفتن از سلطنت تو را ندارم، و نمی‌توانم از حیطة قدرت تو فراتر روم، و نیز نمی‌توانم محبت و دوستی تو را متوجه خود کنم، و به خشنودیت نمی‌رسم، و به آنچه نزد تو است جز با اطاعت و فرمابنبریت و فزونی رحمت نمی‌رسم.

(۷) پروردگار من، شب را بروز می‌آورم و روز را به شب می‌رسانم در حالی که بندۀ خوار توام، نمی‌توانم جز با کمک تو نفعی به خویشتن برسانم و ضرری را از خویشتن دور کنم درباره خودم با آنچه گفتم گواهی میدهم و به ناتوانی و بیچارگی خویشتن اعتراف می‌کنم، پس تو ای خدای بزرگ! آنچه را به من وعده داده‌ای وفا کن و نعمتهايی را که به من ارزانی داشته‌ای بكمال و تمام برسان، زیرا، من، بندۀ بی‌چیز فروتن، ناتوان، بدحال، کوچک، خوار، فقیر، ترسان و پناهندۀ تو هستم.

(۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و نگذار که یاد تو از یاد برم و نعمتهاي تو را فراموش کنم و نپسند که از احسان تو در مورد آنچه به من بخشدیده‌ای غفلت کنم، و روا مدار که از روا ساختن و اجابت تو نسبت به خودم هر چند دیرتر مرا دریابد نومید شوم خواه در آسایش باشم و خواه در رنج، خواه در سختی و خواه در خوشگذرانی، در تندرنستی باشم یا در گرفتاری و بیماری، نیازمند و بدحال باشم یا در نعمت، خواه در توانگری باشم و خواه در درویشی، نیازمند باشم یا بسی نیاز

(۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و چنان کن که سپاس و ستایش ویژه تو باشد و تنها تو را آسایش کنم و تنها به سپاسگزاری تو در همه احوالم لب بگشایم، تا به آنچه از دنیا به من داده‌ای شاد نشوم و بر آنچه از آن بازم داشته‌ای واز کف داده‌ام اندوهگین نگردم، در دلم پرهیزکاری از خودت را الهام کن و بدئم را در آنچه مقبول تو است بکار گمار و نفس مرا از هر چه به من رو آورد به طاعت خویش مشغول ساز تا آنچه تو را به خشم می‌افکند دوست نداشته باشم و آنچه رضای تو را تأمین کند متغور ندارم. (۱۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و قلب مرا از هر چه جز

بِخُوفِكَ وَبِالْوَجْلِ مِنْكَ، وَقُوَّهُ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَمْلَهُ إِلَى طَاعَتِكَ،  
وَأَجْرِيهِ فِي أَحَبِ السَّبِيلِ إِلَيْكَ، وَذَلِلُهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ  
حَيْوَتِي كُلُّهَا. (١١) وَاجْعَلْ تَفْوَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى رَحْمَتِكَ  
رِخْلَتِي، وَفِي مَرْضَايَكَ مَدْخَلِي، وَاجْعَلْ فِي جَنَاحِكَ مَثْوَايَ، وَهَبْ لِي  
قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَايَكَ، وَاجْعَلْ فِرَارِيَ إِلَيْكَ، وَرَغْبَتِي فِيمَا  
عِنْدَكَ، وَالْبِسْنَ قَلْبِيَ الْوَحْشَةَ مِنْ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْأَنْسَ بِكَ  
وَبِأَوْلِيائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ. (١٢) وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَىٰ مِنَّهُ،  
وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بَيْنَ أَيْمَانِهِ حَاجَةً، بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأَنْسَ  
نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ. (١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَىٰ  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِيبًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَامْتَنْ عَلَىٰ  
بِشَوْقِ إِلَيْكَ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا ثَبَّتْ وَتَوَضَّى، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَئِءٍ  
قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

(٢٢)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشُّدَّةِ  
وَالْجَهَدِ وَتَعَسُّرِ الْأُمُورِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلْفَشَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي، وَقُدْرَتُكَ عَلَيْهِ  
وَعَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي، فَاغْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرِضِيكَ عَنِّي، وَخُذْ  
لِنَفْسِكَ رِضاها مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ.

محبت تو است خالی کن، و بیاد خود مشغول گردن و از خوف و ترس خویش بلند مرتبه و بیدارش ساز و با رغبت و عشق به سوی خویش تواناییش کن، و به طاعت خویش روی آورنما، و در خوشایندترین راههای به سوی خودت روانه‌اش فرما، و با رغبت و اشتیاق در آنچه نزد تو است در همه روزهای زندگیم رام و خوارش کن.

(۱۱) خدای من، چنان کن که نقوای تو توشة من از دنیا باشد. و سفر من به سوی رحمت واسعة تو گردد و در خشنودیت مرا داخل کن، و جایگاهم را در بهشت قرار بده و به من توانی عنایت فرماتا با آن همه خوشنودی تو را بدست آورم. گریزم را بسوی خودت و اشتیاق و خواهشم را به آنچه نزد تو است قرار ده. خدای من، بر قامت دلم، از آفریدگان بد و شریرت، لباس ترس بپوشان و بر من دوستی و انس با خودت و با دوستان و اهل طاعت را ارزانی دار.

(۱۲) روا مدار آنان که معصیت تو می‌کنند و تو را به یکتایی نمی‌پرسند بر من منت گذارند و بر من دستی داشته باشند، و نخواه که من دست نیاز به سوی آنها بگشایم، بلکه چنان کن که آرامش دل والفت جان و بی نیازی و کفایتم به تو و نیکان خلق تو بسته باشد. مرزا تقی خان کوچک پسر حسین

(۱۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا همنشین آنها فرام ده و لیاقت یاری آنها نصیم کن و با شوق و دل باختگی به سوی خودت و با انجام آنچه دوست داری و خوشنود می‌گردی بر من منت گزاره، زیرا تو بر هر چیز توانایی و خواسته من برای تو آسان است.

## دعای بیست و دوم:

### هنگام سختی و رنج

(۱) پروردگارا، تو به چیزی مرا مکلف فرموده‌ای که خود به انجام آن از من تواناتری، و توانایی تو بر آن و بر من بیشتر از توانایی من است. پس، آنچه تو را از من خشنود می‌کند به من عطا فرما در حال عافیت و تندرنستی از من خشنود باش.

(٢) اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ، وَلَا صَبَرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي  
عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَخْطُرْ عَلَى رِزْقِي، وَلَا تَكْلِنْتِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرَّدْ  
بِحاجَتِي، وَتَوَلَّ كِفَايَتِي. (٣) وَانظُرْ إِلَيَّ وَانظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي،  
فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أَقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحتُهَا،  
وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ شَجَهَمُونِي، وَإِنْ الْجَاتِنِي إِلَى قَرَابَتِي  
حَرَمُونِي، وَإِنْ أَغْطُوا أَغْطُوا قَلِيلًا نَكِيدًا، وَمَتُّوا عَلَى طَوِيلًا، وَذَمُوا  
كَثِيرًا. (٤) فِي فَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَاغْنِنِي، وَبِعَظَمَتِكَ فَانْعَشِنِي، وَبِسَعْتِكَ  
فَابْسُطْ يَدِي، وَبِمَا عِنْدَكَ فَاكْفِنِي. (٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُرْنِي عَنِ الدُّنْوَبِ، وَوَرِّغْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ،  
وَلَا تُجْرِئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي، وَاجْعُلْ هَوَاهِي عِنْدَكَ، وَرِضَايَ فِيمَا يَرِدُ  
عَلَيَّ مِنْكَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا حَوَلْتَنِي وَفِيمَا آنْعَمْتَ بِهِ  
عَلَيَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالاتِي مَخْفُوظًا مَكْلُوًّا مَسْتُورًا مَمْثُوا مَعَاذًا  
مُجَارًا. (٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ عَنِي كُلَّ مَا أَرَأَيْتَ  
وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِي مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِخَلْقِي مِنْ خَلْقِكَ  
وَإِنْ ضَعَفَ عَنْ ذَلِكَ بَدَنِي، وَوَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَنْلِهِ مَقْدُرَتِي،  
وَلَمْ يَسْعِهِ مَالِي وَلَا ذَاتِي، ذَكْرَتُهُ أَوْ نَسِيَّتُهُ. (٧) هُوَ، يَا رَبَّ،  
مِمَّا قَدْ أَخْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَأَغْلَقْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَادْهُ عَنِي مِنْ جَزِيلِ  
عَطِيَّتِكَ وَكَثِيرٌ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ  
مِنْهُ ثُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ يَا رَبَّ. (٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي الرَّغْبةَ  
فِي الْعَمَلِ لَكَ لَا يَخْرُتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَحَتَّى

(۲) پروردگار، بر رنجها و مشقتها توانایی ندارم و برگرفتاری و بلا، بر دبار و شکیبا نیستم و در فقر و تنگدستی ناتوانم، پس، روزیم را از من دریغ مدار و مرا به خلق خویش و امگذار، بلکه خود به تنها یی خواسته ام را بر آور و امورم را کفايت کن (۳) و به سوی من نظر کن و در همه کارهایم به من نظر نما، زیرا، اگر مرا بخود واگذاری از انجام آن کارها ناتوان خواهم شد و به آنچه مصلحتم در آن است همت نمی گمارم، و اگر مرا به خلق خویش واگذاری با ترسرویی به من بنگرنم. و اگر مرا به خویشانم واگذاری از مساعدت، محروم و نومید کنند. و اگر ببخشند، اندک و ناگوار ببخشند و مت فراوان بگذارند و نکوهش بسیار روا دارند. (۴) پس به فضل و احسان خویش، ای پروردگار من، بی نیازم گردان و به بزرگی خویش، مرتبه ام بالابر، و به قدرت کاملهات، دستم را بگشای (گره از کار فرو بسته من باز کن) و به آنچه نزد تو است بی نیازم کن. (۵) پروردگار، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از نکبتِ رشك برهان و از آلایش گناهان بازم دار، و از حرامها پرهیزگارم فرما و بر گناهان، جرأتم مده، و چنان کن که میل و خواهشمن نزد تو باشد و خشنودیم در چیزی باشد که از جانب تو بر من می رسد. و ای خدای من، در آنچه روزیم کرده ای و آنچه به من بخشیده ای و احسان کرده ای، برکت و فزونی قرار ده، و مرا در همه حالات، محفوظ دار و عیبها و زشتیهايم در پرده، پنهان ساز، و از ناگواریهای عالم نگاهم دار و در جوار رحمت پناهم ده. (۶) پروردگار، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در انجام تکالیفی که بر من الزام کرده ای موفق بدار، هر چند بدنم از انجام آن، چه برای خود و چه برای آفریده ای از آفریدگان ناتوان باشد و نیرویم از بجا آوردنش سستی نشان دهد. و توانم به حد آن نرسد و سرمایه و دستیارم گنجایش آن را نداشته باشد، خواه آن را بیاد داشته یا فراموش کرده باشم. (۷) ای پروردگار من، آن تکلیف از تکالیفی است که تو بر من واجب شمرده ای و من از روی غفلت آن را انجام نداده ام، پس، به خاطر عطای بزرگ و فراوانی آنچه در خزانه رحمت وجود دارد انجام آن را از جانب من بعده گیر، زیرا، تو توانگر بخشنده ای. آری، ای پروردگار بزرگ چنین کن تا در روزی که با تو ملاقات می کنم هیچ چیزی نباشد که بخواهی به خاطر آن، نیکیهایم را کم کنی یا بر بدیهایم بیفزایی. (۸) پروردگار، بر محمد و آل او درود فرست و برای آخر تم شوق و رغبت در عمل برای تو را

يَكُونُ الْفَالِبُ عَلَى الرُّهْدَ فِي دُنْيَايَ، وَهَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا،  
وَأَمِنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقاً وَخَوْفًا، وَهَبَ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ،  
وَاهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشَّكُّ وَالشُّبُهَاتِ  
(٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي خَوْفَ غَمِ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ  
ثَوَابِ الْمَوْعِدِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَذْعُوكَ لَهُ، وَكَابَةَ مَا أَشْجِرُ بِكَ مِثْهَةً  
(١٠) اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُضْلِلُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِعَوْاْثِجِي  
حَفِيًّا. (١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَازْرُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَهُ  
تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسُرِ وَالْغُسْرِ وَالصُّحَّةِ  
وَالسَّقَمِ، حَتَّى أَتَعْرَفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرُّضَا وَطَمَانِيَّةَ النَّفْسِ مِنِي  
بِمَا يُحِبُّ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي خَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرُّضَا وَالسُّخْطِ  
وَالضَّرِّ وَالنَّفْعِ. (١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي سَلَامَةَ  
الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَخْسِدَ أَخْدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ  
فَضْلِكَ، وَهَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعِمَكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينِ أَوْ  
دُنْيَا أَوْ عَافِيَّةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ  
بِكَ وَمِنْكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَازْرُقْنِي التَّحْفِظَ مِنَ الْخَطَايا، وَالإِخْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا  
وَالآخِرَةِ فِي خَالِ الرُّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُما  
بِمَنْزِلَةِ سَوَاٰءِ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْثِرًا لِرِضاكَ عَلَى مَا سِوا هُمَا فِي  
الْأُولِيَّةِ وَالآغْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجَوْرِي، وَيَأْيَسَ  
وَلِيَّ مِنْ مَيْلِي وَانْجِطَاطِ هَوَائِي (١٤) وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا  
فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

روزیم فرما تا نور صدق و صفائ عملم را در قلب خویش مشاهده کنم و تا آنکه بی رغبتی وزهد در دنیا بر من چیره گردد و از روی اشتیاق کارهای نیک انجام دهم، و به خاطر بیم و ترس از تو، از کردار زشت ایمن و آسوده باشم، و به من نوری عنایت فرمایه (فراراهم را روشن کند و) با آن در میان مردم راه بروم، و در تاریکیها راه را از چاه باز شناسم و از شک و اشتباه روشنی یافته و ایمن باشم.  
 (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و ترس و اندوه از سرانجام سخت و اشتیاق به پاداشی که وعده داده ای روزیم فرما تا لذت چیزی را که تو را برای آن می خوانم و ماتم چیزی که از آن به تو پناه می برم در ذاته خویش ادراک کنم.  
 (۱۰) خدا ایا، تو صلاح امر دنیا و آخرت را خوب می دانی، پس، به خواسته هایم با مهریانی نظر کن.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست. (۱۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنگاه که در سپاسگزاری از تو به خاطر نعمتها بی که در آسایش و سختی و تندرنستی و بیماری بر من ارزانی داشته ای کوتاهی و رزم حق شناسی را روزیم فرما، تا شادی رضا و آرامش قلب خود را در ادای وظیفه نسبت به تو در حال ترس و ایمنی و خشنودی و خشم، و سود و زیان در بابم. (۱۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به سینه ام از بیماری حسد سلامتی بخش تا به هیچ یک از آفریدگانت بر نعمتی که از روی فضل و بخشش عطا می کنی رشك نبر و تا آنکه هیچ یک از نعمتها تورا در دین یا دنیا، تندرنستی یا پرهیزگاری، گشایش یا آسایش بر هیچ یک از بندگانت نبینم مگر آنکه بهتر از آن را به لطف تو و از سوی تو آرزو کنم ای خدای بی شریک. (۱۴) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و به من خودداری از گناهان و دوری از لغزشها را در دنیا و آخرت و در حال خشنودی و خشم ارزانی دار تا حالم در رویکرد هریک از آن دو یکسان باشد و به طاعت تو مشغول باشم و در حق دوستان و دشمنان، خشنودی تو را بر غیر خشنودی و طاعت تو برگزینم تا دشمنم از ستم من ایمن باشد و دوستم از خواسته و رویکرد هوای نفس نومید گردد. (۱۵) و مرا از کسانی قرار ده که تو را در حال خوشی و آسایش بسان درماندگان مخلص می خوانند، همانا تو ستوده و بزرگواری.

﴿٢٣﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ  
اللَّهُ الْغَافِيَةَ وَشُكْرَهَا:

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَلِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلَّنِي  
عَافِيَتَكَ، وَخَصَّنِي بِعَافِيَتَكَ، وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتَكَ، وَأَغْنِنِي  
بِعَافِيَتَكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتَكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَفْرِشْنِي  
عَافِيَتَكَ، وَأَضْلَعْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْتِي وَبَيْنَ عَافِيَتَكَ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَةً  
كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُولَّدُ فِي بَدْنِي الْغَافِيَةَ، عَافِيَةً الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ. (٣) وَامْتَنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْآمِنَةِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي  
وَبَدْنِي، وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَالنَّفاذِ فِي أُمُورِي، وَالْخَشِيشَةِ لَكَ،  
وَالْخَوْفِ مِثْكَ، وَالْقُوَّةِ عَلَى مَا أَمْرَتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتَكَ، وَالإِجْتِنَابِ  
لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَفْحُسِيَّتَكَ. (٤) اللَّهُمَّ وَامْتَنْ عَلَيَّ بِالْحَجَّ  
وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ  
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبْدَأْ مَا أَبْقَيْتَنِي  
فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولاً مَشْكُوراً،  
مَذْكُوراً لَدَنِيكَ، مَذْخُوراً عِنْدَكَ. (٥) وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ  
وَحُسْنِ الشَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي، وَاشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي.

### دعای بیست و سوم:

### دعای آن حضرت در طلب عافیت و شکر آن

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، ولباس عافیت بر من بپوشان و مرا به عافیت فروبر، و به عافیت نگه دار، و به عافیت گرامیم دار، و به عافیت بی نیازم کن، و عافیت را بر من صدقه ده، و به من عافیت ببخش، و برایم بستر عافیت بگستر، و امر عافیت را برایم از هر جهت اصلاح کن، و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی مینداز.

(۲) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا عافیت بخش عافیتی کامل و شفا بخش و برتر و روزافزون، عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند و در یک کلمه: عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و بر من مئت گذار به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدن، وبصیرت در دل، پیشرفت در کارها، و هراس و بیم از تو، و توان و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن فرمان داده‌ای و دوری و پرهیز از نافرمانیت که مرا از آن باز داشته‌ای.

(۴) خداوندا بر من مئت گذار که موفق به حج و عمره و زیارت قبر رسول و آل او که درودت بر همه آنان باد - گردم، همیشه تا وقتی که مرا در دنیا زنده می‌داری، در امسال و همه سال، و آن عبادات را پذیرفته و مایه پاداش و منظور نظر و ذخیره‌ام نزد خود فرار ده.

(۵) وزیانم را به حمد و شکر و یاد و ستایش جمیلت گویا کن، و قلبم را برای پذیرش هدایتهای دینت گشاده ساز.

٦٦٠ أَعِذْنِي وَذُرْئِنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ  
وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرْفٍ حَفِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ  
وَشَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ،  
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ  
بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَةٍ أَنْتَ أَخْذَ بِنَا صِيتَهَا،  
إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ。(٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ  
أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاضْرِفْهُ عَنِّي، وَادْحِرْهُ عَنِّي مَكْرُهٌ، وَادْرِأْ عَنِّي شَرَّهُ،  
وَرُدْدَكَيْدَهُ فِي نَخْرِهِ。(٨) وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُغْمِيَ عَنِّي  
بَصَرَهُ، وَتُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ، وَتُقْفِلَ دُونَ اخْطَارِي قَلْبَهُ،  
وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ، وَتَقْمِعَ رَأْسَهُ، وَتُذَلِّ عِزَّهُ، وَتَكْسُرَ جَبَرُوتَهُ،  
وَتُذَلِّ رَقْبَهُ، وَتَفْسَخَ كِبْرَهُ، وَتُؤْمِنَتِي مِنْ جَمِيعِ ضَرَّهِ وَشَرِّهِ وَغَمْزِهِ  
وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَحَسْدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَمَصَايِدِهِ وَرَجْلِهِ  
وَخَيْلِهِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

﴿٢٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبْوَيْهِ  
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

(٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ،  
وَاحْصُضْهُمْ بِأَفْضَلِ حَسْلَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده و از شر جانوران زهردار غیر کشنه و زهردار کشنه، و سایر جانوران و چشم زخم، و از شر هر شیطان سرکش و از شر هر پادشاه ستمگر، و از شر هر خوشگذران ناز پرورده سرکش، و از شر هر ضعیف و قوی، و از شر هر عالی مقام و فروماهی، و از شر هر کوچک و بزرگ، و از شر هر نزدیک و دور، و از شر هر کسی از جن و انس که به جنگ پیامبرت و اهل بیتش شتافته و از شر هر جنبده‌ای که مسخر قدرت توست پناه ده، زیرا که تو در سلطنت بر صراط راست و عدلی.

(۷) بار خدایا بر محمد و آلس درود فرست، و هر که درباره من اندیشه بد داشته باشد او را از من بگردان، و نیرنگش را از من دور کن و شرش را از من بازدار، و مکرش را به خودش برگردان.

(۸) و سدی در مقابلش پاکن که چشمش را از دیدن من کور، و گوشش را از شنیدن یاد من کرسازی، و دلش را هنگام یاد من قفل نمایی، وزیانش را از گفتگو درباره من لال سازی، و سرش را به گرز ذلت بکوبی، و عزتش را به ذلت بدل کنی، و بزرگیش را بشکنی، و گردش را به خواری فرود آوری، و کبریائیش را برهم زنی، و مرا از همه زیان و بدی و طعن و غبیث و عیب جویی و حسد و دشمنی و بندها و دامها و پیاده‌ها و سواره‌های او ایمن سازی، زیرا که تو غالب غیر مغلوب و دارای توانایی بی‌نهایتی.

### دعای بیست و چهارم:

#### دعای آن حضرت برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا بر محمد بند و فرستادهات و بر خاندان پاکش درود فرست، و آنان را به بهترین درودها و رحمت و برکات و سلام خود اختصاص بفرما.

(٢) وَ أَخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالَّذِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةُ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْمَنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَى إِلَهَامَأَ، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلُّهُ تَعَامِمًا، ثُمَّ اسْتَغْمِلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ، وَوَقْتِنِي لِلنُّقُوذِ فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لا يَقُولَنِي اسْتِغْمَالُ شَيْءٍ عَلِمْتُنِيهِ، وَلَا تَشْقُلَ أَزْكَانِي عَنِ الْحَفْوِ فِيمَا أَهْمَنِي (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبِيلِهِ. (٥) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بِرَأْسِ الْأُمُّ الرَّوْفِ، وَاجْسَعْ طَاعَتِي لِوَالَّدَيَ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَأْ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسَنَانِ، وَأَشْلَعْ لِصَدْرِي مِنْ شَرْبَةِ الظَّلْمَثَانِ حَتَّى أَوْثَرَ عَلَى هَوَاهِي هَوَاهُمَا، وَأَقْدَمْ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَأَسْتَكْثِرْ بِرَهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ، وَأَسْتَقْلِ بِرَيْ بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ. (٦) اللَّهُمَّ خَفِضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَأَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي، وَإِنْ لَهُمَا غَرِيْكَنِي، وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيَّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا. (٧) اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرِيْسِي، وَأَثْبِهِمَا عَلَى تَكْرِمَتِي، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغْرِي. (٨) اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَذَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِي مِنْ مَكْرُوهِ، أَوْ ضَاعَ قِبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٌّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا، وَعُلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ يَا ضَعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ. (٩) اللَّهُمَّ وَمَا تَعْدَ يَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَشْرَفَأَ عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيَّعَاهُ لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا، وَجَذَّتْ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعَتِهِمَا، فَإِنِّي لَا أَتَهْمُهُمَا عَلَى نَفْسِي، وَلَا أَسْتَبِطُهُمَا فِي بِرِّي، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبَّ.

(۲)الهی پدر و مادرم را به کرامت نزد خود و درود از سوی خود ممتاز کن. ای مهریاترین مهریانان. (۳)خداوندا بر محمد و آلس درود فrst، و دانستن آنچه در باره ایشان بر من لازم است به من الهام کن، و آموختن همه آن واجبات را بسی کم و کاست برايم فراهم نما، آنگاه مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده‌ای بکارگير، و توفيقم ده تا نسبت به آنچه به من بصيرت می‌دهی اقدام کنم، تا بکاربستن چيزی از آنچه به من تعليم داده‌ای از دستم نرود و از خدمتی که به من الهام فرموده‌ای احساس سنگينی نکند. (۴)خداوندا بر محمد و آلس درود فrst همانطور که ما را به وجودش شرافت بخشيدی و بر محمد و آلس درود فrst آن سان که به سبب آن حضرت برای ما حقی بر عهده مردم واجب نمودی. (۵)خداوندا چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم، و به هردو چون مادری مهریان نیکی نمایم، و اطاعت از آنان و خوشرفتاری با آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلود شیرینتر و برای سینه‌ام از شربت گوارا در ذائقه تشهه گواراتر گردان، تا خواسته ایشان را بر خواسته خود ترجیح دهم؛ و خرسندی آنان را بر خرسندی خود مقدم دارم، و خوبی ایشان در باره خود هر چند اندک باشد زیاد بینم، و نیکویی خود را در باره ایشان هرچند بسیار باشد کم شمارم. (۶)خداوندا، صدایم را در محضر آنان ملایم کن، و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما، و خویم را نسبت به آنان نرم کن، و قلبم را بر آنها مهریان ساز، و مرا نسبت به هر دو خوشرفتار و دلسوز قرار ده. (۷)خداوندا به آنها به پاس تربیت من جزای نیکو عنایت فرما و در مقابل آنکه مرا گرامی داشتند جزای خیر عطا فرما، و هر رنجی را در کودکی نسبت به من تحمل کرده‌اند در حق ایشان منظور کن. (۸)خداوندا اگر از جانب من آزاری به آنان رسیده یا از من کار ناخوشایندی دیده‌اند یا حقی از آنان بوسیله من از بین رفته همه را موجب پاک شدن آنان از گناهانشان و مایه رفعت مقامشان و افزونی حستاتشان قرار ده، ای که بدیها را با چندین برابر به خوبی تبدیل می‌کنم. (۹)الهی اگر در گفتار با من از اندازه بیرون رفته‌اند یا در عملی نسبت به من زیاده روی نموده‌اند یا حقی را از من ضایع کرده‌اند یا از وظیفه پدری و مادری در باره من کوتاهی نموده‌اند، من این حق خود را به آنان بخشیدم و آن را مایه احسان بر آنها قرار دادم و از تو می‌خواهم که وزرو و بال آن را از دوش آنان بر داری زیرا که من نسبت به خود، آنان را متهم نمی‌کنم و آنان را در مهریانی در حق خودم سهل انگار نمی‌دانم و از آنچه در باره ام انجام داده‌اند ناراضی نیستم ای پروردگار من.

(١٠) فَهُمَا أَوْجَبَ حَقًا عَلَيَّ، وَأَقْدَمَ احْسَانًا إِلَيَّ، وَأَعْظَمَ مِنَّهُ لَدَيْهِ مِنْ أَنْ أَقْاتِصَهُمَا بِعَدْلٍ، أَوْ أُجَازِيَّهُمَا عَلَى مِثْلٍ، أَيْنَ إِذًا - يَا إِلَهِي - طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِي؟! وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِّهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟! وَأَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَةِ عَلَيَّ؟! (١١) هَيَّاهَا مَا يَشَوْفُ فِيَانِ مِنْيَ حَقَّهُمَا، وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَلَا أَنْابَقَاضِ وَظِيقَةً خِدْمَتِهِمَا، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِي يَا خَيْرِ مَنِ اشْتَعِنَّ بِهِ، وَوَفَّقْنِي يَا آهْدِي مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقوَقِ لِلْلَّاَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُبَخِّرُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ.

(١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاحْضُضْ أَبَوَيْ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ أَبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(١٣) اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَواتِي، وَفِي إِنَّا مِنْ أَنَاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي.

(١٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَاغْفِرْ لَهُمَا بِسِيَّ مَغْفِرَةٍ حَثْمًا، وَأَرْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَى عَزْمًا، وَبَلْغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ.

(١٥) اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقْتُ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَفَعْهُمَا فِيَ، وَإِنْ سَبَقْتُ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفَعْنِي فِيهِمَا حَتَّى تَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۱۰) زیرا رعایت حق آنان بر من واجبتر، و احسانشان نسبت به من دیرینتر و نعمتشان بر من بیشتر از آن است که آنان را از روی عدل فصاص کنم، با نسبت به ایشان مانند آنچه نموده‌اند رفتار کنم، الهی اگر چنین کنم پس روزگار مدیدی که در تربیت من سپری کرده‌اند، و رنجهای زیادی که در نگاهداری من تحمل نموده‌اند و آن همه که بر خود تنگ گرفتند تا به زندگی من گشايش بخشنند چه می‌شود؟

(۱۱) بعید است که پدر و مادرم بتوانند حق خود را از من بستانند و من نمی‌توانم حقوقی را که از آنها بر عهده دارم تدارک نمایم و وظیفة خدمت آنان را انجام دهم، پس بر محمد و آلس درود فرست، و مرا یاری ده ای بهترین کسی که از تو یاری جویند، و مرا توفیق ده ای راهنماینده تر کسی که به او روی می‌آورند، و در آن روز که همه بدون آنکه بر آنان ستم رود جزا می‌بینند مرا در زمرة آنان که عاق پدر و مادرند قرار مده.

(۱۲) خداوندا بر محمد و آل او و نسل او درود فرست، و پدر و مادرم را به بهترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمان را به آن امتیاز داده‌ای

*مخصوص گردان، ای مهربانترین مهربانان*

(۱۳) خداوندا یاد آنان را در پس نمازهایم، و در اوقات شبیم و در ساعات روزم از صفحه قلبم مزدای.

(۱۴) خداوندا بر محمد و آلس درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان دارم بیامرز، و آنان را بخاطر خوبیهایی که در حق من داشته‌اند مشمول آمرزش حتمی خود قرار ده و به شفاعت و میانجیگری من از آنان بطور مسلم خشنود شو و آنان را با کرامت به سر منزل مقصودشان در بهشت بربین برسان.

(۱۵) خداوندا اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیدی پس ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنان مورد آمرزش خود قرار دادی پس مرا شفیع ایشان بنما، تا در پرتو مهربانیت در سرای کرامت، و جایگاه مغفرت و رحمت گرد آئیم، زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرین هستی و تو مهربانترین مهربانانی.

(٢٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوُلْدِهِ  
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

(١) اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى إِبْقَاءِ وُلْدِي وَبِإِضْلَاحِهِ لِي وَبِإِمْتَاعِ  
هُمْ. (٢) إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَغْنَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ،  
وَرَبْ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوْلِي ضَعِيفَهُمْ، وَأَصْحَّ لِي أَبْدَانَهُمْ  
وَأَدْيَا نَهْمَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِهِمْ  
وَفِي كُلِّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَدْرِزْ لِي وَعَلَى يَدِي  
أَرْزَاقَهُمْ. (٣) وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَثْقِيَاءَ بُصُرًا سَامِعِينَ مُطَبِّعِينَ  
لَكَ، وَلَا وَلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَغْدَاثِكَ مُعَانِدِينَ  
وَمُبِفِضِينَ، أَمِينَ. (٤) اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَصْدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ  
أَوْدِي، وَكَثُرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَرَيْنِ بِهِمْ مَخْضُري، وَأَخِي بِهِمْ  
ذِكْرِي، وَأَكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي، وَأَعِنِي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمْ  
لِي مُعِبَّينَ، وَعَلَى حَدِيبَنَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطَبِّعِينَ غَيْرَ  
عَاصِينَ وَلَا عَاقِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِئِينَ. (٥) وَأَعِنِي عَلَى  
تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيَتِهِمْ وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعْهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا،  
وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنَانًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ.

## دعای بیست و پنجم:

## دعای آن حضرت درباره فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا با بقای فرزندانم و با شایسته نمودن ایشان برای من و با برخورداری من از آنان، بر من منت گذار.

(۲) خداوندا عمر آنان را برایم طولانی گردان، و ایام زندگیشان را برای من بیفزا و خردسالشان را برایم تربیت کن و ناتوانشان را برایم نیرو ده و بدنها و دین و اخلاقشان را برایم به سلامت دار، و به آنان در جان و اعضاء و هر کارشان که برایم مهم است عافیت بخش و برای من و به دست من روزی آنان را وسعت ده.

(۳) و آنان را نیکوکارانی با تقوی و صاحبان بصیرت و شنواز حق و مطیع خودگردان و نسبت به اولیاء خود عاشق و خیر خواه، و نسبت به دشمنان دشمن و کینه توز قرار ده، الهی دعایم را اجابت فرما.

(۴) خداوندا بازویم را با وجودشان نبرومند، و اختلال امورم را با آنان اصلاح و دودمانم را به سبب آنان بسیار، و مجلسم را با وجودشان آراسته و یادم را با آنان زنده دار و کارم را در نبودم بوسیله آنان کفایت کن و بدست آنان در برآمدن نیازم یاریم کن آنان را دوستان من قرار ده و بر من عطف و مهریان ساز و رویشان را به سوی من و برایه مستقیم من بدار تا از من اطاعت کنند و روی در نافرمانی من ننهند و نسبت به من نافرمانی و بدبی و مخالفت و خطآنداشته باشند.

(۵) و مرا در تربیت و خوبی کردن به آنها یاری فرما و با عنایت خود علاوه بر آنان بر من فرزندان ذکور دیگر نیز عطا فرما و در این کار برایم خیر قرار ده و آنان را بر آنچه از تو می خواهم یار و یاور قرار بده.

(٦) وَأَعِذْنِي وَذُرْئِسِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمْرَتَنَا  
وَنَهَيْتَنَا وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمْرَتَنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، وَجَعَلْتَ لَنَا  
عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سُلْطَنَهُ مِنْتَأْ عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسْكَنْتَهُ  
صُدُورَنَا، وَأَجْزَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَعْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَلَا يَئْسِي إِنْ  
نَسِيَنا، يُؤْمِنْنَا عِقَابَكَ، وَيُخَوِّفْنَا بِغَيْرِكَ. (٧) إِنْ هَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا  
عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَطْنَا عَنْهُ، يَتَرَضَّ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ،  
وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذَبَنَا، وَإِنْ مَثَانَا أَخْلَفَنَا، وَإِلَّا  
تَضَرُّفْ عَنْنَا كَيْدَهُ يُضْلِلَنَا، وَإِلَّا تَقْنَا حِبَالَهُ يَسْتَرِلَنَا. (٨) اللَّهُمَّ فَاقْهِرْ  
سُلْطَانَهُ عَنْنَا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَخْسِهَ عَنْنَا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَنُضِيجَ مِنْ  
كَيْدِهِ فِي الْمَغْصُومِينَ بِكَ. (٩) اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي  
حَوَّائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجِبْ دُعَائِي  
عَنْكَ وَقَدْ أَمْرَتَنِي بِهِ، وَأَمْنِنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُضْلِلُنِي فِي دُنْيَايِ  
وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيَتْ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَغْلَثْتُ  
أَوْ أَسْرَرْتُ. (١٠) وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُضْلِحِينَ بِسُؤْلِي  
إِيَّاكَ، الْمُسْجِحِينَ بِالْطَّلْبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالْتَّوْكِلِ عَلَيْكَ.  
(١١) الْمَعْوَدِينَ بِالتَّعْوِذِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِيِنَ  
بِعِزْكَ، الْمُوَسِّعِينَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْعَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعِ بِجُودِكَ  
وَكَرِيمَكَ، الْمُغَرِّبِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِيِنَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ،  
وَالْمُعَافَيِنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُعَنِّيَنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ،  
وَالْمَغْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَاءِ بِتَقْوَاكَ، وَالْمُوَفَّقِينَ  
لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ  
الْذُنُوبِ بِقُدرَتِكَ، الثَّارِكِينَ لِكُلِّ مَغْصِيَتِكَ، السَاكِنِينَ فِي جِوارِكَ.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شر شیطان رانده شده حفظ کن، زیرا تو ما را آفریده‌ای و به ما امر و نهی فرموده‌ای و در اجر اطاعت از امر خود تشویق کرده‌ای و به ارتکاب نهی خود با عذاب تهدیدمان نموده‌ای و برای ما دشمنی قرار داده‌ای که با ما نیرنگ می‌کند و به او تسلطی داده‌ای که ما به اندازه او سلطه‌ای نداریم او را در دلهای ما جای داده‌ای و در شریانهای خونمان روانه کرده‌ای اگر ما از او غفلت کنیم او از ما غافل نمی‌شود و اگر فراموشش کنیم او ما را فراموش نخواهد کرد ما را از عقاب تو این می‌سازد و از غیر تو می‌ترساند. (۷) چون به کار زشت همت کنیم ما را به آن دلیر می‌نماید و چون به عمل صالح رو آوریم ما را از آن باز می‌دارد با شهوت در جستجوی ماست و با شباهات، برای ما دام می‌گسترد اگر به ما وعده دهد دور غُریب و اگر ما را به نوبتی دلخوش کند تخلف می‌کند ای خدای بزرگ اگر تو حیله و نیرنگش را از ما نگردانی ما را گمراه می‌کند و اگر از فساد او نگاهمان نداری ما را دچار لغزش می‌سازد. (۸) خداوندا سلطُط او را با سلطنت خودت از ما دور کن تا با دعای فراوان ما او را از ما بازداری تلا در پناهم از نیرنگ او در زمرة بی‌گناهان قرار گیریم. (۹) خداوندا تمام خواسته‌هایم را عطا کن و حوانجمن را بر آور، مرا از استجابت دعا منوع نکن که تو خود استجابت دعا را برایم تضمین کرده‌ای و دعایم را از خودت مححوب مساز که تو خود مرا به دعا فرمان داده‌ای، ای خدای بزرگ بر من با هر چه که در این جهان و آن جهان باعث اصلاح حالم شود ملت گذار خواه آن را یاد آور شده خواه فراموش کرده باشم اظهار کرده یا پوشیده باشم آشکارا در خواست کرده باشم یا در پنهانی. (۱۰) و در تمام این جهات به سبب تقاضایی که تنها از تو دارم مرا از کسانی که کار خود به اصلاح آورند قرار ده آنان که به درخواستشان از تو در شمار کامیابان در آمدند و به خاطر اعتماد بر تو از لطفت محروم نشدند. (۱۱) از آن گروه که به پناه آوردن به تو خوکرده و از سوداگری با تو سود سرشار بر دند آنان که در پناه عزت جای گرفند و به جود و کرمت از فضل واسع تو روزی حلال وسیع یافتند و به عنایت تو از خواری به عزت رسیده و از ستم در پناه عدل توزندگی می‌کنند و به رحمت از بلا رهیده و به بی‌نیازی تو از فقر و نداری به توانگری رسیده‌اند و به حفظ تو از گناهان و لغزشها و خطاهای در امان مانده و در مایه طاعت به خیر و رشد و ثواب موفق گردیده‌اند و به قدرت تو میان آنان و گناهان حایلی ایجاد شده و هر گونه نافرمانی تو را رها کرده و در جوار رحمت ساکن شده‌اند.

(١٢) اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعْذِنَا مِنْ عَذَابِ  
السَّعِيرِ، وَأَغْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلَتْكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا  
وَأَجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلَيْمٌ عَفْوٌ غَفُورٌ رَّوْفٌ رَّحِيمٌ.  
(١٣) وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

﴿٢٦﴾



(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَوْلَتِي فِي جِيرَانِي وَمَوَالِي  
الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَادِنَا بِأَفْضَلِ وَلَا يَتَكَّبِّرُونَ (٢) وَوَفِّقْهُمْ  
لِإِقَامَةِ سُنْتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدِبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ  
خَلْتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُشْتَرِشِهِمْ، وَمُنَاصَحةِ  
مُشَتَّشِرِهِمْ، وَتَعْهِيدِ قَادِمِهِمْ، وَكِتْمَانِ أَشْرَارِهِمْ، وَسَرِّ عَوْرَاتِهِمْ،  
وَنُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ  
بِالْجِدَةِ وَالْأَفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَحِبُّ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ (٣) وَاجْعَلْنِي  
اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْإِخْسَانِ مُسِيَّهُمْ، وَأَغْرِضُ بِالثَّجاوِزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ،  
وَأَسْتَغْفِلُ حُسْنَ الظُّنُونِ فِي كَافِتِهِمْ، وَاتَّوْلَى بِالْبِرِّ عَامِشَهُمْ، وَأَغْضُ  
بَصَرِي عَنْهُمْ عِفَةً، وَأَلِّنْ جَانِبِي لَهُمْ تَواضُعاً، وَأَرِقُّ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ

(۱۲) خداوند اهمه این امور را به توفیق و رحمت خودت به ما عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ پناه ده و به مقام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان همه آنچه را که برای خود و فرزندان از تو خواستم در این جهان فانی و در آخرت باقی عنایت کن که تو نزدیک و اجابت کننده و شنوادانا و عفو کننده و آمرزنده و دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) و ما را در دنیا حسن و در آخرت حسن مرحوم فرما و از عذاب جهنم حفظ کن.

### دعای بیست و ششم: درباره همسایگان و دوستانش



(۱) بار خدایا بر محمد و آللش درود فرست و مرا در مورد رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در سیزند به بهترین صورت یاری فرما. *مرکز تحقیقات تکمیلی برای حمایت از انسانیت*

(۲) وایshan را برای به پا داشتن سنت خود و بکار گرفتن آداب نیکویت در ارافق به ضعیفان و برآوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خیرخواهی نسبت به مشورت کنندگان و دیدار نمودن از مسافران برگشته به وطن و پنهان داشتن راز مردمان و پوشاندن عیوب ایشان و یاری دادن به ستمبدگان و حسن مواسات در مایحتاج زندگی با آنان و دریغ نورزیدن از پیشکش و بخشش فراوان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است، پیش از در خواست موفق فرما.

(۳) بار خدایا مرا توفیق ده که پاداش بدکارشان با احسان دهم و از ستمکارشان باگذشت و بخشش صرفنظر کنم و نسبت به همه آنان با گمان نیک رفتار کنم و با همه آنان به نیکی رفتار کنم و چشم از خطای آنان عفیفانه بپوشم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و بر بلادیدگان آنان از روی رحمت رفت آورم و در نبودشان دوستی و محبت خود را بر آنان فراوان سازم و از سر اخلاص دوام

مِنْهُمْ رَحْمَةٌ، وَأَسِرُّهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةٌ، وَأَحِبُّ بَقَاءَ النُّفْعَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحَاً،  
وَأَوْجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبَ لِحَامِتِي، وَأَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِي.  
(٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ  
لِي أَوْفَى الْحُظُوطِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَسْعِفَةً  
يُفَضِّلُ حَتَّى يَسْعَدُوا بِهِمْ وَآسِعَدْهُمْ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

﴿٢٧﴾



(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَسْنُ ثُغُورِ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ،  
وَأَيْدِ حُمَّاتِهَا بِقُوَّتِكَ، وَأَشْبِعْ عَطَايَاهُمْ بِهِ مِنْ جِدَّتِكَ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثُرْ عِدَّتَهُمْ، وَاشْحَذْ أَشْلَاعَهُمْ، وَاحْرِسْ  
حَوْرَتَهُمْ، وَامْتَنْعَ حَوْمَتَهُمْ، وَالْفُ جَمْعَهُمْ، وَدَبَّوْ أَمْرَهُمْ، وَوَاتِرْ بَيْنَ  
مِيَرِهِمْ، وَتَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤْنِهِمْ، وَاغْضُدْهُمْ بِالنَّضِرِ، وَأَعِنْهُمْ بِالصَّبِرِ،  
وَالْطُّفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَفْهُمْ مَا  
يَجْهَلُونَ، وَعَلَمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبَصِّرُونَ. (٤) اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآتِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ  
الْخَدَاوَةِ الْغَرُورِ، وَامْتَحِ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ،  
وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نَضَبَ أَعْيُنَهُمْ، وَلَوْحَ مِثْلًا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَغَدَدْتَ فِيهَا  
مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلُدِ وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَالْخُورِ الْجِسَانِ وَالْأَنْهَارِ

نعمت آنان را آرزوکنم و هر چه را برای خویشان خود لازم می‌دانم در حق آنان لازم بدانم و آنچه را برای نزدیکان خود رعایت می‌کنم برای آنان نیز رعایت نمایم.

(۴) خداوندا بر محمد وآل او درود فرست و بر من نیز چنین رفتاری را از سوی آنان نصیب فرما و برایم از بیشترین بهره‌ها و نیکیهایی که نزد آنان است قرار ده وبصیرت آنان در حق من و معرفتشان را به فضل من زیاد کن تا به وسیله من اهل سعادت شوند و من نیز به سبب آنان سعادتمند شوم خداوندا دعايم را مستجاب فرما.

### دعای بیست و هفتم:

#### دعای آن حضرت برای مرز داران

(۱) بار الها بر محمد وآلش درود فرست و سرحدات و مرزهای مسلمانان را به عرّت پاس دار و نگهبانان مرزها را به قوت تأیید کن و عطایای ایشان را به توانگری بی پایان سرشار ساز 

(۲) بار خدا ایا بر محمد وآلش درود فرست و بر شمار ایشان بیفزا و اسلحه و جنگ افزارشان را برائی ده و از قلمرو آنان محافظت فرما و جوانب جبهه آنان را محکم و نفوذ ناپذیر گردان و جمع آنان را یکدل و هماهنگ ساز و کارشان را روپرها کن و آذوقه‌شان را پیاپی برسان و خود به تنها بی مؤونه آنان را کفایت فرما و به نصرت خود تقویتشان فرما و به صبر یاریشان ده و بر آنها در چاره جوئیها مهریان باش.

(۳) بار خدا ایا بر محمد وآلش درود فرست و به آنان آنچه نمی‌دانند بیاموز و از آنچه بی خبرند آگاهشان ساز و به آنچه بینش ندارند بینش عطا کن.

(۴) بار خدا ایا بر محمد وآلش درود فرست و به هنگام برخورد با دشمن، دنیای دلفریب را از خاطرشان بپر و اندیشه‌های مال و دارائی فتنه‌انگیز را از دلهاشان محو کن و بهشت را نصب العین آنان قرار ده و در برابر دیدگانشان آنچه که در بهشت فراهم آورده‌ای از مساکن ابدی و منازل کرامت و حوریان زیباروی

الْمُطَرَّدَةُ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُسَدَّلَةِ بِصُوفِ الشَّمْرِ حَتَّى  
لَا يَهُمْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْأَذْبَارِ، وَلَا يُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنَهِ بِفِرَارٍ.  
(٥) اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَاقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَفَرِقْ  
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَشْلَحِهِمْ، وَاخْلُعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ، وَبَا عِدْ بَيْنَهُمْ  
وَبَيْنَ أَزْوَادِهِمْ، وَخَيْرُهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَضَلَّلَهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ،  
وَاقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ، وَانْقُضْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ، وَامْلَأْ أَفْئِدَتِهِمُ الرُّغْبَ،  
وَاقْبِضْ أَيْدِيهِمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَاخْرِمْ السِّنَّتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ، وَشَرِّدْ  
بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَنَكَلْ بِهِمْ مَنْ وَرَأَهُمْ، وَاقْطَعْ بِخُزِيْهِمْ أَطْمَاعَ  
مَنْ بَعْدَهُمْ. (٦) اللَّهُمَّ عَقْمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَيَبْسِنْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ،  
وَاقْطَعْ نَشْلَ دَوَآبِهِمْ وَأَسْعَامِهِمْ، لَا تَأْذِنْ لِسَمَاءِهِمْ فِي قَطْرٍ،  
وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ. (٧) اللَّهُمَّ وَقُوَّ بِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ،  
وَحَصَنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَتَعْرِيَةُ أَمْوَالِهِمْ، وَفَرِغُهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ  
لِعِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُنَابَدَتِهِمْ لِلْخُلُوَّةِ بِكَ حَتَّى لَا يُغَبَّدَ فِي بِقَاعِ الْأَرْضِ  
غَيْرُكَ، وَلَا تُغَفِّرْ لِأَخْدِ مِنْهُمْ جَنْبَهُهُ دُونَكَ. (٨) اللَّهُمَّ اغْرِبِ كُلَّ  
نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَازِ أَنَّهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَأَمْدِدْهُمْ  
بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْسِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَثَلاً  
فِي أَرْضِكَ وَأَسْرَأً، أَوْ يُقْرِرُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ  
لَا شَرِيكَ لَكَ. (٩) اللَّهُمَّ وَاغْمُمْ بِذَلِكَ أَغْدَاءَكَ فِي أَفْطَارِ الْبِلَادِ  
مِنَ الْهِنْدِ وَالْوُوْمِ وَالْشَّرِكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبْشِ وَالثُّوْبَةِ وَالْزَّيْجِ  
وَالسَّقَالِيَّةِ وَالْدَّيَالِمَةِ وَسَائِرِ أُمَمِ الشَّرِكِ، الَّذِينَ تَخْفِي أَسْمَاؤُهُمْ  
وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَخْصَصْتُهُمْ بِمَغْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.

ونهرهای روان با آشامیدن‌های رنگارنگ و درختانی بار ور با میوه‌های گوناگون جلوه ده تا هیچ کدام از آنان آهنگ پشت کردن به دشمن ننماید و فکر گریز از هماورد را از خاطر نگذارند.

(۵) بار خداها بدین وسیله دشمنانشان را درهم شکن و چیره گی دشمن را نسبت به آنان نابود کن و بین دشمن و جنگ افزارشان جدایی افکن و بندهای دلشان را بگسل و میان دشمن وره توشه آنان جدایی انداز و در راهها سرگردانشان کن و از مقصد گمراهشان ساز و کمک و مدد را از آنان قطع فرما و از شمار آنها بکاه و دلشان را پراز رعب و وحشت کن و دستشان را از انجام فعالیت گسترده کوتاه کن وزیانشان را از سخن بر علیه آنان قطع فرما و باشکست دشمن، جمع پشت سر ایشان را متفرق کن و بواسطه شکست اینان، پیروانشان را از ادامه جنگ باز دار و باخواری وزیونی آنها، طمع کسانی را که پس از آنها می‌آیند قطع فرما.

(۶) بار خداها زنانشان را از بارداری عقیم کن و صلب مردانشان را خشک فرما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفندشان را قطع کن، به آسمانشان اجازه باریدن و به زمینشان اذن روئیدن مده. (اللهی بدانچه از تو خواستم فدرت و تدبیر اسلامیان را نیرو بخش و شهراهایشان را در دژ مستحکم قرار ده و اموالشان را فزونی ده و خاطرشان را از جنگ با دشمن برای بندگی خودت و از گارزار با آنان برای خلوت و راز و نیاز با خودت آسوده کن تا در سراسر زمین تو جز تو را نپرستند واحدی از آنان جز برای تو صورت به خاک نسایند. (۷) بار خداها به وسیله مسلمانان در هر ناحیه با مشرکانی که در برابر آنانند مبارزه کن و بر ایشان از جانب خود با صفوف پیاپی از فرشتگان مدد فرست تا دشمنان را به دورترین نقطه زمین رانده و شرّشان را باکشتن و اسارت آنان از سر مردم بردارند یا اینکه به وحدانیت تو که برایت همتا و شریکی نیست افرار نمایند.

(۸) بار خداها همه دشمنان را به این سرنوشت گرفتار کن در هر سرزمینی که باشند چه در هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سرزمین سقالبه و دیلمان و دیگر طوائف مشرکین که نام و نشانشان بر ما معلوم نیست و تو به علم خود شمارشان را می‌دانی و به قدرت خود بر ایشان اشراف داری.

(١٠) اللهم اشغل المشركين بالمرتكبين عن سناؤل أطراف المسلمين، وخذهم بالقص عن تنفسهم، وسبطهم بالفرق عن الاختشاد عليهم. (١١) اللهم أخل قلوبهم من الأمانة، وأبدائهم من القوة، وأدخل قلوبهم عن الاختيال، وأوهن أزكانهم عن منازلة الرجال، وجنبهم عن مقارعة الأبطال، وابعث عليهم جنداً من ملائكتك بپايس من بأسك كفلك يوم بذر، تقطع به دابرهم وتحصد به شوكتهم، وتفرق به عددهم. (١٢) اللهم وامزج مياههم بالوباء، واطعمتهم بالآذاء، وارزم بلاذهم بالخسوف، وألح علينها بالقذوف، وافرغها بالمحول، واجعل ميرتهم في أحصن أرضك وابعدها عنهم، وامنع حضورها منهم، أصبهم بالجوع المقيم والشقم الالم. (١٣) اللهم وأئما غاز عزائم من أهل ملتك، أو مجاهد جاهدهم من أتباع سنتك ليكون دينك الأعلى وحزنك الأقوى وحظك الأوفي فلائقه العيش، وهبي له الأمر، وسؤاله بالثخش، وتخير له الأضحاى، واستقو له، الظهر، وأسبغ عليه في التفقة، ومستغله بالنشاط، وأطف عنه حرارة الشوق، وأجزه من غم الوحشة، وأنسه ذكر الأهل والولد. (١٤) وأثرله حسن النية، وسؤاله بالغافية، وأضجنه السلام، وأغفه من الجبن، وألهمه الجرأة، وأرزقه الشدة، وأيده بالنصرة، وعلمه السير والشنآن، وسدده في الحكم، وأغزل عنه الرؤيا، وخلصه من السمعة، واجعل فكره وذكرة وظفته وإقامته، فيك ولك.

(۱۰) بار خدا یا مشرکان را با گرفتار شدن به خویش از دستیابی بر سرزمنهای مسلمانان بازدار و آنان را با کاستن عده‌دان از کاستن مسلمین باز دار و رشته اتحادشان را با تفرقه بگسل تا از همدستی علیه مسلمانان باز مانند.

(۱۱) خدا یا دلهاشان را از آرامش و بدنها یا شان را از توانایی بسی بهره کن و دلهاشان را از چاره جویی غافل ساز و اعضائشان را در هماوردی با مردان مسلمان سست گردان و از زد و خورد با دلیر مردان اسلام در دلشان هراس افکن و سپاهی از ملایکه‌ات را برای ترس و عذاب بر آنان بر انگیز چنانکه روز بدر چنین کردی و بدینسان بینیانشان را برکنی و شوکتشان را ریشه کن سازی و جمعیت‌شان را پراکنده نمایی.

(۱۲) بار خدا یا آب آشامیدنی آنان را به وبا و خوراکشان را به بیماریها مخلوط کن و شهرهایشان را در زمین فرو برو و پیوسته بر آنان سنگ بیاران و به فحاطی و خشکسالی دچارشان ساز و آذوقه آنان را در بی برکت‌ترین و دورترین نقاط زمین قرار ده و دژهای آن زمین را از حفاظت آنان باز دار و گرسنگی دائم و بیماری در دنایک به آنان برسان.

(۱۳) خدا یا هر رزمنده از اهل آیین توکه با آنان نبرد کند و هر مجاهد از پیروان سنت توکه با آنان جهاد نماید تا دین تو برتری یابد و حزب تو نیرومندتر شود و بهره دوستان تو در اعتلای دین افزون گردد پس آسانی نصیبیش کن و کار را بر او سهل فرما و رستگاری او را تو خود بر عهده گیر و برایش همنشینان نیکو برگزین و پشت وی را قوی کن و در آمدش را فراوان گردان و او را از نشاط و خرمی کامیاب ساز و آتش شوق و آرزو را در دلش فرونشان واو را از غم و حشت تنها یی پناه ده یاد همسر و فرزندان را از دلش بیرون کن.

(۱۴) و نیت نیکو را برایش برگزین و عافیت‌ش را خودت به عهده گیر و سلامت را ره تو شهادش قرار ده واو را از ترس معاف دار و به او جرأت ده و نیرومندی را روزیش کن و به نصرت خود تأییدش فرما و سیره و سنت اسلامی را به او تعلیم کن و در داوری محکم و پایدارش گردان و ریا را از او دور کن و از عشق به شهرت و آوازه رهاییش بخش و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه خود و برای خود قرار ده.

(١٥) فَإِذَا صَافَ عَدُوكَ وَعَدُوَّهُ فَقَلَّلُهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَصَغَرَ شَانِهِمْ فِي قَلْبِهِ، وَأَدْلَلَ لَهُ مِنْهُمْ، وَلَا تُدْلِهِمْ مِنْهُ، فَإِنْ خَتَّمَتْ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوكَ بِالْقَتْلِ، وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَشْرُ، وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَبَعْدَ أَنْ يُوَلِّي عَدُوكَ مُدْبِرِينَ.

(١٦) اللَّهُمَّ وَآيُّهَا مُسْلِمٌ خَلَفَ غَازِيًّا أَوْ مُرَايْطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي عَيْنِيَّتِهِ، أَوْ أَعْانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمْدَهُ بِعِتَادٍ، أَوْ شَحَّذَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ أَتَبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَآئِهِ حُرْمَةً، فَاجْرِ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزُنْنًا بِوَزْنِهِ وَمِثْلًا بِمِثْلِهِ، وَعَوْضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوْضًا حَاضِرًا يَسْعَجِلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَسُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَسْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَغْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَاتِكَ.

(١٧) اللَّهُمَّ وَآيُّهَا مُسْلِمٌ أَهْمَمُهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَأَخْرَنَهُ تَحْزُبُ أَهْلِ الشَّرِكِ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَرْوَى، أَوْ هُمْ بِجَهَادٍ فَقَعُدُوا بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ ابْطَأْتُ بِهِ فَاقَةً، أَوْ أَخْرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَأَكْثُبْ أَسْمَهُ فِي الْغَايِدِينَ، وَأَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.

(١٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلْوَةً عَالِيَّةً عَلَى الصلواتِ، مُشْرِفةً فَوْقَ التَّسْبِيحَاتِ، صَلْوَةً لَا يَسْتَهِيَ أَمْدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَاتِمٌ مَا مَضَى مِنْ صَلَواتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أُولَيَّ أَئِمَّةِكَ، إِنَّكَ الْمَنَانُ الْحَمِيدُ الْمُبَدِّئُ الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ.

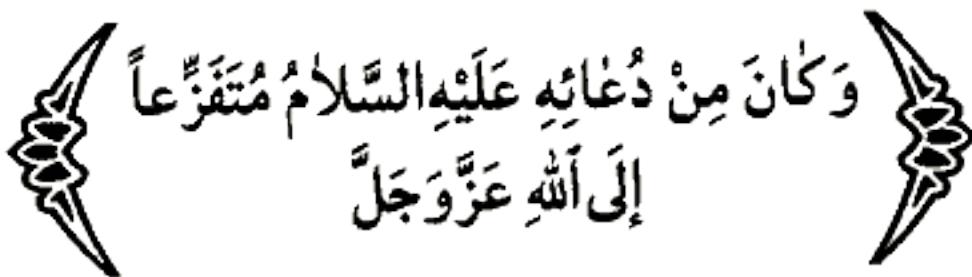
(۱۵) وقتی که با دشمنانت که دشمن او نیز هستند به مصاف ایستد، شمار ایشان را در چشم او انداز نمای و شأن و مقامشان را در دل او کوچک ساز و اورا بر دشمنان پیروزی غنایت فرما و دشمن را براو پیروز مساز و اگر زندگی او را به نیکبختی پایان دادی و شهادت را سرنوشت او ساختی شهادتش را وقتی قرار ده که دشمنت را ریشه کن ساخته و اسارت، آنان را به رنج و تعب افکنده و اطراف مرزهای مسلمین امنیت یافته و دشمنت هزیمت کرده باشد.

(۱۶) بار خدا یا به وقتی که جنگجو در میدان جنگ است و مرزدار به مرزداری مشغول است هر مسلمانی را که به امور خانه آنها رسیدگی کند یا در نبود او به کفالت خانواده اش برخیزد یا اورا به قسمتی از مال خود یاری دهد یا اورا به ساز و برگ جنگ کمک رساند یا همت اورا به نبرد با دشمن برانگیزد یا در حضور او در باره اش دعای خیر کند یا حرمتش را در نبود وی رعایت کند به او نیز اجر همان روزمنده را همسنگ آن عنایت کن و عمل او را پاداشی نقد عطا فرمای که بدون درنگ سود خیری را که پیشاپیش فرستاده و شادی خاطری که نتیجه کار اوست در همین دنیا به چنگ آورد تا آنکه فرار سد زمان فضل و پاداشی که بر او روا داشته ای و کرامتی که برای او آماده ساخته ای بزی

(۱۷) بار خدا یا هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع اهل شرک در برابر ملت اسلام اندوهگین شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد نماید ولی ضعف و ناتوانی او را خانه نشین کند یا تنگدستی کارش را کند سازد یا پیشامدی تصمیم او را به تأخیر اندازد یا در برابر اراده اش مانعی قرار گیرد پس نامش را در زمرة عابدان بنگار و ثواب مجاهدان را براو حتمی گردان و وی را در زمرة شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۸) بار خدا یا بر محمد که بنده و فرستاده توست و بر آلس درود فرست درودی برتر از درودها و بالاتر از تحیت ها درودی که زمانش پایان نهاده بود و رشته شمار آن قطع نگردد مانند کاملترین درودهایی که در روزگاران گذشته به هر یک از اولیائیت نثار فرمودی چرا که تو عطابخش ستوده ای، آغاز کننده و بازگرداننده ای و توبی که هر چه اراده فرمایی انجام دهی.

(٢٨)



(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِاِثْقَاطَاعِي إِلَيْكَ (٢) وَأَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ  
(٣) وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَعْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ (٤) وَقَلَبْتُ مَسَأْلَتِي  
عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ فَضْلِكَ (٥) وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُخْتَاجِ إِلَى  
الْمُخْتَاجِ سَفَهٌ مِّنْ رَأْيِهِ وَضَلَّةٌ مِّنْ عَقْلِهِ (٦) فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ - يَا  
إِلَهِي - مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّةِ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا، وَرَأَمُوا الثَّرَوَةَ مِنْ سِوَاكَ  
فَأَفْتَرُوا، وَخَوَلُوا الْإِرْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا (٧) فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ  
حَازِمٌ وَفَقِهٌ اغْتَبَارٌ، وَأَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ احْتِيَارٌ (٨) فَأَنْتَ  
يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعُ مَسَأْلَتِي، وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ  
وَلِيُّ خَاجَتِي (٩) أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِي، لَا  
يَشْرِكُكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي، وَلَا يَتَفَقُّ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي، وَلَا يَنْظِمُهُ  
وَإِيَّاكَ نِدَآئِي (١٠) إِلَكَ - يَا إِلَهِي - وَخَدَانِيَّةُ الْعَدَدِ، وَمَلَكُ الْقُدْرَةِ  
الصَّمَدِ، وَفَضْيَّلَةُ الْعَوْلِ وَالْقُوَّةِ، وَدَرَجَةُ الْعُلُوِّ وَالرُّفْعَةِ (١١) وَمَنْ  
سِوَاكَ مَرْحُومٌ فِي عُمْرِهِ، مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَفْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ،  
مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ، مُسْتَقْلٌ فِي الصِّفَاتِ (١٢) فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ  
وَالْأَضْدَادِ، وَتَكَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ، فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

## دعای بیست و هشتم:

## به وقت پناه بردن به خدای عزوجل

(۱) بار خدایا من با انقطاع از غیر و پیوستم به تو خود را از هر شائبه‌ای خالص کرده‌ام.

(۲) و با تمام وجود به تو رو آورده‌ام.

(۳) و از آنکه نیازمند به عطای توست روی گردانده‌ام.

(۴) و در خواست خود را از کسی که از فضل تو بی نیاز نیست گردانده‌ام

(۵) و دانستم که حاجت خواستن محتاج از محتاج دیگر به خاطر سبک رأیی و گمراهی عقل اوست.

(۶) چه بسیار مردم را دیده‌ام که از غیر تو عزت خواستند و خوار شدند و از غیر تو ثروت طلبیدند و تهدیدست گشتند و در طلب بلندی و مقام برآمدند و پست شدند.

(۷) پس انسان دوراندیش بدیدن امثال ایشان بر راه راست رود و پندگرفتنش مایه توفیق او شود و این انتخاب او را به راه صواب رهنمون گردد.

(۸) پس ای مولای من، مرجع خواهش من تو بی نه هیچ مسؤول دیگر و برآورزندۀ نیازم تو بی نه هر کس که از او طلب و خواهش می‌شود.

(۹) پیش از آنکه کسی را بخوانم فقط تو را می‌خوانم، احدي در چشم انداز امید من با تو شریک نیست و در دعای من هیچ کس با تو رقبب نمی‌باشد و ندای من کسی را با تو همسنگ و برابر نمی‌کند.

(۱۰) الهم وحدانیت و یگانگی و ملکه قدرت بی نیاز و فضیلت توان و قوت و بلند پایگی و رفعت شایسته تو است.

(۱۱) و ماسوای تو در همه عمر خود نیازمند رحمت تو و در کار خویش عاجز و مغلوب و در امور خود ناتوان است و حالاتش گوناگون و صفاتش ناپایدار است.

(۱۲) پس تو برتر از آنی که همانند و همتایی داشته باشی و بزرگتر از آنی که همسان و همتایی برای تو باشد. پس پاک و منزهی معبدی جز تو نیست.

(٢٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَبْشَلَيْسْنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظُّنُونِ، وَفِي أَجَالِنَا بِطُولِ  
الْأَمْلِ حَتَّى اتَّمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ، وَطَمِعْنَا بِاِنْمَالِنَا فِي  
أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ. (٢) فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبَ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا  
تَكْفِيْنَا بِهِ مِنْ مَوْوِنَةِ الْطَّلْبِ، وَالْهِمَنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِيْنَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ  
النَّصَبِ (٣) وَاجْعَلْ مَا صَرَّخْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَاتَّبَعْتَهُ مِنْ  
قَسْمِكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعًا لَا هَتَّمَانَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتَ بِهِ، وَحَسْنًا  
لِلإِشْتِغَالِ بِمَا ضَمِّنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ (٤) فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَضْدَقُ،  
وَأَقْسَمْتَ وَقَسْمُكَ الْأَبْرُ الأَوْفِيَ، وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ.  
(٥) ثُمَّ قُلْتَ فَوْرَبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ.

(٣٠)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُعْوَنَةِ  
عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي الْغَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ  
وَجْهِي، وَيَحْأَرُ فِيهِ ذَهْنِي، وَيَسْعَبُ لَهُ فِكْرِي، وَيَطْوُلُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِي

دُفَّاعَةُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

## دعای بیست و نهم:

### وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد

(۱) بار خدایا ما را در روزیها بمان به بدگمانی و در مدت زندگی به آرزوهای دراز آزموده‌ای تا اینکه روزیها نورا از روزی خواران خواستیم و به آرزوهای خود در عمر کهنسالان طمع بستیم.

(۲) پس بر محمد و آلس درود فرست و به ما یقینی راسخ بخش که بدان وسیله از رنج خواستن آسوده‌مان کنی و آرامشی خاص در دل ما انداز تا به آن از شدت و خستگی رنج معافمان داری.

(۳) و آنچه در وحی خود آشکارا وعده داده‌ای واز هی آن در کتابت سوگند باد کرده‌ای وسیله‌ای قرار ده تا ما را از دویدن دنبال آن روزی که رساندنش را برای ما کفالت نموده‌ای باز دارد و نسبت به آنچه ضامن کفایت آن گشته‌ای، مانع پریشانی خاطر ما شود.

(۴) پس چنین گفته‌ای و گفته تو حق و راست‌ترین است و سوگند خورده و سوگند راست‌ترین و رسائیون است «روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان است».

(۵) سپس گفته‌ای «پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند همان گونه که شما سخن می‌گویید این سخن حق است».

## دعای سی ام:

### در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام

(۱) بارالها بر محمد و آلس درود فرست و مرا برهان از وامی که آبرویم را بریزد و ذهنم را پریشان کند و اندیشه‌ام را پراکنده سازد و کارم در چاره آن طول کشد.

(٢) وَأَعُوذُ بِكَ، يَا رَبَّ، مِنْ هَمَ الدَّيْنِ وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدَّيْنِ وَسَهْرِهِ، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِذْنِي مِنْهُ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبَّ، مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ، وَمِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاءِ، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِزْنِي مِنْهُ بِوُسْعِ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ. (٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَّفِ وَالْإِرْدِيَادِ، وَقُوِّمْنِي بِالْبَذْلِ وَالْإِقْتِصَادِ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ، وَاجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجْهِ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي، وَازْوِ عَنِي مِنَ الْمَالِ مَا يُخِدِّثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَادِيًّا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا. (٤) اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَاعِنِّي عَلَى صُخْبِتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ (٥) وَمَا زَوَّيْتَ عَنِي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخُرْهُ لِي فِي خَرَآئِنِكَ الْبَاقِيَةِ (٦) وَاجْعَلْ مَا حَوَلَتْنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَعَجَلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جُوازِكَ وَوُضْلَةً إِلَى قُرْبِكَ وَذَرِيْعَةً إِلَى جَنَّتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

﴿٣١﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ  
الْتَّوْبَةِ وَطَلَبِهَا:

(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصْفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِرُهُ  
رَجَاءُ الرَّاجِينَ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَضِيغُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ

(۲) ای پروردگارم از غصه وام و اندیشه در آن واز دلی مشغول به مسأله قرض و بیخوابیش به تو پناه می‌برم. پس بر محمد و آلس درود فrst و مرا از زحمت و مشقت وام پناه ده - ای پروردگار من - از ذلت فرض در این چند روز زندگی وازویال آن پس از مرگ به تو پناه می‌برم پس بر محمد و خاندان او درود فrst و مرا به ثروت بسیار یازندگی توأم باکفاف که همیشه باشد از آن پناه ده.

(۳) بار خدا یا بر محمد و آلس درود فrst و مرا از اسراف وزیاده روی باز دار و در بخشش و میانه روی استوار دار و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن و روزیم را از راههای حلال جاری ساز و خرج کردن مالم را در کارهای نیک قرار ده و ثروتی که مرا به کبر و خودبینی آکوده کند یا به ستم بکشاند یا از مرز عبادت و ادب درگذراند از من دور کن.

(۴) بار خدا یا رفاقت و همنشینی با فقیران را محبوب من قرار ده و در نشست و برخاست با آنان مرا به صبر نیکو یاری فرما.

(۵) و آنچه را از کالای نابود شدنی دنیا از من گرفتی همان را در گنجینه‌های همیشگیت برایم اند و خته کن.

(۶) و آنچه از توشہ ناچیز دنیا به من داده‌ای و هو متعاعی از آن که در همین دنیا به من عطا فرموده‌ای و سیله رسیدن به جوار خود و پیوستن به مقام قرب و سبب رسیدن به بهشت قرار ده زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و بخشندۀ بزرگواری.

### دعای سی و یکم:

#### در ذکر توبه و درخواست توفیق آن از پروردگار

(۱) بار خدا یا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، تو را وصف نمی‌کند.

(۲) و ای کسی که امید امیدواران از او فراتر نمی‌رود.

(۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران نزد او تباہ نمی‌شود.

(٤) وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى حَوْفِ الْعَابِدِينَ. (٥) وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ  
 خَشْيَةِ الْمُتَقِينَ (٦) هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتْهُ  
 أَزْمَاءُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَدَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ عَمَّا أَمْرَتْ بِهِ  
 تَفْرِيطًا، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا. (٧) كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ،  
 أَوْ كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ احْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى،  
 وَتَفَسَّعَتْ عَنْهُ سَحَابَتُ الْغَمَى، أَخْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَرَ فِيمَا  
 خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَجَلِيلًا مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا.  
 (٨) فَأَقْبَلَ تَحْوِكَ مُؤْمَلًا لَكَ مُسْتَحْبِيًّا مِثْكَ، وَوَجَهَ رَغْبَتِهِ إِلَيْكَ شِقَةً  
 بِكَ، فَأَمَّكَ بِطَمَعِهِ يَقِيناً، وَقَصَدَكَ بِخَوْفَةِ اخْلَاصًا، قَدْ خَلَاطَمَعَةُ  
 مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ، وَأَفْرَخَ رَوْعَةً مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ  
 سِواكَ. (٩) فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَضْرِعًا، وَغَمَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ  
 مُسْتَخْشِعًا، وَطَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعَزَّتِكَ مُسْتَذَلًّا، وَأَبْشَكَ مِنْ سِرَّهُ مَا أَنْتَ  
 أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَدُ مِنْ دُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَخْصَى لَهَا خُشُوعًا،  
 وَاسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيعَ مَا فَضَحَهُ فِي  
 حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبِ أَدْبَرْتُ لَذَائِعَهَا فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تِبْغَاتُهَا فَلَزِمَتْ.  
 (١٠) لَا يُنْكِرُ - يَا أَلَّهُمَّ - عَدْلَكَ إِنْ عَاقِبَتْهُ، وَلَا يَسْتَغْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ  
 عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَسْعَظِمُهُ غُفرانُ  
 الذَّنْبِ الْعَظِيمِ (١١) أَللَّهُمَّ فَهَا أَنَاذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطْبِعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمْرَتَ بِهِ  
 مِنَ الدُّعَاءِ، مُسْتَجِزًا وَعَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ:  
 أَذْعُونَتِي أَشْجِبْ لَكُمْ: (١٢) أَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقَنِيِّ  
 بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِإِفْرَارِيِّ، وَازْفَغْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا  
 وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي، وَاسْتُرْنِي بِسِرْكَ كَمَا تَأْسَيْتُنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي:

(۴) وای آنکه ترس عبادت‌کنندگان به او منتهی شود. (۵) وای آنکه نهایت بیم پرهیزکاران او است. (۶) این جایگاه کسی است که بازیچه دست گناهان قرار گرفته و مهارهای خطاهای او را کشیده‌اند و شیطان بر او چیره گشته از این جهت در اجرای امر تو کوتاهی ورزیده واز سرنادانی و غرور به آنچه از آن نهی کردی جامه عمل پوشیده است. (۷) مانند کسی که به قدرت تو بر خود ناگاه است و یا فضل و احسان را درباره خویش انکار می‌کند تا چون دیده هدایتش گشوده شود و ابرهای کوری از برابرش بر طرف گردد، ستمهایی که بر خود نموده بشمرد و در اموری که با خدای خود مخالفت کرده بیندیشد آنگاه بزرگی گناهش را ببیند و به عظمت مخالفتش پی ببرد. (۸) پس در حالی که دل به امید تو بسته واز حضرت شرمسار است به سوی تورو آورده واز روی اطمینان به تو با شوق و رغبت متوجه تو شده واز روی یقین با طمع خود آهنگ تو نموده واز روی اخلاص با توشة ترس قصد تو کرده در حالی که جز تو به احدی طمع نداشته واز هیچ چیز غیر تو نمی‌ترسد. (۹) پس در حضورت با حال زاری ایستاده و دیده‌اش را از روی فروتنی به زمین دوخته و در برابر عزت تو با خواری سر به زیر افکنده و از سر فروتنی رازی را که تو بهتر از او بدان آگاهی برایت آشکار ساخته واز سیو خشون گناهان خود را که حضرت به شمار آنها آگاهتری بر شمرده وازمهلکه‌ای بزرگ که بر علمت گذشته واز کارزشی که به فرمان تو او را رسوا کرده، به تو پناه آورده گناهانی که لذتهاش سپری شده ولی پامدهای زیانبخشش بجای مانده است. (۱۰) الهی اگر این بنده را عقوبت کنی عدل و داد تو را انکار نمی‌کند و اگر از وی بگذری و بر او رحمت آوری عفو را عظیم نشمرد زیرا که تو خدای کریمی هستی که عفو گناه بزرگ در نظرت بزرگ نیست.

(۱۱) بار خدایا اینک متن که در پیشگاهت مطیع و سر به فرمان آمده‌ام در اینکه خود بما گفتی که تو را بخوانیم، اکنون وفای به وعده‌ای را که در مورد احابت خواسته‌ام داده‌ای از تو می‌خواهم. زیرا که فرموده‌ای «مرا بخوانید تا خواسته شما را احابت کنم» (۱۲) بار خدایا پس بر محمد و آلس درود فرست و با آمرزش خود به من رو آور چنانکه من با اعتراف بر گناه به تورو آوردم و مرا از لغزشگاههای گناهان برگیر چنانکه در برابر تو پستی گزیدم و مرا در پرده خود پوشان چنانکه در انتقام از من درنگ فرمودی.

- (١٣) اللهم وَبَثْتُ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتي، وَأَخْرَمْتُ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَفَقَنَى مِنِ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايا عَنِّي، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٌ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذَا تَوَفَّنِي.
- (١٤) اللهم إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا، وَبَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَواهِرِهَا، وَسَوْالِفِ زَلَّاتِي وَحَوَادِثِهَا، تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَغْصِيَّةٍ، وَلَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطْبَيَّةٍ (١٥) وَقَدْ قُلْتَ - يَا إِلَهِي - فِي مُخْكَمِ كِتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَغْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَتُحِبُّ التَّوَابِينَ، فَاقْبِلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ، وَاغْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِّنْتَ، وَأُوْجِبْ لِي مَحِبَّتِكَ كَمَا شَرَطْتَ (١٦) وَلَكَ - يارَبَّ - شَرَطْتَ إِلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ، وَضَمانِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَعَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعْاصِيكَ.
- (١٧) اللهم إِنَّكَ أَغْلَمْ بِمَا حَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَاضْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ. (١٨) اللهم وَعَلَى تِبْغَاتِي قَدْ حَفِظْتَهُنَّ، وَتِبْغَاتِي قَدْ نَسِيْتَهُنَّ، وَكُلُّهُنَّ بِعِينِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَعِلْمُكَ الَّذِي لَا يَنْسَى، فَعَوْضْ مِنْهَا آهْلَهَا، وَاحْتُطْ عَنِّي وَزْرَهَا، وَخَفْفْ عَنِّي ثِقلَهَا، وَاغْصِنْي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا. (١٩) اللهم وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالْتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَوْنِي بِقُوَّةِ كَافِيَّةٍ، وَتَوَلْنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ. (٢٠) اللهم أَيُّهَا عَبْدِكَ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخُ لِتَوْبَتِهِ، وَعَانِدُ فِي ذَنْبِهِ وَخَطَبَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذِيلَكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَخْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةِ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَالسَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ.

(۱۲) بار الها نیتم را در طاعت استوار کن و بینشم را در بندگیت پا بر جا فرما و مرا به اعمالی موفق کن که به سبب آن چرك گناهان را از من بشویی و هنگام خروج از دنیا مرا بر آیین خود و پیامبرت محمد ﷺ بمیران.

(۱۴) بار الها در این موقعیتی که دارم از گناهان بزرگ و کوچکم و از گناهان پوشیده و آشکارم و از لغزش‌های گذشته و تازه‌ام به سویت باز می‌گردم مانند توبه کسی که خیال گناه در درونش نگذرد و اندیشه بازگشت به گناه را به خاطرش راه ندهد. (۱۵) و تو خود ای پروردگار من در کتاب محکمت فرموده‌ای که توبه را از بندگانت می‌پذیری و از زشتی گناهان در می‌گذری و توبه کنندگان را دوست داری پس بر اساس وعده خود توبه‌ام را پذیر و همانطور که ضمانت نموده‌ای از گناهانم بگذر و چنانکه شرط فرموده‌ای محبت را بر من لازم فرما. (۱۶) و من هم تعهد می‌کنم که به آنچه پسند تو نیست بر نگردم و ضمانت می‌نمایم که به کاری که مورد نکوهش توست باز نگردم و پیمان می‌بندم که از تمام گناهان دوری کنم.

(۱۷) بار خدا ایا تو به آنچه من انجام داده‌ام آگاهتری پس بر من بیخش و بیامرز آنچه را از من خبر داری و مرا با قدرت خود به سوی آنچه دوست داری متوجه ساز. (۱۸) خداوندا گرفتاریها بی بود و شیم سنگینی ~~می~~ کند که آنها را به باد دارم و گرفتاریها بی نیز هست که فراموش کرده‌ام و همه آنها در برابر دیده توست که به خواب نمی‌رود و نزد علم توست که در آن فرمواشی راه ندارد پس در مقابل آن گرفتاریها به صاحبانش عوض بده و گرانی آن را از من دور کن و سنگینی آن را از دوش من بردار و مرا از نزدیک شدن و انجام مانند آن باز دار.

(۱۹) الهی جز با حفظ تو قدرت و فای به توبه خود ندارم و جز به قوت تو توان خودداری از گناهان ندارم پس مرا با نیروی کافی تقویت کن و خود عهده دار نیروی باز دارنده از گناهم باش.

(۲۰) الهی هر بنده‌ای که به سویت باز گردد و حضرت به علم غیبی که داری می‌دانی که او توبه شکن و باز گردندۀ به گناه و خطای خویش است پس من به تو پناه می‌برم از آنکه چنین باشم اینک این توبه مرا چنان توبه‌ای قرار ده که پس از آن نیازمند توبه‌ای دیگر نباشم توبه‌ای که سبب نابودی گناهان گذشته و ایمنی از گناه در بقیه ایام عمر باشد.

(٢١) اللهم إني أعتذر إليك من جهلي، وأشتوهلك سوء فغلى، فاضممني إلى كتف رحمتك طولاً، واستزني بستر عافيتك تقضلاً. (٢٢) اللهم وارني أتوب إليك من كُلٌّ ما خالف إرادتك، أو زال عن محيتك من خطارات قلبي، ولحظات عيني، وحكايات لسانى، توبة تسلّم بها كُلٌّ جارحة على حيالها من تباعاتك، وتأمن مما يخاف المغتدون من أليم سطواتك. (٢٣) اللهم فارحمني وخذلى بيّن يديك، وجيب قلبي من خشيتك، وأضطراب أركانى من هيبيتك، فقد أقامتنى - يا رب - ذنبي مقام الخزي بفنائك، فإن سكت لم ينطق عنى أحد، وإن شفقت فلست بأهل الشفاعة.

(٢٤) اللهم صل على محمد والآل، وشفع في خطاياى كرمك، وعد على سيناتي بعفوك، ولا تجزنى جزائي من عقوبتك، وابسط على طولك، وجلّنى بشرتك، وافعل بي فعل عزيز تصرع إليه عند ذليل فرحمة، أو غنى تعرض له عند فقير فنعشة. (٢٥) اللهم لا خفيلى مثلك فليخفونى عزك، ولا شفيع لي إليك فليشفع لي فضلوك، وقد أوجلتشي خطاياى فليؤمّننى عفوك. (٢٦) فما كُلٌّ ما نطق بي عن جهل متنى بسوء أثري، ولا نسيان لما سبق من ذميم فغلى، لكن لتسمع سماوك ومن فيها وأرضك ومن عليها ما أظهرت لك من الندم، ولجاجات إليك فيه من التوبة. (٢٧) فلعل بعضهم برحمتك يزحمني لسوء موقفى، أو تذركه الرقة على لسوء حالى فيتالنى منه بدعاوة هي أسمع لذئبك من دعائى، أو شفاعة أو كدة عندك من شفاعتي تكون بها نجاتى من غضبك وفوزتى برضاك.

(۲۱) خداوند از نادانی خود از پیشگاهت عذر می خواهم و درباره کردار بدم از تو بخشن می طلبم پس از روی احسان مرا در پناه رحمت خویش در آور و از راه تفضل لباس عافیت بر من بپوشان. (۲۲) الهی واز هر چه مخالف خواست تو بوده یا از گردونه محبت تو بیرون می برد از خاطراتی که در قلبم گذشته و نگاههای چشم و گفتارهای زبانم چنان توبه‌ای می کنم که هر یک از آن‌دام به سهم خود از کیفرت سالم ماند و از انتقام و قهری که بدادگران از آن می هراسند ایمن گردد.

(۲۳) الهی بر تنها بیم در پیشگاهت و تپیدن قلبم از ترس و لرزه اندامم از هبیت رحم کن زیرا گناهانم - ای پروردگار من - مرا در جای رسوابی و خواری در پیشگاهت نشانده پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نمی گوید و اگر شفیع و میانجی بطلبم سزاوار شفاعت نیستم.

(۲۴) بار خدا ایا بر محمد و آلش درود فرست و بزرگواریت را درباره خطاهایم شفیع من فرما و گناهانم را با گذشت خود بر من ببخش و جزایم را از عقوبات خود قرار مده و دامان احسان را بر من بگستر و مرا در پرده عفوت بپوشان و با من بسان نیرومندی رفتار کن که بندۀ ای ذلیل بازاری به درگاهش رفته و او بروی ترحم نموده یا بسان رفتار ثروتمندی رفتار کن که فقیری سر راهش نشسته و او از وی دستگیری نموده. (۲۵) بار الها مرا از (کیفر) تو پناه دهنده‌ای نیست پس باید عزّت توانائیت پناهم دهد و برای من شفیعی به سوی تو نیست پس باید فضل و احسان تو شفیع شود و گناهانم مرا ترسانیده است، پس باید (گذشت) مرا ایمن سازد. (۲۶) پس آنچه بر زبان آوردم از روی نادانی به کردار زشتم و در اثر فراموشی کارهای بد گذشته ام نیست بلکه برای آن است که آسمان تو و هر که در آن است و زمین تو و هر که بر روی آن است پشمیانی را که برای تو آشکار کردم و توبه‌ای را که به سبب آن به تو پناه بردم بشنوند. (۲۷) تا شاید برخی از آنان در سایه رحمت بر جایگاه بدم رحم کند یا بر پریشان حالیم بر من رفت آورد آنگاه دعایی به حال من کند که از دعای خود من نزد تو به اجابت نزدیکتر باشد یا شفاعتی نماید که از شفاعت خودم نزد تو استوارتر باشد و رهایم از خشم تو و دستیابیم به خشنودیت در آن باشد.

(٢٨) اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنْ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَانَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنْ  
الثَّرْكُ لِمَغْصِبَتِكَ إِنْابَةً فَانَا أَوَّلُ الْمُنْبَيِّنَ، وَإِنْ يَكُنْ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً  
لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ. (٢٩) اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمْرَتَ بِالتَّوْبَةِ  
وَضَمِّنْتَ الْقُبُولَ، وَحَثَّتَ عَلَى الدُّعَاءِ، وَوَعَدْتَ الْإِجَابَةَ، فَصَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبِلْ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ  
رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَرَحْمَةُ الْخَاطِئِينَ  
الْمُنْبَيِّنَ. (٣٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَفَدْنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ  
لَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ  
عَلَيْكَ يَسِيرٌ.



مَرْكَزُ تَحْتِيمَةِ تَكْوِينِهِ (٣٢)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ  
صَلَاةِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِي الاعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ:

(١) اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ (٢) وَالسُّلْطَانِ الْمُفْتَشِعِ بِغَيْرِ  
جُنُودِ وَلَا أَغْوَانِ. (٣) وَالْعِزُّ الْبَاقِي عَلَى مَرَالِدِهِ هُورِ وَخَوَالِي الْأَغْوَامِ  
وَمَوَاضِسِ الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ (٤) عَزُّ سُلْطَانِكَ عِزًا لَا حَدَّلَهُ بِأَوْلَيَّةِ، وَلَا  
مُنْتَهِي لَهُ بِنَاحِرِيَّةِ (٥) وَاسْتَغْلِي مُلْكُكَ عَلَوًا سَقَطَتِ الْأَكْشِيَّةُ دُونَ بُلُوغِ  
أَمْدِهِ (٦) وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مِنْ ذِلْكَ أَقْصَى نَعْتِ الْثَّاعِنِينَ.

(۲۸) الهی اگر پشیمانی در پیشگاه حضرت توبه است پس من از همه پشیمان نرم و اگر ترک گناه توبه محسوب می شود پس نخستین توبه کننده منم و اگر استغفار سبب ریختن گناهان است پس من در برابرت از استغفار کنندگانم.

(۲۹) بار الها همان گونه که به توبه و بازگشت فرمان دادی و پذیرش آن را ضمانت فرمودی و بر دعا ترغیب نمودی و نسبت به آن وعده اجابت دادی پس بر محمد و آلس درود فرست و توبه ام را بپذیر و از رحمت با نویمیدی باز مگردان زیرا که حضرت بر گناهکاران بخشندۀ ای و بر خطاب پیشگان که از صمیم دل به تو بازمی گردند مهربانی.

(۳۰) بار الها بر محمد و آلس درود فرست همچنان که بوسیله او ما را هدایت فرمودی و بر محمد و آلس درود فرست همچنان که به سبب او ما را رهایی کرامت کردی و بر محمد و آلس درود فرست، درودی که در قیامت و در روز نیاز به تو از ما شفاعت کند زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو سهل و آسان است.



### مرکز دعای پیغمبر و دومندی پس از نماز شب

- (۱) خدا ایا، ای صاحب سلطنت جاوید و ابدی.
- (۲) و ای سلطان مقتدر بدون لشگر و پشتیبان.
- (۳) و ای عزیزی که در گذر روزگار و گذشت سالها و سپری شدن آzman و ایام همچنان باقی و پایداری.
- (۴) سلطنت تو برخوردار از چنان عزتی است که نه ابتدای آن حدی دارد و نه منتهای آن معلوم است.
- (۵) و مقام پادشاهی تو چنان عالی است که همه چیز پیش از وصل به آن مقام، عاجز و ناتوان می شود.
- (۶) و نهایت توصیف وصف کنندگان، به پایین ترین درجه مقام و مرتبت اختصاصی تو نمی رسد.

(٧) ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ، وَ حَارَثَ فِي  
كِبِيرِ يَائِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ (٨) كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ،  
وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ (٩) وَ أَنَا الْعَبْدُ الْمُضَعِّفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ  
أَمْلًا، حَرَجَتْ مِنْ يَدِي أَشْبَابُ الْوُصُّلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ،  
وَ تَقْطَعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمْالِ إِلَّا مَا أَنَا مُغْتَصِّمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ (١٠) قَلَّ  
عِنْدِي مَا أَعْتَدَ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ كَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبْوَءُ بِهِ مِنْ مَغْصِبَتِكَ وَ لَنْ  
يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ عَنْ عَبْدِكَ وَ إِنْ أَسَاءَ، فَاغْفُ عَنِّي (١١) اللَّهُمَّ وَ قَدْ  
أَشَرَّفَ عَلَى حَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ، وَ ائْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِكَ،  
وَ لَا تَنْطُوي عَنِّكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَ لَا تَغْرُبُ عَنِّكَ غَيَّبَاتُ السَّرَايِّرِ  
(١٢) وَ قَدْ اسْتَحْوَدَ عَلَيَّ عَدُوُكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِغَوَايَتِي فَانْظَرْتَهُ،  
وَ اسْتَمْهَلْكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَامْهَلْتَهُ (١٣) فَأَوْقَنْتُنِي وَ قَدْ  
هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَفَاقِيْرِ دُنْوِبِ مُؤْبَقَةٍ، وَ كَبَائِرِ أَعْمَالِ مُرْدِيَّةٍ حَتَّى  
إِذَا قَارَفْتُ مَغْصِبَتِكَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوقِ سَعْيِ سَخْطَتِكَ، فَتَلَ عَنِّي  
عِذَارَ عَذْرِهِ، وَ تَلَقَّانِي بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ، وَ تَوَلَّى الْبَرَآءَةَ مِنِّي، وَ أَدْبَرَ  
مُوَلِّيَا عَنِّي، فَاصْحَرَنِي لِغَضِبِكَ فَرِيدًا، وَ أَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نَقِمتِكَ  
طَرِيدًا (١٤) لَا شَفِيعٌ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ، وَ لَا حَفِيرٌ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ، وَ لَا  
حَضْنٌ يَخْجُبُنِي عَنِّكَ، وَ لَا مَلَادُ الْجَأْأَ إِلَيْهِ مِثْكَ (١٥) فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ  
بِكَ، وَ مَحَلُّ الْمُغَرَّفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقُنِي عَنِّي فَضْلُكَ، وَ لَا يَقْصُرُنِي  
دُونِي عَفْوِكَ، وَ لَا أَكُنْ أَخْيَبُ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ، وَ لَا أَقْنَطَ وُفُودِكَ  
الْأَمْلِيَّنَ، وَ اغْفِرْلِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (١٦) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمْرَشْتَنِي  
فَتَرَكْتُ، وَ نَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ، وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَقَرَّطْتُ.

(۷) اوصاف در تو گم شده‌اند و صفتها در نزد تو در هم ریخته‌اند و اذهان ظریف در بزرگی تو حیران‌اند (۸) و این چنین است که تو خدائی هستی که در اول بودن، اولی و در این ویژگی، دائم و جاویدی و هرگز زوال نمی‌پذیری (۹) و من بنده‌ای هستم که در عمل ضعیفم و اماً آمل و آرزویم بزرگ است، اسباب وصول به سعادت از دست من خارج شده مگر آنچه رحمت تو به دست من رسانیده است. و رشته‌های آرزوها از من گسیخته شده مگر آنچه من بدان چنگ انداخته‌ام که همان عفو و بخشش توست (۱۰) آنچه از طاعت که بتوانم آن را به حساب آورم، در نزد من اندک است و آنچه که بدان باز می‌گردم یعنی معصیت و نافرمانی تو، زیاد است و بر تو سخت و دشوار نیست که بنده‌ات را - مگر چه بد کرده باشد - ببخشی، پس اینک از من درگذر (۱۱) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما اشراف دارد و در نزد آگاهی تو، هر پنهانی، آشکار است، و جزئیات امور هرگز بر تو مخفی نیست و مخفیات سریره‌ها هرگز برای تو مغقول نیست. (۱۲) و بر من غالب آمده دشمن تو (شیطان) که برای گمراه نمودنم از تو مهلت خواست و تو به او مهلت دادی، و تا روز قیامت برای اضلال من فرصت طلبید و تو به او فرصت دادی. (۱۳) او - در حالیکه من از گناهان کوچک هلاکت آور و از اعمال بزرگی پستی آور به سوی تو می‌گریختم - مرا مغلوب نمود. همینکه به معصیت تو نزدیک شدم و در اثر کردار بد خود، مستوجب خشم تو گشتم، عنان مکر و فربیش را از من گردانید و با سخن کفر آمیز با من زویرو شد و از من تبری جست و به من پشت نمود و روی بر تافت و سپس مرا در بیابان ضلالت برای خشم تو تنها گذاشت و بی‌کس ویکه، مرا به دیار نقمت فرستاد. (۱۴) در حالیکه نه شفیعی هست که برای من در نزد تو شفاعت نماید و نه هشدار دهنده‌ای که مرا در نزد تو این گرداند و نه حصار محکمی که حاجب بین من و تو باشد و نه پناهی در کار است که از خشم تو به او روکنم. (۱۵) این است مقام کسی که به تو پناه آورده و جایگاه کسی که در برابر تو اعتراف می‌کند. پس نباید فضل تو از من دریغ آید و عفو تو شامل حال من نگردد، و من محرومترین بندگان تائب تو و مأیوس‌ترین آرزومندان نزد تو باشم، و مرا بیخش، که تو بهترین آمرزنندگانی. (۱۶) خدایا تو مرا امر کردی و من آن را ترک کردم، و نهی کردم و من مرتکب آن شدم. و فکر نادرست، خطرا برای من جلوه داد و من کوتاهی و تقصیر کردم.

(١٧) وَلَا أَسْتَشْهِدُ عَلَى صِيامِ نَهَارًا، وَلَا أَسْتَجِيرُ بِتَهْجِدِي لَيْلًا، وَلَا  
تُثْنِي عَلَيَّ بِإِخْيَايْهَا سُنَّةً حَاشِيَ فُرُوضِكَ الَّتِي مَنْ ضَيَعَهَا هَلْكَ.  
(١٨) وَلَسْتُ أَتَوَسِّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرٍ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ  
فُرُوضِكَ، وَتَعَدَّتْ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرُمَاتِ اسْتَهْكُتها،  
وَكَبَائِرِ ذُنُوبِ اجْتَرَحْتُها، كَانَتْ غَافِيَّكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِثْرًا.  
(١٩) وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اسْتَخْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَسَخَطَ عَلَيْهَا، وَرَضَى  
عَنْكَ، فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاسِعَةٍ، وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ، وَظَهَرٌ مُثْقَلٌ مِنَ الْخَطَايَا  
وَاقِفًا بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ. (٢٠) وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ،  
وَأَحَقُّ مَنْ خَشِيَّهُ وَاتَّقَاهُ، فَأَعْطَنِي يَارَبَّ مَا رَجَوْتُ، وَأَمِنَّى مَا  
حَدَّرْتُ، وَعُذْ عَلَيَّ بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ. (٢١) اللَّهُمَّ  
وَإِذْ سَرَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ  
الْأَكْفَاءِ، فَأَجْزَنِي مِنْ فَضِيَّحَاتِ دَارِ الْبَقاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ  
مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ، وَالرَّوْسُلِ الْمُكَرَّمِينَ، وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ،  
مِنْ جَارِ كُنْتُ أَكَا تِمَهُ سَيِّئَاتِي، وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ أَخْتَشِمُ مِنْهُ فِي  
سَرِيرَاتِي. (٢٢) لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِي السُّرِّ عَلَيَّ، وَوَثَقْتُ بِكَ رَبِّ  
فِي الْمَغْفِرَةِ لِي، وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ وُثِقَ بِهِ، وَأَعْطَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ،  
وَأَرَأَفُ مَنِ اسْتَرْحَمَ، فَازْحَمْنِي. (٢٣) اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَّرْتَنِي مَاءً مَهِينًا  
مِنْ صُلْبِ مُتَضَائقِ الْعِظَامِ، حَرَجَ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَرَرْتَهَا  
بِالْحُجُبِ، ثُصَرْ فُنِي خالاً عَنْ حَالٍ حَتَّى اتَّهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ،  
وَأَثْبَتَ فِي الْجَوَارِحَ كَمَا نَعَثَّ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلْقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ  
عَظِيمًا ثُمَّ كَسَوَتِ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ اسْتَأْتَنِي خَلْقًا أَخْرَ كَمَا شِئْتَ.

(۱۷) و من هیچ روزی را بر روزه گیریم، گواه نمی‌گیرم و هیچ شبی را پناه شب زنده‌داری خود سراغ ندارم و هیچ سنت مستحبی مرا تحسین نمی‌کند که آن را احیاء کرده باشم، مگر واجبات تو که هر کس آنها را زیر پا گذارد، هلاک می‌شود. (۱۸) و من هرگز با فضیلت نافله به تو متول نمی‌شوم، در حالیکه غفلت من درباره واجبات تو زیاد است و من از حدود تو تجاوز کرده، محرماتی را مرتکب شده‌ام و گناهان کبیره‌ای را انجام داده‌ام که مصون داشتن من از رساییهای آنها توسط تو، برای من پوششی است. (۱۹) و این مقام کسی است که از خودش در نزد تو شرمنده شده و بر خوبی، خشمگین و از تو راضی و خشنود است و از این رو با روحی خاشع و گردنبی خاضع و پشتی سنگین از بار خطاهای، با تو روبرو شده، در حالیکه بر سر دوراهی امید به تو و هراس از تو ایستاده است. (۲۰) و تویی شایسته‌ترین کسی که با او امید داشته و سزاوارترین کسی که باید از او بترسد و بپرهیزد. پس بار پروردگارا، آنچه امید دارم به من عطا کن و از آنچه می‌ترسم، حفظم نمایم و با رحمت خود به من بازگرد، زیرا تو بهترین در خواست شدگانی. (۲۱) بار خدا ایا، تو که در حضور همانندهایم در دار دنیا با عفوت مرا پوشاندی و فضل را شامل حال من گردانیدی، پس در آخرت نیز مرا از رساییهای قیامت - در حضور گواهان یعنی فرشتگان مقرب و رسولان مکرم و شهدا و صالحان مثل همسایه‌ای که گناهانم را از او پنهان می‌کردم و خوشآوندی که در کارهای مخفیانه خود از او شرم داشتم - حفظ فرما. (۲۲) خدا ایا من در حفظ و پوشانیدن اسرارم، اعتمادی به آنها (نزدیکان) ندارم ولی در آمرزش گناهانم به تو اعتماد نموده‌ام، و تو شایسته‌ترین فرد مورد وثوقی و بخشندۀ‌ترین فرد مورد رغبتی و رئوف‌ترین شخصی هستی که از او طلب رحمت می‌شود، پس بر من رحم کن.

(۲۳) خداوندا، تو کسی هستی که مرا - در آن هنگام که نطفه ناجیزی بودم - از چلب پدر که استخوانهایی درهم فرو رفته و راههایی تنگ است به تنگای رحم مادر که آن را با حجابهایی پوشانیده‌ای منتقل کردی، در حالیکه مرا از حالتی به حالت دیگر در می‌آوردی تا اینکه صورت مرا کامل گردانیدی و در پیکر من اعضاء و جوارح قرار دادی، بدانگونه که در کتابت قرآن توصیف فرموده‌ای: نخست نطفه و سپس علقه (خون بسته) و مُضنه (پاره گوشت) واستخوان و سپس استخوان را با گوشت پوشانیدی و نهایتاً مرا خلقتی ویژه دادی آن گونه که خود خواستی.

(٢٤) حَتَّىٰ إِذَا اخْتَبَثْتُ إِلَى رِزْقِكَ، وَلَمْ أَسْتَعِنْ عَنْ غِيَاثٍ فَضْلِكَ،  
 جَعَلْتَ لِي قُوَّاتٍ مِّنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ أَجْرِيَتَهُ لِأَمْتَكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي  
 جَوْفَهَا، وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحْمِهَا. (٢٥) وَلَوْ تَكْلَنِي يَا رَبِّي فِي تِلْكَ  
 الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضْطَرِّنِي إِلَى قُوَّتِي لِكَانَ الْحَوْلُ عَنِي  
 مُغْتَرِّلاً، وَلَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِي بَعِيدَةً. (٢٦) فَغَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ عِذَاءَ الْبَرِّ  
 الْلَّطِيفِ، تَفْعَلُ ذَلِكَ بِي تَطْوِلاً عَلَيَّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ، لَا أَغْدَمُ بِرَبِّكَ، وَلَا  
 يُبْطِئُ بِي حُسْنُ صَنْيِعِكَ، وَلَا تَسْأَكُدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَاتَّفَرَغَ لِمَا هُوَ  
 أَخْطَى لِي عِنْدَكَ. (٢٧) قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنْنَا فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَغْفِ  
 الْيَقِينِ، فَإِنَّا أَشْكُوُ سُوءَ مُجَاوِرَتِهِ لِي، وَطَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَأَسْتَغْصِمُكَ  
 مِنْ مَلَكِتِهِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي. (٢٨) وَأَسْأَلُكَ فِي أَنْ  
 تُسْهِلَ إِلَى رِزْقِي سَبِيلًا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِيمَدَائِكَ بِالنَّعْمِ الْجِسامِ،  
 وَإِلَهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْأَخْسَانِ وَالْأَنْعَامِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
 وَسَهَّلْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَأَنْ تُقْنَعْنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي، وَأَنْ تُرْضِيَنِي بِحَضَتِي  
 فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمْرِي فِي سَبِيلِ  
 طَاعَتِكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ. (٢٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَظَتْ  
 بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَتَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَمِنْ نَارٍ  
 نُورُهَا ظُلْمَةً، وَهَيْثَمَا أَلِيمًّا، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارٍ يَا كُلُّ بَغْضَهَا  
 بَغْضٌ، وَيَصُولُ بَغْضَهَا عَلَى بَعْضٍ. (٣٠) وَمِنْ نَارٍ تَذَرُّ الْعِظامَ رَمِيمًا،  
 وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا، وَمِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَلَا تَرْحُمُ  
 مَنْ اسْتَغْطَفَهَا، وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّحْفِيفِ عَمَّا خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا  
 تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحَرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ

(۲۴) تا اینکه چون من به رزق تو محتاج بوده‌ام و هرگز از یاری و فضل تو بی‌نیاز نبوده‌ام، برای من از فضل طعام و شراب، غذایی قرار دادی و آن را در اندرون کنیز خودت (مادر) جای دادی و در جایگاه رحم او به ودیعت نهادی.

(۲۵) پروردگارا اگر در این حالات مرا به توان خودم و امی‌گذاشتی و مرا به قدرت خودم مضطرب می‌ساختی، قطعاً نیرو و توان از من سلب می‌شد و توانایی از من دور می‌گشت. (۲۶) پس تو مرا از ره احسان همانند یک نیکوکار مهریان، غذا دادی و این کار را همچنان تا این زمان که هستم از باب کرم انجام می‌دهی. من هرگز نیکی تو را از یاد نمی‌برم، و زیبائی رفتار تو در حق من هیچگاه اندک نمی‌شود. با این همه، اطمینان من به تو را سخت‌نمی‌شود که خود را برای انجام آنچه نزد تو برای من پر بهره‌تر است مهیا سازم. (۲۷) شیطان زمام مرا در سوء‌ظن و ضعف یقین بدست گرفته، و از بدی مجاورت شیطان با من و پیروی نفس از وی به تو شکایت می‌کنم و از سلطه او به دامن تو چنگ می‌زنم (۲۸) و به سوی تو ناله می‌کنم که راه رزق مرا آسان کنی. پس حمد و سپاس از آن توست در برابر نعمتهای زیادی که در ابتدا به من عطا کردی و در برابر سپاس و شکری که به خاطر احسان و انعامت به من الهم فرمودی پس بر حضرت محمد ﷺ و آل او درود فرست و رزق را بر من آسان فرما و مرا در آنچه برایم مقدّر ساخته‌ای قانع کن و در آنچه قسمیت من قرار داده‌ای راضی‌ام گردان و آنچه از جسم و عمرم گذشته است را در راه طاعت خودت قرار ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی.

(۲۹) خدا یا من به تو پناه می‌آورم از آتشی که آن را بر عاصیان سخت گرفته‌ای و به آن وعید داده‌ای کسانی را که روی از رضایت تو برتابند. و از آتشی که نورش، ظلمت است و آسانش، دردنگ و دورش، نزدیک است. و از آتشی که بعضی شعله‌های آن، دیگر شعله‌ها را می‌بلعد و پاره‌ای بر پاره دیگر حمله می‌برد.

(۳۰) و از آتشی که استخوانها را پودر می‌کند و بر اهل آتش، نوشابه‌ای گداخته می‌نوشاند. و از آتشی که هرگز باقی نمی‌گذارد کسانی را که به سوی آن تصریع می‌کنند و رحم نمی‌آورد بر کسانی که از آن طلب عطفوت دارند و قدرت ندارد که تحفیفی قائل شود در حق کسی که در آن خاشع است و تسليم آن شده است. آتشی که با ساکنان خود با دردناکترین آنچه دارد بر خورد می‌کند یعنی با انتقام دردآور و ابتلاء شدید.

(٣١) وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَارِبَهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا، وَحَيَاتِهَا الصَّالِفَةِ  
بِائِنَابَهَا، وَشَرَابَهَا الَّذِي يُقْطِعُ أَمْغَاءَ وَأَفْئَدَةَ سُكَّانَهَا، وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ،  
وَأَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَأَخْرَى عَنْهَا. (٣٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَاجْرُنِي مِنْهَا بِفضلِ رَحْمَتِكَ، وَاقْلُنِي عَشْرَاتِي بِخُشنِ إِقاْلِتِكَ،  
وَلَا تَخْذُلْنِي يَا خَيْرَ الْمُجْبِرِينَ (٣٣) اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقْنِي الْكَرِيمَةَ، وَتُعْطِي  
الْحَسَنَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَإِنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٤) اللَّهُمَّ صَلُّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْوَارُ، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ  
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، صَلوةً لَا يَنْقَطِعُ مَدْدُهَا، وَلَا يُخْصِي عَدَدُهَا، صَلوةً  
تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَتَمْلأُ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ. (٣٥) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى  
يَرْضَى، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَغْدَ الرِّضا، صَلوةً لَا حَدَّ لَهَا وَلَا  
مُشَهِّي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مِنْ تَحْتِهِ تَكُونُونَ مِنْ حِلْمِي  
(٣٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ  
لِي بِالْخَيْرَةِ (٢) وَالْهِمْنَا مَغْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيعَةً  
إِلَى الرِّضا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالشَّلِيمَ لِمَا حَكَمْتَ فَازَخْ عَنَّا  
رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ، وَأَيَّدْنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ. (٣) وَلَا تُسْمِنَا عَجَزَ  
الْمَغْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّلْتَ فَنَعْمِطْ قَذْرَكَ، وَنَكْرَةَ مَوْضِعِ رِضاكَ، وَنَجْنَحْ  
إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ

(۳۱) و به تو پناه می‌برم از عقرب‌های دوزخ که برای آزار دوزخیان دهان باز کرده‌اند، و از مارهای جهنم که با نیش‌هایشان بر جهنمیان حمله می‌برند و از نوشیدنیهای آن که امعاء و احشاء ساکنان دوزخ را در هم می‌ریزد و دلهاشان را می‌درد. و من از تو هدایت می‌طلبم در امری که آتش را از من دور کند و عقاب را تأخیر اندازد.

(۳۲) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به فضل و رحمت مرا از دوزخ حفظ فرما. و به حُسن گذشت خود، از خطاهای من درگذر و مرا خوار مگردان، ای بهترین پناهان.

(۳۳) توانی که از زشتیها باز می‌داری زیبائیها را عطا می‌کنی و آنچه اراده کنی انجام می‌دهی، و تو بر هر چیز توانایی.

(۳۴) خداوندا آنجاکه از نیکان یاد می‌شود و مدام که شب و روز در کارند، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که ابتدا آن هرگز قطع نشود و عدد آن قابل شمارش نباشد. درودی که فضیلا را پر کند و زمین و آسمان را فraigیرد.

(۳۵) درود برسول خدا ﷺ تا آنجاکه راضی شود و درود بر او و آل او پس از رضایت، درودی که حد و منتهایی برایش نباشد، ای مهریانترین مهریانان.

### دعای سی و سوم:

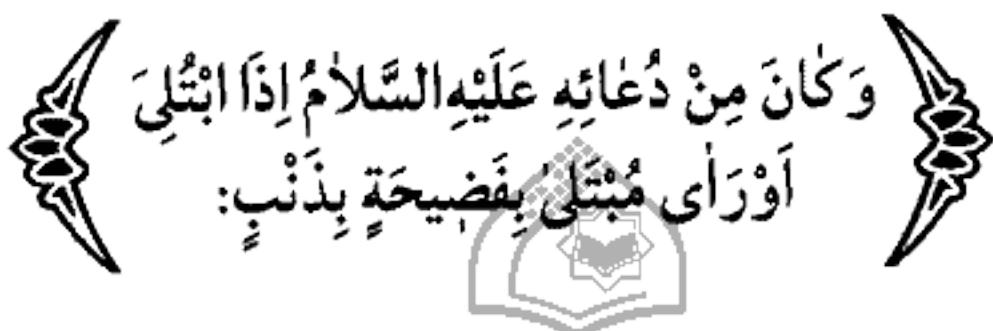
#### هنگام استخاره

(۱) پروردگارا من به علم و آگاهیت از تو طلب خیر می‌کنم پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در حق من به خیر و سعادت حکم فرما

(۲) و به ما شناخت خیر را الهام نما و این را طریقی به سوی رضا به مقررات و تسلیم در آنچه حکم می‌کنی قرار بده. پس زنگارشک را از ما دور کن و ما را با یقین اهل اخلاص، تأیید فرما. (۳) و ما را به عجز از شناخت آنچه به عنوان خیر در نظر گرفته‌ای، گرفتار مساز که در نتیجه ما قادر تو را نشناسیم و در موارد رضای تو، اکراه داشته باشیم و تمایل پیدا کنیم به چیزی که از نیکوئی عاقبت دور تر است و به ضد عافیت و سلامت، نزدیکتر.

(٤) حَبَّبْ إِلَيْنَا مَا نَكُرْهُ مِنْ قَضَايَاكَ، وَسَهَّلْ عَلَيْنَا مَا نَشَتَضِعُ مِنْ حُكْمِكَ (٥) وَاهْمَنَا الْإِنْقِيادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيشِكَ حَتَّى لَا تُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ، وَلَا تَعْجِيلَ مَا آخَرْتَ، وَلَا نَكْرَهَ مَا أَخْبَيْتَ، وَلَا تَسْخِيرَ مَا كَرِهْتَ. (٦) وَاحْتِمْ لَنَا بِالْتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةً، وَأَكْرَمُ مَصِيرًا، إِنَّكَ تُفَيِّدُ الْكَرِيمَةَ، وَتُغْطِي الْجَسِيمَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٣٤﴾



(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى شُرُكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَمَعْفَافِتِكَ بَعْدَ خُبْرِكَ، فَكُلُّنَا قَدِ افْتَرَفَ الْغَائِبَةَ فَلَمْ تَشْهُرْهُ، وَارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ، وَتَسْتَرَ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدْلُلْ عَلَيْهِ. (٢) كَمْ نَهَىٰ لَكَ قَدْ أَتَيْنَاهُ، وَأَمْرَ قَدْ وَقْفَتْنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّ يَنَاهُ، وَسَيِّئَةٌ اكْسَبَتْنَاهَا، وَخَطِيئَةٌ ارْتَكَبَنَاها، كُنْتَ الْمُطَلَّعَ عَلَيْهَا دُونَ النَّاظِرِينَ، وَالْقَادِرَ عَلَى إِغْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ، وَرَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ (٣) فَاجْعَلْ مَا سَرَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ، وَأَخْفِيَتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ، وَاعْظِلْنَا، وَزَاجِرْأَ عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ، وَاقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ، وَسَغِيَّا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاجِيَّةِ، وَالطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ (٤) وَقَرْبِ الْوَقْتِ فِيهِ، وَلَا تَسْمَنَنَا الْفَقْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنَ الذُّسُوبِ تَأْبِيُونَ.

(۴) خدایا آنچه را از احکامت که از پذیرش آن اکراه داریم در نزد ما محبوب کن و آنچه را که ما سخت و دشوار می‌شماریم، بر ما آسان فرما.

(۵) و به ما انقیاد در برابر خواست خود را الهام نمایم تا اینکه ما تأخیر آنچه را تو در آن تعجیل داری طلب نکنیم و نیز تعجیل آنچه را تو بتأخیر انداده‌ای، نخواهیم و آنچه را تو دوست می‌داری، ما مکروه ندانیم و آنچه را دوست نمی‌داری، اختیار نکنیم.

(۶) خاتمه کار ما را شایسته‌ترین عاقبتها و شریفترین سرانجام‌ها قرار بده. زیرا توانی که کرامت می‌دهی و بزرگی عطا می‌کنی و آنچه اراده کنی انجام می‌دهی و تو بر هر کاری توانایی.

### دعای سی و چهارم:

#### هنگام مشاهده رسایی گناهکاران

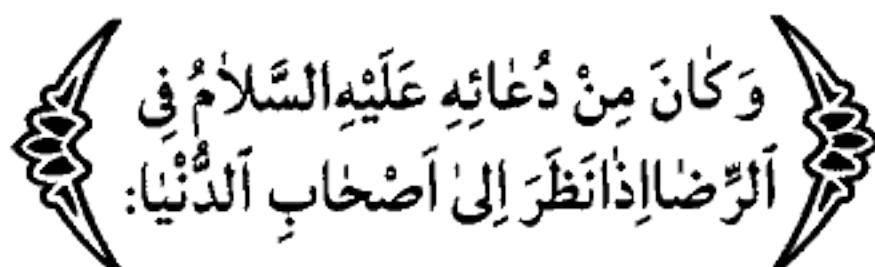
(۱) خدایا شکر تو را سزاست در خطاب پوشیت بعد از علمت، و در گذشت بعد از آگاهیت. هر یک از ما به گناه و خطای نزدیک شده، امّا تو او را شهره عام و خاص نکرده‌ای، و مرتکب کار ناپسند شده امّا تو او را مفتضح ننموده‌ای و گناهان را همچون پوشش خود قرار داده امّا تو بر گناهان او کسی را راهنمایی نکرده‌ای.

(۲) چه بسیار از نهی‌های تو را ما مرتکب شدیم و چه بسیار از او امر تو که ما را بر آنها آگاه ساختی امّا نافرمانی کردیم. و چه بسیار گناهان که آنها را اکتساب کردیم و چه بسا خطاهای که مرتکب شدیم. و تو بر آنها مطلع بودی امّا ناظرین دیگر نمی‌دیدند، و تو برتر از همه قدر تمدنان، می‌توانستی آنها را اعلان کنی. عفو و گذشت تو حجابی است که چشمان دیگران خطاهای ما را نبینند و مانعی است که گوش آنها نشنود.

(۳) پس آنچه را از زشتیهای ما که پوشانیده‌ای و از کمبودها که پنهان داشته‌ای، پندی برای ما و مانعی از سوء خلق و فرو افتادن در خطای قرار ده و باعثی برای تلاش در جهت توبه محوكننده گناهان و راه نیکوی سعادت مقرر فرما. (۴) و زمان این بازگشت را نزدیک فرما و ما را به غفلت از خودت گرفتار مساز. ما به سوی تو راغب و از گناهان تائب هستیم.

(٥) وَصَلَّى عَلَىٰ خَيْرِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٌ وَعِشْرَتُهُ الصَّفَوَةُ  
مِنْ بَرِّيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا  
أَمَرْتَ.

﴿٣٥﴾



(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَضِيَ بِحُكْمِهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ  
بِالْعَدْلِ، وَأَخَذَ عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ (٢) اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَلَا تُفْتَنْنِي بِمَا أَغْطَيْتَهُمْ، وَلَا تُفْتَنْنِي بِمَا مَنَعْتَنِي فَاخْسِدْ خَلْقَكَ،  
وَأَغْمِطْ حُكْمَكَ. (٣) اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ بِقَضَائِكَ  
نَفْسِي، وَوَسْعُ بِمَوْاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثُّقَةَ لِأُقْرَأَ مَعْهَا بِأَنَّ  
قَضَاءَكَ لَمْ يَجِرِ إِلَّا بِالْخِيرَةِ، وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَىٰ مَا زَوَّيْتَ عَنِّي  
أَوْفَرْ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَىٰ مَا حَوَّلْتَنِي (٤) وَاغْصِنْنِي مِنْ أَنْ أَظْنَّ  
بِذِي عَدَمِ خَسَاسَةً، أَوْ أَظْنَّ بِصَاحِبِ ثَرَوَةٍ فَضْلًا، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مِنْ  
شَرَفَتِهِ طَاعَتُكَ، وَالْعَزِيزُ مَنْ أَغْرَثَهُ عِبَادُكَ (٥) فَصَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَمَسْعَنَا بِثَرَوَةٍ لَا تَنْفَدُ، وَأَيْدِنَا بِعِزٍّ لَا يُفَقَّدُ، وَاسْرَخْنَا فِي مُلْكِ  
الْأَبَدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ  
كُفُواً أَحَدٌ.

(۵) خدا ابا بر بندگان خوبت درود فرست یعنی بر پیامبر و عترت برگزیده او که پاک و مطهرند. و ما را سامع و مطیع آنها قرار ده همانگونه که خود امر کرده‌ای.

### دعای سی و پنجم:

#### در مقام رضا و خشنودی

(۱) ستایش و سپاس از آن خدائی است که راضی به قضای او هستم. گواهی میدهم که خداوند روزی بندگان خویش را بر اساس عدالت تقسیم کرده است و نسبت به جمیع مخلوقاتش فضل و بخشش دارد.

(۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به آنچه به دیگران داده‌ای مفتون و شیفته مساوا و آنان را به آنچه از من منع کرده‌ای مبتلا مکن که در نتیجه من به خلق تو حسد برم و نسبت به حکم تو خشمگین گردم.

(۳) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اندرون مرا نسبت به حکم خویش پاک گردان و سینه مرا در موارد احکام خود فراخ ساز و به من اطمینانی عطا کن که اقرار کنم قضای تو جز بر نیکی ها جاری نمی‌شود. و شکرم را در آنچه از من منع کرده‌ای بیشتر کن از سپاسم در آنچه به من عطا فرموده‌ای.

(۴) و مرا حفظ کن که نسبت به فقیران گمان خفت و خواری نزنم و با نسبت به ثروتمندان گمان فضل و برتری نبرم. شرافتمند کسی است که طاعت تو او را شرافت بخشد و عزیز کسی است که بندگی تو به او عزت دهد.

(۵) پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از ثروتی بر خوردار ساز که پایان نپذیرد و با عزتی تأیید مان فرما که از دست نرود و ما را در ملک ابدی رها ساز، که توئی آن یکتا و بی نیازی که نه فرزند دارد و نه فرزند کسی می‌باشد و برای او هرگز همتا و نمونه‌ای نیست.

(٣٦)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى  
السَّحَابِ وَالْبَرْقِ وَسَمِعَ صَوْتَ الرَّاعِدِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ أَيَّاتِكَ، وَهَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ،  
يَسْتَدِرَا إِنْ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نَقِمةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُمْطِرْنَا بِهِمَا  
مَطَرَ السَّوْءِ، وَلَا تُلْسِنْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ. (٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابَيْنِ وَبَرَكَتَهُمَا، وَاضْرِفْ  
عَنَّا آذَاهَا وَمَضَرَّتَهُمَا، وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بِنَافَةٍ، وَلَا تُؤْسِلْ عَلَى مَعَايِشِنَا  
غَاهَةً. (٣) اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بِعِشْنَا نَفْثَةً وَأَرْسَلْنَا سَخْطَةً فَانْثِ  
نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَنَسْتَهِلُ إِلَيْكَ فِي سُؤالِ عَفْوِكَ، فَمِنْ  
بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ، وَأَدِرْ رَحْنِي نَقِمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ.  
(٤) اللَّهُمَّ اذْهِبْ مَخْلَ بِلَادِنَا بِسُقْنَاكَ، وَأَخْرِجْ وَحْرَ صُدُورِنَا  
بِرِزْقِكَ، وَلَا تُشْغِلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ، وَلَا تَقْطَعْ عَنْ كَافِتِنَا مَادَّةَ بِرِّكَ،  
فَإِنَّ الْغَنِيَّ مَنْ أَغْنَيْتَ، وَإِنَّ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ (٥) مَا عِنْدَ أَحَدٍ  
دُونَكَ دِفاعٌ، وَلَا يَأْخِدُ عَنْ سَطْوَتِكَ امْتِنَاعٌ، تَخْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَى  
مَنْ شِئْتَ، وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ (٦) فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى  
مَا وَقَيْتَ مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا خَوَلْتَنَا مِنَ التَّغْمَاءِ،  
حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا يَمْلأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ

## دعای سی و ششم :

### به هنگام مشاهده ابر و رعد و برق

- (۱) خداوند این دو پدیده، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو یاور از یاوران تو هستند که تحت اطاعت تو، یا موجب رحمت نافع می‌باشند و یا اسباب قهر مُضر. پس بر ما بوسیله این دو باران سوء مریزو با آن دو، لباس بلا بر ما مپوشان.
- (۲) خداوند ابر محمد وآل او درود فرست و نفع و برکت این ابرها را بر ما نازل کن واذیت و مضرت آنها را از ما دور کن و با آنها بر ما آفتی مرسان و به معیشت ما ضرری متوجه مساز.
- (۳) خداوند اگر این ابرها را برای نقمت و از روی غضب فرستاده‌ای، ما از خشمت به سوی خودت پناه می‌آوریم و در درخواست بخشش به سوی خودت تصرع می‌کنیم، پس غضبی را به سوی مشرکین متوجه کن و چرخه نقمت را به جانب مُلحدین بگردان.
- (۴) خدا ای خُشکی سرزمهنهای ما را به سقایت و آبیاری خودت زائل گردان و عقدة دل ما را به رزق و روزیت بگشای و ما را به غیر خود مشغول مساز و رشته احسانت را از جمع ما قطع مفرما. زیرا بی نیاز کسی است که تو او را بی نیاز سازی و سالم کسی است که تو او را حفظ کنی.
- (۵) غیر از تو کسی توانائی دفاع ندارد و هیچ کس از سلطه و قهر تو قادر ندان امتناع ندارد. بر هر کس که بخواهی به آنچه می‌خواهی حکم می‌کنی و آنچه را اراده فرمائی در حق هر کس که بخواهی، صادر می‌کنی.
- (۶) پس حمد و سپاس مر توراست در بلاهایی که ما را از آنها محفوظ داشتی و شکر و ستایش تو را سزاست در نعمتهایی که به ما عطا فرمودی. حمدی که سپاس سپاسگزاران دیگر را پشت سراندازد، حمدی که زمین و آسمان الهی را پر سازد.

(٧) إِنَّكَ الْمَتَّاْنُ بِجَسِيمِ الْمِنَنِ، الْوَهَابُ لِعَظِيمِ النَّعَمِ، الْقَابِلُ يَسِيرُ  
الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ، الْمُخْسِنُ الْمُجْمِلُ ذُو الْطُّولِ، لَا إِلَهَ إِلَّا  
أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

(٣٧)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَتَّرَفَ  
بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ:

(١) أَللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ  
مِنْ إِخْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا (٢) وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغاً مِنْ طَاعَتِكَ  
وَإِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصُراً دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ (٣) فَاشْكُرْ  
عِبَادِكَ عَاجِزًّا عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدْهُمْ مُقْصُرًّا عَنْ طَاعَتِكَ (٤) لَا يَجِدُ  
لِأَحَدٍ أَنْ تَسْغِرَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِبْجَاهِهِ  
(٥) فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطْوَلِكَ، وَمَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ  
(٦) تَشْكُرْ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ، وَتُشَبِّهُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى  
كَانَ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ  
أَمْرُ مَلَكُوكُوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتُهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ  
سَبَبَةُ بِيَدِكَ فَعَازَ يَتَّهِمُ! (٧) أَبْلُ مَلَكُوكَ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ  
يَمْلِكُوكُوا عِبَادَتَكَ، وَأَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ،  
وَذَلِكَ أَنَّ سُنْنَكَ الْإِفْضَالُ، وَعَادَتَكَ الْإِخْسَانُ، وَسَبِيلَكَ الْعَفْوُ

(۷) همانا توئی که با موهبت‌های بزرگ بر ما منت داری و نعمتهاي عظيم را به ما عطا فرموده‌اي. توئی که سپاس اندک ما را می‌پذيری و شکرناچيز ما را سپاس می‌گویی، صاحب احسان و نیکی و بخشش هستی. جز تو معبدی نیست و بازگشت همه به سوی توست.

### دعای سی و هفتم:

#### در ناتوانی از اداء شکر الهی

(۱) خداوندا هیچکس در سپاسگزاری از تو به نهايتي نمی‌رسد مگر اينکه از احسان تو چizi به او می‌رسد که شکری دیگر را بر او لازم می‌کند.

(۲) و در طاعت تو هر چقدر هم کسی بکوشد، بهجائي نمی‌رسد جز آنکه نسبت به آنچه شایسته فضل توست، مقصیر خواهد بود.

(۳) پس شاکرترین بندگانت، عاجز از انجام سپاس توست و عابدترین آنان در طاعت تو مقصراست.

(۴) آمرزش نسبت به هیچکس برحسب استحقاقش، ضروری نیست و رضایت از احدی به لحاظ در خواستش لازم نمی‌باشد.

(۵) پس هر که را ببخشی از مرحمت توست و هر که را مورد رضایت قرار دهی، از فضل توست.

(۶) کارهای اندک از آنچه را می‌پسندی، مورد شکر قرار می‌دهی و بر طاعت کم، ثواب عطا می‌نمایی، گویا شکر بندگانت - که به خاطر آن به آنان ثواب می‌دهی و پاداششان را بيشتر از شکرشان عطا می‌کنی - امری است که خود می‌توانند در آن توفيق یابند و تو فقط پاداش می‌دهی و گویا سبب این شکر به دست تو نبوده و فقط جزايشان می‌دهی.

(۷) حال آنکه (ای خدای من) قبل از آنکه آنان به عبادت تو بپردازند، تو عهده‌دار امور آنان بوده‌ای و قبل از اينکه آنان در راه طاعت تو قدم بگذارند، ثوابشان را آماده ساخته‌ای زیرا سنت تو اعطاضل و عادت تو احسان و سیره تو عفو و بخشش است.

(٨) فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُغْتَرِفٌ بِإِنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقِبَتْ، وَ شَاهِدَةُ بِإِنَّكَ  
مُتَفَضِّلٌ عَلَى مَنْ عَافَيْتَ، وَ كُلُّ مُقْرَرٌ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ  
(٩) فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصِ، وَ لَوْلَا  
أَنَّهُ صَوَرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا حَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالِّ  
(١٠) فَسُبْحَانَكَ! مَا أَبَيْنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ: تَشْكُرُ  
لِلْمُطْبِعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّتْهُ لَهُ، وَ تُمْلِي لِلْغَاصِي فِيمَا تَمْلِكُ مُعَاجِلَتُهُ فِيهِ.  
(١١) أَعْطَيْتَ كُلَّاً مِنْهُمَا مَا لَمْ يَحِبْ لَهُ، وَ تَفَضَّلَتْ عَلَى كُلَّ مِنْهُمَا بِمَا  
يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ. (١٢) وَ لَوْ كَافَاتِ الْمُطْبِعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّتْ لَا وَشكَ  
أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ، وَ أَنْ تَرْزُلَ عَنْهُ بِغَمَّكَ، وَ لِكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى  
الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ  
الرِّآئِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ. (١٣) ثُمَّ لَمْ تَسْمَعْ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ  
مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوِي بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَ لَمْ تَخِمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ  
فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسْبِبُ بِإِسْتِغْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ، وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ  
لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمِلَةُ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيَادِيكَ  
وَ مِنْكَ، وَ لَبَقَى رَهِينًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعِمَكَ، فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُ شَيْئًا  
مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا! مَتَى؟! (١٤) هَذَا - يَا إِلَهِي - خَالٌ مَنْ أَطَاعَكَ، وَ سَبِيلٌ  
مَنْ تَعْبَدَ لَكَ، فَأَمَّا الْغَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ  
لِكَنْ يَسْتَبِدُ بِحَالِهِ فِي مَغْصِيَتِكَ، حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ لَقَدْ كَانَ  
يَسْتَحِقُ فِي أَوَّلِ مَا هَمَ بِعِصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَغَدَتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ  
عُقُوبَتِكَ. (١٥) فَجَمِيعُ مَا أَخْرَجْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَاثَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ  
سَطُواَتِ النِّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرْكُ مِنْ حَقِّكَ، وَ رِضَى بِسُدُونِ وَاجِبِكَ

- (۸) ولذا همگان معتبرند که تو نسبت به آنکه عقوبتش می‌کنی ظالم نیستی.  
و همه گواهی می‌دهند که تو نسبت به آنکه او را می‌بخشی، با فضلت رفتار  
می‌کنی، و هر کس به خود می‌نگرد، در انجام آنچه شایسته توست اقرار به تفصیر  
می‌کند (۹) اگر مکر و فریب شیطان نبود، هیچکس تو را عصیان نمی‌کرد و اگر  
شیطان باطل را در چهره حق جلوه نمی‌داد، هیچکس از راه تو منحرف نمی‌شد.
- (۱۰) پس منزهی تو! و چه روشی است بزرگواری تو در رفتار با کسی که از تو  
اطاعت کند و یا تو را عصیان نماید. در حق مطیع از آنچه خود برایش فراهم  
ساخته‌ای تشکر می‌کنی و در حق گناهکار، در آنچه می‌توانی به عقوبتش شتاب  
می‌کنی، مهلت می‌دهی. (۱۱) به هر یک از مطیع و عاصی، چیزی عطا می‌کنی که  
برایش لازم نیست و به آنان عطا یابی تفضل می‌کنی که عمل آنها کمتر از آن است
- (۱۲) و اگر در مورد اهل طاعت، نسبت به آنچه خود متولی آن بوده‌ای، به عدالت  
رفتار می‌کردی، چه بسا شخص ثواب تو را از دست می‌داد و نعمت تو از او زایل  
می‌شد. اما تو با کرم خود، او را با پاداش همیشگی در برابر اعمال ناچیز دنیای  
فانی جزا دادی و در برابر اهداف نزدیک وزوال پذیر دنیا، او را به نتایج طولانی  
و پایدار اخروی رساندی. (۱۳) و در مقابل آنچه از روزیهای تو استفاده کرده و بر  
طاعت تو توانایی یافته، باز خواست ننموده‌ای و نسبت به ابزاری که با آنها از تو  
طلب غفران کرده، مناقشه و سخت‌گیری نکرده‌ای. و اگر چنین می‌کردی، همه  
آنچه برای آن زحمت کشیده و تلاش نموده به عنوان جزای لطف و منتهی  
کوچک از سوی توبه حساب نمی‌آمد و همچنان در نزد تو نسبت به سایر نعمتها  
بدهکار بود. پس کی چنین بنده‌ای مستحق ثوابی از جانب توست؟ هرگز،
- (۱۴) ای خدای من، این است حال کسی که مطیع توست و بندگی تو را  
دارد. و اما تو نسبت به کسی که امر تو را نافرمانی کرده و نهی تو را مرتکب شده  
نیز تعجیل در عذاب و گرفتاری نکرده‌ای تا او را از حال معصیت، به حال توبه  
و طاعت بازگردانی و حال آنکه او، در همان آغاز که قصد معصیت تو را نمود،  
استحقاق همه عقابهای را که برای جمیع بندگان مهیا ساخته‌ای، داشت.
- (۱۵) پس همه عذابهایی که در حق او به تأخیر انداخته‌ای و همه بلاها  
و عقوبتهایی که در انجام آنها کندی کرده‌ای، حقی برای تو است که آن را ترک  
فرموده‌ای و خشنودی است که بر تو لازم نبوده است.

(١٦) فَمَنْ أَكْرَمْ - يَا إِلَهِي - مِنْكَ، وَمَنْ أَشْقَى مِنْ هَلْكَ عَلَيْكَ؟ لَا  
مَنْ؟ فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوَضَّفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَكَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ  
إِلَّا الْعَدْلُ، لَا يُخْشَى جَوْرُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَلَا يُخَافُ اغْفَالُكَ  
ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي أَمْلِي، وَزِدْنِي  
مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُّ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنْانٌ كَرِيمٌ.

(٣٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاعْتِذَارِ  
مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ وَمِنَ التَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِهِمْ  
وَفِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ:  
مركز تحرير وتأليف وطبع ونشر مكتبة الإمام زيد

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذُرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلومٍ ظُلِمْ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ،  
وَمِنْ مَغْرُوفٍ أُشْدِي إِلَيْكَ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسْبَيٍ أَعْتَذُرُ إِلَيْكَ فَلَمْ  
أَغْذِرْهُ، وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوْثِرْهُ، وَمِنْ حَقٍّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي  
لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوْفِرْهُ، وَمِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَشْتُرْهُ، وَمِنْ كُلِّ إِثْمٍ  
عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ. (٢) أَعْتَذُرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُنَّ وَمِنْ  
نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ.  
(٣) فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَفْتُ فِيهِ مِنَ  
الرِّلَاتِ، وَغَزْمِي عَلَى تَرْوِيكَ مَا يَغْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، تَوْبَةً تُوجِبُ  
لِي مَحِبَّتِكَ، يَا مُحِبَّ التَّوَابِينَ.

(۱۶) پس ای معبد من، چه کسی کریمتر از توست و چه کسی شفی تراز آن کس است که در مخالفت با توبه هلاکت افتاد؟ آیا چه کسی؟! پس تو برتراز آنی که جز به احسان توصیف شوی و کریمتر از آنی که کسی جزا عدل تو بترسد. از ظلم تو برکسی که تو را عصیان کند، ترسی نیست و از غفلت تو در ثواب دادن کسی که تو را خشنود سازد، هراسی نمی‌باشد. پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و آنچه آرزو دارم به من عطا فرما و از هدایت چندان بر من افزون نماکه توفیق عمل پیدا کنم، که تو صاحب منتهای فراوان و اهل کرامتی.

### دعای سی و هشتم:

#### به هنگام کوتاهی در اداء حقوق بندگان خدا

(۱) خداوندا من از تو پوزش می‌خواهم درباره مظلومی که در حضور من مورد ستم واقع شده و من او را باری نکرده‌ام. و خبری که در حق من انجام شده و من شکر آن را بجا نباورده‌ام. و خطایکاری که از من عذر خواسته و من عذر او را نپذیرفته‌ام و بیچاره‌ای که از من چیزی طلب کرده و من به او نداده‌ام و حق صاحب حق مؤمنی که برگردن من آمده و آن را به کمال ادا نکرده‌ام و عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و من آن را نپوشانده‌ام و گناهی که از من سرزده و من آن را ترک نکرده‌ام.

(۲) ای معبد من، از درگاه تو عذر می‌خواهم نسبت به این گناهان و نظایر آنها، عذری که از روی پشمیمانی است و برای من در امثال این گناهان که پیش می‌آیند، پندآموز است.

(۳) پس بر پیامبر ﷺ و آل او درود فرست و پشمیمانی مرا درخطاها بی که انجام داده‌ام و تصمیم مرا بر ترک گناهانی که در آینده پیش می‌آیند، به منزله توبه‌ای قرار ده که موجب محبت نسبت به من شود، ای کسی که توبه کنندگان را دوست می‌داری.

(٣٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ  
الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ  
مَحْرَمٍ، وَازْوِ حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَأْثَمٍ، وَامْتَغِنِي عَنْ أَذَى كُلِّ مُؤْمِنٍ  
وَمُؤْمِنَةٍ، وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ. (٢) اللَّهُمَّ وَأَيْمًا عَبْدِ نَالَ مِنِّي  
مَا حَظِرْتَ عَلَيْهِ، وَأَنْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، فَمَضِي بِظُلْامَتِي  
مَيْتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِي قِبَلَةُ حَيَاً فَاغْفِرْ لَهُ مَا آتَيْتَهُ مِنِّي، وَاغْفُ لَهُ عَمَّا  
أَدْبَرْ بِهِ عَنِّي، وَلَا تَقْعُدْ عَلَى مَا ارْتَكَبْ فِيَ، وَلَا تَكْشِفْ عَمَّا اكْتَسَبْ  
بِي، وَاجْعَلْ مَا سَمَخْتَ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَتَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ  
عَلَيْهِمْ أَرْكَنْي صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَأَغْلِي صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ  
(٣) وَعَوْضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَمِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ  
حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْا بِفَضْلِكَ، وَيَسْجُو كُلُّ مِنْا بِسَمْنَكَ. (٤) اللَّهُمَّ  
وَأَيْمًا عَبْدِي مِنْ عَبِيدِكَ أَذْرَكَهُ مِنِّي دَرَكُ، أَوْ مَسَهُ مِنْ نَاحِيَتِي أَذَى،  
أَوْ لِحَقَّهُ بِي أَوْ بِسَبَبِي ظُلْمٌ فَقْتَهُ بِحَقِّهِ، أَوْ سَبَقَتْهُ بِمَظْلِمَتِهِ، فَصَلُّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ، وَأَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ  
عِنْدِكَ (٥) ثُمَّ قِنِي مَا يُوجِبُ لَهُ حُكْمُكَ، وَخَلَضْنِي مِمَّا يَخْكُمْ بِهِ  
عَدْلُكَ، فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقْلُ بِنِقْمَتِكَ، وَإِنَّ طَاقَتِي لَا تَشَهُضُ بِسُخْطِكَ،  
فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي، وَإِلَّا تَغْمَدْنِي بِرَحْمَتِكَ تُوْقِنِي.

## دعای سی و نهم:

## در طلب بخشش و رحمت الهی

(۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و میل و شهوت مرا نسبت به هر حرامی درهم بشکن و حرص مرا نسبت به هر گناهی نابود کن و مرا از اذیت و آزار هرزن و مرد مؤمن و مسلمان باز بدار.

(۲) خدا ایا هر کس از بندگانت را که از من به او ضرری رسیده که از آن منع کرده بودی و یا آبرویش را بردہام که تو آن را پوشیده بودی و اینک آن بندگی از دنیا رفته و یا هنوز در دنیاست، بجای اذیتی که من به او رسانده‌ام، او را مورد عفو قرار ده و اگر من حقوقی به گردن او داشته‌ام و او پشت پا انداخته، از او درگذر و او را فردای قیامت نسبت به آنچه در حق من کرده، متوقف ساز و پرده از خطاهایی که در مورد من انجام داده برمدار. و گذشت مرا ازا و صدقه‌ای را که به دلخواه خودم در حق وی می‌دهم، از پاکترین صدقات قرار ده و از بالاترین عطا‌بایی مقربین درگاهت محسوب فرما.

(۳) و در مقابل عفو من نسبت به گذشتگان، عفو و بخشش خودت را به من عطا فرما و در برابر دعای من در حق آنان، رحمت خودت را شامل حالم گردان، تا اینکه هر یک از ما با فضل تو به سعادت نایل آییم و با لطف و منّت تو، به ساحل نجات برسیم.

(۴) خدا ایا هر بندگی از بندگانت که از من به او نقصی وارد شده و یا از جانب من آزاری دیده و یا توسط من ظلمی بر او شده و من حق او را ضایع کرده‌ام و یا درستم، من بر او سبقت جسته‌ام، پس اینک بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و از فضل خود او را راضی گردان و از جانب خود حفس را عطا کن.

(۵) و مرا از آنچه حکم تو اقتضا می‌کند یعنی گرفتاری به مظلمه او حفظ فرما و از آنچه مقتضای حکم عادلانه توست آزاد ساز، زیرا توان من تاب انتقام تو را ندارد و طاقت من نمی‌تواند خشم تو را تحمل کند. پس تو اگر بر اساس حق و عدالت با من رفتار کنی مرا به هلاکت می‌اندازی و اگر با رحمت لباس مغفرت بر من نپوشی، مرا خوار و پست خواهی کرد.

(٦) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهُكَ - يَا إِلَهِي - مَا لَا يُنْفِضُكَ بَذْلَهُ، وَأَسْتَخْمِلُكَ  
مَا لَا يَبْهَظُكَ حَمْلَهُ. (٧) أَسْتَوْهُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا  
لِتُمْتَنَعَ بِهَا مِنْ سُوقٍ، أَوْ لِتَطْرَقَ بِهَا إِلَى نَفْعٍ، وَلِكِنْ أَنْشَأَهَا إِنْبَاتاً  
لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَ احْتِجاجاً بِهَا عَلَى شَكْلِهَا. (٨) وَأَسْتَخْمِلُكَ مِنْ  
ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظْنِي حَمْلُهُ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحْنِي شِقْلُهُ.  
(٩) فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي، وَوَكْلٌ  
رَحْمَتِكَ بِاحْتِسَالِ اِصْرِيِّ، فَكَمْ قَدْ لَحِقْتَ رَحْمَتِكَ بِالْمُسْتَبَّينَ، وَكَمْ قَدْ  
شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ. (١٠) فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي أُسْوَةً  
مِنْ قَدْ أَتَهَضْتَهُ بِتَجَاوِزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ، وَخَلَضْتَهُ  
بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُجْرِمِينَ، فَاضْبَحْ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ اِسَارِ  
سُخْطِكَ، وَعَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ. (١١) إِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا  
إِلَهِي - تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا يَجْعَدُ اِسْتِحْقَاقَ عَفْوِكَ، وَلَا يَبْرُئُ نَفْسَهُ مِنْ  
اسْتِيْجَابِ نَقْمِتِكَ (١٢) تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا إِلَهِي - بِمَنْ خَوْفَهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ  
طَمَعِهِ فِيهِ، وَبِمَنْ يَأْسَهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلاصِ، لَا أَنْ  
يَكُونَ يَأْسُهُ قُنُوطًا، أَوْ أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلْةِ حَسَنَاتِهِ يَبْيَنَ  
سَيِّئَاتِهِ، وَضَغْفِ حُجَّجِهِ فِي جَمِيعِ تِبْغَاتِهِ (١٣) فَأَمَّا أَنْتَ - يَا إِلَهِي -  
فَأَهْلُ أَنْ لَا يَغْتَرِبَكَ الصَّدَّيقُونَ، وَلَا يَنَاسَ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ  
الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ، وَلَا يَسْتَفْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ.  
(١٤) تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، وَتَقَدَّسْ أَشْمَاؤُكَ عَنِ  
الْمَنْسُوبِينَ، وَفَسَّتْ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى  
ذَلِكَ يَارَبَّ الْعَالَمِينَ.

(۶) خداوندا، ای معبد من، از تو می طلب مطلوبی را که بذل آن چیزی از تو نمی کاهد و از تو باری می خواهم که تحمل آن برای تو مشقتی ندارد.

(۷) خداوندا از درگاهت برای نفس ناطقه خود موهبت می طلبم، نفسی که آن را نیافریدی تا ضرری را از خود دور کنی و یا به نفعی برسی. بلکه آن را آفریدی تا اثبات کنی که قدرت برآفرینش مثل آن را داری و تاشان دهی که می توانی چنین موجودی را شکل و صورت بخشی (۸) و از تو درخواست می کنم که بارگناهان را که مرا بی تاب کرده از دوشم برداری و از تو باری می جویم در آنچه که سنگینی اش مرا گرفتار ساخته است. (۹) پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و ستمی را که من در حق خویش رواداشتهام بر من بپخش. و رحمت خویش را بر گذشت از گناهان من بکار گیر. پس چه بسیار از رحمت تو که شامل حال گناهکاران گردیده و چه بسیار از عفو و بخشش تو که به ستمکاران رسیده است (۱۰) پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا نمونه‌ای قرار ده برای خطای کارانی که از آنها در گذشته‌ای و با توفيق خود آنها را از ورطه سقوط نجات داده‌ای و در نتیجه از اسارت غصب تو آزاد شدند و در قلمرو عفو تو داخل شدند و از محدوده عدل تو در آمدند و در گستره حلم تو جای گرفتند. (۱۱) ای خدای من، اگر تو با من چنین رفتار کنی، رفتار با کسی است که منکر استحقاق عقاب تو نیست و هرگز خودش را از استحقاق انتقام تو تبرئه نمی کند. (۱۲) آری ای خدای من، رفتار با کسی است که ترسش از تو بیش از طمعش در توست، و کسی که نومیدی اش از نجات، بیشتر از امیدش به رهایی است. البته نه به این خاطر که یأسش به درجه نومیدی کامل و یا طمعش به مرتبه غرور و غفلت رسیده باشد، بلکه به خاطر کمی نیکیهاش در کنار بدیهاش و به خاطر ضعف استدلالش در جمیع گناهانش. (۱۳) و اما تو ای معبد من، شایسته آنی که صدیقان به رحمت تو مغورو نشوند و خطای کاران از تو مأیوس نگردند، چرا که تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از احدي منع نمی کنی و حق خود را از کسی باز خواست نمی نمایی (۱۴) یاد تو از هر آنچه یاد می شود بالاتر است و نامهای تو از هر اسمی که به تو نسبت می دهنده، مقدس است. و نعمتهای تو در بین جمیع مخلوقات منتشر است. و ای پروردگار عالمیان، بر این نعمتها سپاس و شکر، تو را می سزد.

﴿٤٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نُعِيَ  
إِلَيْهِ مَيِّتٌ، أَوْ ذَكْرَ الْمَوْتِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأْكِفِنَا طُولَ الْأَمْلِ، وَقَصْرُهُ  
عَثَا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا تُؤْمِلَ اسْتِشَامَ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةً،  
وَلَا اسْتِيقَاءَ يَوْمَ بَعْدَ يَوْمٍ، وَلَا اتْضَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لُحُوقَ  
قَدَمٍ بِقَدَمٍ (٢) وَسَلَّمْنَا مِنْ غُرْوَرٍ، وَأَمْنَا مِنْ شُرُورٍ، وَانصِبِ  
الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضِبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبَاً (٣) وَاجْعَلْ  
نَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نُسْتَبِطُ مَعْلُومَهُ الْمَصِيرِ إِلَيْكَ، وَنَخْرُصُ  
لَهُ عَلَى وَشْكِ الْلَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْسِنَا الَّذِي نَائَسَ  
بِهِ، وَمَأْلُونَا الَّذِي نَشْتَاقُ إِلَيْهِ، وَحَمَّلْنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْوَ مِنْهَا  
(٤) فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا وَأَنْزَلْتَهُ إِلَيْنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَأَنْسَنَا  
بِهِ قَادِمًا، وَلَا تُشْقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَلَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَاجْعَلْهُ  
بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ (٥) أَمْنَنَا  
مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُشَكِّرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ  
وَلَا مُصِرِّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَمُسْتَضِلَّعَ عَمَلِ  
الْمُفْسِدِينَ.

## دعای چهلم:

## به هنگام شنیدن خبر مرگ و در یاد مرگ

(۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از آرزوهای دراز باز دار و با عمل درست، آرزوهای ما را کوتاه کن تا اینکه ساعتی پس از ساعت دیگر را آرزو نکنیم و فردا را بعد از امروز، و حیاتی پس از این حیات و قدمی بعد از این قدم را انتظار نکشیم.

(۲) و ما را از غرور آرزوی دراز محافظت فرما و از شرور آن در امان نگهدار و مرگ را همواره در برابر ما نصب العین قرار ده و یاد مرگ را برای ما هراز گاهی قرار مده (بلکه همیشگی کن).

(۳) و از کارهای شایسته، عملی به ما عطا فرماده با آن به عنوان زاد و توشه به سوی تو سیر کنیم و به خاطر آن بر قرب دیدار تو حریص گردیم، به گونه ای که مرگ، زمان انس ما باشد و موعد الفتی باشد که به آن اشتیاق پیدا کنیم و پناهگاهی باشد که دوست داشته باشیم به آن نزدیک شویم.

(۴) پس هرگاه مرگ را بر ما فرود می آوری و آجل را بر ما نازل می کنی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان و ما را با او مأнос کن و ما را در میهمانی مرگ شقاوتمند مساز و به دیدار مرگ ما را پست و خوار مگردان. و مرگ را بابی از ابواب آمرزش و کلیدی از کلیدهای رحمت خود مقرر بدار.

(۵) و ما را در حالیکه هدایت شده ایم، گمراه نیستیم، مطیع توبیم، از دیدار تو کراحت نداریم، تائب ایم، گناهکار نیستیم و بر گناه اصرار نداریم، بمیران. ای ضمانت کننده پاداش نیکوکاران و ای اصلاح کننده اعمال تبهکاران.

(٤١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ  
السُّرُورِ وَالْوِقَايَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ،  
وَأُورِدْنِي مَسَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَأَخْلِلْنِي بِخُبُودَةَ جَنَّتِكَ، وَلَا تُسْفِنِي  
بِالرَّدِّ عَنْكَ، وَلَا تَخْرِمْنِي بِالْخَيْبَةِ مِنْكَ.(٢)  
وَلَا تُقَاصِنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ  
وَلَا تُنَاقِشِنِي بِمَا اكْتَسَبْتُ، وَلَا تُبْرِزْ مَكْثُومِي، وَلَا تَكْشِفْ  
مَسْتُورِي، وَلَا تَحْمِلْ عَلَى مِيزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِي، وَلَا تُغْلِنْ عَلَى  
عَيْنِي الْمَلَاءِ خَبْرِي (٣) أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَسْرَهُ عَلَيَّ عَارًا، وَاطُو  
عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَارِأً (٤) شَرْفُ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَأَكْمَلْ  
كَرَامَتِي بِعُفْرَانِكَ، وَأَنْظِمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَوَجَهْنِي فِي  
مَسَالِكِ الْأَمِينِ، وَاجْعَلْنِي فِي فُوجِ الْفَائِزِينَ، وَاغْمُرْنِي مَجَالِسَ  
الصَّالِحِينَ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

(٤٢)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْشَنِي عَلَى حَشْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ  
مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصَتْهُ.

## دعای چهل و یکم:

### به هنگام در خواست خطا پوشی از خداوند

- (۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا بر خوان کرامت خود مهمان کن و به سر چشم‌های رحمت وارد گردان و در وسط فردوس بربنت جای ده و مرا از خود دور مکن و از درگاه ناامید مساز.
- (۲) و به آنچه مرتکب شده‌ام از من تقاض مگیر و در اعمال مناقشه مفرما. و آنچه پنهان کرده‌ام آشکار مساز و رازهای ناپیدایم را بر ملا مکن و عمل مرا با میزان انصاف سنجش منما و وضعیت مرا در برابر دیدگان همه مردم آشکار مساز.
- (۳) آنچه را که پخش شدنش برای من ننگ است از آنان مخفی بدار و آنچه را که موجب سر شکستگی من در نزد توست، پنهان فرما.
- (۴) با رضایتمندی خود در جات مرا بالا ببر و با امرزش خود، کرامت مرا کامل گردان و مرا در زمرة اصحاب بیمین (شاپیستگان) قرار ده و مرا در راهی که اهل ایمان می‌روند، جهت بیخش و درگروه رستگاران قرار ده و مرا طوری بساز که مجالس صالحان با وجود من آباد گردد. دعايم را مستجاب گردن ای پروردگار عالیمان.

## دعای چهل و دوم:

### به هنگام ختم قرآن

- (۱) خداوندا تو مرا بر ختم قرآن که به عنوان نور نازل گرده‌ای باری فرمودی. کتابی که آن را بر همه کتابهای دیگری که فرو فرستاده‌ای، سیطره بخشیدی و بر هر سخن دیگری که حکایت نموده‌ای برتری دادی.

(٢) وَفُرِقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ، وَ قُرَآنًا أَغْرَبْتَ  
بِهِ عَنْ شَرِائِعِ أَخْكَامِكَ وَ كِتَابًا فَضَلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا  
أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَنْزِيلًا. (٣) وَ جَعَلْتَهُ  
نُورًا نَهَشَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ  
أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّضْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ  
عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ، وَ نُورٌ هُدَى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْزَهَانُهُ، وَ عَلَمَ  
نَجَاهَةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَضَدَ سُتْرَهُ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ  
تَعْلَقَ بِعُرْوَةِ عِضْمَتِهِ. (٤) اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْدَنَا الْمَعْوَنَةَ عَلَى تِلَاؤِهِ،  
وَ سَهَّلْتَ جَوَاسِي السِّنَنِ بِخُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ  
رِغَائِبِهِ، وَ يَدِينُ لَكَ بِإِعْتِقَادِ التَّشْلِيمِ لِمُخْكَمِ آيَاتِهِ، وَ يَفْرَغُ  
إِلَى الْأَقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوْضِخَاتِ بَيْنَاتِهِ. (٥) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ  
عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُجْمَلًا، وَ الْهَمَةَ عِلْمٌ  
عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا، وَ وَرَثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهَلَ  
عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ. (٦) اللَّهُمَّ  
فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَ عَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلُّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَى أَهْلِ الْخُرْزَانِ لَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ  
بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَضْدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجَنَا  
الرَّيْنُ عَنْ قَضِيدِ طَرِيقِهِ. (٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اجْعَلْنَا  
مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَيْثِلِهِ، وَ يَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَفْقِلِهِ،  
وَ يَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَ يَهْتَدِي بِضَوءِ صَبَاحِهِ، وَ يَقْتَدِي بِسَلَّجِ  
اسْفَارِهِ، وَ يَسْتَضْبِعُ بِمِضْبَابِهِ، وَ لَا يَلْثِمُ الْهَدَى فِي غَيْرِهِ.

(۲) کتابی که آن را جدا کننده بین حلال و حرام قرار داده‌ای و قرآنی که با آن از احکام و شرایع خود سخن می‌گویی، و کتابی که آن را برای بندگانت به تفصیل بیان کرده‌ای و وحیی که آن را بر پیامبرت حضرت محمد ﷺ (که درود تو بر او و آل او باد) نازل کرده‌ای. (۳) و آن را همچون نوری فرا راه ما قرار دادی که با تبعیت از آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی نجات یا بیم و شفا قرار دادی برای کسی که از سرفهم و اذعان به آن گوش فرا دهد. کتابی که میزان عدالت است وزیانش هرگز از حق باز نمی‌ایستد و نور هدایتی است که برهانش برای آنها که در آن بنگرد هرگز محو نمی‌شود. پرچم نجاتی است که اگر کسی قصد پیروی از آن را داشته باشد هرگز گمراه نمی‌شود. و هر کس که به ریسمان محکم آن چنگ بزند هرگز گرفتار هلاکت و بد بختی نخواهد شد. (۴) خدا یا، پس اینک که ما را باری نمودی تا آن را تلاوت کنیم و عبارات نیکوی آن را به زبان ما روان ساختی، ما را از آنان قرار ده که حق رعایت قرآن را بجا می‌آورند و با اعتقاد و تسلیم نسبت به آیات محکم آن، متدین به دین تو هستند و نسبت به مشابهات و آیات روشن قرآن، اقرار دارند. (۵) خداوندا تو قرآن را به صورت مجمل بر پیامبرت محمد (که درود خدا بر او و آل او باد) نازل کرده و علم به شگفتیهای آن را به نحو کامل به او الهام فرمودی و برای ما علم تفسیر شده آن را به ارث گذاشتی و ما را برکسی که به قرآن جا هل است برتری دادی. و ما را نسبت به او فدرت بخشیدی تا مقام ما را رفیع تر از کسی گردانی که طاقت حمل قرآن را ندارد. (۶) خداوندا همانگونه که قلب‌های ما را حامل قرآن قرار دادی و به رحمت خود ما را نسبت به شرافت و فضیلت قرآن واقف گردانیدی، پس بر محمد ﷺ که با قرآن سخن می‌گوید و بر آل پیامبر که خزانه‌دار قرآنند درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می‌کنند قرآن از جانب توست تا اینکه شک در تصدق به آن بر ما عارض نشود و دلتنگی نسبت به پیمودن راه قرآن در قلب ما پدید نماید. (۷) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان او چنگ زده‌اند و در مشابهات، به پایگاه او پناه آورده‌اند و در سایه او مسکن گزیده‌اند و در پرتو طلوع او هدایت شده‌اند و به فروع و روشنی او اقتدا کرده‌اند و از مشعل او، نور گرفته‌اند و از غیر او هدایت نمی‌طلبند.

(٨) اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّداً عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِإِلَيْهِ  
سُبْلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِلَةً لَنَا  
إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ، وَسُلَّمَا نَغْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ،  
وَسَبِّبَا نُجُزِيَّ بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرْصَةِ الْقِيمَةِ، وَذَرِيعَةَ نَقْدَمِ بِهَا عَلَى  
نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ. (٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ  
عَنَّا ثِقلَ الْأَوْزَارِ، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَافْتُ بِنَا أَثَارَ  
الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ  
دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ، وَتَقْفُ بِنَا أَثَارَ الَّذِينَ اسْتَضْنَاؤُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِمْ  
الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعُهُمْ بِخُدُعِ غُرُورِهِ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُؤْنِسًا، وَمِنْ نَرَغَاتِ  
الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَوْسِ خَارِسًا، وَلَا قَدَّامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى  
الْمَعَاصِي حَابِسًا، وَلَا لِسْتَنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا أَفَأَ  
مُخْرِسًا، وَلِجَوَارِ حِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْأَثَامِ زَاجِرًا، وَلِمَا طَوَّتِ الْغُفْلَةُ عَنَّا  
مِنْ تَصْفُحِ الْإِعْتِباَرِ ثَانِيًّا، حَتَّى تُوَصِّلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهُمْ عَجَائِبُهِ،  
وَزَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِيُّ عَلَى صَلَاتِهَا عَنِ  
اخْتِيالِهِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ  
ظَاهِرِنَا، وَاجْبُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَوْسِ عَنْ حِسْنَةِ ضَمَائِرِنَا،  
وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَاجْمَعْ بِهِ مُشَتَّرَ أُمُورِنَا،  
وَأَرْوِيهِ فِي مَوْقِفِ الْغَرْضِ عَلَيْكَ ظَمَّا هَوَاجِرَنَا، وَاكْسُنَا بِهِ حُلَلَ  
الْآمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا. (١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَاجْبُبْ بِالْقُرْآنِ خَلَقْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَسُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغْدَةٌ

(۸) خدا یا همانگونه که به وسیله قرآن، حضرت محمد ﷺ را نشانه‌ای برای راهیابی به سوی خودت نصب فرمودی و عترت طاهرینش را شاهراه رضایت خودت قرار دادی، پس براو و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما همچون وسیله‌ای قرار ده که به شریفترین مراتب کرامت نایل آییم و آن را نردبانی ساز که با آن به جایگاه سلامت دست یابیم و وسیله‌ای فرارش ده که با آن در عرصه قیامت نجات یابیم و آن را راهی قرار ده که با گام نهادن در آن به نعمتها دار جاوید دست یابیم. (۹) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به وسیله قرآن، سنگینی بارگناه را از دوش ما کم کن و به ما خوبیهای صفات نیکان را عطا فرما و ما را پیروکسانی گردان که در راه رضای تو نیمه‌های شب و در ساعات روز به تلاوت قرآن مشغول‌اند. تا از این طریق در پرتو طهارت قرآن ما را از هر پلیدی پاک گردانی و ما را دنباله‌روکسانی سازی که از پرتو قرآن، نور گرفته‌اند و آرزوها آنان را از عمل صالح باز نداشته و گرفتار غرور و فربیشان نساخته است.

(۱۰) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در تاریکی‌های شب قرآن را مونس ما و حافظ ما از فربیها و سوشه‌های شیطان قرار ده و به وسیله قرآن گامهای ما را از رفتن به سوی معاصی بازدار و زیانهای ما را از فرو غلطیدن در سخنان باطل - بدون تحمل ضرر و آفت - لال کن. و قرآن را وسیله‌ای برای بازداشتن اعضاء ما از فرو رفتن در گناهان قرار بده و با آن پرده‌های غفلت دل ما را برای عبرت گیری باز کن، تا اینکه فهم شگفتیهای قرآن و پندگیری از حکمتها و مثالهای آن را بر دلهای ما عنایت فرمائی، مثالها و حکمتها که کوههای سخت و استوار از تحمل بار آنها عاجزاند. (۱۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در پرتو قرآن، صلاح ظاهر ما را همیشگی کن و با قرآن، خطر و سوشه‌های شیطانی را از باطن سالم ما به دور دار و زنگارهای قلوب و دلستگی‌های گناهان ما را با قرآن بشوی. و نابسامانیهای زندگی ما را با قرآن سامان بخش و در روز محشر و عرضه اعمال تشنگی دلهای ما را با قرآن سیراب کن و در روز سختی بزرگ (قیامت) در پناه قرآن بر ما لباس امنیت بپوشان.

(۱۲) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و کاستی و فقر ما را با قرآن جبران کن که تنگدستی بر ما غلبه نکند و اسباب خوشی و آسایش در

الْعَيْشِ وَخَصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَّ أَئِبَّ الْمَذْمُومَةَ وَمَدَانَى الْأَخْلَاقِ، وَأَغْصَمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي النُّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيمَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ قَائِدًا، وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَتَعْدَى حُدُودِكَ ذَائِدًا، وَلِنَا عِنْدَكَ بِسْخُلْلِ حَلَالِهِ وَتَخْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا。(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَوْنُ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السُّيَاقِ، وَجَهْدَ الْأَتَيْنِ، وَتَرَادُفَ الْحَشَارِيجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِيَّ، وَقِيلَ مَنْ رَاقِ؟ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجَّبِ الْغَيْوَبِ، وَرَمَاهَا عَنْ قُوَّسِ الْمَنَانِيَا بِأَشْهُمِ وَخُشَّةِ الْفِرَاقِ، وَدَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأسًا مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ، وَدَنَّا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلٌ وَانْطِلَاقٌ، وَصَارَتِ الْأَغْمَالُ قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ، وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ الشَّلاقِ (١٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لَنَا فِي خُلُولِ دَارِ الْبَلِى، وَطُولِ الْمُقَامَةِ يَيْنَ أَطْبَاقِ التَّرَى، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِنَا، وَافْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضِيقِ مَلَاحِدِنَا، وَلَا تَفْضَخْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيمَةِ بِمُؤْبِقَاتِ اثَامِنَا.(١٥) وَأَرْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْنَا ذُلُّ مَقَامِنَا، وَثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جَسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَّ أَقْدَامِنَا، وَنَوَّزْ بِهِ قَبْلَ الْبَغْثِ سُدَافَ قُبُورِنَا، وَنَجَّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيمَةِ وَشَدَّ آئِدِاهُوَالِّ يَوْمِ الطَّامِةِ(١٦) وَبَيْضُ وُجُوهَنَا يَوْمَ شَوَّدُ وُجُوهُ الظُّلْمَةِ فِي يَوْمِ الْحُشْرَةِ وَالْدَّامَةِ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي صَدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدَّاً، وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا كَدًا.(١٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ.

معیشت و وسعت در رزق را برای ما فراهم ماز و ما را به وسیله قرآن از صفات نکوهیده و اخلاق ناپسند باز بدار و از فرو افتادن در سیاه چال کفر و نفاق محفوظ بدار تا اینکه قرآن در مسیر رضوان و بهشت تو در قیامت ما را راهنمای باشد و در این دنیا نیز ما را از برانگیختن خشم خود و تعدی از مقررات باز بدارد و در نزد خودت شاهد باشد که ما حلال تو را حلال می دانیم و حرام تو را حرام می شماریم.

(۱۳) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با قرآن در هنگام مرگ، سختی ارتحال و مشقت ناله و فریادهای پی در پی را آسان فرما : آن هنگام که جان به گلو رسد و گفته شود چه کسی است که روح را بالا برد؟ آن هنگام که ملک الموت برای قبض روح انسان از پرده غیب در آید و جان را از کمان مرگ با تیرهای وحشت فراق، نشانه رود و کاسه‌ای زهر آکود از شریت مرگ به ما بنوشاند و با ندایی و حرکتی ما را به سرای دیگر نزدیک کنند، و اعمال و رفتارمان قلاudedه گردنمان شوند و قبرها تا روز حشر و دیدار، جایگاه ما گردند.

(۱۴) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ورود ما را به خانه قبر و طول اقامتمان در زیر طبقات زمین را مبارک گردان و پس از مفارقت از دنیا، قبرها را بهترین منازل ما قرار ده. و با رحمت خود، تنگی لحد را به فراخی وسعت مبدل فرما و ما را در عرصه قیامت به خاطر آثار زشت گناهانمان رسوا مکن. (۱۵) و به حق قرآن، در آن هنگام که اعمال بر تو عرضه می شود بر ذلت و پستی ما ترحم فرما. و در آن زمان که پُل دوزخ هنگام عبور لرزان می شود، قدمهای ما را محکم گردان، و به حق قرآن ما را از سختیهای روز قیامت واز شدت هراسهای آن روز نجات بخش (۱۶) و در آن روز که هنگام حسرت و پشیمانی ظالمان و ستمکاران است و روزی است که چهره آنان سیاه می گردد، صورت ما را سفید گردان. و در قلب مؤمنین نسبت به ما محبت و دوستی قرار ده وزندگی را بر ما ساخت و ناگوار مساز.

(۱۷) خدایا : بر محمد که بنده و فرستاده توست درود فرست، چنانکه او به خوبی تبلیغ رسالت تو نمود و با ندای رسما امر تو را به مردم رسانید و بندگان را نصیحت فرمود.

(١٨) اللهم اجعل نيتنا - صلواتك عليه و على آلـهـ - يوم القيمة أقرب  
 للبيتين منك مخلساً، و أنكنتهم منك شفاعة، و أجلهم عندك قدرأ،  
 و أوجـهمـ عندكـ جـاهـاـ. (١٩) اللـهمـ صـلـ عـلـ مـحـمـدـ وـ آلـ مـحـمـدـ،  
 و شـرـفـ بـئـيـانـهـ، و عـظـمـ بـزـهـانـهـ، و تـقـلـ مـيزـانـهـ، و تـقـبـلـ شـفـاعـتـهـ، و قـرـبـ  
 و سـيـلةـهـ، و بـيـضـ وـجـهـهـ، وـ أـتـمـ نـورـهـ، وـ اـرـفـعـ دـرـجـتـهـ (٢٠) وـ أـخـيـناـ عـلـىـ  
 سـتـيـهـ، وـ تـوـفـنـاـ عـلـىـ مـلـتـهـ وـ خـذـنـاـ مـنـهاـجـهـ، وـ اـسـلـكـ بـنـاـ سـبـيـلـهـ، وـ اـجـعـلـنـاـ  
 مـنـ أـهـلـ طـاعـتـهـ، وـ اـخـشـنـاـ فـيـ زـمـرـتـهـ، وـ أـوـرـدـنـاـ حـوـضـهـ، وـ اـسـقـنـاـ  
 بـكـأسـهـ (٢١) وـ صـلـ اللـهمـ عـلـ مـحـمـدـ وـ آلـهـ، صـلـواـةـ تـبـلـغـهـ بـهـاـ أـفـضلـ ماـ  
 يـأـمـلـ مـنـ خـيـرـكـ وـ فـضـلـكـ وـ كـرـامـتـكـ، إـنـكـ ذـوـ رـحـمـةـ وـ اـسـعـةـ، وـ فـضـلـ  
 كـرـيمـ (٢٢) اللـهمـ اـجـزـهـ بـمـاـ بـلـغـ مـنـ رسـالـاتـكـ، وـ أـدـىـ مـنـ آيـاتـكـ،  
 وـ نـصـحـ لـعـبـادـكـ، وـ جـاهـدـ فـيـ سـبـيـلـكـ، أـفـضلـ ماـ جـزـيـتـ أـحـدـاـ مـنـ  
 مـلـائـكـتـكـ الـمـقـرـيـنـ، وـ آتـيـاـتـكـ الـمـوـسـلـيـنـ الـمـضـطـفـيـنـ، وـ السـلـامـ عـلـيـهـ  
 وـ عـلـىـ آلـهـ الطـيـبـيـنـ الطـاـهـرـيـنـ وـ رـحـمـةـ اللهـ وـ بـرـ كـاتـهـ.

﴿٤٣﴾

وـ كـانـ مـنـ دـعـائـهـ عـلـيـهـ السـلـامـ إـذـاـ نـظـرـ إـلـىـ الـهـلـالـ:

(١) أـيـهـاـ الـخـلـقـ الـمـطـيـعـ، الدـآيـبـ السـرـيـعـ، الـمـتـرـدـدـ فـيـ مـنـازـلـ التـقـديـرـ،  
 الـمـتـصـرـفـ فـيـ فـلـكـ التـذـبـيرـ. (٢) أـمـثـ بـمـنـ نـوـرـ بـكـ الـظـلـمـ، وـ أـوـضـعـ  
 بـكـ الـبـهـمـ، وـ جـعـلـكـ آيـةـ مـنـ آيـاتـ مـلـكـهـ، وـ عـلـامـةـ مـنـ عـلـامـاتـ

(۱۸) خدایا، جایگاه پیامبر ما را -که درود تو براو و آل او باد -در روز قیامت، نزدیکتر به خودت از سایر انبیاء فرار ده و شفاعت او را از شفاعت سایرین، ممکن تر ساز و ارزش او را در نزد خودت بالاتر از آنان فرار ده و متنزلت او را رفیعتر گردان.

(۱۹) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اساس کار او را شرافت بخش و برهان او را بزرگ بدار و میزان اعمالش را سنگین گردان و شفاعتش را قبول فرما و او را وسیله‌ای نزدیک به خودت قرار ده (تا به حضرتش توسل جوییم) و صورتش را سفید و نورش را تام گردان و درجه‌اش را زفیع فرما.

(۲۰) و ما را بر سنت او زنده‌بدار و بر دین او بمیران و در آیین و طریقت او راهبرمان باش. ما را از پیروان او قرار ده و در زمرة یاران او محسور فرما و ما را به حوض کوثر او وارد ساز و با جام او سیرابمان گردان.

(۲۱) و خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که با آن او را به بهترین آنچه آرزو دارد از خیر و فضل و کرامت نایل گردانی، زیرا تو دارای رحمت واسعه و فضل کریمانه‌ای.

(۲۲) خدایا به خاطر اینکه پیامبر ﷺ رسالات تو را ابلاغ فرمود و آیات تو را به مردم رسانید و بندگانت را موعظه فرمود و در راه توجهاد کرد، بهتر از جزایی که به احدی از فرشتگان مقرب و یا به پیامران برگزیده‌ات داده‌ای به او عطا فرما. وسلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر عترت پاک و مطهر او باد.

### دعای چهل و سوم: هنگام رویت هلال

(۱) ای (ماه) آفریده فرمانبردار، ای متحرک شتاب دار، ای رفت و شد کننده در جایگاه‌های مقدار شده و ای جا بجا شونده در فلک نظم و تدبیر.

(۲) من ایمان دارم به خالقی که با تو ظلمتها را روشن کرده و ابهامها را بر طرف نموده، و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های قدرتش و علامتی از علامات

سُلْطَانِهِ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيادَةِ وَالثُّقْصَانِ، وَالظُّلُوعِ وَالْأُفْوِلِ،  
وَالإِنْزَارِ وَالْكُشُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَيْهِ  
إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ (٣) سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَرَ فِي أَمْرِكَ! وَالْطَّفَّ  
مَا صَنَعَ فِي شَانِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ  
(٤) فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقِكَ، وَمُقدَّرِي  
وَمُقدَّرِكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرِكَ: أَنْ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمْحُقُهَا الْأَيَّامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدَنِّسُهَا  
الْأَثَامُ (٥) هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْأَفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ  
سَعْدٍ لَا نَحْسَنَ فِيهِ، وَيُمْنَنَ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَيُسْرٍ لَا يُسَازِ جُهَّةُ عُشْرِ،  
وَخَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ  
وَإِسْلَامٍ (٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي  
مِنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَأَرْكِنِي مِنْ نَظَرِ إِلَيْهِ، وَأَسْعَدْ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ،  
وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَاغْصِنْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ، وَاحْفَظْنَا فِيهِ  
مِنْ مُبَاشِرَةِ مَغْصِيَّتِكَ (٧) وَأَوْزِغْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبِشَانِ فِيهِ  
جَنَّ الْغَافِيَّةِ، وَأَثِيمٌ عَلَيْنَا بِإِشْتِكْمَالٍ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةُ، إِنَّكَ  
الْمَنَانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

سلطنتش قرار داده و با زیادت و نقصان، طلوع و غروب، و فروع و خاموشی تو را به کار گرفته است. در همه این امور مطیع خداوندی و به سوی آنچه او اراده کند می شتابی.

(۳) خدا پاک و منزه است و چه شگفت آور است تدبیری که در مورد تو بکار بسته و چه ظریف و زیباست آنچه که در شان تو انجام داده است: تو را کلید ما نو برای کار نو قرار داده است.

(۴) پس از خدایی که رب من و رب توست، خالق من و خالق توست، تقدیر کننده امور من و توست، تصویرگر من و توست، می طلبم که بر محمد ﷺ و عترت او درود فرستد و تو را هلال برکاتی قرار دهد که گذشت ایام آنها را از بین نبرد و هلال پاکی و طهارتی که گناهان آن را نابود نسازد.

(۵) هلال امنیت از آفات و سلامت از گناهان، هلال سعادتی که در آن هیچ نحوضت نباشد و خوشی که با آن هیچ امر ناگواری همراه نباشد، و آسانی که سختی در آن راه نیافته باشد و خیری که هرگز در آن شر دیده نشود. هلال امنیت و ایمان، نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

(۶) خداوندا بر محمد ﷺ وال او درود فرست و ما را از رضایتمندترین افرادی قرار ده که این هلال بر آنان طلوع کرده و از پاکترین اشخاصی مقرر فرماده نظر بر ماه افکنده‌اند. و از سعادتمندترین انسانهایی محسوب فرماده در این ماہ به عبادت تو مشغولند. و در این ماہ به ما توفیق توبه عطا فرما و ما را از گناه محافظت کن و از ارتکاب معصیت مصون بدار.

(۷) و شکر نعمتهاست را به ما عنایت فرما و بر ما زره سلامتی و عافیت بپوشان و با توفیق کمال اطاعت، منت را بر ما تمام گردان که همانا تو صاحب منت و ستوده‌ای. و درود خدا بر محمد ﷺ و عترت پاک و مطهر او باد.

(٤٤)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِخْسَانِهِ  
مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُخْسِنِينَ (٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَأَخْتَصَنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سُبُّلِ إِخْسَانِهِ لِنَسْلُكُهَا  
بِمَنْهَةِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَسْتَبَلُهُ مَثًا، وَيَرْضى بِهِ عَنَّا (٣) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُّلِ شَهْرَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ، شَهْرُ الصِّيَامِ،  
وَشَهْرُ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرُ الطَّهُورِ، وَشَهْرُ التَّفْحِيقِ، وَشَهْرُ الْقِيَامِ الَّذِي  
أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ  
(٤) فَأَبَانَ فَضْلَتِهِ عَلَى سَائرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُّمَاتِ  
الْمَوْفُورَةِ، وَالْفَضَّالِّ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ اِغْظَاماً،  
وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِيمَ وَالْمَسَارِبَ إِكْرَاماً، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتاً بَيِّنَا لَا يُجِيزُ  
- بَعْلَ وَعَزَ - أَنْ يَقْدَمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يَؤْخَرَ عَنْهُ (٥) ثُمَّ فَضَّلَ  
لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي الْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْسَّقْدِ،  
تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَادُنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمَ الْبَرَكَةُ  
إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَخْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ.

## دعای چهل و چهارم:

### در آغاز ماه رمضان

(۱) شکر خداوندی را سزاست که ما را به حمد و ستایش خود هدایت فرمود و ما را از سپاسگزاران قرار داد تا نسبت به احسان او سپاس گوییم و او به ما پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

(۲) و سپاس خداوندی را گه مازا برانی ذین خود برگزید و آیینش را اختصاصاً به ما ارزانی داشت و ما را در طریق احسانش به پیش برد تا بالطف او به سوی رضوانش حرکت کنیم. ستایشی که آن را از ما قبول فرماید و با آن از ما خشنود گردد.

(۳) و ستایش خدایی را سزاست که یکی از راههای رضوانش را ماه خودش یعنی ماه رمضان قرار داد، ماه روزه، ماه اسلام، ماه طهارت، ماه پاکسازی درونی و ماه قیام، ماهی که در آن قرآن به عنوان کتاب راهنمایی مردم همراه با حجتهاي روشن هدایت و براهین جداگانه حق از باطل نازل شده است.

(۴) پس خداوند برتری ماه رمضان را بر دیگر ماهها از این راه نشان داده که در این ماه محترمات زیاد و فضیلت‌های آشکار و مشهوری مقرر شده است. ولذا از باب بزرگداشت این ماه، چیزهایی را که در دیگر ماهها حلال است، در ماه رمضان حرام شمرده و به خاطر تکریم آن، خوردنیها و نوشیدنیها را ممنوع فرموده است. و برای آن وقت خاصی مشخص کرده که نه اجازه می‌دهد در این وقت تقدیمی صورت گیرد و نه تأخیری.

(۵) و فضیلت یک شب از شبهای این ماه را بر فضیلت شبهای هزار ماه دیگر ترجیح داده و نام آن را شب قدر نهاد که در آن فرشتگان و جبرائیل در مورد هر امری با اجازه پروردگار نازل می‌شوند، شبی که تا طلوع سپیده شب سلامت است و هنگام نزول برکات همیشگی بر هر کس از بندگانش که بخواهد و آنچه که حکم و فرمانش اقتضا کند.

(٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَلْهِمْنَا مَغْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَالثَّحْفَظَ مِمَّا حَذَرْتَ فِيهِ، وَأَعِنْتَاهُ عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِهَا فِيهِ بِمَا يُرِضِّيكَ حَتَّى لَا نُضِغِّي بِاسْمَاعِنَا إِلَى لَعْنَةِ لَعْنَةِ، وَلَا نُشْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوِ (٧) وَحَتَّى لَا يَنْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورِ، وَلَا يَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورِ، وَحَتَّى لَا تَعِي بَطُونُنَا إِلَّا مَا أَخْلَلْتَ، وَلَا تَنْطِقَ أَسْتِشَانَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ، وَلَا تَكْلُفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَغْاطِي إِلَّا ذَيْ يَقِيٍّ مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلَصْ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَا آثِينَ، وَسُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ، لَا نَشْرُكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا يَسْتَغْفِرُ فِيهِ مُرَا دَأْ سِواكَ. (٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقُفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَواتِ الْخَمْسِ بِخُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوَظَائِفِهَا الَّتِي وَظَفَتْ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَتَّ (٩) وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَثُولَةَ الْمُصَبِّبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّيَنَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - حَسَلَوْاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلَّهَا عَلَى أَثْمِ الطَّهُورِ وَأَسْبِغِهِ، وَأَبْيَنَ الْخُشُوعَ وَأَبْلَغَهِ. (١٠) وَقُفْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبَرِّ وَالصَّلَةِ، وَأَنْ نَتَعَاهَدَ جِبْرَانَنَا بِالْأَفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَأَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ، وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَنَا خَاشِيَ مَنْ عُودَيَ فِيكَ وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا يُوَالِيَهُ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا يُنْصَافِيهِ. (١١) وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الْزَّاكِيَّةِ بِمَا تُظْهِرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَغْصِنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ

(۶) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و توفیق شناخت فضیلت این ماه و بزرگداشت حرمت آن و خودداری از آنچه در آن ممنوع فرموده‌ای را به ما الهام فرما. و ما را پاری کن که رمضان را روزه بگیریم با نگهداشتن اعضا و جوارح از ارتکاب گناهان و بکارگیری آنها در آنچه که موجب خشنودی تو می‌شود. تا با گوشمان به صدای‌های بیهوده گوش نکنیم و با دیدگانمان به سمت لهویات سرعت نگیریم. (۷) دست به سوی ممنوعی نبریم و قدم به سمت حرامی برنداریم. و شکم ما پر نشود مگر از آنچه حلال فرموده‌ای وزیان ما چیزی نگوید مگر آنچه خود گفته‌ای. و خود را به زحمت نیاندازیم مگر در آنچه ما را به ثواب نزدیک می‌سازد و به چیزی نپردازیم مگر آنچه که ما را از عقاب تو مصون می‌دارد. پس تمام این امور را از رباء و سمعه (یعنی اینکه دوست داشته باشیم دیگران کارهای خوب ما را بشنوند و تعریف کنند) خالص گردان تا غیر از تو کسی را شریک نگیریم و در کارهایمان مرادی غیر از تو را بر نگزینیم.

(۸) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را بر قیام به نماز در موافقت آن همراه با حدودی که برای آن مشخص فرموده‌ای و واجباتی که در آن مقرر نموده‌ای و وظیفه‌هایی که برای آن تعیین کرده‌ای و اوقاتی که برای آن در نظر گرفته‌ای، موفق بدار. (۹) و ما را در نماز از جمله کسانی قرار ده که به درجات آن رسیده، ارکان آن را حفظ و آن را در وقتی همانگونه که بنده و پیامبر ﷺ سنت قرار داده ادا می‌کنند و رکوع و سجود و همه فضیلتهای آن را در نهایت طهارت و پاکی و با کمال خشوع و فروتنی انجام می‌دهند. (۱۰) و ما را در این ماه مبارک توفیق ده که با کار نیک نسبت به خویشان خود صلة رحم بجا آوریم و با فضل و بخشش با همسایگانمان رابطه دوستی برقرار کنیم و اموال خود را از حرام پاک کنیم و آنها را با دادن زکاتها خالص نماییم. و از کسی که با ما فهرکرده، دیدار کنیم و نسبت به کسانی که بر ما ستم روا داشته‌اند، انصاف را رعایت نماییم و نسبت به دشمنانمان با مسالمت بر خورد کنیم، بجز آنها که در راه و به خاطر تو مورد عداوت ما هستند، اینان دشمنانی هستند که هرگز با آنها دوستی نمی‌کنیم و از حزبی هستند که هرگز با آنها صفا و یکرنسی نداریم. (۱۱) و به ما توفیق ده که در این ماه به سوی تو تقریب جوییم با اعمال شایسته‌ای که ما را از

مِنَ الْعَيْوِبِ، حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَكَ إِلَّا دُونَ  
مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاغِةِ لَكَ، وَأَنْواعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ. (١٢) اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعْبَدُ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَاءِ  
إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَكٍ قَرَبَتْهُ، أَوْ نَبِيًّا أَرْسَلْتَهُ، أَوْ عَبْدًا صَالِحًا  
اَخْتَصَصَتْهُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْلَنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ  
أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَأَوْجَبْتَ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ  
فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا فِي نَظَمِ مَنِ اسْتَحْقَ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ.  
(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَنَّبْنَا الْأَلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ،  
وَالْتَّقْسِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ، وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ، وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ،  
وَالْأَغْفَالَ لِحُزْمَتِكَ، وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (١٤) اللَّهُمَّ  
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا  
هَذَا رِقَابٌ يُغْتَفِّهَا عَنْوَكَ، أَوْ يَهْبِهَا صَفْعُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ  
الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلٍ وَأَضْحَابٍ. (١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هِلَالِهِ، وَاسْلَخْ عَنَّا  
تِبْغَاتِنَا مَعَ اتِسْلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَسْقُضِي عَنَّا وَقْدَ صَفَّيَنَا فِيهِ  
مِنَ الْخَطَبَاتِ، وَأَخْلَصَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (١٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِنْ مِنْنَا فِيهِ فَعَدْلُنَا، وَإِنْ رُعِنَا فِيهِ فَقَوْمُنَا، وَإِنْ اشْتَمَلَ  
عَلَيْنَا عَدُوكَ الشَّيْطَانُ فَأَسْتَقْذِذُنَا مِثْهُ. (١٧) اللَّهُمَّ اشْحَهْ بِعِبَادَتِنَا  
إِيَّاكَ، وَرَزِّنِ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَأَعْثَرْنَا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ،  
وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلوَةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَالْخُشُوعَ لَكَ، وَالذَّلَّةِ  
بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشَهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَلَا لَيْلَهُ بِسَفْرِيَطٍ.

لوث گناهان پاک کنند و از اینکه دوباره عیوب و زشتیها را از سرگیریم، حفظ کنند. تا اینکه هیچ فرشته‌ای از فرشتگان مأمور بندگان، چیزی از گناهمان بر تو نیاورد مگر آنکه از طاعت و بندگی ما و تقرّب به درگاهات، کمتر باشد.

(۱۲) خداوندا به حق این ماه و به حق کسی که از ابتداء تا انتهاء آن، به بندگی تو پرداخته مثل فرشته‌ای که او را مقرّب درگاهت ساخته‌ای و یا پیغمبری که به رسالت مبعوث نموده‌ای و یا بندۀ شایسته‌ای که از خواص قرارش داده‌ای، از تو در خواست می‌کنم که بر محمد ﷺ و اهله و اهله‌ی اهلیت او درود فرست و ما را اهل کرامت‌هایی قرار ده که در این ماه به اولیائت و عده داده‌ای. و آنچه که در حق ساعیان در طاعت و بندگیت لازم کرده‌ای، در حق ما نیز واجب گردان و ما را در زمرة کسانی قرار ده که در پرتو رحمت تو، شایستگی جایگاهی رفیع در نزد تو را بدست آورده‌اند. (۱۳) خدا یا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از انکار یکتابی خود و از کوتاهی در ستایش و از تردید در دینت و از کوری نسبت به راهت و غفلت نسبت به حُرمت و فریب خوردن از دشمنت یعنی شیطان رانده شده، بدور دار. (۱۴) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اگر در هر شب از شباهی این ماه، عفو تو باعث آزادی بندگانی می‌شود و گذشت آنها را مورد بخشش قرار می‌دهد، پس ما را نیز از زمرة همان بندگان قرار ده و ما را برای این ماه از بهترین شایستگان و اصحاب محسوب فرما. (۱۵) خدا یا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با محظوظی تدریجی هلال ماه رمضان، گناهان ما را نیز محو کن و با سپری شدن روزهای این ماه، زشتیها و پلیدیها را از جان ما بگن تا اینکه این ماه بگذرد در حالیکه در آن تو ما را از خطاهای پاک و از گناهان پیراسته باشی.

(۱۶) خدا یا بر محمد ﷺ و عترت او درود فرست و اگر در این ماه از راه راست منحرف شدیم ما را بازگردان و اگر به بیراهه رفتیم ما را مستقیم ساز و اگر دشمنت شیطان بر ما مستولی شد، ما را از چنگ او برهان.

(۱۷) بار خدا یا این ماه را از بندگی ما به درگاه خودت، پرکن، و ساعات این ماه را با طاعتمان مژین فرما و در روزهایش بر روزه گرفتن یاریمان نما و در شباهیش به نماز و زاری بآستانت و فروتنی در پیشگاهت و خواری در بارگاهت کمکمان کن تا روز این ماه بر غفلت ما و شبیش بر کوتاهی ما شهادت ندهند.

(١٨) اللهم واجعلنا في سائر الشهور والأيام كذلك مما عمرتنا، واجعلنا من عبادك الصالحين الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون، والذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة، أنهم إلى ربهم راجعون، ومن الذين يساريون في الخيرات وهم لها سابقون.

(١٩) اللهم صل على محمد وأله، في كل وقت وكُلّ أوان وعلى كُلّ حال عدد ما صليت على من صلّيت عليه، وأضعاف ذلك كله بالاضعاف التي لا يخصها غيرك، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

﴿٤٥﴾



(١) اللهم يا من لا يزغب في الجزاء (٢) ويا من لا يندم على العطاء (٣) ويا لا يكافي عبده على السوء. (٤) مستك ابتداء، وعفوك تفضل، وعقوبك عدل، وقضاؤك خيرة (٥) إن أغطيت لم تثبت عطاءك بمن، وإن منعت لم يكن منعك تعد يا (٦) تشكر من شكرك وانت الهمة شكرك. (٧) وتكافي من حمدك وانت علمته حمدك. (٨) تستر على من لو شئت فضخته، وتتجود على من لو شئت منعته، وكلا هما أهل منك للفضيحة والمنع غير أنك بينت أفعالك على التفضيل، وأجريت قدر تلك على الشجاعز.

(۱۸) خداوندا در دیگر ماهها و روزهای نیز تا آن هنگام که به ما عمر می‌دهی، همچنین فرارمان ده و ما را از بندگان شایسته‌ات محسوب فرما؛ آنها که بهشت را به ارت می‌برند و در آن جاوید می‌مانند، و آنها که آنچه را می‌دهند، در حالی است که دلهاشان از یاد خدا ترسان است و به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، و ما را از کسانی قرارده که در امور خیر شتاب دارند و بر دیگران پیشی می‌گیرند.

(۱۹) خدا یا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست: در هر وقت و در هر زمان و در هر حالی درودی به تعداد همه آنها که سلامشان داده‌ای و باز هم بیش از آن، به مقداری که غیر تو نمی‌تواند آن را شماره کندا همانا تو آنچه را اراده کنی، انجام می‌دهی.

### دعای چهل و پنجم:

#### در وداع با ماه مبارک رمضان

- (۱) خداوندا ای آنکه میل به گرفتن پاداش نداری.
- (۲) وای کسی که از عطا و بخشش پشمیان نیستی.
- (۳) وای آنکه به بندهات پاداش بروای نمی‌دهی،
- (۴) بخشش تو، ابتدایی است و گذشت تو از باب تفضل است و کیفرت عین عدل است و فرمانات، خبر و صلاح است.
- (۵) تو اگر چیزی ببخشی، همراه با ملت نیست و اگر چیزی را ممنوع کنی، ظلم و ستم محسوب نمی‌شود.
- (۶) تو نسبت به آنکه شکر تو گوید، سپاسگزاری می‌کنی و حال آنکه خود شکرت را به او الهام نموده‌ای.
- (۷) و عوض می‌دهی به آنکه تو را بستاید و حال آنکه خود ستایش را به او آموخته‌ای.

- (۸) عیوب کسانی را می‌پوشانی که اگر می‌خواستی رسوایشان می‌ساختی، وجود تو شامل حال کسانی می‌شود که اگر بخواهی می‌توانی آنها را محروم کنی. و هر دو گروه فوق بحق، شایسته رسایی و محرومیتند، اما این توبی که اساس کارت را بر تفضل نهاده‌ای وقدرت خود را در عفو و گذشت نشان می‌دهی.

(٩) وَ تَلَقَّيْتَ مِنْ عَصَاكَ بِالْحَلْمِ، وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ،  
 تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَّاتِكَ إِلَى الْإِنْبَاءِ، وَ شَرُوكُ مُعَاجِلَتِهِمْ إِلَى الشُّوْبَةِ لِكَيْلًا  
 يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ، وَ لَا يَشْقِي بِسِنْغَمِتَكَ شَقِيقَهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ  
 الْأَعْذَارِ إِلَيْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرِمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ،  
 وَ عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ. (١٠) أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا  
 إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَيَّتَ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ  
 وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضْلُوا عَنْهُ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - : تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً  
 نَصُوحًا عَسِيَ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفَّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ  
 تَبْرُى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (١١) يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا  
 مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأَيْمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا أَشْمِمْ لَنَا  
 نُورَنَا، وَ اغْفِرْنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَمَا عُذْرٌ مَنْ أَغْفَلَ  
 دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟! (١٢) وَ أَنْتَ  
 الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، ثُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي  
 مَتَاجِرِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةِ مِنْكَ، فَقُلْتَ  
 - تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ - : مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ  
 جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُعْزِزُ إِلَّا مِثْلَهَا. (١٣) وَ قُلْتَ: مَثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ  
 أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثْلٍ حَبَّةٍ أَنْبَثَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبْنَبَلَةٍ مِائَةً  
 حَبَّةً، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ، وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضاً  
 حَسَنَاً فَيَضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَارِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ  
 مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ. (١٤) وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَّلَتُهُمْ بِتَوْلِكَ مِنْ غَيْرِكَ  
 وَ تَرْغِيْكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْسَرَتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ

(۹) با کسی که در برابر تو سرکشی می‌کند، با بردهاری برخورد می‌کنی و به کسی که (با گناه) فصد ستم بر خوبیش دارد مهلت می‌دهی و آنان را تا لحظه رجوع و بازگشت، به مدارای خود و عده می‌دهی و تا زمان توبه از شتاب در عقاب آنان خودداری می‌کنی تا هلاکت هلاک شونده از جانب تو نباشد و آن کس که شفی است، با نعمت تو گرفتار شقاوت نشود، مگر پس از عذر بسیار و حججهای بی‌درپی و آشکار، و اینها هم از عفو توست ای کریم، و بهره‌ای است از مهربانی توای خدای بردهار. (۱۰) تویی که برای بندگانت دری به سوی عفو و گشوده‌ای و آن را «توبه» نام نهاده‌ای، و برای راهنمایی به سوی این در، راهنمایی و حبانی گذاشته‌ای که هرگز آن را گم نکنند و خود - که نامت مبارک است - فرموده‌ای: به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای پاک و خالص، بدان امید که خداوند گناهان شما را بپوشاند و شما را در بهشتی داخل سازد که نهرها در آن جاری است. (۱۱) در روزی که خداوند پیامبر ﷺ و آنان را که به او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌گرداند، نور آنان از پیش رو و از جانب راست آنان حرکت می‌کند (در حالیکه) آنان می‌گویند: ای پروردگار ما، نور ما را کامل گردان و ما را بیامز، که تو بر هر کاری توانایی (۸، تحریر). پس عذر کسی که از این منزل غفلت کند - بعد از اینکه تو در آن را گشوده‌ای و بتراش راهنمای قرار داده‌ای - چیست؟ (۱۲) و تویی آنکه به نفع بندگانت، زیاد خود را به مشقت و سختی می‌اندازی و دوست می‌داری که آنان در تجارت با تو سود ببرند و با وارد شدن بر تو و زیادت خواستن از تو رستگار شوند. ولذا تو خود - که نامت مبارک و بلند است - فرموده‌ای: هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آجر می‌برد و هر آن کس که کار ناپسندی مرتکب شود، جز به اندازه همان عمل مجازات نمی‌شود (۱۶۰، انعام). (۱۳) و نیز فرموده‌ای: مثل آنها که اموال خودشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشی می‌رویاند و در هر خوشی‌ای صد دانه است و خداوند به هر کس که بخواهد چند برابر پاداش می‌دهد. (۲۶۱، بقره) و همچنین فرموده‌ای: کیست آن کس که به خدا قرض نیکو بدهد تا در نتیجه خدا به او چندین برابر عطا فرماید (۲۴۵، بقره) و نیز نظیر این سخنان که حسنات را چند برابر پاداش می‌دهی در قرآن نازل فرموده‌ای. (۱۴) و تویی آنکه با گفتارت بندگان را نسبت به عالم غیب راهنمایی کردی و با ترغیب

أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَشْمَاعُهُمْ، وَلَمْ تَلْحِقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: أَذْكُرُونِي  
أَذْكُرْكُمْ، وَاسْكُرُوا إِلَيِّي وَلَا تَكْفُرُونِ، وَقُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ،  
وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (١٥) وَقُلْتَ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ،  
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَاتِي سَيِّدُ خُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمِّيَّتْ  
دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَتَرْكَهُ اسْتِكْبَارًا، وَسَوْعَدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ  
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (١٦) فَذَكَرُوكَ بِمَنْكَ، وَشَكَرُوكَ بِسَفَضِيلِكَ، وَدَعُوكَ  
بِأَمْرِكَ، وَتَصَدَّقُوا لَكَ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاةُهُمْ مِنْ  
غَضَبِكَ، وَفُوزُهُمْ بِرِضَاكَ. (١٧) وَلَوْدَلَ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ  
عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ،  
وَمَنْتَعُوتًا بِالْإِمْتِنَانِ، وَمَحْمُودًا بِكُلِّ لِسَانٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ  
فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ، وَمَا يَقْعِي لِلْعَمْدِ لَفْظٌ تُخَمِّدُ بِهِ، وَمَعْنَى يَنْصَرِفُ  
إِلَيْهِ. (١٨) يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَيْيَ عِبَادَهُ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَرَهُمْ  
بِالْمَنَّ وَالْطَّوْلِ، مَا أَفْشَى فِينَا نِفَّتَكَ، وَأَشْبَغَ عَلَيْنَا مِنْكَ،  
وَأَخْصَنَا بِرِبِّكَ! (١٩) هَدَيْنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ، وَمِلَّتْكَ الَّتِي  
ارْتَضَيْتَ، وَسَبِّلَكَ الَّذِي سَهَّلَتْ، وَبَصَرَتْنَا الزُّلْفَةَ لَدِينِكَ، وَالْوُصُولَ  
إِلَى كَرَامَتِكَ (٢٠) اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ،  
وَخَصَّا إِصْرِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصَتْ مِنْ سَائرِ  
الشُّهُورِ، وَتَحْيِيَتْهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالدُّهُورِ، وَأَثْرَتْهُ عَلَى  
كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالثُّورِ، وَضَاعَفْتَ  
فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ، وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ، وَرَغَبْتَ فِيهِ  
مِنَ الْقِيَامِ، وَأَجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

و تشویق، آنان را به سویی برده که از بهره کامل بر خوردار شوند. حقایقی را به آنان نشان دادی که اگر از آنان می پوشاندی، چشمانشان هرگز آنها را نمی دید و گوشهاشان نمی شنید و ذهن آنها بدان نمی رسید. و خودت فرمودی: ما را یاد کنید تا من نیز به یاد شما باشم و شکر مرا بجای آورید و کفران مکنید. و فرمودی: اگر شکر گزار باشید بر نعمتهای شما می افزایم و اگر کفران پیشه کنید، به راستی عذاب من شدید است. (۱۵) و تو فرمودی مرا بخوانید تا شما را استجابت کنم، به راستی کسانیکه با روحیه استکبار، خود را فراتر از بندگی من بینند به زودی به آتش دوزخ داخل خواهند شد و در آن جاوید می مانند، پس دعا و در خواست از خود را عبادت و ترک دعا را استکبار نماید های و تهدید کرده ای که ترک دعا موجب دخول همیشگی در آتش دوزخ می شود. (۱۶) پس بندگانت تو را به خاطر لطفت یاد می کنند و بافضلت سپاس می گزارند و به موجب فرماننت تو را می خوانند و در راه تو صدقه می دهند تا از تو زیادت نعمت طلب نمایند. و در این امر برای آنان، نجات و رهایی از غضب تو و فلاح و رستگاری در پرتو رضایت تو محقق می شود. (۱۷) و اگر یکی از مخلوقات تو از جانب خودش دیگری را مثل آنچه تو بندگانت را به آنها راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به صفت احیان و اعطاء نعمت موصوف می شد و به هر زبانی مورد ستایش قرار می گرفت. پس حمد و سپاس برای توست مدام که راهی برای حمد تو باز است و لفظی باقی است که با آن حمد تو گفته شود و معنایی در کار است که به ستایش تو باز گردد. (۱۸) ای کسی که به سبب احسان و فضل، در نزد بندگان، شایسته ستایش شده ای و آنان را غرق در نعمت و بخشش نموده ای، نعمات تو در بین ما چه آشکار و پیدا و بخششهاست بر ما چه فراوان و اختصاص یافتن ما به نیکهای تو چه زیاد است! (۱۹) تو ما را به دین برگزیده و آین مورد رضایت و راه سهل و آسان خود هدایت نمودی و نسبت به طریقه تقرّب به خودت و رسیدن به کرامت ما را بصیرت دادی. (۲۰) خداوندا و تو در زمرة برگزیده این وظایف و اعمال ویژه از واجبات، ماه رمضان را قرار دادی، ماهی که آن را از سایر ماهها ممتاز نمودی و از بین همه زمانها و ایام، آن را انتخاب فرمودی و آن را بر همه اوقات سال به نزول قرآن و نور مقدم داشتی و ایمان را در این ماه مضاعف نمودی و روزه را در آن واجب گردانیدی و بندگان را به قیام در آن برای عبادت ترغیب فرمودی و شب قدر را که از هزار شب بهتر است در آن تجلیل نمودی.

(٢١) ثُمَّ أثْرَتْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأَمْمِ، وَ اضْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ، فَصُنْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَةً، وَ قُنْنَا بِعَوْنَكَ لَيْلَةً، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ تَسَبَّبَنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ، وَ أَنْتَ الْمَلِيءُ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ، الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ. (٢٢) وَ قَدْ أَقَامَ فِيَّا هَذَا الشَّهْرُ مُسْقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحبَةَ مَبْرُورٍ، وَ أَرْبَخْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَ وَفَاءِ عَدَدِهِ.

(٢٣) فَنَحْنُ مُؤَدِّعُوهُ وَ دَاعُوْهُ مِنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا، وَ غَمَنَا وَ أَوْحَشَنَا اِنْصِرَافُهُ عَنْنَا، وَ لَزِمَنَا لَهُ الدَّمَامُ الْمَحْفُوظُ، وَ الْحُرْمَةُ الْمَرْعِيَّةُ، وَ الْحَقُّ الْمَقْضِيُّ، فَنَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرِ، وَ يَا عِيدَ أَوْلَيَّاهِ. (٢٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَضْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَ يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ. (٢٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرِبَتْ فِيهِ الْأَمَالُ، وَ نُشِرتَ فِيهِ الْأَعْمَالُ. (٢٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا، وَ أَفْجَعَ فَقَدُهُ مَفْقُودًا، وَ مَرْجُوُهُ الْمَفْرَأَةُ. (٢٧) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلِيفٍ أَنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ، وَ أَوْحَشَ مُنْقَضِيًّا فَمَضَّ (٢٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ، وَ قَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ. (٢٩) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعْانَ عَلَى الشَّيْطَانِ، وَ صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُّلَ الْإِخْسَانِ (٣٠) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ، وَ مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ! (٣١) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَ أَسْتَرَكَ لِأَثْوَاعِ الْعُيُوبِ! (٣٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ، وَ أَهْبَيْكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ! (٣٣) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ.

(۲۱) سپس ما را برای این ماه بر سایر امتهای مقدم داشتی و برای فضیلت آن، ما را انتخاب فرمودی نه سایر ملت‌ها را، و ما به فرمان تو روز این ماه را روزه گرفتیم و با یاری تو شب را به قیام در عبادت سپری کردیم و با روزه گرفتن و برخاستن برای عبادت، خود را در معرض رحمت که ما را در جوار آن نهاده‌ای، قرار دادیم و آن را وسیله‌ای برای دریافت ثواب تو ساختیم و خزانه تو پر است از آنچه در راهت مورد رغبت باشد. و در آنچه از فضل و عطا از تو در خواست شود، بخشندۀ‌ای و نسبت به کسی که در راه فُرب تو می‌کوشد، نزدیک هستی. (۲۲) و این ماه به گونه‌ای شایسته ستایش در بین ما و همچون یاری نیکو همراه ما بود و بهترین سودهای جهانیان را به ما رسانید، و سپس آن هنگام که وقتی به پایان آمد و مدت‌ش تمام شد و عدد روزهایش به آخر رسید، از ما جدا شد. (۲۳) پس اینک ما با رمضان وداع می‌کنیم، همچون وداع با کسی که جدایی از او بر ما سخت و ناگوار است و روی گردانیدن او از ما، موجب حُزن و هراس است و بر ما لازم است که عهد محفوظ و حرمت شایسته رعایت و حق ادا شدنی او را نگاه داریم پس اینک می‌گوییم : سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا و ای عیدِ دوستان خدا. (۲۴) سلام بر تو ای ارزشمندترین اوقاتی که با ما همراه بودی و ای بهترین ماه در بین روزها و ساعات. (۲۵) درود بر تو ای ماهی که در آن آرزوها بر آورده و نزدیک می‌شوند و اعمال شایسته در آن فراوان است. (۲۶) سلام بر تو دوستی که وقتی هستی، ارزش تو بسیار بالاست و آن هنگام که نیستی، فقدان تو درد آور است و نقطه امیدی هستی که جداییت بسیار رنج آفرین است. (۲۷) درود بر تو مونسی که وقتی آمدی، با ما انس گرفتی و اسباب سرور و شادی گشتی و وقتی از کنار ما رفتی، در دل ما هراس انداختی و غمگینمان ساختی. (۲۸) درود بر تو همسایه و همنشینی که در کنار تو قلبها نرم شد و گناهان کاهش یافت. (۲۹) سلام بر تو یاوری که ما را علیه شیطان یاری نمودی و دوستی که راههای احسان و نیکی را آسان فرمودی. (۳۰) درود بر تو که چه فراوان است آزاد شدگان راه خدا در تو و چه خوشبخت است کسی که به خاطر تو، احترامت رانگه بدارد. (۳۱) سلام بر تو که چقدر گناهان را می‌پوشانی و انواع عیوب و زشتیها را می‌زدایی. (۳۲) درود بر تو که چقدر بر مجرمان، بخشش داری و چه اندازه در دلهای مؤمنان هیبت و عظمت داری! (۳۳) سلام بر تو ماهی که هیچ ایام دیگری شایستگی رقابت با تو را ندارد.

(٣٤) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ (٣٥) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيمٍ الْمُصَاحَّةُ، وَ لَا ذَمِيمٌ الْمُلَامِسَةُ (٣٦) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَ غَسَّلَتْ عَنَّا دَسَّ الْخَطَبَاتِ (٣٧) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بِرَمَّاً وَ لَا مُشْرُوكٍ صِيَامَةُ سَاماً (٣٨) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ، وَ مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ (٣٩) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفْيَضَ بِكَ عَلَيْنَا (٤٠) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ الْفِيَّ شَهْرٌ (٤١) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَخْرَصَنَا بِالْأَمْسِنْ عَلَيْكَ، وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدَّاً إِلَيْكَ (٤٢) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِّمنَا، وَ عَلَى ماضٍ مِنْ بَرَ كَاتِكَ سُلْبِنَا (٤٣) اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْنَا بِهِ، وَ وَفَقْنَا بِمَنْكَ لَهُ حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءَ وَقْتَهُ، وَ حُرِّمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ (٤٤) أَنْتَ وَ لَيْلَيْ ما آثَوْنَا بِهِ مِنْ مَغْرِفَتِهِ هُوَ هَدَيْنَا لَهُ مِنْ سُبْتِهِ، وَ قَدْ تَوَلَّنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَةً وَ قِيَامَةً عَلَى تَقْصِيرٍ، وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ (٤٥) اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِفْرَارًا بِالإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافًا بِالإِضَاعَةِ، وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَسْبَتِنَا صِدْقُ الْإِغْتِذَارِ، فَاجْزُنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ، وَ نَغْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الدُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ (٤٦) وَ أَوْجِبَ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَقْكَ، وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِنَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَغْنَاهُ فَأَعْنَا عَلَى تَسْأُولِ مَا آتَتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ أَدَنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحْقُهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقْكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

(۳۴) سلام بر تو ماهی که از هر آفت و خطری در امان و سلامتی. (۳۵) درود بر تو ماهی که مصاحبیت با تو کراحت ندارد و معاشرت با تو موجب مذمّت نیست.

(۳۶) درود بر تو که برکات فراوان به ما رساندی وزنگار خططاها و گناهان را از ما شُستی. (۳۷) سلام بر تو که وداع با تو از روی دلتگی نیست و ترک روزه تو به جهت خستگی و ملال نمی‌باشد. (۳۸) سلام بر تو که قبل از فرا رسیدنت، مورد طلب ما هستی و پیش از فوتت، مورد حزن و اندوه ما. (۳۹) درود بر تو که چه بسیار بلاها به خاطر تو از ما دور شد و چه بسیار از خبرات، بواسطه تو به ما رسید. (۴۰) سلام بر تو و بر هر شب قدری که بهتر از هزار ماه است. (۴۱) درود بر تو که دیروز نسبت به تو چه بسیار حریص بودیم و فردا چه شوقی به تو داریم.

(۴۲) سلام بر تو و بر فضل تو که ما از آن محروم شدیم و برکات گذشتهات که از ما سلب گردید. (۴۳) خداوندا ما اهل این ماهی هستیم که ما را بدان شرافت بخشیدی و با فضلت به ما توفیق درک آن را عطا فرمودی، در حالیکه شقاوت پیشگان نسبت به وقت گرانبهای آن جاهم، و به خاطر شقاوتشان از فضل آن بی بهره‌اند. (۴۴) خدا ایا تو بی صاحب آنچه ما را برای آن برگزیدی یعنی شناخت این ماه و آنچه بدان هدایتمان فرمودی یعنی آداب و اعمال این ماه. و ما به توفیق توست که با تقصیر و کوتاهی، آن را روزه می‌گیریم و عبادت را در این ماه به پا می‌داریم و در آن اندکی از بسیار را بجا می‌آوریم. (۴۵) خدا ایا تو را سپاس می‌گوییم و در عین حال اقرار به بدیهای خود داریم و معرفتیم که حق تو را ضایع ساخته‌ایم. عقدہ پشمیمانی که در دل داریم و صداقتی که در مقام پوزش در زبان ماست، تنها برای توست، پس ما را در برابر آنچه بخاطر تفریط و کوتاهی به ما رسیده، اجری عطا فرما که با آن، فضل مورد امید در این ماه عزیز را جبران کنیم و از انواع ذخایری که همه بدان حرص دارند، چیزی به عنوان عوض دریافت نماییم. (۴۶) و برای ما عذر خواهی از درگاهت را به خاطر آنچه که در حق تو تقصیر کرده‌ایم، مقدر فرما و عمر ما را تا رمضان آینده طولانی فرما و آن هنگام که ما را به رمضان آینده رساندی به ما کمک کن تا آنچه را که تو اهل آن هستی یعنی عبادت، انجام دهیم و ما را به حدی رسان که به آنچه شایسته آن ماه است یعنی طاعت، قیام کنیم و از اعمال صالح در طول ماههای سال، آنچه را که جبران کننده حق تو در دو ماه رمضان حال و آینده است، برای ما پیش آور.

(٤٧) اللهم و ما ألمتنا به في شهرنا هذا من لقم أو اثم، أو واقعنا فيه من ذنب، و اكتسبنا فيه من خطيئة على تعمد مثا، أو على نسيان ظلمنا فيه أنفسنا، أو انتهكنا به حرمة من غيرنا، فصل على محمد و أله، و اشتراكنا بشرك، و اعف عننا بعفوك، و لا تنصبنا فيه لاغين الشامتين، و لا تبسط علينا فيه السن الطاعنين، و استعملنا بما يكون حطة و كفاره لما انكرت مثا فيه برأتك التي لا تنفك، و فضلك الذي لا ينفع. (٤٨) اللهم صل على محمد و أله، و اجز مصيبتنا بشهرنا، و بارك لنا في يوم عيدها و فطرينا، و اجعله من خير يوم مر علينا آجليه لعفو، و أملاكه لذنب، و اغفر لنا ما خفي من ذنبينا و ما علن. (٤٩) اللهم اسلخنا بائسلاخ هذا الشهر من خطيانا، و آخر جنا بخروجه من سياتينا، و اجعلنا من أسعد أهله، و اجز لهم قسمًا فيه، و أوفر لهم حظا منه. (٥٠) اللهم ومن رعن هذا الشهر حق رعايته، و حفظ حرمتها حق حفظها، و قام بحدوده حق قيامها، و اتقى ذنبه حق تقادها، او تقرب اليك بقربه او جئت رضاك له، و عطفت رحمتك عليه، فهب لنا مثله من وجدك، و أعطنا أضعافه من فضلك، فإن فضلك لا يغيب، و إن خزائنك لا تنقص بل تفيض، و إن معادن إحسانك لا تفني، و إن عطاوك للعطاء المها. (٥١) اللهم صل على محمد و أله، و اكتب لنا مثل أجور من صامة، او تعبد لك فيه إلى يوم القيمة. (٥٢) اللهم إنما ثوب إليك في يوم فطرينا الذي جعلته للمؤمنين عيدا و سورا، و لأهل ملتكم مجتمعًا و مخلصداً من كل ذنب أذنبناه، او سوء أسلفناه، او خاطر شرّ أضرمناه، توبة من

(۴۷) خداوندا در این ماه اگر به گناه کوچک یا بزرگی نزدیک شدیم و یا اگر در معصیتی افتادیم و یا عمدآ مرتكب خطایی شدیم و یا از روی فراموشی برخود ستم نمودیم و یا حريم و حرمت کسی را زیر پا گذاشتیم پس تو برمحمد و آل او درود فرست و ما را در پرده عفوت بپوشان و بر ما ببخش و ما را نصب العین ملامتگران قرار مده وزبان طعنه زنندگان را بر ما باز مکن و ما را به کاری وابدار که سبب جبران و کفاره گناهی باشد که در ماه رمضان از آن نهی کرده بودی، به حق رأفت که هرگز پایان ندارد و فضلت که هرگز کاستی نمی‌پذیرد.

(۴۸) خدا ابا بر محمد و آلس درود فرست و مصیبت و اندوه ما را در غم رفتن این ماه، خودت جبران کن و روز عید فطر را بر ما مبارک گردان و آن را از بهترین روزهایی قرار ده که بر ما گذشته است تا پسندیده‌ترین روز برای جلب عفو و بخشش و محو گناهان باشد و گناهان پنهان و نهان ما را مورد آمرزش قرار ده.

(۴۹) خدا ابا با گذشتن این ماه، از گناهان ما در گذر و با خروج آن ما را از منجلاب گناهان خارج کن و ما را در زمرة سعادتمندترین افراد به وسیله این ماه و بهره‌مندترین اشخاص در این ماه و بانصیب ترین افراد از این ماه قرار ده.

(۵۰) خدا ابا، کسی که به طور شایسته رعایت حق این ماه را نموده و حرمت آن را به خوبی حفظ کرده و به شایستگی حدود و احکام این ماه را بجای آورده و از گناهان در این ماه خودداری نموده و یا به گونه‌ای به قرب توراه یافته که حتماً از او راضی شده‌ای و رحمت خودت را شامل حالت گردانیده‌ای، پس از خزانه دارائیت مثل آن را به ما هم عطا فرما و چندین برابر آن از فضل خویش بر ما ببخشای، که به راستی فضل توکاستی ندارد و خزینه‌های توکم نمی‌گردد بلکه افزونتر می‌شود و معادن احسان تو هرگز فنا نمی‌پذیرد و به راستی بخششهای تو، عطایی است خوش گوار.

(۵۱) خدا ابا بر محمد و آلس درود فرست و برای ما پاداش روزه داران و یا اجر کسانی که این ماه را تا روز قیامت به عبادت مشغولند ثبت فرما.

(۵۲) خداوندا ما به سویت توبه می‌کنیم در روز عید فطر که آن را برای اهل ایمان روز عید و شادی قرار دادی و برای اهل دین خود روز اجتماع و همیاری مقرر نمودی، توبه از گناهانی که مرتكب شده‌ایم و از کارهای ناپسندی که انجام

لَا ينطوي عَلَى رُجُوعِ إِلَى ذَنْبٍ، وَلَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِئَةٍ، شَوَّهَ  
نَصْوَحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ وَالْأَرْتِيابِ، فَتَقْبَلُهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا،  
وَبَشَّنَا عَلَيْهَا. (٥٣) اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ ثَوَابِ  
الْمَوْعِدِ حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَكَابَةَ مَا نَسْتَجِرُكَ مِنْهُ.  
(٥٤) وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَابِينَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحْبَبَكَ، وَقِبَلَتَ  
مِنْهُمْ مُرَاجَعَةً طَاعَتِكَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ. (٥٥) اللَّهُمَّ تَجاوزْ عَنْ أَبَائِنَا  
وَأَمَّهَا تِنَا وَأَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَيَرَ إِلَى يَوْمِ القيمةِ.  
(٥٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ  
الْمُقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَئِبِيَّاتِكَ الْمُرْسَلِينَ،  
وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَفْضِلَ مِنْ  
ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صَلوةً تَبَلُّغُنَا بِرَبْكَتِهَا، وَيَنْتَنَا نَفْعُهَا، وَيُسْتَجَابُ  
لَهَا دُعَاؤُنَا، إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ قُرِبَ إِلَيْكَ، وَأَكْفَى مَنْ تُؤْكِلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطِيَ  
مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٤٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ  
إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَوَاتِهِ قَامَ قَائِمًا ثُمَّ اسْتَقْبَلَ  
الْقِبْلَةَ، وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

- (١) يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ (٢) وَيَا مَنْ يَقْبِلُ مَنْ لَا تَقْبِلُهُ الْبِلَادُ  
(٣) وَيَا مَنْ لَا يَخْتَرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ (٤) وَيَا مَنْ لَا يُخْيِبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ.

داده ایم یا نیتهاي بدی که در دل داشته ایم، توبه ای خالص از هرگونه شک و اضطراب، پس خداوندا این توبه را از ما بپذیر و از ما راضی شو و ما را براین توبه ثابت و پایدار بدار.

(۵۳) خداوندا به ما ترس از عقاب جهنم و استیاق به ثواب موعود را کرم فرما تا لذت آنچه بدان تو را می خوانیم و ناگواری آنچه از آن به تو پناه می آوریم را دریابیم.

(۵۴) و ما را از نژادیں درگاهت قرار ده، آنان که محبت خودت را در حق آنان لازم کرده ای و بازگشت آنان به طاعت و بندگیت را پذیرفته ای ای عادلترین عدالت پیشگان.

(۵۵) خداوندا از تمامی پدران و مادران و اهل دین ما درگذر، چه آنها که در گذشته اند و چه آنها که تا روز قیامت می آیند و باقی می مانند.

(۵۶) خدا یا بر محمد، پیغمبر ما و آل او درود فرست همچنانکه بر فرشتگان مقرب درگاهت درود می فرستی و بر او و آل او درود بفرست آن گونه که بر انبیاء و رسولان درود می فرستی و همانگونه که بر بندگان صالحت درود فرستاده ای و بلکه بالاتر از آن، ای پروردگار عالمیان، حروی که برکت آن به ما برسد و نفع آن شامل حال ما گردد و دعای ما به خاطر آن مستجاب شود. به راستی تو کریمترین کسی هستی که مورد رغبت و میلی و باکفایت ترین فردی هستی که مورد توکل قرار می گیری و بخشنده ترین کسی هستی که از فضیلت در خواست می شود و تو بر هر کاری توانایی.

### دعای چهل و ششم:

#### در روز عید فطر و روز جمعه

- (۱) ای کسی که رحم می کنی برکسی که بندگانت بر او رحم نمی کنند.
- (۲) و ای آنکه می پذیری کسی را که سرزمنیها او را نمی پذیرند.
- (۳) و ای کسی که نیازمندان آستانت را خوار و کوچک نمی کنی.
- (۴) و ای آنکه اصرار کنندگان درگاهت را نا امید نمی سازی.

(٥) وَ يَا مَنْ لَا يَجْتَبِيهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ (٦) وَ يَا مَنْ يَجْتَبِي صَفِيرٌ  
 مَا يَسْحَفُ بِهِ، وَ يَشْكُرُ يَسِيرًا مَا يُعْمَلُ لَهُ (٧) وَ يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى  
 الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي بِالْجَلِيلِ (٨) وَ يَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَمَهُ (٩) وَ يَا  
 مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ (١٠) وَ يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النُّعْمَةَ  
 وَ لَا يُبَادِرُ بِالنَّقْمَةِ (١١) وَ يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُثْمِيَهَا، وَ يَتَجَاهَوْزُ  
 عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا (١٢) انْصَرَفَتِ الْأُمَالُ دُونَ مَدِيَّ كَرِمِكَ  
 بِالْحَاجَاتِ، وَ امْتَلَأَتِ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْ عِيَّةِ الطَّلَبَاتِ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ  
 بُلُوغِ نَعْتِكَ الْصِّفَاتُ، فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَ الْجَلَالُ  
 الْأَمْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ (١٣) كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي  
 جَنْبِ شَرِيفِكَ حَقِيرٌ، خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ  
 إِلَّا لَكَ، وَ ضَاعَ الْمُلِمُونَ إِلَّا لَكَ، وَ أَجَدَبَ الْمُتَسْجِعُونَ إِلَّا مَنِ اسْتَجَعَ  
 فَضْلَكَ (١٤) بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلْرَايِّغِينَ، وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَ إِغَاشُكَ  
 قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغْيَثِينَ (١٥) لَا يَخِبُّ مِثْكَ الْأَمْلُونَ، وَ لَا يَنَاسُ مِنْ  
 عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَ لَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ (١٦) رِزْقُكَ  
 مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَ حِلْمُكَ مُغَنِّرٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتْكَ الْإِحْسَانُ  
 إِلَى الْمُسْتَيْشِينَ، وَ سُتُّكَ الْإِبْقاءُ عَلَى الْمُغَنَّدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَّا تُكَ  
 عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَّهُمْ إِمْهَالُكَ عَنِ التَّرْزُوعِ (١٧) وَ إِنَّمَا شَانَيْتَ بِهِمْ  
 لِيَقْبِلُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ  
 أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقاوةِ خَذَلَتْهُ لَهَا (١٨)  
 كُلُّهُمْ صَارُوْنَ إِلَى حُكْمِكَ، وَ أُمُورُهُمْ آتَلَهُ إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنْ  
 عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَ لَمْ يَدْخُضْ لِتَوْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ.

(۵) وای کسی که دست رد بر سینه روی آورندگان به بارگاهت نمی زنی.

(۶) وای آنکه تحفه های کوچک را می پذیری و در برابر کارهای اندک، سپاس می گویند (۷) وای کسی که کار ناچیز را شکر می گذاری و پاداشی بزرگ عطا می کنی.

(۸) وای کسی که به هر که به تو نزدیک شود، نزدیک می شوی (۹) وای آنکه کسانی را که به تو پشت می کنند، خودت می خوانی (۱۰) وای کسانی که نعمتها را تغییر نمی دهی و در انتقام و عذاب، شتاب نمی کنی (۱۱) وای آنکه حسنات را ثمر بخشن می سازی تا رشد دهی و از گناهان در می گذری تا پنهانشان سازی. (۱۲) با تأمین حاجات، آرزوها پیش از نیل به متاهای کرم تور را شدند و ظرف در خواستها با فیض بخششها توان پر گشتند و اوصاف قبل از وصول به کنیه وصف تو از هم پاشیدند و محو شدند. پس برتر از هر عالی، علو و بلندی از آن توست و بزرگی و جلال بالاتر از هر بزرگی، مخصوص توست. (۱۳) هر بزرگی در نزد تو کوچک است و هر شریفی، در کنار شرافت تو حقیر و ناچیز است. آنها که بر غیر تو وارد شدند بحق ضرر کردند و آنها که به جز تو به سوی دیگران رفتند دچار خسaran گشتند و آنها که در آستان غیر تو گرد آمدند، تباہ شدند و همه آنها که به دنبال کسب چیزی بودند گرفتار قحطی گشتند مگر آنها که به دنبال کسب فضل تو بودند. (۱۴) درگاه تو به روی علاقه مندان گشوده و جود و بخشش تو برای گذایان آستانت حاری است و یاریت نسبت به یاری جویان نزدیک است. (۱۵) آرزومندان هرگز از تو نا امید نمی شوند و آنها که به سوی تو می آیند هیچگاه مأیوس نمی شوند و آمرزش خواهان هرگز با انتقام و عقاب تو به شقاوت گرفتار نمی گردند. (۱۶) روزی تو (حتی) برای کسی که تو را نافرمانی می کند نیز گسترده است و شکیبایی تو شامل آن کس که با تو دشمنی نموده نیز می شود. عادت تو نیکی به گناهکاران است و سیره و روش تو مدارا با تجاوز کاران است تا آنجا که این ملاحظات تو آنان را از توبه و بازگشت غافل نموده و این مهلت دادنها ایشان را از اجتناب از گناه باز داشته است. (۱۷) خدایا تو فقط از این جهت درباره گناهکاران تأثی نمودی که آنان به امر تو باز گردند و مهلت شان دادی چرا که به دوام سلطنت خود مطمئن بودی. پس هر کس که اهل سعادت باشد پایان کارش را سعادت رقم زدی و آن کس که اهل شقاوت باشد، در جهت آن او را گرفتار خذلان ساختی.

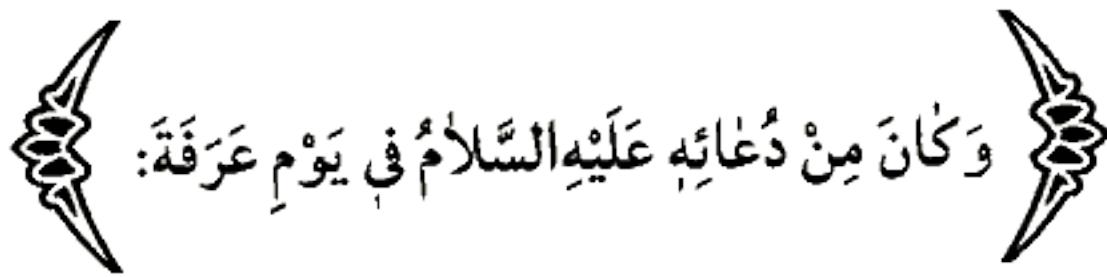
(۱۸) همه آنان سرانجام به حکم تو باز می گردند و امور آنان به فرمان تو بازگشت می کند، در طول مدت و مهلت آنان، استدلال تو از استحکام نمی افتد و به خاطر عدم شتاب در قضاوت درباره آنان، برهان تو باطل نمی گردد.

(١٩) حُجَّتُكَ قَائِمَةً لَا تُدْخُضُ، وَ سُلْطَانُكَ شَابِّتُ لَا يَرُولُ، فَأَلْوَيْلُ  
 الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ، وَ الْخَيْبَةُ الْخَادِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَ الشَّفَاءُ  
 الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِكَ. (٢٠) مَا أَكْثَرَ تَصْرِفَةُ فِي عَذَابِكَ، وَ مَا أَطْوَلَ  
 تَرَدُّدُهُ فِي عِقَابِكَ، وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ  
 الْمَخْرَجِ !! عَذْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَ إِنْصافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا  
 تَحِيفُ عَلَيْهِ. (٢١) فَقَدْ ظَاهَرَتِ الْحُجَّاجُ، وَ أَبْلَيْتِ الْأَغْذَارَ، وَ قَدْ  
 تَقْدَمْتِ بِالْوَعِيدِ، وَ تَلَطَّفْتِ فِي التَّرْغِيبِ، وَ ضَرَبْتِ الْأَمْثَالَ، وَ أَطْلَتِ  
 الْأَمْهَالَ، وَ أَخْرَجْتِ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلِّمُعَاجَلَةِ، وَ تَأَنَّىَتِ وَ أَنْتَ مَلِيُّ  
 بِالْمُبَادَرَةِ (٢٢) لَمْ تَكُنْ أَنَا تُكَ عَجِزًا، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَ هُنَا، وَ لَا إِمْسَاكُكَ  
 غُفْلَةً، وَ لَا انتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لَتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ كَرْمُكَ أَكْمَلَ،  
 وَ إِخْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ، كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَرَلْ، وَ هُوَ كَايْنُ  
 وَ لَا تَرَالْ. (٢٣) حُجَّتُكَ أَجْلٌ مِنْ أَنْ تُوْصَفَ بِكُلُّهَا، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ  
 أَنْ يُحَدَّ بِكُلُّهِ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرٌ مِنْ أَنْ تُخْصَى بِاَشْرِهَا، وَ إِخْسَانُكَ أَكْثَرٌ  
 مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلَمِ (٢٤) وَ قَدْ قَصَرَ بَيْنِ السُّكُوتِ عَنْ تَحْمِيدِكَ،  
 وَ فَهَّهَنِي الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ، وَ قُصَارَايِ الْإِقْرَارُ بِالْخُسُورِ، لَا  
 رَغْبَةَ - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجِزًا. (٢٥) فَهَا أَنَا ذَا أَوْمَكَ بِالْوِفَادَةِ، وَ أَسْأَلُكَ  
 حُسْنَ الرِّفَادَةِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اسْمَعْ نَجْوَائِي، وَ اسْتَجِبْ  
 دُعَائِي، وَ لَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي، وَ لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسَالَتِي،  
 وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرِفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي، إِنَّكَ عَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ،  
 وَ لَا عَاجِزٌ عَمَّا تُسْأَلُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَئِ قَدِيرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ  
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(۱۹) دلیل تو پا بر جا و زایل نشدنی است و سلطه توثابت و بایدار است. پس عذاب دائم برای کسی است که از تو روی برگرداند و یا سذلت باز آن کسی است که از درگاه تو نومید شود و بالاترین شقاوت از آن فردی است که در پیشگاه تو غرور و تکبر بورزد. (۲۰) چه بسیار است تغیر و تحول او در عذاب تو، و چه طولانی است درنگ حیرت آمیز او در عقاب تو، و چه دور است سرانجام او از گشایش، و چه نومید است از آسانی راحتی و رهایی!! همه اینها البته بر مبنای قضاوت عادلانه‌ای است که هرگز در آن ظلم نمی‌کنی و حکم منصفانه‌ای است که ابدآ در آن ستم نمی‌نمایی. (۲۱) تو حجتها را آشکار ساخته‌ای و عذر و بهانه را از میان برداشته‌ای و تهدید و اندزار از عذاب را اعلام فرموده‌ای و در تشویق و ترغیب بندگان با مهربانی اقدام نموده‌ای، و در مثالهای عبرت آموز بیان داشته‌ای و مهلت بسیار در اختیار آنان قرار داده‌ای، و در عین حال که در عقاب آنان می‌توانی شتاب کنی، آن را به تأخیر انداخته‌ای و با اینکه می‌توانی در بازخواست، سرعت به خرج دهی، در آن تأثی می‌کنی. (۲۲) درنگ تو البته از روی ناتوانی نیست و مهلت دادن از جهت سستی نمی‌باشد و خودداری تو به خاطر غفلت نبوده و انتظارت از باب معاشات نیست بلکه برای آن است که دلیل تورساتر و کرم تو کاملتر و احسان تو فراواتر و نعمت تمامتر باشد. (آری)، همه این امور بوده و تو این چنین بوده‌ای و از این پس این اموی هست و تو نیز پا بر جایی. (۲۳) دلیل تو برتر از آن است که کاملاً توصیف شود و مجد و عظمت تو بالاتر از آن است که گئنه و انتهاء آن معلوم گردد و نعمت تو افزونتر از آن است که تماماً به شمارش در آید و احسان تو بیشتر از آن است که بتوان کمترین آن را سپاس گفت.

(۲۴) سکوت، مرا از ستایش تو باز داشته و امساك و خودداری، مرا از تمجید تو ناتوان ساخته است و نهایت تلاش من، اقرار به و امدادگی است. خدا ایا خود رغبتی به این حالت ندارم، اما چه کنم که عجز مرا به این حالت کشانده است. (۲۵) پس اینک، این من عاجزم که قصد ورود به محضر تو دارم و از تو حُسن عطا و بخشش طلب می‌کنم پس بر محمد و آل او درود فرست و راز و نیاز مرا بشنو و دعایم مستجاب گردان و روزگار مرا با نامیدی به پایان میر و درخواسته‌ام دست رد بر پیشانی من مزن و رفتنم از پیشگاهت و بازگشتم به درگاهت را کریمانه مورد عنایت قرار ده. به راستی تو در آنچه اراده کنی در تنگنا قرار نمی‌گیری و در اعطاء آنچه از تو درخواست شود ناتوان نمی‌باشی و تو بر هر کاری توانایی، وهیچ تحول و توانی نیست مگر به قدرت خدای بلند مرتبه بزرگ.

(٤٧)



- (١) الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢) أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبُّ الْأَزْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَا شُوِّهَ، وَخَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثُ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَغْرِبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.
- (٣) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرِدُ الْمُتَفَرِّدُ (٤) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُشْكُومُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُشْكَبِرُ
- (٥) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالُ، الشَّدِيدُ الْمِحالُ
- (٦) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْغَلِيمُ الْحَكِيمُ
- (٧) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ
- (٨) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ
- (٩) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ
- (١٠) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُونِهِ
- (١١) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْحَمْدُ
- (١٢) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْخٍ، وَصَوَّرَتْ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبَدَّعَاتِ بِلَا اخْتِدَاءٍ.

## دعای چهل و هفتم:

### در روز عرفه

- (۱) شکر از آن خداوند است که پروردگار عالمیان است.
- (۲) خدایا سپاس توراست ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای صاحب جلالت و اکرام، ای پروردگار پرورندگان و ای معبد همه معبد های دیگر و ای خالق همه مخلوقات و ای وارث همه اشیاء که هرگز چیزی شبیه تو نیست و علم به هیچ شبیه ای از تو مخفی نمی باشد و تو بر هر چیز محیط هستی و بر همه چیز نگهبانی.
- (۳) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، یکتا بی، تنها بی، یگانه ای، بی مانندی.
- (۴) و توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، کریمی، بزرگواری، عظیم و بزرگی، نهایت کبریایی از آن توست.
- (۵) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، عالی و بلند مرتبه ای، انتقام و عذابت بسیار سخت و شدید است.
- (۶) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، رحمانی، رحیمی، دانای حکیمی.
- (۷) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، شناوری بینایی، قدیم و آگاهی.
- (۸) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، کریمترین کریمانی، دائمی و پایداری.
- (۹) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، و تو قبل از هر چیز، اولی و پس از همه اعداد، آخر توبی (۱۰) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، در عین حال که بلند مرتبه ای به همه نزدیکی و در عین حال که به همه نزدیک هستی، رفیع و بلند مرتبه ای.
- (۱۱) توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، دارای شوکت و عظمتی و کبریاء و سپاس از آن توست.
- (۱۲) و توبی آن خدایی که جز تو معبدی نیست، تو اشیاء را بدون الگو و نمونه ای ایجاد کردی، و مخلوقات را بدون شبیه، تصویر کردی و پدیده های نورا بدون الگوگیری، وجود بخشیدی.

(١٣) أَنْتَ الَّذِي قَدَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَسْبِيرًا،  
 وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا (١٤) أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعِنْكَ عَلَى خَلْقِكَ  
 شَرِيكٌ، وَلَمْ يُوازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ  
 وَلَا نَظِيرٌ (١٥) أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَشْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ  
 فَكَانَ عَذْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ (١٦) الَّذِي  
 لَا يَخُوِّيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُغِيِّكَ بُرْهَانٌ  
 وَلَا بَيَانٌ (١٧) أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ  
 أَمْدًا، وَقَدَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا (١٨) أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتِ الْأُوهَامُ عَنْ  
 ذَاتِكَ، وَعَجَزْتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُذْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ  
 أَيْنِيَّتِكَ (١٩) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونَ مُحَدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونَ  
 مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا (٢٠) أَنْتَ الَّذِي لَا يُضِدُّ مَعْكَ  
 فَيُعَانِدُكَ، وَلَا يُعْدِلَ لَكَ فَيُمَكِّثُوكَ، وَلَا يُنَذِّلَ لَكَ فَيُعَارِضُكَ (٢١)  
 أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَأَخْتَرَ، وَاسْتَخْدَمَ، وَابْتَدَعَ، وَأَخْسَنَ  
 صُنْعَ مَا صَنَعَ (٢٢) سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَ شَانِكَ، وَأَشْنَى فِي الْأَمَاكِينِ  
 مَكَانِكَ، وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانِكَ! (٢٣) سُبْحَانَكَ! مِنْ لَطِيفٍ  
 مَا الْطَّنَكَ، وَرَوْفٌ مَا أَرْءَفَكَ، وَحَكِيمٌ مَا أَغْرَفَكَ! (٢٤) سُبْحَانَكَ!  
 مِنْ مَلِيكٍ مَا أَمْتَعَكَ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ!  
 ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ (٢٥) سُبْحَانَكَ! بَسَطْتَ  
 بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعَرِفْتِ الْهِدايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمِنِ الشَّمَسَكَ لِدِينِ أَوْ  
 دُنْيَا وَجَدَكَ! (٢٦) سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرِيَ فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ  
 لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَإِنْفَادَ لِلشَّفَلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ!

(۱۳) تویی که برای هر چیزی اندازه‌ای مقدّر ساختی و هر امر ممکنی را می‌سر نمودی و امور موجودات و مخلوقات را تدبیر کردی. (۱۴) تویی که در آفرینش هیچ شریکی تو را باری ننمود و هیچ وزیری تو را معاقصد نکرد و هیچ کس شاهد برکار تو و نظیر تو نبود.

(۱۵) تویی که اراده کردی و بلافاصله آنچه اراده نمودی محقق شد و تویی که به قضاوت نشستی و آنچه تو بدان قضاوت کردی عین عدل بود و حکم نمودی و حُکمت بر اساس انصاف بود. (۱۶) تویی که هرگز مکان تو را فرانمی‌گیرد و در برابر سلطنت تو هیچ سلطنتی تاب مقاومت ندارد و هیچ برهان ویانی تو را عاجز نمی‌کند. (۱۷) تویی که عدد همه اشیاء را شمارش کرده‌ای و برای هر چیزی پایانی قرار داده‌ای و هر چیزی را به اندازه‌اش خلق کرده‌ای. (۱۸) تویی که اندیشه‌ها و اوهام از درک ذات تو فاصلند و فهمها از رسیدن به کیفیت تو عاجزند و چشمها نمی‌توانند موضع وجایگاه تو را دریابند. (۱۹) تویی که حد و مرز نداری تا محدودی شوی و ممثل نمی‌شوی تا گنه تو وجودان شود و زاییده نمی‌شوی تا مولود محسوب گرددی. (۲۰) تویی که هرگز چیزی با توضیح نیست تا تو را دشمنی کند و همانندی نداری تا در رقابت با تو افزونی نشان دهد و نظیری برایت نیست که با تو به معارضه برخیزد. (۲۱) تویی که به آفرینش ابتدا کردی و اختراع و ابداع و نوآوری در موجودات از آن توست و چه نیکو آفریده‌ای. (۲۲) خدا یا منزه‌ی تو! چه والاست شان تو و چه بلند است منزلت تو و چه آشکار است حق بودن قرآن تو! (۲۳) پاک و منزه‌ی تو ای صاحب لطف، چقدر اهل احسان و لطفی. و ای مهریان، چه قدر مهربانی و ای دانا، چه بسیار است دانش تو! (۲۴) پاک و منزه‌ی تو! ای پادشاهی که چه بلند است مقام تو. و ای بخشنده‌ای که چه وسیع است بخشش‌های تو و ای بلند مرتبه‌ای که چه رفیع است جایگاه تو! ای که ارزش و مجد و کبریاء و ستایش از آن توست. (۲۵) خدا یا پاک و منزه‌ی تو! دست خود را در خیرات باز کرده‌ای و مسیر هدایت از سوی تو شناخته می‌شود، پس هر که برای وصول به دین یا دنیا تو را طلب کند، تو را می‌یابد! (۲۶) پاک و منزه‌ی تو، هر چه که معلوم توست، در برابر تو خاضع است و آنچه فروتر از جایگاه والا! توست، در برابرت خاشع است و همه مخلوقات در برابر تو تسليم و منقادند!

(٢٧) سُبْحَانَكَ! لَا تُحْسِنُ وَلَا تُجْسِئُ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ  
وَلَا تُنَازِعُ وَلَا تُجَارِي وَلَا تُمَارِي وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَاكِرُ!

(٢٨) سُبْحَانَكَ! سَبِيلُكَ جَدَدٌ، وَأَمْرُكَ رَشِيدٌ، أَنْتَ حَقِّي صَمَدٌ.

(٢٩) سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَشْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ!

(٣٠) سُبْحَانَكَ! لَا رَآدَ لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ! (٣١) سُبْحَانَكَ!  
بِاهْرَ الأَيَّاتِ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ، بَارِئُ النَّسَمَاتِ! (٣٢) لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا  
يَدُوِّمُ بِدَوَامِكَ (٣٣) وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا يَنْعَمِتُكَ. (٣٤) وَلَكَ الْحَمْدُ  
حَمْدًا يُوازِي صُنْعَكَ (٣٥) وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ.

(٣٦) وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدٍ كُلُّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرٌ  
كُلُّ شَاكِرٍ (٣٧) حَمْدًا لَا يَسْبُغُ إِلَّا لَكَ، وَلَا يَسْتَقْرُبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ

(٣٨) حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَيُسْتَدَعِي بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ! (٣٩) حَمْدًا  
يَسْتَضَعُفُ عَلَى كُرُورِ الْأَرْضِيَّةِ، وَيَكْرَازِيَّدُ أَضْغَافًا مُسْرَادِفَةً.

(٤٠) حَمْدًا يَغْرِزُ عَنِ اخْصَائِهِ الْحَفَظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَخْصَتُهُ فِي  
كِتَابِكَ الْكَبِيْرَةَ! (٤١) حَمْدًا يُوازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ  
الرَّفِيعَ. (٤٢) حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرُقُ كُلُّ جَزَاءٍ جَرَأَهُ  
(٤٣) حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفُقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفُقُّ لِصِدْقِ النِّيَّةِ! (٤٤) حَمْدًا لَمْ  
يَخْمَدْكَ حَلْقُ مِثْلَهُ، وَلَا يَغْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ! (٤٥) حَمْدًا يُغَانِي مَنْ  
اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيقِهِ! (٤٦) حَمْدًا  
يَجْمَعُ مَا خَلَقَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِهِ! (٤٧) حَمْدًا  
لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيْكَ قَوْلُكَ مِنْهُ، وَلَا أَخْمَدَ مِمَّنْ يَخْمَدُكَ بِهِ! (٤٨) حَمْدًا  
يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوْفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ

(۴۷) پاک و منزهی تو! به حس در نمی آیی و مورد تماش جسمانی واقع نمی شوی  
وکید و مکر در تو بی اثر است و دور نمی شوی و با تو نزاع نتوان کرد و غلبه بر تو نا  
ممکن است و جدال و خدعا و فریب در مورد تو امکان ناپذیر است! (۴۸) پاک  
و منزهی تو راه تو مستقیم و هموار است واوامر تو در راستای رشد و هدایت است  
و تو زنده استوار و محکمی! (۴۹) پاک و پیراسته‌ای تو ا سخن تو حکم و قانون است  
وقضاوت تو قطعی واردۀ تو استوار است. (۵۰) پاک و منزهی تو! ردکننده ای برای  
مشیّت تو نیست و کسی نمی تواند کلمات تو را تبدیل کند. (۵۱) پاک و منزهی تو! ای  
که آیات و نشانه‌هایت آشکار است، ای که خالق آسمانها و آفریننده جانها!ی!  
(۵۲) حمد و سپاس مخصوص توست، حمدی که دائم به دوام تو می باشد (۵۳) واز  
برای توست حمدی که جاوید است به جاودانگی نعمتهاست. (۵۴) واز آن توست  
حمدی که موازی با آفرینش توست (۵۵) واز توست حمدی که افزون بر رضایت تو  
می باشد (۵۶) و برای توست سپاسی که همراه با سپاس هر سپاسگزار است و شکری  
که شکر هر شکرگزاری از آن کمتر است. (۵۷) سپاسی که شایسته غیر تو نیست و با  
آن جز به سوی تو تقرب نتوان چست. (۵۸) سپاسی که با آن لطف اول دوام یابد  
واستمرار الطاف در آینده در خواست شود (۵۹) حمدی که با گذشت زمانها افزایش  
یابد و پی درپی بیشتر و بیشتر گردد. (۶۰) حمدی که حافظان و نگاهبانان از شمارش آن  
عاجز شوند واز آنچه که نویسنده‌گان وحی در کتاب قرآن شمرده‌اند، بیشتر باشد.  
(۶۱) سپاسی که برابر با عرش عظیم تو و همسنگ جایگاه بلند تو باشد. (۶۲) سپاسی  
که ثوابش در نزد تو کامل باشد و پاداش آن همه پاداشها را شامل گردد. (۶۳) حمدی  
که ظاهرش با باطنش موافق باشد و باطن آن همراه با صدق در نیت باشد.  
(۶۴) حمدی که هیچ یک از مخلوقات مثل آن را بجای نیاورده باشد و کسی جز تو به  
فضیلت آن عالم نباشد. (۶۵) سپاسی که هر کس در افزایش آن بکوشد از جانب  
خداآوند یاری می شود و هر کس در اداء کامل آن شوق بسیار داشته باشد مورد تأیید  
قرار می گیرد. (۶۶) حمدی که جامع همه حمد‌های مخلوق باشد و حمد‌های پس از  
این را نیز منتظم سازد. (۶۷) حمدی که هیچ حمد دیگری نزدیکتر از آن به قول تو  
نباشد و سپاسگزاری، سپاسگزارتر از آنکه بدان تو را سپاس می گوید، موجود  
نباشد. (۶۸) حمدی که با افزونیش موجب شود که از راه کرم تو نعمتها افزونتر شود  
و تو آن را با افزایش پی درپی به عطا و بخشش متصل فرمایی.

(٤٩) حَمْدًا يَحْبُّ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. (٥٠) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُسْتَجَبُ الْمُضْطَفُ الْمُكَرَّمُ الْمُقْرَبُ، أَفْضَلَ صَلَواتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحْمَاتِكَ.

(٥١) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلْوَةً زَاكِيَّةً لَا تَكُونُ صَلْوَةً أَزْكَنِي مِنْهَا، وَصَلَّى عَلَيْهِ صَلْوَةً زَاضِيَّةً لَا تَكُونُ صَلْوَةً فَوْقَهَا. (٥٢) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلْوَةً تُرضِيَّهُ وَتَزِيدُ عَلَى رِضاَهُ، وَصَلَّى عَلَيْهِ صَلْوَةً تُرضِيَكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضاَكَ لَهُ وَصَلَّى عَلَيْهِ صَلْوَةً لَا تَرْضِيَ لَهُ إِلَّا هُنَّا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. (٥٣) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلْوَةً تُجاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَيَتَصِلُّ اتِّصالُهَا بِيَقَائِكَ، وَلَا يَنْقُدُ كَمَا لَا تَنْقُدُ كَلِمَاتِكَ. (٥٤) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلْوَةً تَسْتَطِعُ صَلَواتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشَمَّلُ عَلَى صَلَواتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنَّكَ وَإِسْكَ وَأَهْلِ إِجَائِيكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلْوَةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. (٥٥) أَرَبُّ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلْوَةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلْوَةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْنِفَةٍ، وَصَلَّى عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلْوَةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ، وَتُشَيَّئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَواتٍ تُضَاعِفُ مَعْهَا تِلْكَ الصَّلَواتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تُضَاعِيفِ لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ. (٥٦) أَرَبُّ صَلَّى عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَخُجَاجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرُّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ

- (۴۹) حمدی که به خاطر کرم تو واجب گردد و برابر با بزرگی جلال تو باشد.
- (۵۰) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، او که برگزیده و پسندیده و مکرم و مقرب درگاه توست. درودی که برترین درودها باشد و کاملترین برکات را بر او نازل و پربارترین رحمتهاست را به او عطا فرما.
- (۵۱) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی پاک که هیچ درودی پاکتر از آن نباشد و درودی که فزاينده‌تر از آن موجود نباشد و درودی همراه با خشنودی که درودی بالاتر از آن نباشد.
- (۵۲) پروردگار بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که رضایت او و بالاتر از آن را تأمین کند، و بر او درودی بفرست که تو را راضی گرداند و از رضایت تو نسبت به پیامبر ﷺ افزونتر باشد. و بر او درودی فرست که برای او جز به آن خشنود نمی‌گردی و جز او را شایسته آن نمی‌دانی.
- (۵۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که از رضوان تو بگذرد واستمرار آن همراه با بقاء تو باشد و همانگونه که کلمات تو پایان ندارد، بی‌پایان باشد.
- (۵۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که همه درودهای فرشتگان و انبیاء و رسولان و بندگان فرمانبرداری را هماهنگ سازد و مشتمل بر درودهای بندگانت از جن و انس و اشخاص پذیرای دعوت تو باشد و جامع درودهای همه انواع مخلوقات باشد که آنها را خلق کرده‌ای.
- (۵۵) پروردگارا بر پیامبر و عترت او درود بفرست. درودی که بر همه درودهای گذشته و تازه احاطه داشته باشد و بر او و آل او درود فرست، درودی که مورد خشنودی تو و غیر تو باشد و منشأ درودهای دیگری شود که مجموع آنها چند برابر گردد و موجب شود که در طول ایام این درودها به قدری زیاد شود که جز تو کسی نتواند آنها را بشمارد.
- (۵۶) پروردگارا بر پاکان از اهل بیت پیامبر درود فرست، همانها که برای امر خودت انتخابشان کردی و آنها را خزانه علم و نگاهبانان دین خود قرار دادی و به عنوان جانشینان خود در زمین و حجتهای خود بر بندگانت برگزیدی و با اراده خود آنان را از پلیدی و ناپاکی، پاک ساختی و آنان را به عنوان وسیله‌ای به سوی خود و راهی به سوی بهشت برگزیدی.

(٥٧) رَبُّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَكَرَامِتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاةَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُؤْفِرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَادِدِكَ وَفَوَادِدِكَ. (٥٨) رَبُّ صَلَّى عَلَيْهِ وَغَلَيْهِمْ صَلَوةً لَا أَمَدَ فِي أَوْلَاهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمْدِهَا، وَلَا نِهايَةَ لِأَخْرِهَا.

(٥٩) رَبُّ صَلَّى عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ، وَمِلْأَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَوةً تُقَرِّبُهُمْ مِثْكَ زُلْفِي، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَمُتَّصِلَّةٌ بِسَنَاطَائِرِ هِنَّ أَبْدَأُ.

(٦٠) أَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَامَامٍ أَقْمَتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الدَّرِبَعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَةَ، وَحَذَرْتَ مَفْصِيَّةَ، وَأَمْرَتَ بِاِمْتِشَالِ أَوْ اِمْرِهِ، وَالِإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهِيهِ، وَالْأَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدَّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأْخِرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ الْأَئْذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ. (٦١) أَللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِيِّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِغْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَأَتِهِ مِنْ لَدُنِكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَشْحًا يَسِيرًا، وَأَعِنْهُ بِرُكْنِكَ الْأَغْرِي، وَاشدُّدْ أَزْرَهُ، وَقَوْ عَضْدَهُ، وَرَاعِهِ بَعْتِنَكَ، وَاحْمِهِ بِحَفْظِكَ وَانْصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلِبِ. (٦٢) وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَّنَ رَسُولِكَ، - صَلَواتُكَ أَللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَخْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزْلِ بِهِ التَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَضِيلَكَ عِوْجاً

(۵۷) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فrst، درودی که با آن بخشنده و تکریمهايت را در حق آنان افزون گردانی و همه چیز را با عطایا و هدایايت برای آنان كامل نمایی و بهره آنان را از سودها و منفعتهايت فراوان گردانی.

(۵۸) پروردگارا بر او و آل او درود فrst، درودی که آغازش را حذی و پایان و سرانجامش را نهايی نباشد. (۵۹) ای پروردگار من، بر پیغمبر و آلش درود فrst به میزان عرش و مادون عرشت، و به مقدار آنچه آسمانها و فوق آسمانهايت را پر کرده است، و به اندازه زمینها و آنچه در زیر آنها و در بین آنهاست، درودی که آنان را به تو نزدیک سازد و موجب رضایت تو و آنها شود و به درودهای دیگر همیشه متصل باشد. (۶۰) خداها تو در هر زمانی، دینت را بوسیله امامی تأیید کردي واو را نشانه‌ای برای بندگان و علامتی در سرزمین هایت قرار دادی، پس از آنکه رشته او را به رسماً خود وصل کردي واو را طریقی برای رضوان خود فرار دادی و طاعتش را واجب و معصیت‌اش را ممنوع ساختی وامر کردي که اوامر او را امثال گنیم و نواهی او را مرتکب نشویم وهیچکس بر او پیشی نگیرد و از او عقب نیفتد که او پناه پناه آورندگان و جایگاه مؤمنان و مستمسک چنگ زندگان و چشم روشنی عالمیان است. (۶۱) خداوندا به ولیت توفیق شکر نعمتهايی را که باو داده‌ای الهام کن و به ما نیز توفیق سپاس چنین ولی ای راعنایت فرما و او را از جانب خود باری کن تا بر همگان سلطنت یابد و باسانی اسباب پیروزی را برایش فراهم گردان و با استوانه‌های محکم خود او را باری کن وکمر او را محکم بیند و بازوانش را قوی گردان و او را به دیده خود مورد عنایت قرار ده و در کتف حفاظت خود او را حمایت و با فرشتگان او را باری کن و با سربازان فراوان و پیروزمند او را امداد فرما.

(۶۲) و بوسیله او کتاب و قوانین و شرایع و سنتهای رسولت - که درودت بر او و آل او باد - را بر پادار و بواسطه او آنچه را از نشانه‌های دینت که ستمکاران آنها را نابود کرده‌اند، دوباره احیا کن و بوسیله او تعریض ستم پیشگان نسبت به راهت را از میان بردار و سختی و مشقت طریقت را توسط او بر طرف ساز و آنها را که با پیمان شکنی از راه تو منحرف شدند از میان بردار و آنها را که در صدد ایجاد انحراف در مقصد تو هستند، نابود ساز.

(٦٣) وَالْيَنْ جَانِبُهُ لَا وَلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ،  
وَرَحْمَتَهُ وَتَعْطُفَهُ وَتَحْنُنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَاعِينَ مُطْبِعِينَ، وَفِي رِضَاهُ  
سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ  
صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. (٦٤) اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى  
أَوْلِيَائِهِمُ الْمُغْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ، الْمُشَبِّعِينَ مَنْهَجَهُمُ، الْمُفَتَّفِينَ أَشَارَهُمُ،  
الْمُسْتَمِسِكِينَ بِعَزْوَتِهِمُ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمُ، الْمُؤْتَمِسِينَ بِاِمَانَتِهِمُ،  
الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمُ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ، الْمُشَتَّظِرِينَ أَيَّامَهُمُ،  
الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمُ، الصَّلَواتِ الْمُبَارَكَاتِ الرِّزَاكِيَّاتِ الثَّامِنَاتِ  
الْغَادِيَاتِ الرِّئَاحَاتِ. (٦٥) وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاهِهِمُ، وَاجْمَعْ عَلَى  
الْتَّقْوَى أَمْرَهُمُ، وَأَصْلَحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمُ، وَثُبْ عَلَيْهِمُ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ  
الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِالسَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٦٦) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرْفَةُ يَوْمٍ شَرَفَتْهُ وَكَرَّمَتْهُ وَعَظَمَتْهُ،  
نَسَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنَّتَ فِيهِ بِعْفُوكَ، وَأَجْزَلْتَ فِيهِ عَطْيَتِكَ،  
وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. (٦٧) اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ  
قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَفَقْتَهُ  
لِحَقْكَ، وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ، وَأَزْسَدْتَهُ لِمُوالَةِ  
أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَاذَاةِ أَعْدَائِكَ. (٦٨) ثُمَّ أَمْرَتَهُ فَلَمْ يَأْتِمْ، وَزَجَرَتَهُ فَلَمْ  
يَنْزِحْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَغْصِبَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهِيكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ،  
وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلَتَهُ وَإِلَى مَا حَذَرَتَهُ،  
وَأَعْانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوكَ وَعَدُوَّهُ، فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًّا  
لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا بِسَجاوِزِكَ، وَكَانَ أَحَقَ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَّتَ عَلَيْهِ الْأَيْفُقلَ.

(۶۳) او را نسبت به دوستانت نرم گردان و نسبت به دشمنانت دست قدرت او را بگشای و مهربانی و رحمت و عطوفت و بخشش او را در حق ما به ما عنایت کن و ما را نسبت به او شتوا و مطیع و نسبت به جلب رضایتش کوشان گردان و ما را در یاری و دفاع از او حمایت فرما و از کسانی قرار ده که از اینظریق به تو و به رسولت - که درودت بر او و آل او باد - تقرب می جویند. (۶۴) خداوندا و درود فرست بر دوستان امامان که معترف به مقام والای آنها بند و راه آنها را می پیمایند و در پی آثار آنها می روند و به رسماً محکم آنان چنگ می زنند و دست بر رشته ولایت آنان دارند و امامت آنها را پذیرفته اند و تسلیم اوامر آنها هستند و در طاعت آنها می کوشند و در انتظار روز حکومت آنها هستند و چشم امید بسوی آنان دارند، درودهای مبارک و پاک و فزاینده در بامداد و شامگاه. (۶۵) و بر آنها و بر ارواحشان درود فرست و امور آنها را بر تقوی قرار ده و شئونشان را اصلاح کن و توبه آنها را پذیر، همانا تو بسیار تو به پذیر و مهربانی و بهترین آمر زندگانی. و ما را در بهشت در زمرة آنان قرار ده به رحمت ای مهربانترین مهربانان. (۶۶) خدا یا امروز، روز عرفه است، روزی که به آن شرافت و کرامت و عظمت بخشیده ای، و در آن رحمت خودت را متشر ساخته ای و با عفو در این روز، بر بندگان خود منت گذاشته ای و عطیه ات در این روز را نیکو قرار داده ای و بواسطه این روز بر بندگان تفضل فرموده ای. (۶۷) و خدا یا من بنده ای از بندگان توأم که قبل از خلقت ویس از آفریدتم به من نعمت عطا کرده ای و مرا از کسانی قرار داده ای که بسوی دینت هدایتشان کردی و مرا نسبت به اداء حق خودت توفیق داده ای و با رسماً محکم خودت مرا حفظ نموده ای و در حزب خود داخلم نموده ای و در جهت دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنانت ارشادم کرده ای. (۶۸) خدا یا من کسی هستم که فرمانم دادی اما اطاعت نکردم، نهی ام نمودی اما اجتناب نکردم، از معصیت خود بر حذر داشتی اما امرت را زیر پا گذاشت و نهی ات را مرتكب شدم، اما این مخالفت ها از باب دشمنی با تو و به عنوان گردنکشی در برابر تو نبوده است، بلکه هواي نفس مرا بسوی آنچه توکنار زده ای و نهی فرموده ای کشانید و این شیطان یعنی دشمن تو و دشمن من بود که مرا برابر مخالفت یاری داد و با آنکه عالم به وعیده ای تو بودم و امید به عفو تو داشتم و اطمینان به گذشت تو داشتم بر مخالفت اقدام نمودم با اینکه سزاوارتر از همه بندگان می بودم که با این همه نعمت و لطف، نا فرمانی تو را نکنم.

(٦٩) وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِّفًا  
بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحْمِلْتُهُ، وَ جَلِيلٌ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا  
بِصَفْحِكَ، لَا إِذَا بِرَحْمَتِكَ، مُوْقِنًا أَنَّهُ لَا يُسْجِرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا  
يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. (٧٠) فَعُدْ عَلَىٰ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَىٰ مَنْ افْتَرَفَ مِنْ  
تَعْمِدِكَ، وَجَدْ عَلَىٰ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَىٰ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ،  
وَ امْنَى عَلَىٰ بِمَا لَا يَتَعَاظِمُكَ أَنْ تَمْنَى بِهِ عَلَىٰ مَنْ أَمْلَكَ مِنْ غُفرانِكَ،  
(٧١) وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَّا لُبْ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا  
تَرْدَنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ (٧٢) وَإِنِّي وَإِنْ  
لَمْ أَقْدِمْ مَا قَدَّمْتُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ  
وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَ اتَّيَّثُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمْرَتَ أَنْ شُوْتَى  
مِنْهَا، وَ تَقَرَّبُتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقُرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالْتَّقْرِبِ بِهِ. (٧٣) ثُمَّ  
أَشْبَغْتُ ذِلِكَ بِالْإِنْابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُشِنَ الظَّنُّ  
بِكَ، وَ الثُّقَّةُ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعَتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخْبِئُ عَلَيْهِ  
رَاجِيكَ. (٧٤) وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ  
الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذِلِكَ خِيفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعْوِذًا وَ تَلُؤْذًا، لَا مُسْتَطِيلًا  
بِشَكِيرِ الْمُشَكِّرِينَ، وَ لَا مُتَغَالِيًا بِدَآلَةِ الْمُطَبِّعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ  
الشَّافِعِينَ. (٧٥) وَ أَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلَيْنَ، وَ أَذَلُ الْأَذَلَيْنَ، وَ مِثْلُ الدَّرَّةِ  
أَوْ دُونَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسْتَيْئِنَ، وَ لَا يَنْدَهُ الْمُتَرْفِينَ، وَ يَا مَنْ  
يَمْنَى بِإِقَالَةِ الْغَايِرِينَ، وَ يَسْفَضُلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ. (٧٦) أَنَا الْمُسْتَيْئِ  
الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْغَايِرُ. (٧٧) أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرًا. (٧٨) أَنَا  
الَّذِي عَصَاكَ مُسْعَدًا. (٧٩) أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ.

(۶۹) واينك من در محضر تو هستم در حال يك كوجك و خوار و خاضع و خاشع  
وترسانم و به گناهان بزرگى که مرتکب شده‌ام و اشتباها عظيمى که انجام  
داده‌ام، اعتراف دارم و به درگاه عفو تو و آستان رحمت تو پنه آورده‌ام، در  
حال يك يقين دارم هبيچكس نمى تواند مرا از قهر تو امان دهد و هيچ مانعی  
نمى تواند تو را از من باز بدارد. (۷۰) پس بسوی من توجه کن، همانگونه که  
بدست آورندگان عفو را مورد توجه قرار ميدهی وير من ببخش چونان  
بخششی که در حق گدايان آستان گذشت داري وير من منت بگذار با الطافی که  
برای تو بزرگ نیست که آنها را بر شخص اميدوار به غفرانت کرم نمایی.

(۷۱) وير من در اين روز نصيبي قرار ده که با آن به بهره‌اي از رضوان تو نائل  
گردم و دست مرا از آنچه بندگان متبعديت بدان رو مى‌كنند خالي برمگردان.

(۷۲) ومن گرچه مانند آنان اعمال صالح پيش نفرستاده‌ام، ولی اعتقاد به  
يگانگي و نفي اضداد و همتا و شبيه برای تو را تقديم نموده‌ام واز درهايي وارد  
شده‌ام که تو امر به ورود از آنها کرده‌اي و به وسائلی بسوی تو تقرب جسته‌ام که  
جز با آنها کسی نمى تواند به تو نزد يك گردد. (۷۳) سپس بدنیال این امور بسوی تو  
توبه نمودم و خود را خوار و ذليل درگاه تو نمودم و بتو حسن ظن دارم و به آنچه  
نzd تو ستمطمثنم و درکنار آن اميد به تو دارم، اميدی که هر کس آن را دارا باشد،  
كمتر مأيوس گردد. (۷۴) واز تو مسالت دارم چونان مسئلت انساني خوار و ذليل  
ونيازمند و گدا و ترسان و جويای پناهندگي. و اين درخواست از روی ترس وزاري  
و پنهان طلبی است نه از روی گردنکشی همچون متکبران ونه از باب بلند پروازی  
نازکنندگان از اهل طاعت ونه از روی گردن فرازي به جهت شفاعت شافعان.

(۷۵) ومن هنوز هم کمترین کمتران و ذليلترین ذليلانم، وهمچون ذره‌اي بلکه  
کمتر از آنم. پس اي کسی که در عقوبت گناهکاران شتاب نمی‌کنی و آزادی  
مرفهين اهل ناز و نعمت را از آنان نمی‌گيری واي کسی که با گذشت از لغش لغز  
شکاران بر آنان منت داري و يا مهلت دادن به خطاكاران بر آنان تفضل می‌کنی.

(۷۶) اينك اين منم آن گنهکار معترف خطاكار لغشکار (۷۷) منم آن کسی که در  
برابر تو جسارت ورزید. (۷۸) منم آن کسی که عمداً تو را نافرمانی کرد (۷۹) منم آن  
کسی که خطاكار از بندگانت مخفی کرد ولی در برابر تو آشکارا مخالفت ورزید.

(٨٠) أَنَا الَّذِي هَبَ عِبَادَكَ وَأَمْنَكَ.  
 (٨١) أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهُبْ سَطْوَتَكَ،  
 وَلَمْ يَخْفِ بَأْسَكَ.  
 (٨٢) أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ  
 (٨٣) أَنَا الْمُرْتَهِنُ بِيَلِسِتِهِ.  
 (٨٤) أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاةِ.  
 (٨٥) أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ.  
 (٨٦) بِحَقِّ مَنْ اسْتَجَبْتَ مِنْ  
 خَلْقِكَ، وَبِمَنِ اضْطَفَيْتَ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ احْتَرَتْ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَمَنِ  
 اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ  
 مَغْصِيَّةً كَمَغْصِيَّتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُواالَّتَهُ بِمُواالِتِكَ، وَمَنْ نُطْتَ  
 مُعَادَّاتَهُ بِمُعَادَّاتِكَ، تَغْمَدْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَسْعَمَدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ  
 مُسْتَصْلَأً، وَعَادَ بِاسْتِغْفارِكَ تَائِبًا.  
 (٨٧) وَتَوَلَّنِي بِمَا تَسْتَوْلِي بِهِ أَهْلَ  
 طَاعَتِكَ وَالزُّلْفِي لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةِ مِثْكَ.  
 (٨٨) وَتَوَحَّذْنِي بِمَا تَسْتَوْحِذُ بِهِ  
 مَنْ وَفِي بِعْهِدِكَ، وَأَتَعْبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ.  
 (٨٩) وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَسِيلِكَ، وَتَعْدِي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ،  
 وَمُجاوِرَةِ أَخْكَامِكَ.  
 (٩٠) وَلَا تَسْتَدِرِ جَنِي بِاِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ  
 مَنْعَنِي خَيْرًا مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرِكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي.  
 (٩١) وَنَبْهَنِي مِنْ  
 رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَسِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ.  
 (٩٢) وَخُذْ  
 بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَغْمَلْتَ بِهِ الْقَاتِلِينَ، وَاسْتَغْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ،  
 وَاسْتَنْقَدْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ.  
 (٩٣) وَأَعِذْنِي مِمَّا يُبَايِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ  
 بَيْنِي وَبَيْنِ حَظِّي مِثْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَخَاوِلُ لَدَيْكَ.  
 (٩٤) وَسَهْلٌ لِي  
 مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةِ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمْرَتَ، وَالْمُشَاجَةِ  
 فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ.  
 (٩٥) وَلَا تَمْحَقْنِي فِيمَنْ تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِينَ  
 بِمَا أَوْعَدْتَ.  
 (٩٦) وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ  
 لِمَقْتِكَ.  
 (٩٧) وَلَا تُسْبِرْنِي فِيمَنْ تُسْبِرُ مِنَ الْمُثْرِفِينَ عَنْ سُبْلِكَ

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسید واز تو در امان بود. (۸۱) آری منم آنکه از قدرت تو هراسی نداشت واز عذاب وکیفر تو خوفی بدل راه نداد. (۸۲) منم که بر خود جنایت کردام (۸۳) منم که به بلای خویش گرفتارم (۸۴) منم که کم حیاء و کم شرم منم که به رنجی دراز مبتلایم. (۸۵) تو را قسم می دهم به حق برگزیدگان از میان خلقت و به حق کسانی که آنان را برای خود برگزیده ای، بحق کسی که او را از میان نیکانت گزینش کرده ای، وکسی که او را مناسب با شأن و کار خود انتخاب فرموده ای و به حق کسی که اطاعت از او را با اطاعت از خودت پیوند زده ای وکسی که نافرمانی او را همچون نافرمانی خودت شمرده ای، بحق کسی که دوستی با او را کنار دوستی خودت قرار دادی وکسی که دشمنی با او را منوط به دشمنی با خودت نموده ای، در این روز مرا تحت پوشش قرار بده با آنچه که پوشش میدهی آنان را که در حال نفرت از گناه بسوی تو پناه می آورند و در حالی که از گناه نادم و پیشیمان اند با استغفار به آستان تو پناهندگی می شوند. (۸۷) و سرپرستی مرا به عهده بگیر همانطور که بعهده می گیری سرپرستی کسانی را که اهل طاعت هستند و در نزد تو قرب و منزلتی دارند. (۸۸) و مرا اهل توحید کن همانگونه که در حق وفاداران به عهدت آنها که جانشان را در راه تو به سختی می اندازند و در مسیر رضایت تو جهاد با نفس می کنند، چنین کرده ای. (۸۹) و مرا در کوتاهی ~~لذتیست~~ به حقوق و تجاوز از حدودت و نافرمانی از احکامت مژا خذه مکن. (۹۰) واز طریق فرصت دادن به من، تدریجیاً گرفتار عقابم مساز همانند عقاب کردن کسی که مرا از خیری که در نزدش بود منع کرد و حال آنکه در رسیدن نعمتش به من، شریک و همکار تو نبوده و نیست. (۹۱) و مرا از خواب اهل غفلت و چرت اسرافکاران و خواب آلودگی اهل ذلت بیدار کن. (۹۲) و قلب مرا علاقمند کن به آنچه که اهل طاعت را بدان و داشته ای و بندگان عابد را بوسیله آن فرمانبر خویش ساخته ای و مسامحه کاران را از طریق آن به ساحل نجات رسانده ای. (۹۳) و مرا حفظ کن از کارهائی که از تو دورم می کند و مانع بهره گیری من از تو می شود واز آنچه نزد تو قصد می کنم بازم می دارد. (۹۴) و راه کارهای خیر در جهت رضای خودت را برایم آسان فرماتا در آنها آنگونه که امر فرموده ای سبقت گیرم و همانطور که تو می خواهی نسبت به انجام آنها حریص باشم. (۹۵) و مرا در زمرة آنها که وعده عذاب تو را سبک می شمارند، هلاک مساز (۹۶) و همراه آنها که در معرض خشم و عذاب تو هستند نابودم مکن. (۹۷) و مرا در میان منحرفینی که از راه تو بیرون رفته اند، در هم مشکن.

(٩٨) وَنَجَّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلَّضَنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَى،  
 وَأَجِزَّنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ. (٩٩) وَحُلْ بَيْتِنِي وَبَيْنَ عَدُوٍّ يُضْلِنِي،  
 وَهُوَيْ يُوبَقُنِي، وَمَنْقَصَةٌ تَرْهَقُنِي (١٠٠) وَلَا تُغْرِضُ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ  
 لَا تَرْضِي عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ (١٠١) وَلَا تُؤْسِنِي مِنَ الْأَمْلَ فِيكَ فَيَغْلِبَ  
 عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ (١٠٢) وَلَا تَمْنَحْنِي بِمَا الْأَطَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبَهَّظَنِي  
 مِمَّا تُحَمِّلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحِبَّتِكَ. (١٠٣) وَلَا تُزِيلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ  
 لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةَ لَهُ (١٠٤) وَلَا تَرْزِمْ بِي رَمْنَى مَنْ  
 سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْبَرْزُى مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ حُذْ  
 بِيَدِي مِنْ سَقْطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ،  
 وَوَزْطَةِ الْهَالِكِينَ. (١٠٥) وَعَافَنِي مِمَّا ابْتَلَيَتْ بِهِ طَبَقاتِ عَبِيدِكَ  
 وَامْأَئِكَ، وَبَلْغَنِي مَبَالِغَ مَنْ غَنِيتَ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضِيتَ عَنْهُ،  
 فَأَعْشَتَهُ حَمِيدًا، وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيدًا (١٠٦) وَطَوَّقْنِي طُوقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا  
 يُخْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ (١٠٧) وَأَشْعِرْ قَلْبِي إِلَازْدِجَارَ عَنْ  
 قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ الْحَوْنَاتِ. (١٠٨) وَلَا تَشْغُلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا  
 بِكَ عَمَّا لَا يُرِضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ (١٠٩) وَانْزَعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنَيَّةِ  
 تَشْهِي عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ اتِّغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُدْهِلُ عَنِ التَّقْرِبِ  
 مِنْكَ. (١١٠) وَزَيَّنْ لِي التَّقْرِبَ بِمُنَاجَاتِكِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (١١١) وَهَبْ لِي  
 عِصْمَةً ثُدُنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ،  
 وَتُنْكَنِي مِنْ أَشْرِ الْعَظَائِمِ (١١٢) وَهَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضِيَّانِ،  
 وَأَذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِّلْنِي بِسَرْبَالِ عَافِيَّتِكَ، وَرَدَنِي رِدَّاءَ  
 مُعَافَاتِكَ، وَجَلَّلْنِي سَوَابِعَ نَعْمَائِكَ، وَظَاهِرُ لَدَى فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ

(۹۸) و مرا از گرداپ فتنه‌ها نجات ده واز گردنده‌های بلاها دور کن و از خطر فرصت دادن برای عذاب ناگهانی رهایم ده. (۹۹) و تو خود بین من و بین دشمن که می‌خواهد مرا فریب دهد و خواهش نفسی که مرا هلاک می‌گرداند وزیانی که همه وجودم را می‌گیرد، مانع باش. (۱۰۰) و از من رو برمگردان آنچنانکه روی می‌گردانی از کسانی که پس از غصب خود هرگز از آنان راضی نمی‌شوی. (۱۰۱) و مرا در آرزومندی به آستانت ناامید مساز که یأس از رحمت بر من غالب گردد (۱۰۲) و بخششها بی را که من طاقت ندارم به من عطا ممکن که بخاطر آنچه از افزونی رحمت بر دوشم می‌گذاری بارم گران شود. (۱۰۳) و مرا از دست خود رها ممکن همچون رها کردن کسی که خیری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برایش نیست. (۱۰۴) و مرا از خود دور ممکن، چونان کسی که از چشم تو افتاده و مهر پستی و خواری از جانب تو بر او خورده است. بلکه دست مرا بگیر که گرفتار سقوط افتادگان در عذاب و هراس منحرفان ولغزش فریب خوردگان و گرداپ هلاک شدگان نگردم. (۱۰۵) و مرا سلامت بدار از بلاهائی که اصناف زنان و مردان را بدان مبتلا ساخته‌ای و مرا به درجات کسانی برسان که به آنها عنایت نموده‌ای و نعمت در اختیارشان قرار داده‌ای و از آنها رضایت داری و حیات شایسته به آنان عطا فرموده‌ای و مرگشان را قرین سعادت ساخته‌ای. (۱۰۶) و این نکته را طوق گردنم ساز که خودم را از کارهایی که موجب حبط و نابودی حسنات و بر باد دادن برکات می‌شود جدا سازم. (۱۰۷) و در قلب من چنان شعوری قرار ده که از زشتیهای گناهان و رسائیهای معاصی نفرت پیدا کنم. (۱۰۸) و مرا به اموری که جز با کمک تو به آنها نمی‌رسم (امور دنیا) مشغول مساز که از آنچه جز آنها تو را راضی نمی‌کند (امور آخرت) باز بمانم. (۱۰۹) و محبت دنیای پست را از دل من بکن، دنیائی که مرا از آنچه نزد توست باز می‌دارد و از توصل بسوی تو مرا منع می‌کند و از تقرب جستن به درگاهت غافلم می‌سازد. (۱۱۰) و مناجات با خودت را در تنهائی و به هنگام شب و روز در نظرم زیبا جلوه گر ساز. (۱۱۱) و به من عصمت و تقوایی بیخش که مرا به مقام ترس از خشمت نزدیک نماید و از ارتکاب محرمات تو بدور دارد و از ابتلا به گناهان بزرگ رهایم سازد. (۱۱۲) و به من توفیق پاک شدن از ناپاکی گناه را عطا فرما و آلودگی خطا را از من دور کن و پیراهن سلامت و عاقیت را بر من بپوشان وردای صحبت را بر تن من بینداز و مرا با نعمتها فراوانست در بر بگیر و فضل و بخشش را یکی پس از دیگری بر من نازل فرما.

(١١٣) أَوْ أَيْدِنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِي عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ،  
وَمَرْضِيُّ القَوْلِ، وَمُسْتَخْسِنُ الْعَمَلِ، وَلَا تَكْلِنِي إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي  
دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ. (١٤) أَوْ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلِّقَاءِكَ، وَلَا  
تَفْضَخْنِي بَيْنَ يَدَيْ أُولَيَائِكَ، وَلَا تُشْنِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِي  
شُكْرَكَ، بَلْ الزِّمْنِيَّهُ فِي أَخْوَالِ السَّهُوِّ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِلأَئِكَ،  
وَأَوْزِغْنِي أَنْ أُثْنِي بِمَا أَوْلَيْتِهِ، وَأَغْتَرْ فِي مَا أَشْدَيْتُهُ إِلَيَّ.  
(١٥) أَوْ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَحَمْدَتِي إِيَّاكَ فَوْقَ  
حَمْدِ الْحَامِدِينَ (١٦) أَوْ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقْتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا  
أَشْدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ  
مُسْلِمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَإِنِّي أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَغُودُ بِالْإِحْسَانِ،  
وَأَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَإِنِّي بِاَنْ تَغْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِاَنْ تُعَاقِبَ،  
وَإِنِّي بِاَنْ تَشْتَرِ أَقْرَبُ مِثْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ. (١٧) فَأَخْيِنِي حَيْوَةً طَيِّبَةً  
تَسْتَطِعُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا أَتَيْ مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَرْتَكِبُ  
مَا نَهَيْتَ عَنِّي، وَأَمِشْنِي مَيْتَةً مَنْ يَشْعِي نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ.  
(١٨) أَوْ ذَلَّنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَغْنِي إِذَا خَلَوْتُ  
بِكَ، وَازْفَغْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ  
فَاقَةً وَفَقْرًا. (١٩) أَوْ أَعِدْنِي مِنْ شَمَائِهِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ،  
وَمِنْ الدُّلُّ وَالْعَنَاءِ، تَعْمَدْنِي فِيمَا اطْلَغْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَسْتَعْمَدُ بِهِ  
الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ، وَالْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا آثَاثُهُ  
(٢٠) أَوْ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْشَةً أَوْ سُوَءَةً فَنَجْعَنِي مِنْهَا لِوَاذَا بِكَ، وَإِذَا  
لَمْ تُقْنِنِي مَقَامَ فَضِيْحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقْنِنِي مِثْلَهُ فِي أَخِرِكَ

(۱۱۳) وبا توفيق وپشتيباني خود مرا تأييد فرما ومرا در نيت شايسته وگفتار مورد رضایت ورفتار نيكو ياري کن ومرا بجای قدرت وتوان خودت، به قدرت وتوان خودم وامگذار. (۱۱۴) وروزی که مرا برای ملاقات با خودت مبعوث میکنم، خوارم مساز ودر نزد دوستان رسوايم مکن وذکر خودت را از يادم میر وشکرت را از من مگير، بلکه در آنهنگام که جاهلان، نسبت به نعمتهايت در غفلت اند، مرا در حالات فراموشی، به شکر وسپاس خود ملتزم بدار وبه من الهام کن که بر آنچه بمن در آنها ولايت داده ای ثنای تو را بگويم وبه نيكى هايی که ابتداء در حق من انجام داده ای اعتراف کنم. (۱۱۵) ورغبت من بسوی خودت را بالاتر از رغبت ديگران وشكرا مرا نسبت به خودت، برتر از شکر ديگران قرار بده (۱۱۶) وآن هنگام که بتو نيازمندم، مرا خوار مساز وبحاطر اهمالهائی که در حق تو انجام داده ام هلاکم مگردان وبا من آنگونه که با دشمنانت بر خورد میکنم برخورد مکن، که همانا من در برابر تو تسلیم وميدانم که حجت ودلیل از آن توست وتو در فضل، شايسته تر ودر احسان، سودبخش تر از ديگرانی. وتو اهل تقوی وآمرزش هستی وبه اينکه عفو کنم شايسته تری تا به اينکه عقاب نمایی، وبه اينکه گناهان ما را بپوشانی نزديکتري تا به اينکه آنها را بر ملاکني. (۱۱۷) پس مرا زنده بدار با حياتی پاک که هماهنگ با خواسته های من باشد وبه آنچه دوست می دارم منتهی گردد، بگونه ای که آنچه تو نمی پسندی انجام ندهم وآنچه را نهی کرده ای مرتكب نشوم ومرا همچون کسانی بمیران که نور وفروع آنها از پيش رو واژ جانب راست، اطرافشان را نورانی ساخته است. (۱۱۸) ومرا در نزد خود کوچک کن ودر نزد مخلوقات بزرگ بنما وآن هنگام که با تو خلوت می کنم پستم کن ودر بين بندگانت بالايم ببر ومرا بی نياز کن از کسی که از من بی نياز است وفق وگدائی مرا نسبت به خودت افزون فرما (۱۱۹) ومرا از سرزنش دشمنان واژ نزول بلا واژ ذلت وسختی محفوظ بدار ومرا در آنچه از گناهان که بدانها مطلعی تحت پوشش عفووت قرار بده، آنسان که می پوشاند کسی که اگر بر دباريش مانع برانتقام سخت قادر است واگر درنگ وتأملش نباشد بر مؤاخذه برگناه توانایی دارد. (۱۲۰) واگر خواستی قومی را گرفتار فتنه یا امر ناگواری بسازی، مرا بحاطر آنکه بتو پناه آورده ام، از آن نجات ده وچون مرا در دنیا به ورطه فضیحت ورسوایی نینداخته ای در آخرت نیز مرا در آن مینداز.

(١٢١) وَ اشْفَعْ لَتِي أَوْ آثَلَ مِنْكَ بِأَوْ أخْرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوْأِدِكَ بِحَوَادِثِهَا،  
 وَ لَا تَمْدُدْلِي مَدَّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَقْرَغْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا  
 بِهَايَى، وَ لَا تَسْمُنِي خَسِيَّةً يَضْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِصَّةً يُجْهَلُ مِنْ  
 أَجْلِهَا مَكَانِي. (١٢٢) وَ لَا تَرْغُنِي رَوْعَةً أَيْلُسُ بِهَا، وَ لَا خِفَةً أُوْجَسُ  
 دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِدِكَ، وَ حَذَرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ،  
 وَ رَهْبَتِي عِنْدِ تِلَاءَةِ أَيَّاتِكَ. (١٢٣) وَ اعْمُرْ لَيْلِي بِاِيقَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ،  
 وَ تَفَرُّدِي بِالْتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِي  
 بِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقْبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَ اجْهَارَتِي مِمَّا فِيهِ  
 أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. (١٢٤) وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُفَيَانِي عَامِهَا، وَ لَا فِي  
 غَمْرَتِي سَاهِيَا حَتَّى حِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنِ اتَّعَظَ، وَ لَا تَكَالًا  
 لِمَنِ اعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنِ نَظَرَ، وَ لَا تَمْكُرْبِي فِيمَنْ تَمْكُرْبِهِ، وَ لَا  
 تَسْتَبِدُ بِي غَيْرِي، وَ لَا تَغْيِيرِي أَشْمَا، وَ لَا تُبَدِّلُ لِي جِسْمَا، وَ لَا  
 تَشْخُذْنِي هُزوًا لِخَلْقِكَ، وَ لَا سُخْرِيَا لَكَ، وَ لَا تَبْعَا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا  
 مُمْتَهِنَا إِلَّا بِالإِنْتِقَامِ لَكَ. (١٢٥) وَ أَوْجَدْنِي بِرَدَّ عَفْوِكَ، وَ حَلَاوةَ رَحْمَتِكَ  
 وَ رَوْحِكَ وَ رَيْحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَ أَذْقَنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ  
 بِسَعَةِ مِنْ سَعْتِكَ، وَ الْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلْفُ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ، وَ أَثْحَفْنِي  
 بِتُّحَفَّةِ مِنْ تُّحَفَاتِكَ. (١٢٦) وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ  
 خَاسِرَةً، وَ أَخْفَنِي مَقَامَكَ، وَ شَوَّقْنِي لِقَاءَكَ، وَ ثُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةَ نَصُوحًا  
 لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً.  
 (١٢٧) وَ اتَّزَعَ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اغْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى  
 الْخَاسِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلَّنِي حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ،

(۱۲۱) و در حق من نعمتهاي پيشينت را به نعمتهاي پسین و سودهاي قديمت را به منافع جديد متصل گردان و عمر مرا چندان طولاني مساز كه قلبم قساوت گيرد و در سختيها چنان مرا مکوبان كه بخاطر آن ارزش من از دست بروود و مرا به امر پستي كه منزلت من در آن کوچك شود و نقیصه‌ای كه بخاطر آن جايگاه و مرتبت من مجھول بماند، گرفتار مساز (۱۲۲) و مرا چنان مترسان كه ناميد شوم و آنسان بيمناكم مساز كه وحشت در دل داشته باشم و ترس مرا در تهدیدهایت از عذاب و پرهیز مرا در اتمام حجت‌ها و انذارهای خود و هراس مرا در هنگام تلاوت آیات خودت قرار ده.

(۱۲۳) شب مرا طولاني گردان با يدارکردنم برای عبادت و اينكه تنها، به مناجات با تو پردازم واز دیگران دل بریده و تنها با تو آرامش يابم و نيازهايم را بدرگاه تو آورم و دائمًا از تو بخواهم که مرا از آتش خشمت آزاد سازی و مرا از عذابی که اهل دوزخ در آن گرفتارند نجات دهی.

(۱۲۴) و مرا الحظه‌ای بخود و امگذار که در طغيان و سركشی متحير و در گرداب جهل و ناداني، غافل باشم، و سرنوشت مرا پنداري برای پندپذيرها و سرانجامی شوم برای عبرت پذيران و آزمایشي برای اهل نظر قرار مده و مرا در میان آنانکه با آنها مکر می‌کنم، مورد مکر قرار نده و بجای من دیگری را ~~به~~ مگزین واسم مرا در زمرة بندگانت تغيير مده و جسم مرا مبدل مساز و مرا وسیله استهzae بندگانت و مورد تمسخر در آستانت قرار مده و چنانم کن که تنها بدبانی رضایت تو و در انتقام از دشمنانت، تنها در خدمت تو باشم.

(۱۲۵) و مرا از لذت عفو و شيريني رحمت و آسودگي و رزق خوش واز بهشت نعمتهايت برخوردار ساز و يا گشايشی از دريای يكراحت مزه فارغ شدن از انجام طاعاتي که تو دوست ميداري وتلاش در آنچه ما را به تو نزديك می‌سازد را در کام من بچشان و يا تحفه‌ای از تحفه‌هایت مرا بهره‌مند فرما.

(۱۲۶) و تجارت مرا سودمند و بازگشتم بسوی خودت را بدون زيان قرار بده و مرا از مقام خود بترسان و شوق مرا برای ديدار با خودت افزون کن و بسوی من عنایت کن تا من نيز بسوی تو توبه کنم، توبه‌ای حقيقي که در پرتو آن، هیچ گناه کوچک و بزرگ و هیچ خطای آشکار و پنهانی را باقی نگذاري. (۱۲۷) و هرگونه کينه‌ای نسبت به مؤمنین را از دلم بر کن و قلبم را نسبت به خاسعين عطوف گردان و آنسان که با صالحان

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَذَكْرًا نَامِيًّا فِي الْأَخْرِينَ،  
وَوَافِ بِي عَزَّةَ الْأَوَّلِينَ. (١٢٨) وَتَمَّ سُبُوعٌ نِعْمَتِكَ، عَلَىَّ، وَظَاهِرٌ  
كَرَاماتِهَا لَدَيَّ، امْلَأْ مِنْ فَوْأَيْدِكَ يَدِيَ، وَسُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ،  
وَجَاوِرْ بَيِّ الْأَطْيَيْنَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنَتْهَا لِأَصْفِيَائِكَ،  
وَجَلَّنِي شَرَائِفُ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحْبَائِكَ. (١٢٩) وَاجْعَلْ  
لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمِئْنًا، وَمَثَابَةً أَتَبَوَّهُ، وَاقْرَءْ عَيْنِي، وَلَا  
تُقَاسِنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِيرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ ثُبُلَ السَّرَّائِرِ، وَازْلِ  
عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ،  
وَاجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَفِرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ  
مِنْ أَفْضَالِكَ. (١٣٠) وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِي مُسْتَقْرَرٌ غَالِبًا  
هُوَ لَكَ، وَاسْتَغْمِلْنِي بِمَا تَسْتَغْمِلُ بِهِ خَالِصَتِكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ  
ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ، وَاجْمِعْ لِي الْغُنْيَ وَالْعَفَافَ وَالدَّعَةَ  
وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالْطَّمَانِيَّةَ وَالْغَافِيَّةَ. (١٣١) وَلَا تُخِيطْ  
حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَغْصِيَّكَ، وَلَا خَلْوَاتِي بِمَا يَغْرِضُ لِي مِنْ  
نَرَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الْطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ،  
وَذَبَّنِي عَنِ التِّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. (١٣٢) وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ  
ظَهِيرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَى مَخْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا  
أَعْلَمُ حِيَاةً تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفِتِكَ  
وَرِزْقَكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَأَتْسِمُ لِقَيْ إِنْعَامَكَ، إِنِّي  
خَيْرُ الْمُتَعَمِّلِينَ (١٣٣) وَاجْعَلْ بَاقِي عُمْرِي فِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءَ  
وَجْهِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيَّيْنِ  
الظَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا إِلَيْدِينَ.

هستی، بامن باش ویر من زیور اهل تقوا بپوشان و برای من سخنی صادق در میان گذشتگان و یادی والا در بین آیندگان قرار ده و مرا به جایگاه پیشینیان برسان. (۱۲۸) و کمال نعمت را بر من تمام کن و ارزشمندیهای این نعمتها را برایم آشکار ساز، دستم را از عطا یایت پرکن و از بخششهای گرامیات بسوی من روان کن و مرا در بهشت که برای برگزیدگان زینت کرده‌ای، در کنار پاکترین دوستانت جای ده و در مقاماتی که برای محبان خویش آماده ساخته‌ای مرا با شریفترین عطا یای خویش بپوشان. (۱۲۹) و برای من در جوار خودت مأمنی قرار ده که با آرامش خاطر در آن پناه گیرم و جایگاهی که در آن مأوا گزینم و چشم را بدان روشن کنم و مرا با گناهان بزرگم مورد ارزیابی قرار مده و در آن روز که سریره‌ها آشکار می‌گردد، هلاکم مساز و از من هرگونه شک و شباهه‌ای را بر طرف فرماد و در راستای حق، از هر رحمتی برایم راهی قرار ده و بهره‌های من از بخششها یت را فراوان کن و بهره‌مندیم از احسان و فضیلت را زیاد گردان. (۱۳۰) و قلب مرا نسبت به آنچه نزد توست مطمئن گردان و عزمم را فقط نسبت به آنچه از آن توست متوجه کن و مرا به کارهائی و ادارکن که خواص را به آنها و ادارمی کنم و آنهنگام که عقل از بندگی تو غفلت می‌کند، قلبم را از بادت پرکن و در من و برای من بی نیازی، عفت، آرامش، عافیت، صحبت، گشایش، اطمینان و سلامتی را جمع گردان.

(۱۳۱) و کارهای پسندیده مرا با گناهانی که در آنها مخلوط است نابود مکن و خلوتهای راز آلود مرا بخاطر خطاهائی که در آزمایشها یت بدان مبتلا می‌شوم، از من مگیر و آبروی مرا از اینکه دست طلب بسوی فردی از بندگان دراز کنم مصون بدار و از التماس کردن برای آنچه نزد فاسقان است، حفظم کن.

(۱۳۲) و مرا پشتیبان ستمکاران و دستیار ویاور آنان دراز بین بردن قرأت قرار مده و از جانی که من نمی‌دانم مرا در حیطه عنایت خود قرار ده، آنسان که مرا از خطاهای حفظ کنم ویر من درهای توبه و رحمت و رافت و روزی فراوانی را بگشای، که من از علاقه‌مندان آستان توأم ویر من بخشش را تمام کن که تو بهترین نعمت دهنده‌گانی. (۱۳۳) و یاقیمانده عمر مرا در انجام حج و عمره برای رضای خودت قرار ده، ای پروردگار عالمیان، و بر محمد ﷺ وآل پاک و مطهر آنحضرت درود فرست و برای همیشه بر او و بر آنان سلام و درود باد.

﴿٤٨﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمُ الْأَضْحَى  
وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ:

(١) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعونَ  
فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهُدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالظَّالِبُ وَالرَّاغِبُ  
وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَاسْأَلْكَ بِحُجُودِكَ وَكَرَمِكَ  
وَهَوَانِ مَا سَأَلْتَكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.(٢)  
اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَلَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ  
الْكَرِيمُ الْحَنَانُ الْمَتَانُ دُوَّالِ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ: مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ  
بَرَكَةٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمَنَّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ  
إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُغْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤْفِرَ حَظًى وَنَصِيبَيْ مِنْهُ.(٣) أَسْأَلْكَ اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ  
الْمُلْكَ وَالْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ  
وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَصِفْوَتِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أَلِّ مُحَمَّدٍ  
الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَاةً لَا يَسْقُى عَلَى إِخْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ،  
وَأَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحٍ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ،  
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تَغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

## دعای چهل و هشتم :

### در روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوندا امروز، روز مبارک و میمونی است و مسلمانان در این روز در جای جای زمین گرد هم جمع اند و فقیر و طالب و رغبت کننده و ترسای آنان همه حاضراند و تو بر نیازهای آنان ناظری.

پس اینک من از تو مستلت دارم که بخاطر جود و کرم و آسانی آنچه من از تو می طلبم، بر محمد ﷺ وآل او درود فرست.

(۲) و خداوندا، ای پروردگار ما، از آنجا که مُلک و سلطنت از آن توست و سپاس و شکر تنها برای توست، هیچ معبدی جز تو نیست، ای صبور کریم، ای مهریان بخشنده وای صاحب جلالت واکرام، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، آنهنگام که بین بندگان مؤمنت قسمت می کنی: خیر یا عافیت یا برکت یا هدایت یا توفیق عمل به طاعت، یا خیری که با آن بر آنان مت می نهی و هدایتشان می کنی یا آنان را در نزد خود درجهای بالاتر عطا می کنی یا در پرتو آن خیری از دنیا و آخرت به آنان ارزانی میداری، از تو در خواست می کنم که بهره و نصیب مرا از آن، زیادگردانی.

(۳) خداوندا بخاطر اینکه سلطنت و سپاس از آن توست و معبدی جز تو نیست از تو در خواست می کنم که درود فرستی بر محمد ﷺ که بنده و رسول و دوست و برگزیده و بهترین خلق توست و بر آل او که نیکان و پاکان و برگزیدگان اند، درودی که جز خودت کسی شمارش آنرا نتواند. و از تو می طلبم که ما را در کار شایسته هر کسی از بندگان مؤمنات که امروز دست دعا به سوی تو دارد شریک گردانی، ای پروردگار عالمیان، و از تو می طلبم که ما و آنان را مورد آمرزش خود فرار دهی، براستی تو بر هر کاری توانایی.

(٤) اللَّهُمَّ إِنِّي تَعْمَدُتُ بِحَاجَتِي، وَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقْتَى  
وَمَسْكَنَتِي، وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْتَقْ مِنِّي بِعَمَلي، وَلَمَغْفِرَتِكَ  
وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ دُنُوبِي، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلَّ  
قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَيْسِيرْ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَبِفَقْرِي  
إِلَيْكَ، وَغِنَاكَ عَنِّي، فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَضْرِفْ  
عَنِّي سُوءٌ قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَا أَرْجُوا لَمْرِ أخِرَتِي وَدُنْيَايَ سِواكَ.

(٥) اللَّهُمَّ مَنْ تَهْيَا وَتَعْبَا وَأَعْدَا وَأَسْتَعْدَ لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقِ رَجَاءٍ  
رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِنِّي يَامَوْلَائِي كَانَتِ الْيَوْمَ  
تَهْيَسِي وَتَغْيِسِي وَإِغْدَادِي وَاسْتِغْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ  
وَ طَلَبَ نَيْلِكَ وَ جَائِزَتِكَ. (٦) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا  
تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يُخْفِي سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ،  
فَإِنِّي لَمْ أَتَكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةً مَخْلُوقِ رَجُوتُهُ  
إِلَّا شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ. (٧) أَتَيْتُكَ مُقْرَأً  
بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ  
بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ  
عَدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. (٨) فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةُ، وَعَفْوُهُ  
عَظِيمٌ، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوَسَّعْ عَلَيَّ  
بِمَغْفِرَتِكَ. (٩) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخَلْفَائِكَ وَأَصْفَيْنَاكَ وَمَوَاضِعَ  
أُمَّنَاكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصَتْهُمْ بِهَا قِدَابِتَرُوهَا، وَأَنْتَ  
الْمُقْدَرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يُجَاوِزُ الْمَخْتُومُ مِنْ تَذْبِيرِكَ

(۴) خدایا در نیازهایم تنها تو را فصد می‌کنم و امروز فقر و تنگدستی و بیچارگی ام را تنها به درگاه تو آورده‌ام و امید من به آمرزش و رحمت تو بیش از امیدم به عمل خودم می‌باشد و تحقیق مغفرت و لطف تو بیش از گناهان من است، پس بر محمد وآل او درود فرست و بر آوردن هر حاجتی که من دارم را خود به عهده بگیر بخاطر قدرتی که بر رفع حاجات داری واين امر بر تو آسان است و بخاطر نیازمندی من به تو و بی‌نیازی تو از من. همانا من به هیچ خیری نرسیده‌ام جز به توفیق تو و هیچکس جز تو نتواسته است بدی‌ای را از من دور کند و من در امور آخرت و دنیا یم جز به تو امید ندارم. (۵) خداوندا اگر کسی برای گرفتن صله و عطا و به امید بخشش و احسان خود را مهیا سازد و بسوی بنده‌ای از مخلوقات برود، اینک من در این روز، ای آقای من، خود را آماده و مهیا ساخته که بسوی تو آیم به امید عفو و بخشش و در طلب عطا و جایزة تو.

(۶) خدایا پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و در این روز، امید مرا نا امید مسازای کسی که در خواست گدا اوز را نجور نمی‌سازد و عطایش چیزی از او کم نمی‌کند و براستی من بسوی تو نیامده‌ام از باب اینکه به عمل شایسته انجام یافته‌ام اطمینان دارم و نه از باب امید به شفاعت مخلوقی از مخلوقات بجز شفاعت محمد ﷺ و اهلیت او که درود تو بر او و بر آنان باد.

(۷) من بسوی تو آمده‌ام در حالیکه به مجرم و گناه خود نسبت به خودم معتبرم، بسوی تو آمده‌ام در حالیکه امیدوارم به عفو عظیم تو که با آن از خطای خطاکاران در می‌گذری، و هرگز استادگی طولانی آنان بر گناهان بزرگ مانع از این نمی‌شود که تو با رحمت و مغفرت با آنان بر خورد کنی. (۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است، ای بزرگ و ای بزرگ، ای کریم و ای کریم، بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و با رحمت به من توجه کن و بافضلت با من مهریان باش و باران آمرزشت را بر من افزون فرما.

(۹) خداوندا این مقام ارجمند که از آن جانشینان و برگزیدگان توست و این مرتبه امناء تو که از درجات بلندی است که به آنان اختصاص داده‌ای مورد غصب و دستبرد قرار گرفته است و تو خود چنین تقدیر فرموده‌ای، فرمان تو هرگز مغلوب واقع نمی‌شود، واز تدبیر حتمی تو هرگز تجاوز نمی‌شود،

كَيْفَ شِئْتَ وَأَنِّي شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا  
 لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صَفْوَتُكَ وَخَلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَفْهُورِينَ مُبْشَرِينَ،  
 يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدِّلاً، وَكِتَابَكَ مَنْبُوداً، وَفَرَائِضَكَ مُحرَّفةً عَنْ جِهَاتِ  
 أَشْرَاعِكَ، وَسُنَّتِ نَبِيِّكَ مُشْرِوْكَةً. (١٠) اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءِ هُنْ مِنَ الْأَوَّلِينَ  
 وَالآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفَعَالِهِمْ وَأَشْيَاعَهِمْ وَأَتْبَاعَهِمْ. (١١) اللَّهُمَّ  
 صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَواتِكَ وَبَرَكَاتِكَ  
 وَتَحْيَاتِكَ عَلَى أَصْفِيائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَجْلِ الْفَرَجِ  
 وَالرَّوْحَ وَالنُّصْرَةَ وَالشُّكْرَ وَالثَّاِيْدَ لَهُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ  
 أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَالْتَّضْدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأَئْمَةِ الَّذِينَ  
 حَتَّمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدِيهِ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.  
 (١٣) اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَلَا يَرُدُّ سَخْطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ،  
 وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَلَا يُجِيبُنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ  
 وَبَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ لَنَا - يَا إِلَهِي - مِنْ  
 لَدُنْكَ فَرْجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَبِهَا تَشْرُعُ مَيْتَ  
 الْبِلَادِ. (١٤) وَلَا تُهْلِكْنِي - يَا إِلَهِي - غَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتُعَرِّفَنِي  
 الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَأَذْقِنِي طَعْمَ الْغَافِيَةِ إِلَى مُسْتَهْيِي أَجَلِي، وَلَا  
 تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُمْكِنَهُ مِنْ عُنْقِي، وَلَا تُسْلِطَهُ عَلَيَّ (١٥) إِلَهِي  
 إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضْعُنِي، وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي  
 يَرْفَعُنِي، وَإِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِبِّنِي، وَإِنْ أَهْشَنْتَنِي فَمَنْ ذَا  
 الَّذِي يُكْرِمُنِي، وَإِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْنِي  
 فَمَنْ ذَا الَّذِي يَغْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ

هرگونه و هر کجا که تو بخواهی انجام می شود. و تو خود خواسته‌ای که آنچه بدان داناتری محقق گردد و تو هرگز در آفرینش و خواسته‌هایت مورد اتهام نیستی. و سرانجام برگزیدگان و جانشینان تو مغلوب و مقهور و مورد غضب قرار گرفتند و می‌بینند که فرمان تو تبدیل یافته و کتاب تو مورد دستبرد قرار گرفته و احکام تو از راههای شریعت تو منحرف گشته و سنتهای پیامبرت ترک شده است.

(۱۰) خدا یا دشمنان پیامبر ﷺ وآل او را از گذشتگان و آیندگان و همه کسانی را که راضی به فعل آنها هستند و رهروان راه آنها و پیروانشان را مورد لعن و نفرین خود قرار ده. (۱۱) خدا یا بر محمد ﷺ وآل او درود فرزت، همانا تو ستایش شده ویزرنگی، همانند درود و برکت وسلامی که برای برگزیدگانست یعنی حضرت ابراهیم وآل ابراهیم داشته‌ای و در گشايش ویشارات ویاری وقدرت بخشیدن و تأیید در حق پیامبر ﷺ وآل او شتاب کن.

(۱۲) خداوندا مرا از یکتاپرستان و مؤمنان به خودت و از تصدیق کنندگان به پیامبرت وائمه معصومین ﷺ که پیروی از آنان را واجب دانسته‌ای قرار ده، از کسانی قرار ده که آن توحید و ایمان بوسیله ویدست آنان محقق می‌گردد. دعایم مستجاب کن ای پروردگار عالمیان.  
*کوچکترین طرح رسیدی*

(۱۳) خدا یا خشم تو را جز حلمت بر طرف نمی‌سازد و غضب را جز عفو تو فرو نمی‌نشاند و از عقابت نمی‌رهاند جز رحمت خودت و مرا از کیفر تو نمی‌رهاند جز تصرع بسویت وزاری بدراگاهت. پس بر محمد وآل محمد ﷺ درود فرزت. وای معبد من از جانب خودت ویا قدرتی که با آن مردگان زنده می‌سازی و سرزمهنهای مرده را حیاتی دوباره می‌بخشی، گشايشی در کار من فراهم ساز. (۱۴) و مرا - ای معبد من - در حال اندوه و حسرت نمیران تا اینکه دعایم مستجاب کنی و اجابت خواسته‌ام را به من بفهمانی و طعم سلامتی تا پایان عمرم را به من بچشانی. و دشمنم را نسبت به من شاد مکن و او را بر من مسلط مساز و تواناییش مده. (۱۵) ای خدای من، اگر تو مرا بلند گردانی، چه کسی تواند فرود آورد. و اگر تو مرا خوار و پست گردانی، چه کسی تواند بالایم برد. و اگر تو مرا بزرگ بداری، کیست که تواند مرا ذلیل گرداند و اگر تو مرا کوچک کنی، کیست که بتواند بزرگم بدارد. و اگر تو مرا عذاب فرمایی، چه کس بر من رحم

أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ  
يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الْضَّعِيفِ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ - يَا  
إِلَهِي - عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا。(١٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضاً، وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصْباً، وَمَهْلِنِي، وَنَفْسِنِي،  
وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَلَا تَبْتَلِنِي بِبَلَاءٍ عَلَى أَثْرِ بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَفْفِي  
وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ.(١٧) أَغُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضِيبِكَ،  
فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِذْنِي.(١٨) وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ  
سَخَطِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِزْنِي.(١٩) وَأَسْأَلُكَ أَمْنَاً مِنْ  
عَذَابِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمِنْتِي.(٢٠) وَأَسْتَهْدِيكَ، فَصَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي(٢١) وَأَسْتَشْرِيكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَانْصُرْنِي.(٢٢) وَأَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي  
(٢٣) وَأَسْتَكْفِيكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي(٢٤) وَأَسْتَرْزِقُكَ،  
فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي(٢٥) وَأَسْتَعِينُكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَأَعِنْتِي.(٢٦) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ، وَاغْفِرْنِي.(٢٧) وَأَسْتَغْصِمُكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَاغْصِمْنِي، فَإِنِّي لَنْ أَغُوذُ لِشَيْءٍ كَرِهَتَهُ مِنْتَ إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ.  
(٢٨) يَا رَبَّ يَا رَبَّ، يَا حَنَانُ يَا مَنَانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، صَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتَكَ وَ طَلَبْتَ إِلَيْكَ وَرَغَبْتُ  
فِيهِ إِلَيْكَ، وَأَرِذْهُ وَقَدْرَهُ وَأَفْضِهِ وَأَمْضِهِ، وَخِرْ لِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ،  
وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَأَسْعِدْنِي بِمَا تُفْطِبِنِي مِنْهُ،  
وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَصَلُّ ذَلِكَ

آورد و اگر هلاکم سازی چه کسی تواند در کار تو نسبت به بندهات اعتراض و یا درباره او سؤال کند. ومن می دانم که در حکم تو هرگز ستمی روانمی شود و در انتقام تو هرگز شتابی نیست و شتاب فقط در کار کسی است که می ترسد فرصت از دستش برود و تنها فرد ضعیف است که نیازمند کار ظالمانه است وای معبد من، تو بسیار بلند مرتبه تر از آنی که به این امور آلوده باشی. (۱۶) خداوندا بر محمد ﷺ وآل محمد (۷) درود فرست و مرا هدف بلاایا و در معرض تیرهای انقامت قرار مده و به من مهلتی عطا کن و مرا از اندوه و غم برهان واخ خطایم درگذر و مرا به گرفتاریهای پیاپی دچار مکن، که تو خود ضعف و بیچارگی وزاری ام بدرگاهت را می بینی. (۱۷) خداوندا امروز من از خشم تو به خودت پناه می آورم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا در پناه خودگیر. (۱۸) و امروز از قهر وعداب تو به آستان خودت پناهنه می شوم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و پناهندگیم را بپذیر. (۱۹) واخ تو درخواست می کنم که مرا از عذابت درامان نگه داری، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و امامت بد. (۲۰) واخ تو طلب هدایت می کنم، پس بر محمد وآل او درود فرست و هدایتم فرما. (۲۱) واخ تو یاری می جویم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا یاری فرما. (۲۲) واخ تو درخواست رحمت دارم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و بر من رحم کن. (۲۳) واخ تو می خواهم که در هر امری کفایتم کنم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا کافی باش. (۲۴) واخ درگاهت روزی می طلبم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و روزیم ده. (۲۵) واخ آستانت کمک می طلبم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و کمکم بنما. (۲۶) و نسبت به گناهانی که انجام داده ام از تو طلب آمرزش می کنم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا مورد آمرزش قرار ده. (۲۷) واخ تو درخواست می کنم که مرا از لغزشها حفظ کنم، پس بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و مرا حفظ کن، براستی اگر تو مرا حفظ کنم هرگز به انجام آنچه تو از آن کراحت داری باز نخواهم گشت. (۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای مهربان وای صاحب احسان، ای دارای جلالت و اکرام، بر محمد ﷺ وآل او درود فرست و برايم اجابت کن همه آنچه را که از تو مسأله نمودم و در طلب آن بسوی تو آمدم و در راه آن میل به تو پیدا کردم. و آن را اراده کن و مقدر ساز و بدان حکم کن و به اتمام رسان و در آنچه به آن حکم می کنم

بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمَهَا، يَا أَزْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأْتَكَ،  
وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْفَرَّاءِ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(٤٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعٍ  
كَيْدِ الْأَعْدَاءِ، وَرَدَّ بِأُسْبِّهِمْ:

(١) إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهُوْتُ، وَوَعَظْتَ فَقَسَوْتُ، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ  
فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتُنِيهِ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَاقْلَتَ،  
فَعَذْتُ فَسَرَّتَ، فَلَكَ - إِلَهِي - الْحَنْدُ. (٢) تَقْحَمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ،  
وَخَلَّتْ شِعَابَ تَلْفِيْتِي، تَعْرَضْتُ فِيهَا لِلشَّطْوَاتِكَ وَبَخْلُولَهَا عُقوَبَاتِكَ.  
(٣) وَسِيلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ، وَذَرْيَعَتِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئاً،  
وَلَمْ أَتَخِذْ مَعْكَ إِلَهًا، وَقَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَإِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُبَشِّيِّ،  
وَمَفْرَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظْنِ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ. (٤) فَكُمْ مِنْ عَدُوٍ اشْتَضَى عَلَيَّ  
سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَلِي ظُبَّةَ مُدْبِتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَاحَدَهُ، وَدَافَ  
لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَّابَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَسْمِ عَنِّي  
عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسْوَمِنِي الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي رُعَايَ  
مَرَارَتِهِ. (٥) فَنَظَرْتَ - يَا إِلَهِي - إِلَيَّ ضَغْفِي عَنِ الْخِتَمَالِ الْفَوَادِحِ،  
وَعَجْزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ  
عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي، وَأَرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُغْمِلْ فِيهِ فِكْرِي.

برايم خير بخواه وبر من مبارك گردان ويا آن بر من تفضل فرما ويا آنچه بمن عطا  
مي فرمایي سعادتمندم کن واز فضل وگستره آنچه نزد توست بر من افزون فرما، همانا  
تو گشاده دست وکريمي، و اين همه را به خير آخرت ونعمتهاي آن متصل فرما اي  
مهر باشتن مهر بانان.

تذکر: پس از اين دعا، به آنچه بخواهی می توانی دعا کني وير محمد ﷺ وآل او  
هزار بار درود فرستي. و خود حضرت امام سجاد علیه السلام چنین می کردند.

### دعای چهل و نهم:

#### در دفع حیله دشمنان و باز گردانیدن خطر و ضرر آنان

(۱) خدا يا تو هدایتم فرمودي و من در لهویات و غفلت ماندم، و تو مرا نصیحت  
فرمودي و من سنگدل شدم، و يه من نیکویی های فراوان دادی و من مرتكب معصیت  
شدم و پس از این همه در پرتو معرفتی که به من دادی، به آنچه تو در حقم انجام داده  
بودی آگاه شدم ولذا استغفار کردم و تواز خطايم در گذشتی و دوباره بسوی تو باز  
گشتم، و تو گناهاتم را پوشاندي، پس ای معبود من، تنها تو را سپاس. (۲) من در وادي  
هلاکت فرو افتاده ام و در راههای تلف و تابودی وارد شده ام و در آن وادیها در معرض  
غلبه وسلطه سخت تو هستم ويا ورود در آن راهها خود را در معرض عقاب تو قرار  
داده ام (۳) وسیله من بسوی تو یکتاپرستی است وابزارم این است که چیزی را  
شريك تو قرار نداده ام و معبودی را در کنار تو بر نگزیده ام ويا جان و دل بسوی تو  
گریخته ام. و راه فرار گناهکار تنها بسوی توست و تو بی پناهگاه کسی که بهره جانش را  
ضایع ساخته و يه تو پناهنده شده است. (۴) پس چه بسا دشمنی که شمشیر  
دشمنیش را در برابر من از نیام بر کشیده و لب تیغش را برای من تیز کرده و تیغه اش را  
برای من صیقل داده وزهرهای مرگبارش را برای من با آب مخلوط ساخته و مرا  
در برابر تیرهایی که هرگز بخطا نمی روند هدف قرار داده و چشم نگاهبانش هیچگاه  
از من برداشته نشده و نخفته است و در دل خواسته که شر و بدیم به من برسد وقصد  
نموده که از آب تلغی و ناگوار آن شر به من بتوشاند. (۵) سپس ای معبود من، تو بر  
ضعف من در تحمل سختیها و بر ناتوانیم در انتقام از کسی که قصد جنگ با من دارد  
و بر تنهايم در برابر کثرت جمعیتی که با من دشمنی می کند وقصد دارد مرا در آنچه  
بدان نیاندیشیده ام گرفتار سازد، نظر کردي.

(٦) فَابْتَدَأْتِي بِنَصْرِكَ، وَشَدَّدْتَ أَزْرِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَّتَ لِي حَدَّهُ،  
وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ، وَأَغْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ  
مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ، فَرَدَّتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ، وَلَمْ يَسْكُنْ عَلَيْهِ،  
قَدْ عَضَ عَلَى شَوَاهُ وَأَدْبَرَ مُولَيَا قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ. (٧) وَكَمْ مِنْ  
بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَائِدِهِ، وَوَكَلَ بِي تَفَقَّدَ  
رِعَايَتِهِ، وَأَضْبَأَ إِلَيَّ اِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ اِنْتِظَارًا لِإِنْتِهَازِ  
الْفُرْصَةِ لِفَرِيسَتِهِ، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلْقِ، وَيُنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ  
الْحَنْقِ. (٨) فَلَمَّا رَأَيْتَ - يَا إِلَهِ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ - دَغَلَ سَرِيرَتِهِ،  
وَقُبَّحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أَزْكَسْتَهُ لِأُمَّ رَأْسِهِ فِي زُبُّتِهِ، وَرَدَّتَهُ فِي  
مَهْوِي حُفْرَتِهِ، فَانْقَعَ بَعْدَ اِسْتِطَالِتِهِ ذَلِيلًا فِي رِيقِ جِبَالِتِهِ الَّتِي كَانَ  
يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ أَنْ يَحْلُّ بِي لَوْلَأْرَخْمَتَكَ مَا حَلَّ  
بِسَاحِتِهِ. (٩) وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بِغُصَّتِهِ، وَشَجَحَ مِثْيَ  
بِغَيْظِهِ، وَسَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَحَرَنِي بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَجَعَلَ  
عِزْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيَهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالًا لَمْ تَرَلْ فِيهِ، وَوَحَرَنِي  
بِكَيْدِهِ، وَقَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ. (١٠) فَثَادَيْتَكَ - يَا إِلَهِ - مُسْتَغْشاً  
بِكَ، وَاثِقاً بِسُرُوعَةِ اِجْايِتِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهُدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ  
كَنْفِكَ، وَلَا يُفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ اِنْتِصَارِكَ، فَحَصَّشَنِي مِنْ بَأْسِهِ  
بِقُدْرَتِكَ. (١١) وَكَمْ مِنْ سَحَّاَتِبِ مَكْرُوهِ جَلِيلَتِهَا عَنِّي، وَسَحَّاَتِبِ نَعْمِ  
أَفْطَرَتِهَا عَلَيَّ، وَجَدَأِولِ رَحْمَةِ نَشَرَتِهَا، وَعَافِيَةِ الْبَشَّرَها، وَأَغْيَنِ  
أَخْدَاثِ طَمَسَتِهَا، وَغَواشِي كُؤْبَاتِ كَشَفَتِهَا. (١٢) وَكَمْ مِنْ ظَنِّ  
حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَعَدَمِ جَبَرَتَ، وَصَرْعَةِ اِنْعَشَتَ، وَمَسْكَنَةِ حَوَّلتَ.

(۶) پس خود به یاری من آغاز نمودی و با تواناییت پشتم را محکم ساختی و سپس تیزی حریه دشمن را در هم شکستی و او را پس از آنکه به جماعتی مبدل شده بود تنها ساختی و مرا بر او غلبه دادی و آنچه را او محکم ساخته بود به خودش بازگرداندی و در حالیکه خشمش فرو ننشسته و غضبیش آرام نگرفته او را پس زدی، واو سرانگشتان خود به دندان گزید و روی بر تافت در حالیکه یاورانش به وعده هائی که به او داده بودند، عمل نکردند. (۷) وچه بسیار ظالمی که با مکر و حیله بر من ستم نمود و در برابر من دام شکارش را گسترانید و مراقبت و جستجویش را بر روی من متمرکز ساخت و در کمین من نشست آنسان که درندگان در کمین شکارشان می نشینند و در انتظار به چنگ آوردن فرصت برای شکار طعمة خویش اند در حالیکه دشمن من در ظاهر به من روی خوش نشان می دهد و تملق می گوید و در عین حال با خشمی تند به من نگاه می کند. (۸) پس تو - ای پروردگار من که مبارک ویرتی - چون فریبکاری باطن او وزشتی آنچه در ضمیرش پنهان است را دیدی او را در چاله ای که برای شکارش کنده بود با مغز سر، در افکنندی و در پرتابگاه چاهی که حفر نموده بود، سرنگون ساختی و سرانجام پس از طغیان و سرکشی و در اوج ذلت و خواری در بندی گرفتار شد که می خواست مرا در آن گرفتار بینند و اگر لطف تو نبود نزدیک بود آنچه بر سر او آمد، بر من فرود آید. (۹) وچه بسا بخیلی که بخاطر حسادت بر من غم و غصه گلوگیرش شد و خشمش چون استخوان در حتجره اش ماند و بازیابیش مرا نیش زد و با نسبت دادن عیوب خودش به من، مرا مورد غصب شدید قرار داد و حیثیت مرا آماج تیرهای خود گرفت و صفات ناپسند را که همواره در خودش بود همچون قلادهای برگردانم آویخت و با حقه و نیرنگ مرا مشمول غصب قرار داد و با فریبکاری قصد من نمود. (۱۰) پس - ای پروردگارم - من تو را فریاد کردم واز تو کمک خواستم، چرا که به سرعت اجابت تو مطمئن بودم و می دانستم که اگر کسی در پرتو حمایت تو جای گیرد، هرگز مغلوب نمی گردد و آنکس که مشمول یاری و پیروزی تو قرار گیرد، هرگز به دیگری پناه نمی برد، و تو با قدرت خود مرا از خطر دشمن حفظ فرمودی.

(۱۱) وچه بسیار ابرهای مصیبت بار که آنها را از بالای سر من کنار زدی و چه فراوان ابرهای نعمت که از آنها باران رحمت بر سرم ریختی و نهرهای مرحمت که بسوی من جاری ساختی ولباس عافیت که بر من پوشاندی و چشمهاي مصیبت آفرین که آنها را کور کردی و پردههای مشکلات و بلاهای از هم دریدی. (۱۲) وچه بسیار گمانهای خوب که آنها را محقق ساختی و نقص و کمبودها که آنها را جبران فرمودی و افتادگی ها که بر پاداشتی و تنگدستی ها که به توانگری مبدل ساختی.

(١٣) كُلُّ ذَلِكَ انْغَامًا وَ تَطْوِلاً مِنْكَ، وَ فِي جَمِيعِهِ أَنْهِمَا كَا مِنِّي عَلَى  
مَعَاصِيكَ، لَمْ تَمْنَعْكَ إِسَاءَتِي عَنِ اِثْنَامِ إِخْسَانِكَ، وَ لَا حَجَرَنِي ذَلِكَ  
عَنِ اِرْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ، لَا تُشَائِلُ عَمَّا تَفْعَلُ. (١٤) وَ لَقَدْ سُئِلْتَ  
فَأَعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُشَائِلْ فَأَبْشَدَتَ، وَ اسْتَمِعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْدَيْتَ، أَبَيْتَ  
يَا مَوْلَايَ - إِلَّا إِخْسَانًا وَ اِمْتِنَانًا وَ تَطْوِلاً وَ انْغَامًا، وَ أَبَيْتَ إِلَّا تَقْحِمَ  
لِحُرُومَاتِكَ، وَ تَعْدِيًّا لِحُدُودِكَ، وَ غَفْلَةً عَنِ وَعِدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ  
- إِلَهِي - مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ، وَ ذِي أَنَاءٍ لَا يَغْبَلُ. (١٥) هَذَا مَقَامٌ مِنْ  
اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النَّعْمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْسِيرِ، وَ شَهَدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ.  
(١٦) اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيقَةِ، وَ الْعَلَوِيَّةِ  
الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْتَعِذُنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا  
يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَ لَا يَسْكَدُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٧) فَهَبْ لِي - يَا إِلَهِي - مِنْ هَرَمِ حَمِّتِكَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا  
أَتَخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجْ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ أَمْنٌ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ، يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٥٠)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا، وَ رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا

(۱۳) همه اینها از لطف و احسان توست و در تمام آنها من در نافرمانی و معصیت تو کوشیده‌ام اما بدی من هیچگاه از احسان تمام تو در حق من جلوگیری نکرده است و این همه نعمت مرا از ارتکاب آنچه موجب خشم توست باز نداشته است. واز تو در آنچه انجام می‌دهی سؤال نمی‌شود.

(۱۴) و براستی هرگاه از تو چیزی در خواست شده، عطا فرموده‌ای و آنگاه هم که چیزی در خواست نشده، خود به بخشش آغاز نموده‌ای و اگر از احسان در خواست شده، کم نداده‌ای. ای مولای من، تو جزا احسان واکرام و بخشش و انعام برای ما چیزی نمی‌خواهی ولی من جز فرو رفتن در محترمات و تجاوز نسبت به قوانین تو و غفلت از تهدیدهای توکاری ندارم. پس سپاس و شکر تنها از آن توست. ای معبد من، ای قادری که هرگز مغلوب واقع نمی‌شوی وای مهلت دهنده‌ای که هرگز در عقوب، شتاب نمی‌کنی.

(۱۵) جایگاه من، هم اینک، جای کسی است که به وفور نعمتهاي تو اعتراف دارد اما در برابر اين همه نعمت کوتاهی کرده و خودگواهی می‌دهد که حق تو را تضییع نموده است.

(۱۶) بار پروردگارا من به مقام پلند پایه محمدی ﷺ و مرتبت والای علوی ﷺ بسوی تو تقرب می‌جویم و توجهم به توست که به حق آن دو بزرگوار مرا از شر این و آن مصون بداری که این امر با توجه به توانگری تو هرگز سخت و دشوار نیست و با قدرتی که داری هرگز تو را رنجور نمی‌سازد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای معبد من، از رحمت و توفیق مستمر خویش آن قادر به من عطا کن که آن را نردبانی سازم و به سوی مقام رضوان تو بالا روم و از عقاب تو در امان باشم. ای مهریانترین مهریانان.

### دعای پنجاه:

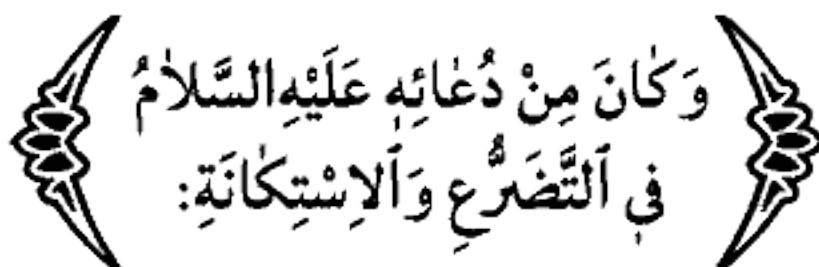
#### در باب ترس از خدا

(۱) خدا ایا تو مرا باعتدال آفریدی و در طفویلت پرورشم دادی و به میزان کفايت روزی ام عطا کردي.

(٢) اللهم إني وجدت فيما أتركت من كتابك، وبشرت به عبادك  
 آن قلْتَ: يا عبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ،  
 إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ  
 بِهِ مِنِّي، فَيَا سَوَّاتِي مِمَّا أَخْصَاهُ عَلَيَّ كِتابِكَ (٣) فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي  
 أُوْمِلَّ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَلْقَيْثُ بِيَدِي، وَلَوْلَا أَنَّ أَحَدًا  
 اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَأَنْتَ لَا تَخْفِي  
 عَلَيَّ خَافِيَّةً فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتُ بِهَا، وَكَفَى بِكَ  
 جَازِيًّا، وَكَفَى بِكَ حَسِيبًا. (٤) اللهم إِنَّكَ طَالِبِي إِنَّ أَنَا هَرَبْتُ،  
 وَمُذْرِكِي إِنَّ أَنَا فَرَرْتُ، فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ، إِنَّ  
 تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِذَلِكَ أَهْلٌ، وَهُوَ - يَا رَبَّ - مِنْكَ عَدْلٌ، وَإِنْ تَغْفُ عَنِّي  
 فَقَدْ بِمَا شَمَلْنِي عَفْوَكَ، وَالْبَشَّاشِي عَافِيَّتَكَ. (٥) فَاسْأَلْكَ - اللهم -  
 بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتُهُ الْجُنُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ  
 هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّوْمَةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِي لَا تَسْتَطِعُ  
 حَرَقَ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِعُ حَرَقَ نَارِكَ؟! وَالَّتِي لَا تَسْتَطِعُ صَوْتَ  
 رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟! (٦) فَازْحَمْنِي - اللهم -  
 فَإِنِّي امْرُؤٌ حَقِيرٌ، وَخَطَرِي يَسِيرٌ، وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ  
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْلَا أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَائِلُكَ الصَّبَرَ عَلَيْهِ،  
 وَأَخْبَيْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ - اللهم - أَعْظَمُ، وَمُلْكُكَ  
 أَذَوْمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاغَةُ الْمُطْبِعِينَ، أَوْ تَسْقُصَ مِنْهُ مَغْصِيَّةُ  
 الْمُذْنِبِينَ. (٧) فَازْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَتَجاوَزْ عَنِّي يَا  
 ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، وَثُبِّ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

(۲) خداوند امن در آیاتی که بعنوان کتاب آسمانی نازل فرموده‌ای و بندگان را بدان بشارت داده‌ای یافتم که چنین فرمودی: ای بندگان من که بر جان خویش اسراف کرده و تجاوز نموده‌اید، هرگز از رحمت خدا نا امید نشوید، چراکه خداوند همه گناهان را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد. و در گذشته گناهانی که تو خود از آنها آگاهی و کم و کیف آنها را از من بهتر میدانی از من سرزده است. پس وای بر من از آنچه تو در نامه اعمالم نوشته‌ای. (۳) واگر جای امیدواری به عفو تو که همه چیز را شامل می‌شود نبود، خود را هلاک می‌ساختم و اگر امکان می‌داشت که کسی از پروردگارش بگریزد، براستی من از همه سزاوارتر بودم که از تو بگریزم. و هیچ چیز در زمین و آسمان از تو پنهان نمی‌ماند و تو آن را حاضر می‌کنی و مجازات و محاسبه تو در قیامت، کفایت خواهد کرد. (۴) پروردگارا، من اگر از تو می‌گریزم، تو طالب منی واگر من از تو فرار می‌کنم، تو بدنیال منی. واينک من با حال خضوع و ذلت و افتادگی در پیشگاه تو سربه فرمایم. اگر مرا عذاب کنی، بحق شایسته آنم و این امر از جانب تو عین عدل است. واگر مرا ببخشی، همچون گذشته عفو شامل حالم شده و لباس بخششت را بر تنم پوشانده‌ای. (۵) پس ای پروردگار من، لز تو در بخواست می‌کنم به حق اسمائی که نزد خود پنهان داری و به حق آن جمالی که پرده‌ها مانع از درخشش آن شده‌اند، بر این نفس نالان و بر این تکه استخوان ناتوان رحم آور. نفسی که تحمل گرمای خورشیدت را ندارد پس چگونه حرارت آتش دوزخت را تحمل تواند کرد؟ و نیز کسی که نمی‌تواند صدای رعد آسمان را بشنود، چگونه تاب شنیدن صدای خشم تو را دارد؟! (۶) پس ای خدای من، بر من رحم کن، من فردی کوچک و ناچیز، و ارزشی اندک دارم و عذاب من هرگز به مقدار متفاوت و ذره‌ای بر سلطنت تو نمی‌افزاید و اگر عذاب کردن من چیزی بر ملک تو می‌افزود از تو می‌خواستم که به من صبر در این عذاب را عطا کنی و دوست می‌داشتم که آن فزونی در ملک تو محقق گردد. ولی خدایا سلطنت تو بزرگتر و ملک تو با دوام تراز آن است که اطاعت فرمانبران چیزی بر آن بیفزاید و با نافرمانی گناهکاران چیزی از آن بکاهد. (۷) پس ای مهریانترین مهریانان، بر من رحم کن وای صاحب جلال و اکرام، از من درگذر و توبه‌ام بپذیر که براستی تو، توبه پذیر و مهریانی.

(٥١)



(١) إِلَهِي أَخْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنْبِعَكَ إِلَيَّ، وَسُبُوغٍ  
نَعْمَائِكَ عَلَيَّ، وَجَزِيلٍ عَطَايَكَ عِنْدِي، وَعَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ  
رَحْمَتِكَ، وَأَشْبَعْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدِ اضْطَنَغْتَ عِنْدِي مَا يَفْجُرُ  
عَنْهُ شُكْرِي. (٢) وَلَوْلَا إِخْسَانُكَ إِلَيَّ وَسُبُوغُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ  
إِخْرَازَ حَظِّي، وَلَا إِصْلَاحَ تَفْسِي. وَلِكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِخْسَانِ،  
وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلُّهَا الْكِفَايَةُ، وَصَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ،  
وَمَنَعْتَ مِنِي مَخْذُورَ الْقَضَاءِ. (٣) إِلَهِي فَكُمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ  
عَنِّي، وَكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَفْرَزْتَ بِهَا عَيْتِي، وَكُمْ مِنْ صَنْبِعَةٍ كَرِيمَةٍ  
لَكَ عِنْدِي (٤) أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَأَقْلَتَ عِنْدَ  
الْعِثَارِ زَلْتِي، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلْمِتِي. (٥) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ  
بِخَيْلًا حِينَ سَأَلْتُكَ، وَلَا مُنْقِبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي  
سَامِعًا، وَلِمَطَالِبِي مُعْطِيًّا، وَوَجَدْتُ نُعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأنٍ  
مِنْ شَأنِي وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ، وَصَنْبِعُكَ  
لَدَيَّ مَبْرُورٌ. (٦) تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَتَلَقَّ الْوَفَاءَ  
وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي، فَنَجَّنِي مِنْ سُخْطِكَ.

## دعای پنجاه ویکم:

### در هنگام خضوع وزاری به درگاه خداوند

(۱) ای معبد من، تنها تو شایسته حمد و سپاسی و من تو را شکر می‌کنم بر رفتار نیکویت در حق من، و بر وفور نعمتهاایت و افزونی عطاهاایت بر من، و بر رحمتی که بواسطه آن مرا برتری بخشدیدی و بر نعمتی که آن را بر من نازل فرمودی، براستی تو در حق من لطفهای نمودهای که من از شکر و سپاس آنها عاجزم.

(۲) و اگر احسان و ریزش نعمتهاای تو بر من نبود، من به بهره و سودی نمی‌رسیدم و توفیق اصلاح نفسم را پیدا نمی‌کردم، اما تو در حق من به احسان و نیکی آغازکردی و کفایت در همه امورم را به من ارزانی داشتی و بلا را از من دور کردی و عواقب در دناک قضا و قدر را از من باز داشتی.

(۳) ای معبد من، چه بسیار گرفتاریهای سخت که از من بگردانیدی، و چه فراوان نعمتهاای بیشمار که چشمم بدانها روشن ساختی و چه بسیار رفتارهای بزرگوارانه که در حق من انجام دادی.

(۴) تو بی که به هنگام بیچارگی، خواسته مرا اجابت فرمودی و به هنگام لغزشها، از خطای من در گذشتی وانتقام مرا از ستمگران گرفتی.

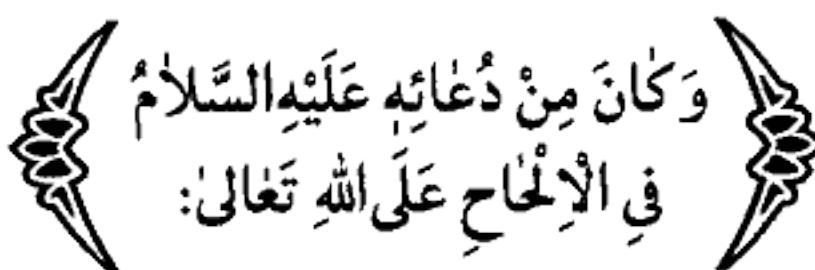
(۵) خدا بایا من هرگز تو را به هنگام مسئلت، بخیل نمی‌بینم و آنهنگام که به تو رو می‌کنم، گرفته و ممیک نمی‌بایم، بلکه احساس می‌کنم که تو دعایم می‌شنوی و خواسته ام عطا می‌کنی و می‌بایم که نعمتهاای تو در هر شانی از شئون و در هر زمانی از زمانها بر من فرو می‌ریزد. پس تنها تو مورد ستایش منی واين رفتار توست که نزد من نیکوست.

(۶) جان و زبان و عقل من تو را سپاس می‌گویند، سپاسی که به حد کمال و به حقیقت شکر می‌رسد، سپاسی که نهایت رضایت تو از من است، پس مرا از خشم و غضب خودت برهان.

(٧) يَا كَهْفِيْ حِينَ تُغِيْسِنِيْ الْمَذَاهِبُ وَيَا مُقِبِلِيْ عَشَرَتِيْ، فَلَوْلَا سَرُوكَ عَوْرَتِيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوشِينَ، وَيَا مُؤَيِّدِيْ بِالنَّصْرِ، فَلَوْلَا نَصْرُوكَ إِيَّاَيِ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَةِ عَلَىَّ أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطُواهِمْ خَائِفُونَ، وَيَا أَهْلَ الشَّقْوَىِ، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْخُشنَىِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفُوْ عَنِّي، وَتَغْفِرْ لِي فَلَمْتُ بَرِيَاً فَأَعْتَذِرَ، وَلَا يَذِي قُوَّةٍ فَانْتَصِرَ، وَلَا مَفْرَلِي فَافِرَ. (٨) وَأَسْتَقِبِلُكَ عَشَرَاتِيْ، وَأَتَنْصَلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِيِّ الَّتِي قَدْ أَوْ بَقَشَتِيْ، وَأَخَاطَتِ بِي فَأَهْلَكَتِيْ، مِنْهَا فَرَزَتُ إِلَيْكَ - رَبَّ - تَائِبًا فَتَبَعَّثَ عَلَيَّ، مُسْعَودًا فَأَعِذْنِي، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَحْذُلْنِي، سَائِلًا فَلَا تَخْرِمْنِي مُغْتَصِمًا فَلَا تُسْلِمْنِي، دَاعِيَا فَلَا تَرْدَنِي خَائِبًا. (٩) دَعَوْتُكَ - يارَبَّ - مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًا، فَقِيرًا، مُضْطَرًا إِلَيْكَ. (١٠) أَشْكُوكَ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَغَفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارِعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَّاَكَ، وَالْمُجَاهَبَةِ عَمَّا حَذَرَتَهُ أَعْدَاءَكَ، وَكُفْرَةَ هُمُومِيِّ، وَوَسْوَسَةَ نَفْسِيِّ. (١١) إِلَهِي لَمْ تَفْضُخْنِي بِسَرِيرَتِيِّ، وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِيِّ، أَدْعُوكَ فَتُجِيئِنِي وَإِنْ كُنْتُ بِطِيشًا حِينَ تَدْعُونِي، وَأَسْأَلُكَ كُلُّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِيِّ، وَحِينَ مَا كُنْتُ وَضَعَتْ عِنْدَكَ سِرِّيِّ، فَلَا أَدْعُوْ سِواكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ (١٢) لَيَّنِيكَ تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ، وَتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَتُخَلِّصُ مَنْ اغْتَصَمَ بِكَ، وَتُفْرِجُ عَمَّنْ لَادَ بِكَ. (١٣) إِلَهِي فَلَا تَخْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِيِّ، وَأَغْفِرْ لِي مَا تَعْلَمَ مِنْ ذُنُوبِيِّ. (١٤) إِنْ تَعْذِبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَيِّعُ الْأَثِيمُ الْمُقْسِرُ الْمُضَاجِعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِيِّ، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۷) ای پناهگاه من هنگامیکه راهها و مسلکهای گوناگون مرا ناتوان ساخته‌اند.  
 وای درگذرندۀ از لغزش‌های من، اگر چشم‌پوشی تو از زشتیهایم نبود، به تحقیق من از  
 رساییان بودم. وای تأیید کننده من به یاری و نصرت، اگر یاری تو نبود، به راستی از  
 شکست خورده‌گان بودم. وای کسی که پادشاهان در برابر او یوغ ذلت و خواری بر  
 گردنهایشان افکنده‌اند و از هیبت و اقتدار او هراسناکند، وای اهل تقوی و وای کسی که  
 نامهای زیبا از آن توست، از تو درخواست می‌کنم که مرا ببخشی و بی‌امزی. من  
 بی‌گناه نیستم که عذرم پذیرفته باشد و دارای توانی نیستم که پیروز گردم و راه فراری  
 ندارم که بگریزم. (۸) واز تو می‌خواهم که از خطاهایم درگذری و در آستانت بیزاری  
 می‌جویم از گناهانی که مرا به فلاکت انداخته و احاطه‌ام کرده و به هلاکت کشانده  
 است. ای پروردگار من، از آن گناهان با حال پشیمانی به سوی تو گریخته‌ام، پس  
 توبه‌ام پذیر. به تو پناه آورده‌ام، پس پناهم ده. به تو روی آورده‌ام، پس خوارم مسان.  
 دست گدایی به سوی تو دراز کرده‌ام، پس محروم مفرما. به ریسمان تو چنگ  
 انداخته‌ام پس تسلیم دیگری ام مکن. تو را می‌خوانم در حالی که مسکینم، نالانم، ترسانم، هراسانم،  
 بی‌مناکم، گدایم و بیچاره آستان توام. (۹) ای معبد من، به تو شکایت می‌آورم از  
 ناتوانیم در اقدام سریع به آنچه که به اولیات وعده داده‌ای، و در پرهیز از آنچه که  
 دشمنانت را از آنها بیم داده‌ای، واز فراوانی غمها و از وسوسه دلم. (۱۰) معبد،  
 تاکنون مرا به خاطر نیتهايم رسوانکرده‌ای و به خاطر گناهانم هلاک نساخته‌ای. هرگاه  
 تو را می‌خوانم مرا اجابت می‌کنی گرچه من در آن هنگام که تو مرا می‌خوانی کاهم.  
 و هرگاه من حاجتی داشته باشم از تو درخواست می‌کنم و در هر کجا باشم رازم را  
 نزد تو فاش می‌گویم و جز تو را نمی‌خوانم و به هیچکس غیر تو امید ندارم.  
 (۱۱) خدایا اجابت، اجابت. آنکس که به تو شکایت آورده، صدایش می‌شنوی و آنکس  
 که بر تو توکل نماید، به دیدارش می‌روی و هر کس را که به ریسمان تو چنگ زند  
 نجات می‌دهی و آنکس را که به تو پناهندۀ شود، از گرفتاری می‌رهانی. (۱۲) ای  
 معبد من، پس به خاطر کمی شکرگزاریم، مرد از خیر آخرت و دنیا محروم مفرما و آنچه  
 از گناهانم می‌دانی بیخش. (۱۳) اگر عذابم کنی، البته منم که ظالم و مت加وز و ضایع  
 کننده و گناهکار و مقصّر و اگذارنده و غافل از نصیب خویشم. و اما اگر مرا ببخشی،  
 توبی که مهریاترین مهریانانی.

(٥٢)



(١) يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفِي عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَااءِ، وَكَيْفَ يَخْفِي عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ، وَكَيْفَ لَا تُخْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ، أَوْ كَيْفَ يَغْيِبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ ثَدَبْرُهُ، أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِعُ أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرْزَقَكَ، أَوْ كَيْفَ يَشْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ. (٢) سُبْحَانَكَ! أَخْشَى خَلْقَكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ (٣) سُبْحَانَكَ! لَا يَنْفَضُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ، وَكَذَّبَ رُسْلَكَ، وَلَيْسَ يَسْتَطِعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ، وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدرَتِكَ، وَلَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ، وَلَا يُعْمَرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ. (٤) سُبْحَانَكَ! مَا أَعْظَمَ شَانَكَ، وَأَفْهَرَ سُلْطَانَكَ، وَأَشَدَّ قُوَّاتِكَ، وَأَنْفَدَ أَمْرَكَ! (٥) سُبْحَانَكَ! قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ: مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَكُلُّ ذَآئِقُ الْمَوْتِ، وَكُلُّ صَائِرَةِ إِلَيْكَ، فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (٦) أَمْتَثَّ بِكَ، وَصَدَقْتُ رُسْلَكَ، وَقِيلْتُ كِتابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِواكَ.

## دعای پنجم و دوم: اصرار در آستان خداوند

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان از تو پنهان نمی‌ماند، وای معبد من، چگونه پنهان بماند چیزی که تو خود خالق آن هستی؟ و چگونه قابل شمارش نباشد چیزی که خود آن را ساخته‌ای؟ یا چگونه از تو غایب شود چیزی که خود آن را تدبیر می‌کنی؟ یا چگونه می‌تواند از تو بگریزد کسی که زندگی او جز به روزی تو بسته نیست؟ یا چگونه می‌تواند از دست تو خود را رها کند کسی که در غیر مملکت تو راهی برای او نیست؟!

(۲) خدایا پاک و پیراسته‌ای! با ترس ترین بندگانت از تو، عالمترین آنان به توست و خاشع ترین آنان در بارگاه تو مطیعترین آنهاست و پست ترین آنان کسی است که تو او را روزی می‌دهی ولی او غیر تو را می‌پرستد.

(۳) خداوندا پاک و منزه‌ی! کسی که مُشرک شود و پیامبران را تکذیب کند از سلطنت تو چیزی نمی‌کاهد. و کسی که حکم تو را ناگوار می‌پندارد نمی‌تواند فرمان تو را بگرداند و کسی که قدرت تو را دروغ می‌شمرد نمی‌تواند از چنگ تو بگریزد و آنکس که غیر تو را پرستش کند از خاطر تو نمی‌رود و آنکس که دیدار تو برایش ناگوار است، در دنیا برای همیشه عمر نمی‌کند.

(۴) خدایا پاک و منزه‌ی! چه قدر مقام تو بزرگ و سلطنت تو غالب و قدرت تو شدید و فرمان تو نافذ است!

(۵) پاک و پیراسته‌ای! برای جمیع بندگانت مرگ را امری حتمی فرار داده‌ای چه آنها که تو را به یکتایی می‌پرستند و چه آنها که به تو کافرند، و همگان مرگ را خواهند چشید و همه به سوی تو باز می‌گردند. پس تو مبارک و والا بی، هیچ معبدی جز تو نیست، یکتایی و هیچ شریکی برای تو نیست.

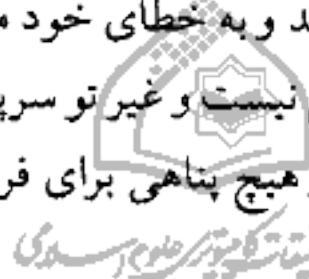
(۶) من به تو ایمان آوردم و رسولانت را تصدیق کردم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبدی غیر تو کافر شدم و از هر کس که غیر تو را عبادت کند، بیزاری جستم.

(٧) اللهم إني أضيع وأفسي مستقلاً لعملي، مغترفاً بذنبي، مُقرراً بخطاياي، أنا يאשר في على نفسي ذليل، عملي أهلكني، و هوائي أزداني، و شهواتي حرمتشي. (٨) فاسألك يا مولاي سؤال من نفسه لأهية لطول أملي، و بدنـه غافل لسكون عروقه، و قلبـه مفتون بكثرة النعم عليه، و فكرـه قليل لما هو صائر إليه. (٩) سؤال من قد غلب عليه الآمل، و فتنـه الهوى، و اشـمكت منه الدنيا، و أظلـه الآجل، سؤال من اشتـكر ذنبـه، و اعـترف بخطـبيـه، سؤال من لا رب له غيرك، و لا ولـي له دونك، و لا منـذـله مـنـكـ، و لا مـلـحـالـه مـنـكـ، إلاـ إـيـكـ. (١٠) إـهـيـ أـشـالـكـ بـحـقـكـ الـواـجـبـ عـلـىـ جـمـيعـ خـلـقـكـ، وـ يـاـشـمـكـ العـظـيمـ الـذـيـ أـمـرـتـ رـسـوـلـكـ أـنـ يـسـبـحـكـ بـهـ، وـ بـجـلـالـ وـ جـهـكـ الـكـرـيمـ، الـذـيـ لـأـ يـئـلـيـ وـ لـأـ يـتـغـيرـ، وـ لـأـ يـخـولـ وـ لـأـ يـفـنـيـ، أـنـ تـصـلـيـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـ أـلـ مـحـمـدـ، وـ أـنـ تـغـيـنـيـ عـنـ كـلـ شـئـ بـعـادـتـكـ، وـ أـنـ تـسـلـيـ نـفـسـيـ عـنـ الدـنـيـاـ بـمـخـافـتـكـ، وـ أـنـ تـشـنـيـنـيـ بـالـكـثـيرـ مـنـ كـرـامـتـكـ بـرـحـمـتـكـ. (١١) فـإـيـكـ أـفـرـ، وـ مـنـكـ أـخـافـ، وـ بـكـ أـسـتـغـبـثـ، وـ إـيـاكـ أـرـجـسـوـ، وـ لـكـ أـذـعـوـ، وـ إـيـكـ الـجـاءـ، وـ بـكـ أـتـيقـ، وـ إـيـاكـ أـسـتـعـيـنـ، وـ بـكـ أـوـمـنـ، وـ عـلـيـكـ أـتـوـكـلـ، وـ عـلـىـ جـوـدـكـ وـ كـرـمـكـ أـتـكـلـ.

(۷) خداوند من همواره که شب را صبح می‌کنم و صبح را به شب می‌رسانم عمل خودم را اندک می‌بینم و به گناهانم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می‌کنم. من به خاطر تعدی به خویشتن ذلیلم، رفتارم مرا هلاک ساخته و هوای نفسم مرا پست و ذلیل گردانیده و شهواتم مرا از توفیقات و بهره‌ها محروم ساخته است.

(۸) پس ای مولای من، به گدایی آمده‌ام، و این گدایی از سوی کسی است که به خاطر آرزوهای دراز روحش بیهوده شده و به خاطر خشکی و بی‌تحرکی رگها جسمش غافل شده و دلش شیفته و شیدای فراوانی نعمتها گشته و فکرش نسبت به آینده‌ای که به سوی آن پیش می‌رود اندک است.

(۹) گدایی کسی است که به راستی آرزو بر او غالب آمده و هوای نفس او را فریب داده و دنیا بر او مسلط گشته و مرگ بر او سایه افکنده است. گدایی کسی است که گناهانش را بسیار می‌داند و به خطای خود معترف است. گدایی کسی است که جز تو پروردگاری برایش نیست و غیر تو سرپرستی ندارد و هیچ کس او را از چنگ تو نجات نمی‌دهد و هیچ پناهی برای فرار از تو جز آستان خودت ندارد.



(۱۰) خدا ایا از تو درخواست می‌کنم به احترام حقی که بر همه مخلوقات داری و به اسم اعظمت که پیامبرت را فرمان دادی نا به آن اسم تو را تسبیح گوید و به عظمت ذات بزرگت که هرگز فرسوده و متغیر نمی‌گردد و دگرگونی و نیستی نمی‌پذیرد، که بر محمد و آل محمد ﷺ درود فرستی و در پرتو بندگی خودت مرا از هر چیزی بی‌نیاز گردانی و با ترس از خودت علاقه به دنیا را از دل من بکنی و با رحمت خود مرا با انبوه کرامتها بیت جفت و همراه گردانی.

(۱۱) پس من به سوی تو می‌گریزم و از تو می‌ترسم و از تو یاری می‌جویم و تنها به تو امید دارم و تو را می‌خوانم و به تو پناهنده می‌شوم و تنها به تو اطمینان دارم و از تو کمک می‌طلیم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می‌کنم و بر بخشش و کرم تو اعتماد و تکیه دارم.

(٥٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
فِي التَّذَلُّلِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

(١) رَبِّ أَفْحَمْتِي ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَقَاتِلِي، فَلَا حُجَّةَ لِي، فَأَنَا  
الْأَسِيرُ بِبَلَىٰتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمُتَرَدِّدُ فِي خَطَبِي، الْمُسْخَرُ عَنْ  
قَضِيَّي، الْمُنْقَطِعُ بِي. (٢) قَدْ أَوْقَثْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذْلَاءِ الْمُذْنِبِينَ،  
مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخْفِيَنَ بِوَعْدِكَ (٣) سُبْحَانَكَ!  
أَيَّ جُرْحَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيَّ تَغْيِيرٍ غَرَّتْ بِنَفْسِي؟! (٤) مَوْلَايَ  
أَرْحَمْ كَبُوتِي لِحُرُّ وَجْهِي وَرَلَةِ قَدَامِي، وَعُذْ بِحَلْمِكَ عَلَى جَهْلِي  
وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي، فَأَنَا الْمُقْرِئُ بِذَنِبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطَبِي،  
وَهَذِهِ يَدِي وَنَاصِيَّتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي، أَرْحَمْ شَيْبِيِّ،  
وَنَفَادَ أَيَّامِي، وَاقْتِرَابَ أَجَلِي وَضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي.  
(٥) مَوْلَايَ وَأَرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا آثْرِي، وَأَمْحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ  
ذِكْرِي، وَكُثُّ مِنَ الْمَئِسِيَّينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ (٦) مَوْلَايَ وَأَرْحَمْنِي عِنْدَ  
تَغْيِيرِ صُورَتِي وَحَالِي إِذَا يَلَى جِسْمِي، وَتَفَرَّقَتْ أَغْضَائِي، وَتَقَطَّعَتْ  
أَوْصَالِي، يَا غَفْلَتِي عَمَّا يُوَادِّبِي. (٧) مَوْلَايَ وَأَرْحَمْنِي فِي حَشْرِي  
وَنَشْرِي، وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلَيَاكَ مَوْقِفي، وَفِي أَحِبَّائِكَ  
مَصْدَرِي، وَفِي جِوارِكَ مَسْكَنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

## دعای پنجاه و سوم:

## در هنگام خضوع و خشوع در برابر خداوند

(۱) پروردگارا، گناهانم مرا ساكت ساخته و سخنم را بریده است، پس من هیچ دلیلی ندارم و از این رو من اسیر گرفتار بایم هستم و در گرو اعمال خویشم و در گناهانم متحبیرم و در نیتیم سرگردانم و در راه و امانده ام.

(۲) خود را در جایگاه فرومایگان گناهکار قرار داده ام، جایگاه شقاوت پیشگانی که بر تو جسارت ورزیدند و وعده های تو را سبک پنداشتند.

(۳) خدا ایا پاک و پیراسته ای! چه جرأتی بود که به حریم تو جسارت کردم و چه فربی بود که با آن خود را گول زدم!

(۴) ای سرور من، بر با صورت به زمین خوردنم و بر لغزش گامها بیم رحم کن و بر جهلم با برداریت و بر سوء کردارم با احسان رفتار نما. چرا که من به گناه اقرار دارم و به خطای خویش معتبرم و اینک این دست من و این موی پیشای من است که در کف توست، ~~تسلیم که مرا فصاص کنی~~. رحم کن بر سالخوردگیم و بر افول روزهای عمرم و بر نزدیک شدن مرگم و بر ناتوانی و نیازمندی و بیچارگیم.

(۵) ای آقای من، بر من رحم کن آن هنگام که اثری از من در دنیا باقی نماند و یاد من از میان مخلوقین تو برود و من از فراموش شدگان باشم، گویی به کلی فراموش شده ام.

(۶) و ای مولای من، بر من رحم کن آن هنگام که صورتم دگرگون شود و حالم عوض شود، وقتی که بدنم متلاشی شود و اعضایم از هم جدا گردند و مفاصلم پاره شوند! ای و ای بر غفلت و بی خبری من از آنچه قرار است برایم پیش آید!

(۷) ای سرور من، به هنگام برانگیخته شدن وزنده شدنم در قیامت بر من رحم کن، و جایگاه مرا در آن روز در کنار اولیاء خودت ومحل مرا در میان دوستانت و مسکن مرا در جوار خودت قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

(٥٤)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
فِي اسْتِكْشَافِ الْمُهُومِ:

(١) يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَكَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ  
وَرَحِيمَهُمَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْرُجْ هَمِّي، وَاکْشِفْ  
غَمِّي. (٢) يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلِّدْ وَلَمْ  
يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، اغْصَنْنِي وَطَهِّرْنِي، وَادْهَبْ بِيَلَيْسِي. وَاقْرَأْ آيَةَ  
الْكُرْسِيِّ وَالْمَعْوَذَ تَيْنَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ: (٣) اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اسْتَدَدَ فَاقْتَهُ، وَضَعَفَتْ قُوَّتُهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ،  
سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفَاقِتِهِ مُغِيْثًا، وَلَا لِضَعِيفِهِ مُقَوِّيًّا، وَلَا لِذَنِيبِهِ غَافِرًا  
غَيْرِكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ،  
وَيَقِنًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَادِ أَمْرِكَ. (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي، وَاقْطَعْ  
مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَهَبْ  
لِي صِدْقَ التَّوْكِيلِ عَلَيْكَ. (٥) أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَأَ،  
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَأَ، أَسْأَلُكَ حَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَعِنَادَةَ  
الْخَاسِعِينَ لَكَ، وَيَقِنَّ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَتَوْكِلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

## دعای پنجاه و چهارم: در رفع غم و اندوه

(۱) ای بر طرف کننده اندوه و ای دور کننده غمها، ای مسهریان و عطوف در دنیا و آخرت، بر محمد و آل محمد ﷺ درود فرست و غم و اندوه مرا بر طرف فرما.

(۲) ای بگانه، ای بیکتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه می زاید و نه زائیده می شود و برای او همتایی نیست، مرا حفظ کن و از گناهان مبرا ساز و گرفتاریم بر طرف فرما. [آیةالکرسی و سوره فلق و سوره ناس و سوره توحید را بخوان و بگو]

(۳) خدا ابا من از تو مسالت دارم، مسالت کسی که نیازش سخت و توانش ضعیف و گناهانش افزون شده است. مسالت کسی که برای رفع نیازمندیش یاوری نمی یابد و برای جبران ناتوانیش، تقویت کننده ای پیدا نمی کند و برای گناهانش آمرزنده ای سراغ ندارد جز تو. ای صاحب جلالت و اکرام، از تو عملی را می خواهم که عامل به آن را درخواست می داری و یقینی را درخواست می کنم که هر کس به آن درجه از یقین نسبت به نفوذ اراده و فرمان تو برسد، نفع فراوان خواهد برد.

(۴) خداوندا بر محمد و آل محمد ﷺ درود فرست و مرا در حال صدق و راستی بمیران و حاجتم به دنیا را قطع کن و میل مرا در چیزهایی که نزد توست قرار بده که به دیدارت اشتیاق پیدا کنم و صداقت در توکل بر خودت را به من عطا فرما.

(۵) از تو درخواست می کنم خبر آنچه را در نامه اعمالم ثبت شده و از شرو آنچه مکتوب شده به تو پناه می آورم. از تو طلب می کنم ترس آنها بی را که بندگی تو می کنند و بندگی آنها بی را که در برابر تو خاشعنده و یقین آنها بی را که بر تو توکل دارند و توکل آنانی را که به تو ایمان دارند.

(٦) اللَّهُمَّ اجْعِلْ رَغْبَتِي فِي مَسَالَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أُولِيَّائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ، وَرَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أُولِيَّائِكَ، وَاسْتَغْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلاً لَا أَثُورُكُ مَعْهُ شَيْئاً مِنْ دِينِكَ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ. (٧) اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَاعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي، وَأَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي، وَلَقْنِي فِيهَا حُجَّتِي، وَعَافِ فِيهَا جَسَدِي. (٨) اللَّهُمَّ مَنْ أَضْبَعَ لَهُ ثِقَةً أَوْ رَجَاءً غَيْرُكَ، فَقَدْ أَضْبَخْتُ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلُّهَا، فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً، وَنَجْنِي مِنْ كُضْلَاتِ الْفِتْنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٩) وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ الْمُصْطَفَى وَعَلَى أَهْلِ الطَّاهِرِينَ.

انتهى ١٥/٨/٧٥



مركز تحقيق تكاليف سيد رحمة رسدي

(۶) خدا یا میل من به خواسته ام را همچون میل اولیائت به خواسته هایشان و ترس مرا همچون ترس آنان قرار بده و مرا در راه رضایت خود به کارهایی موفق فرماده هیچ چیز از دین تو را به خاطر ترس از مخلوقت ترک نکنم.

(۷) خداوندا، این است حاجت من، پس میل مرا نسبت به آن افزون کن و در آنها زیان پوزش به من عطا فرما و استدلال در آنها را به من تلقین کن و تنم را در این حاجات سالم بدار.

(۸) خدا یا اگر دیگری شب را صبح می کند در حالی که اطمینان و امیدی به غیر تو دارد، من چنین نیستم بلکه صبح می کنم در حالی که تو در همه امور مورد اطمینان و محل امید منی، پس عاقبت همه کارها را برایم خیر قرار بده و مرا از گمراهیهای بلاها و آزمایشات نجات ده، به رحمت ای مهریانترین مهریانان.

(۹) و درود خدا بر آقای ما محمد ﷺ رسول برگزیده خدا و بر آل پاک او باد.  
والحمد لله رب العالمين.



مرکز تحقیقات قرآن و حدیث  
و سنت



مرکز تحقیقات کامپیوئر علوم اسلامی

## فهرست موضوعات کلی صحیفة سجادیه<sup>۱</sup>

---



باب یازدهم: اقتصاد	باب اول: توحید
باب دوازدهم: انسان شناسی	باب دوم: نبوت
باب سیزدهم: عالم هستی وجود	باب سوم: امامت
باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت	باب چهارم: معاد
باب پانزدهم: علم و دانش	باب پنجم: اسلام و احکام آن
باب شانزدهم: ایام و اوقات	باب ششم: ملائکه و فرشتگان
باب هفدهم: مسائل تاریخی	باب هفتم: اخلاق
باب هجدهم: صحت و تدرستی	باب هشتم: طاعت و بندگی
باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی	باب نهم: ذکر و دعا
	باب دهم: سیاست

۱. در تهییه فهرست، از کتاب «الدلیل الى موضوعات الصحیفة السجادیه» تأثیف آقای محمدحسین مظفر، از انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم استفاده کرده‌ایم.

## فهرست تفصیلی موضوعات



**تذکر:** برای پیدا کردن هر مطلب، می‌توانید شماره دعا و شماره عبارت را در کتاب پیدا کنید و به موضوع مورد نظر خود دقت یابید، ضمناً شماره قبیل از (( )) برای دعا و بعد از آن برای عبارت است. بعنوان مثال:

- ۱- وحدائیت و ربوبیت خدا  
۱/۱، یعنی دعای اول، عبارت دهم.

### باب اول: توحید

۱۴، ۲/۴۷ ۱۲/۴۲ ۱۲/۴۲ ۱۴/۳۹  
۹، ۶، ۵، ۳، ۲/۵۲ ۵۳/۴۹ ۷۲، ۲۰

۳- ذات و صفات خدا  
۶۱/۳۱ ۶۸/۳ ۶۲/۱ ۶۳/۵۲ ۶۱۹/۱۶  
۶۱۹، ۶۱۸، ۶۱۶، ۷، ۲/۴۷ ۱۲/۴۶ ۷/۳۲  
۱۰/۵۲ ۴۲۷

۱- وحدائیت و ربوبیت خدا

۴۳/۲۱ ۴۲۲/۲۰ ۴۱۱/۱۷ ۴۲/۶ ۱۰/۱  
۷۲، ۳، ۲/۴۷ ۴۲/۴۲ ۴۵/۳۵ ۱۱۰/۲۸  
۲/۵۴ ۴۹، ۵/۵۲ ۴۳/۴۹ ۱۲/۴۸ ۴۸۸

۲- شرک والحاد

۴۳/۳۶ ۱۲/۲۸ ۱۱۰-۷/۲۷ ۴۹/۲ ۱۱۰/۱

۱- عزیز بودن خداوند	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۲- صفات و قدرت الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۳- عالم الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۴- تسبیح و تقدیس خداوند	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۵- اسماء حسنای الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۶- محبت خدا	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۷- وصف اول و آخر	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۸- صفت قادر	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۹- عظمت و کبریائی خدا	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۰- صفت رحیم	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۱- بی نیازی خدا	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۲- توکل بر خداوند	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۳- قوت و قدرت الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۴- عزم و قدرت الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۵- عدال الهی	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷
۱۶- عزیز بودن خداوند	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷	۴۰/۰۲/۱۷

**۱۸- صفت حکیم**  
۲۴، ۱۵، ۶/۴۷ ۶۸/۱۲

۶/۳۷ ۶۱/۲۰ ۶۶/۲۳ ۶/۲۱  
۶۰۴، ۰، ۴/۴۰ ۶۲/۲۱ ۶۱، ۰/۳۹ ۶۱۶  
۴/۰، ۱۱۰/۴۷ ۶۲۰/۴۶

**۱۹- قضا و قدر**  
۶۷ ۰۳ ۰۲/۷ ۶۱۱ ۰۱/۶ ۶۷ ۰۲/۱  
۶۳۴/۱۶ ۶۱۶-۱۳/۱۴ ۶۰ ۰۱/۱۰  
۰۱۷، ۱۵/۲۷ ۶۰/۲۲ ۶۶، ۰/۲۱ ۶۲۰/۱۸  
۶۶-۲/۲۲ ۶۳۳ ۰۱۹/۳۲ ۶۱۱/۲۸ ۶۱۸  
۶۴/۴۰ ۶۵/۴۴ ۶۵ ۰/۳۶ ۶۳-۱/۳۵  
۶۱۱۶ ۰۳۰ ۰۲۹ ۰۲۷ ۰۱۰/۴۷ ۶۲۵/۴۶  
۴۰۳/۰۲ ۶۲/۰۱ ۶۳۳/۴۹ ۶۲۸، ۹/۴۸

**۲۰- صفت حلیم**  
۶۱۱۹/۴۷ ۶۱۶/۴۶۴۹/۴۵۴۳۲/۱۶ ۶۲۱/۱  
۱۲/۴۸

**۱۷- صفت منعم**  
۰۱۴/۶ ۶۱۲، ۱۳ ۰۱۱/۵ ۶۲۶/۳ ۶۲۲، ۷/۱  
۰۱۹ ۰۱۰ ۰۷/۱۳ ۶۱۰ ۰۵ ۰۳/۱۲ ۶۲۴، ۲۰  
۰۱۳/۲۰ ۶۱۶ ۰۱۱، ۹، ۶ ۰۲/۱۶ ۶۲۵، ۲۰  
۶۱۸ ۰۱/۲۷ ۶۱۱/۲۰ ۶۱۵/۲۴ ۶۲۱ ۰۱۰  
۰۱۰، ۰۷ ۰۱/۳۷ ۶۷/۳۶ ۶۱۰/۲۱ ۶۶/۲۰  
۶۲۱/۶۲ ۶۱۴ ۰۱۲/۳۹ ۶۱۶ ۰۱۳ ۰۱۲  
۰۱۲، ۹، ۸، ۶ ۰۲/۴۰ ۶۲/۲۴ ۶۷، ۴/۴۳  
۶۰۰، ۰۴۷ ۶۴۲، ۶۳۶ ۰۲۱ ۰۱۸ ۰۱۷  
۶۲۸ ۰۲۲، ۸، ۰۴/۴۷ ۶۲۲ ۰۱۴ ۰۱۲/۲۹  
۰۱۲/۴۹ ۶۲۸، ۸، ۰۲۱/۴۸ ۶۷۰، ۶۷، ۶۹  
۱۱، ۰۱/۰۲ ۶۱۴/۰۱ ۶۱۳

### باب دوم: فبوت



**۵- اصحاب پیامبر(ص)**  
۱۲۷/۴۷ ۶۲۰/۴۲ ۶۸-۲/۴

**۱- وحی**  
۶۲/۴۲ ۶۳/۲۹ ۶۱۸، ۰۱، ۶، ۰۳/۲

**۶- پیروان پیامبر(ص)**  
۱۹-۹، ۰۱/۴

**۲- رسالت نبی اکرم(ص)**  
۰۱۷/۴۲ ۶۲۲/۶ ۶۴۸-۶، ۰۱/۴ ۰۲۴-۴/۲

۲۲

**۷- درود بیر پیغمبر(ص) و خاندان او (ع)**  
۶۲۴/۱۳ ۶۲۶/۳ ۶۲۴، ۰۲/۴ ۶۲۶/۳  
۶۱۲، ۰۱/۲۴ ۶۴/۲۲ ۶۳۰/۲۰ ۶۱۵/۱۷  
۶۳۵ ۶۳۴/۲۲ ۶۳۰ ۰۱۲/۳۱ ۶۱۸/۲۷  
۶۴۴ ۶۷/۴۲ ۶۲۲، ۰۱ ۶۱۸، ۰۱۷/۴۲ ۶۴۵/۳۴  
۶۰۹-۵۰/۴۷ ۶۰۶/۴۵ ۰۳/۴۸ ۶۱۲۲، ۰۵۹-۵۰/۴۷ ۶۰۶/۴۵  
۹/۰۴ ۶۱۱

**۳- رسولان و انبیاء الهی**  
۶۱۵/۱۷ ۶۲۳/۶ ۶۲/۴ ۶۲۶/۳ ۶۱۶، ۰۱/۱  
۶۳/۰۲ ۶۰۶/۴۵ ۶۱۸/۴۲

۲۲

**۸- تابعین پیغمبر(ص)**  
۱۹-۹/۴

**۴- صفت حبیب و مصطفی برای نبی اکرم(ص)**  
۶۱۵/۱۷ ۶۲۲/۶ ۶۲۴، ۰۲/۱۰/۱  
۶۱۸ ۶۱۶، ۰۱/۲۲ ۶۱۴، ۰۱/۲۲ ۶۱۵، ۰۵ ۰۵/۲۲  
۶۱۲ ۰۳/۴۸ ۶۶۳، ۰۵۰/۴۷ ۶۱۹، ۰۱۸/۴۱  
۹/۰۲ ۶۱۰/۰۲ ۶۱۶/۴۹

**باب سوم: امامت**

٤- ولایت اولیاء  
٦٧، ٦٥، ٦٤/٢٧ ١١/٢٩

٥- رجعت  
١١/٢٨، ٦٤/٤٧

١- خلفا و جانشینان پیامبر(ص)

٩/٤٨، ٦٢، ٦٣، ٦١/٦١، ٥٦/٤٧  
٤٢/٢٤، ٤٦/٢٣، ٤٢٥/٢، ٤١٢، ١١  
٧٣، ٧٢، ٥٦/٢٧، ٤٨، ٥، ٥/٤٢، ٤٥/٢٤  
١٦/٤٩، ١٠، ٩، ٦، ٣/٤٨، ٤٨٦

٢- حضرت حجت بن الحسن العسكري(ع)  
١١/٢٨، ٦٣-٨٠/٤٧

**باب چهارم: معاد**

٥- قبر و عالم بروزخ  
٤/٥٣، ٤٥-٤٣/٢٢، ٤٨، ٢/٣ ١٢/١

٦- قیامت

٦٤/١٤، ٤٣/١١، ٤٢٤، ٤٢/٣، ٤١٤، ٤١٢/٣  
٤٣/٢١، ٤١١/٢٤، ٤٧/٢٢، ٤٢٠، ٤١٨/٢٠  
٧/٥٣، ٤١٢٩/٤٧، ٤١٨، ٤١٩-٤١١، ٤٢/٢٢

١- دنیا و آخرت

٤٣، ٤٢/٢٠، ٤٢/٩، ٤٦/٤، ٤١٦، ٤١٥/٤  
٤٣/٢٥، ٤٢، ١/٢٣، ٤١٣، ٤١٠، ٤/٢٢، ٤٩/٢١  
٤١، ٤٥/٢٧، ٤٢١/٢٢، ٤٦، ٤٥/٣٠، ٤٤/٢٧، ٤١٢  
٤١، ٤٣-٤٢، ٣/٥٢، ٤٢/٤٨، ٤١٢٠، ٤١٠، ٤١٠  
٤١/٥٤، ٤٥/٥٣

٢- وعد و وعید

٧- بهشت و دوزخ  
٤٢١، ٤١٨، ٤٩/٣، ٤٢٩، ٤١٦، ٤١٥/١  
٤٢٤/١٦، ٤١٠، ٤٩/٨، ٤١٩، ٤١٨، ٤١٩-٤١٢/٤  
٤١٥، ٤١٤/٢٤، ٤١١/٢١، ٤٣٠/٢٠، ٤٣١  
٤٦، ٤٥/٢٠، ٤٣/٢٧، ٤١٣، ٤١٢/٢٥  
٤١/٤١، ٤١٢/٣٧، ٤٥/٣٥، ٤٣٢-٤٣٩/٣٢  
٤١٨، ٤١٢، ٤٢/٤، ٤٢٠، ٤١٥، ٤١٢، ٤/٤٢  
٤١٢٣، ٤١٠، ٤، ٤٥/٤٧، ٤١٧/٤٦، ٤١٩/٤٥  
٤٥/٥، ٤٢٨/٤٨، ٤١٢٩-٤١٧، ٤١٧

٣- مرگ و رستاخیز

٤٣/١١، ٤٨/٨، ٤١٨، ٤١٧/٤٤٨، ٣٤١٢، ٤/١  
٤٥-٤٢/٤٠، ٤٧/٣٦، ٤١٨/٢٧، ٤١/٢٥، ٤١/٢١  
٤١٢٤، ٤١١٧، ٤١١٤، ٤١٧/٤٧، ٤١٣، ٤١/٤٢  
٤٥/٥٧، ٤٥/٥٣، ٤٥/٥٢، ٤٣/٤٢، ٤١٣/٤٨

٤- حسن عاقبت

٨/٥٤، ٤٣/٥٣، ٣/٣٣

## باب پنجم: اسلام و احکام آن

<p><b>۷- حج و عمرہ</b> ۱۲۲/۴۷، ۴/۲۳، ۱۸/۲</p> <p><b>۸- نماز جمعہ</b> ۹/۴۸</p> <p><b>۹- زیارت قبر پیغمبر(ص) و قبور اہلیت(ع)</b> ۴/۲۳</p> <p><b>۱۰- دین اسلام و سایر مذاہب</b> ۴۵، ۳/۲۳، ۲۱، ۱۷/۲۰، ۱۲/۹، ۶۹/۸ ۲۱، ۱۹/۴۵، ۱۳، ۳، ۲/۲۴، ۲۰، ۱۷/۴۲ ۴/۵۴، ۷/۵۱، ۶۷، ۶۲، ۲۸/۴۷، ۵۰</p> <p><b>۱۱- قرآن و کتب اسلامی</b> ۶۲/۴۷، ۴۰/۴۵، ۳/۴۴، ۱۵، ۱۳-۱/۴۲ ۶/۵۲، ۴۹/۴۸، ۱۳۲، ۱۲۲</p> <p><b>۱۲- ماه مبارک رمضان</b> ۱۰-۲۰/۴۵، ۱۸-۱۴، ۱۲-۱۰، ۸-۳/۴۴</p> <p><b>۱۳- شبہای قدر</b> ۴۰، ۲۰/۴۵، ۱۵/۴۴</p> <p><b>۱۴- عید قطر</b> ۸۶، ۷۱، ۶۶/۴۰</p> <p><b>۱۵- روز عرفہ</b> ۸۶، ۷۱، ۶۶/۴۷</p> <p><b>۱۶- عید قربان</b> ۲۷-۱۷، ۹، ۶-۳، ۱/۴۸</p>	<p><b>۱- ایمان و مرتبہ یقین</b> ۶۲/۲۹، ۶۸/۲۲، ۴۲، ۲۱/۲۰، ۱۹، ۱/۴ ۵۸۸/۴۷، ۲۰/۴۵، ۴/۲۳، ۲۲/۲۷، ۳۲ ۵، ۳/۵۴، ۱۱، ۶/۵۲، ۱۲/۴۸، ۱۱۲۹</p> <p><b>۲- حق و باطل</b> ۴۲۷، ۲۳/۱۶، ۴۱۸/۶، ۱۲/۸، ۴۱۸/۵ ۳/۲۲، ۶۵/۳۹، ۴۹/۳۷، ۴۳۲/۲۰، ۴۷/۱۷ ۱۲۹، ۲۲/۴۷، ۱۱</p> <p><b>۳- شریعت و احکام دینی</b> ۶/۲۲، ۴۹/۷، ۴۲۰، ۱۸/۶، ۴۲۳، ۲۱، ۱۰/۱ ۱۱۲/۴۲، ۱۲، ۲/۲۲، ۱۸، ۱۶/۳۲، ۱۲/۲۶ ۹/۴۸، ۶۹، ۶۲، ۲۸/۴۷</p> <p><b>۴- هدایت و گمراہی</b> ۴، ۳/۹، ۴۲/۸، ۱۱۵، ۱۳-۱۱، ۹/۵، ۴۲/۴ ۵/۲۰، ۴۷، ۵/۱۷، ۱۱۳/۱۴، ۱۱۶/۱۳ ۴۳/۲۲، ۴۳/۲۲، ۴۲۳-۱۶، ۱۱ ۶۱۲/۳۲، ۶۳۰/۳۱، ۶۱۱، ۷، ۳/۲۵، ۶۱۱/۲۲ ۶۱۶/۴۴، ۶۹، ۷، ۳/۴۲، ۶۰/۴۰، ۱۱۶، ۹/۳۷ ۶۹، ۹۱، ۶۲، ۲۰/۴۷، ۱۴۴/۴۵ ۴۲۷، ۲۰، ۲/۲۸، ۱۱۲۴، ۱۱۳، ۱۰-۱۰-۳ ۸/۰۴، ۱۱/۰۳، ۱۱۷، ۱/۴۹</p> <p><b>۵- نماز</b> ۶۱۷، ۹، ۸، ۳/۲۲، ۱۱۲/۲۴ ۴۴، ۲۱، ۲۰/۴۵</p> <p><b>۶- روزہ</b> ۲۰/۴۵، ۱۱۷، ۷، ۶، ۳/۴۴، ۱۱۷/۳۲ ۵۱، ۴۲، ۳۷، ۲۷۱</p>
---	--

۱۹- شفاعت

۴۳۰، ۲۵/۳۱، ۱۴/۲۲، ۱۵، ۲۵/۲  
۶/۲۸، ۱۹، ۱۸/۲۲

۱۷- بدعت در دین

۶۲/۲۷، ۱۰/۲۰، ۱۸/۶

۱۸- مسألة بداء

۲/۱۸

**باب ششم: فرشتگان**

۳- عبادت فرشتگان و تقدیس و تنزیه آنها

۱۱/۲۲، ۱۱، ۹-۷، ۱/۳، ۱۶/۱

۱- فرشتگان کریم و نویسنده اعمال

۱۵/۱۵، ۱۲/۳، ۱۸/۳، ۱۵/۶، ۱۵/۶، ۱۳/۱

۲/۵۰، ۴۰/۴۷

۲- اصناف فرشتگان

۱۶/۶، ۲۶-۱۰، ۶-۱/۳

**باب هفتم: اخلاق**

۱- صلاح و اصلاح خود و دیگران

۱۲/۲۹، ۱۵/۴۸، ۱۲۱، ۱۱۹، ۰۳۸/۴۷

۱- صلاح و اصلاح خود و دیگران

۱۷/۲۰، ۱۶/۱۷، ۳۲/۱۶، ۱۲/۴

۴۲، ۱/۲۵، ۱۳-۱۲/۲۱، ۲۰، ۱۸

۹/۴۲، ۴/۴۱، ۴۵/۴۱، ۳/۲۲، ۴/۲، ۱/۲۶

۵۰۶/۴۵، ۱۱۸/۴۲، ۴۶/۴۳، ۱۱۲، ۱۱

۲/۵۱، ۴۲/۴۸، ۱۱۲۷، ۱۱۳/۴۷

۵- دوستی و محبت

۱۲/۳۶، ۱۳/۲۶، ۱۰، ۷/۲۰، ۷۸/۱۴

۱۲۷/۴۷، ۱۱۰/۴۴، ۱۶/۲۲

۲- نیت و قلب ادمی

۶/۱۷، ۱۴-۱۲/۱۲، ۴۶/۹، ۱۱۴/۵

۴۳/۲۳، ۵۸/۲۲، ۵۰، ۲، ۱/۲۰، ۵۸/۱۷

۶۸/۴۵، ۴۱۶، ۱۱، ۱۰/۴۲، ۱۱۴/۲۷

۱۱، ۱۰/۵۱، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۱۳، ۴۳/۴۷

۷- سرزنش

۴۳، ۲/۳۵، ۴۲۰، ۱۰، ۸/۲۰، ۵۸، ۳/۸

۱۲۲، ۱۱۹/۴۷، ۴۷/۴۵

۳- پرورش و تربیت

۵، ۲/۲۵، ۱۴، ۱۰، ۷/۲۴

۸- تواضع و فروتنی

۱۰/۴۵، ۴۲، ۳/۲۶، ۱۰، ۴، ۲/۲۰

۴- عزت و شرافت

۶۲، ۱/۲۰، ۴۷، ۶/۲۸، ۴۲۶/۲۰، ۵۸/۵

**۱۸- خیرو شر**  
 ۴۳/۳۰ ۶۱۰/۲۰ ۶۱۸/۶ ۱۴/۲  
 ۴۳۹/۴۵ ۶۱۸/۲۴ ۴۲/۴۸

**۱۹- دستگیری از بیچارگان وضعیفان**  
 ۲۰/۲۶ ۶۴/۸ ۶۱۸/۶

**۲۰- حمد و سپاس**  
 ۱۴/۶ ۶۱۴/۰ ۶۲۸-۲۵ ۶۱۹ ۱۱-۸/۱  
 ۶۲/۱۰ ۶۲۰/۱ ۶۱۲ ۶۱/۱۱ ۶۳ ۶۲۰ ۶۱۸ ۶۱۶  
 ۶۱۲ ۶۱/۲۲ ۶۹/۲۱ ۶۱۳ ۶۹/۲۰ ۶۱۱ ۶۱۶  
 ۶۱/۳۷ ۶۷ ۶۷/۶ ۶۲۶ ۶۳/۳۵ ۶۲۸/۳۲ ۶۱۰/۲۲  
 ۶۱/۴۴ ۶۷/۴۳ ۶۱۴/۳۹ ۶۲ ۶۱/۳۸ ۶۶ ۶۲  
 ۶۲۴ ۶۲/۴۶ ۶۱۷-۱۴ ۶۷ ۶۶/۴۵ ۶۲  
 ۶۱۴ ۶۱ ۶۲۹-۳۲ ۶۲۴ ۶۱ ۶۱ ۶۱/۴۷  
 ۱۳ ۶ ۱/۰۱ ۶۲/۴۸ ۶۱۱۴

**۲۱- آرزوی دراز**  
 ۶۲ ۰/۴۰ ۶۹/۳۲ ۶۱/۲۹ ۶۱۲/۲۰ ۶۱۵/۸  
 ۹ ۸/۵۲ ۶۱۲۱/۴۷ ۶۹/۴۲

**۲۲- نفاق و دودوئی**  
 ۷/۴۹ ۶۱۲/۴۲ ۶۳/۲۶ ۶۷/۲۰

**۲۳- سخن وزبان**  
 ۶۷ ۶/۲۲ ۶۱۰/۲۲ ۶۲/۲۶ ۶۱۳ ۶۹/۲۰  
 ۶۱۲/۲۷ ۶۴۷/۴۵

**۲۴- ریاء**  
 ۷ ۶/۴۴ ۶۱۴ ۶۱۳/۲۷

**۲۵- حسن ظن و سوء ظن**  
 ۴/۳۵ ۶۲۷/۳۲ ۶۱/۲۹ ۶۳/۲۶ ۶۱۲/۲۰

**۲۶- گذشت و جوانمردی**  
 ۶۲ ۶۸/۲۴ ۶۹ ۶۹/۲۰ ۶۱/۲۸ ۶۳/۲۶  
 ۶۲ ۶۲/۳۹

**۹- بخشش و قناعت**  
 ۶۱۱/۵ ۶۱۵/۱۴ ۶۱/۷ ۶۱۰ ۶۱۰/۹  
 ۶۲۶ ۶۲/۲۸ ۶۳/۲۰ ۶۲/۲۶ ۶۲۶

**۱۰- غصب و انتقام**  
 ۶۱/۸ ۶۲/۲۹ ۶۱۳/۲۲ ۶۱۰/۲۰ ۶۱۸/۱۴ ۶۱/۸

**۱۱- حسد**  
 ۶۱/۸ ۶۱۲/۲۰ ۶۷/۲۰ ۶۲۱/۱۶ ۶۱/۸  
 ۶۹/۴۹ ۶۲/۳۵ ۶۴ ۶۳/۲۶ ۶۱۲/۲۲

**۱۲- صبر و برداياری**  
 ۶۱/۸ ۶۱۲/۱۴ ۶۱/۸ ۶۲/۲۷ ۶۲/۲۲ ۶۱۴/۱۴ ۶۱/۸  
 ۶/۰۰

**۱۳- غصب حقوق**  
 ۶۱/۳۸ ۶۱۸/۳۱ ۶۱/۳۸ ۶۱۸/۲۲ ۶۱/۸  
 ۶۱۰ ۶۱/۷ ۶۱/۶ ۶۲/۴۴ ۶۱۵ ۶۱/۳۹

**۱۴- نصيحت و مشورت**  
 ۶۱۰/۲۹ ۶۹-۸/۲۰ ۶۱۴/۱۷ ۶۰/۸

**۱۵- شهوت و جهاد اکبر**  
 ۶۹۹/۴۷ ۶۷/۲۵ ۶۱۴/۱۷ ۶۲/۸ ۶۷/۲  
 ۶۱۰ ۶۷/۰۲ ۶۱۰

**۱۶- غفلت**  
 ۶۶/۲۵ ۶۲۹/۲۰ ۶۱۶ ۶۷/۱۷ ۶۲/۸ ۶۱/۲  
 ۶۱۴ ۶۱/۴۷ ۶۱۷/۴۴ ۶۱۰/۲۲ ۶۴/۲۲  
 ۶۲/۰۳ ۶۱۴/۴۹ ۶۱۳۰ ۶۱۲۲

**۱۷- عفت و پاکداشت**  
 ۶۱۲ ۶۴/۱۲ ۶۱۰/۲۰ ۶۳-۱/۲۶ ۶۱/۳۸  
 ۶۱۳۰/۴۷

۳۰- تعصیب جاهلی  
۱/۸

۲۷- عدالت  
۱۰/۲۰

۳۱- فخر فروشی  
۲/۲۰ ۴۳/۸

۲۸- زهد  
۸/۲۲ ۴۹/۲۱ ۴۲۷/۲۰ ۴۱۶، ۱۵/۴

۳۲- غُجب  
۲/۳۰ ۴۳/۲۰ ۴۵/۸

۲۹- پرهیز از آزار رساندن به دیگران  
۱/۲۹

### باب هشتم: طاعت و بندگی

#### ۴- بخشش الهی

۱/۱۰ ۴۲۴/۶ ۴۹/۴ ۴۲۹/۱ ۱۱۱/۱  
۴۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱-۹/۱۲ ۴۴ ۲، ۲  
۱۸، ۱۵، ۷ ۱/۱۶ ۴۶ ۴-۲/۱۵  
۳۰/۳۱ ۴۱۵/۲۲ ۴۱۵/۲۰ ۴۳۴-۲۶  
۱۰-۹/۳۲ ۴۲۵-۲۴، ۲۱، ۱۵، ۱۲-۱۲  
۴۲-۱/۳۴ ۴۳۲/۲۲ ۴۲۲، ۲۱، ۱۸، ۱۵  
۱۰-۹، ۳-۲/۳۹ ۴۱۳، ۸، ۷/۳۷ ۴۲/۳۶  
۱۴، ۱۱، ۳/۴۴ ۴۴/۴۱ ۴۲/۴۰ ۴۱۲-۱۲  
۴۳۶، ۳۱، ۳۰، ۲۸، ۱۰، ۸، ۴/۴۰ ۴۱۰  
۴۶۶، ۱۸، ۱۶، ۱۱/۴۶ ۴۳۸، ۴۷  
۴۱۹، ۴۱۶، ۱۰۵، ۴۸۶، ۷۰-۴۸/۴۷  
۴۱۶، ۱۳، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲/۴۸ ۴۱۲۵  
۱۴، ۱۱، ۷، ۴/۰۱ ۴۴، ۲، ۱/۴۹

#### ۵- توبه

۴۷-۵/۱۲ ۴۳/۱۱ ۴۲، ۱/۹ ۴۳۲-۲۱/۱  
۴۰-۶/۲۱ ۴۳۳/۱۹ ۴۴، ۲/۱۵ ۴۱۲-۱۰  
۴۱۰/۳۲ ۴۲۶، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸-۱۴  
۴۳/۳۸ ۴۱۴/۳۷ ۴۴-۳/۳۴ ۴۲-۱۹  
۴۳۰، ۱۱-۹/۴۰ ۴۶/۴۳ ۴۵/۴۰، ۴۱۳/۳۹  
۴۷۶، ۷۳، ۷۲، ۶۹/۴۷ ۴۱۶/۴۶ ۴۰۲، ۵۲  
۴۱۰/۴۹ ۴۷/۴۸ ۴۱۳۲، ۱۲۶، ۱۰۳، ۸۶  
۴/۰۴ ۴۹، ۷/۰۲ ۴۸/۰۱ ۴۷/۰.

#### ۱- تقوا

۶۰/۱۷ ۴۳/۹ ۴۲۰/۶ ۴۱۹، ۲/۴ ۴۲۹/۱  
۴۰/۲۲ ۴۱۱، ۹/۲۱ ۴۲۷، ۱۶، ۱۰/۲۰  
۴۰/۳۱ ۴۱۱، ۳/۲۵ ۴۳/۲۳ ۴۱۳/۲۲  
۴۷، ۴/۴۲ ۴۹/۴۲ ۴۱/۴۹ ۴۲۰/۳۲  
۱۲، ۱۲/۴۹ ۴۱۲۷، ۱۱۸/۴۷ ۴۰/۴۵

#### ۲- رضای خدا

۴/۱۲ ۴۲۰/۶ ۴۲/۲ ۴۲۹، ۱۱/۱  
۴۹، ۶/۲۱ ۴۲۸، ۲۱، ۱۶، ۱۱/۲۰ ۴۱۰  
۴۱۷/۳۱ ۴۱۴/۲۲ ۴۱۳، ۱/۲۲ ۴۱۳، ۱۱  
۴۹/۴۱ ۴۱۶، ۵، ۴/۲۷ ۴۲۹، ۲۶/۲۲  
۴۰، ۱۶/۴۰ ۴۱۳، ۲/۴۴ ۴۶/۴۳ ۴۱۲/۲۲  
۴۸۸، ۷۱، ۶۰، ۵۹، ۵۳، ۵۲، ۳۰/۴۷ ۴۰۲  
۶/۰۴ ۴۶/۰۱ ۴۱۷/۴۹ ۴۱۲۴، ۱۰۰، ۱۰۰

#### ۳- ترس از خدا

۴/۲۱ ۴۱۹، ۳/۱۶ ۴۱۶/۱۲ ۴۱۶، ۱۰/۴  
۴۲۰، ۲۲، ۸/۲۱ ۴۶/۲۰ ۴۳/۲۲ ۴۱۰  
۴۱۱، ۷۴، ۶۹/۴۷ ۴۱۲، ۲۰، ۱۹/۴۲  
۴/۰/۰۴ ۴۱۱، ۱۰، ۲/۰۲ ۴۳/۰.

۶۱۱/۲۶ ۱۳، ۱۲، ۳/۴۵ ۱۲/۳۹ ۵۸/۲۴  
۰/۰۴ ۴۲/۰۰ ۱۳۱، ۱۰۷-۱۰۶/۴۷

#### ۱۰- استغفار و طلب أمرزش

۴۷-۶/۲۲ ۴۳۲، ۱۶ ۱۳، ۱۱ ۹/۱۲  
۲۴، ۲۱، ۱۷، ۱۲، ۹ ۸/۳۱ ۴۱۴ ۸/۲۴  
۱/۲۸ ۴۳/۲۶ ۴۳۲، ۲۰، ۱۹، ۱۰/۲۲ ۴۲۸  
۴۱۵، ۱۱/۲۴ ۱۱، ۹/۴۲ ۴۹-۶، ۲/۲۹ ۴۲  
۴۸/۴۷ ۴۱۵/۴۶ ۴۰۵، ۴۹-۴۷، ۴۰/۴۵  
۴۷/۰، ۴۳، ۱/۴۹ ۴۲۶ ۳/۴۸ ۱۱۱۲ ۰۱۰۴  
۴/۰۴ ۴۲/۰۳ ۱۳، ۸/۰۷/۰۱

#### ۱۱- عصمت

۴۳۲، ۳۳/۱۶ ۴۷/۱۴ ۱۱۷، ۱۲/۶ ۱۱۴/۴  
۶۱۹، ۱۸/۲۱ ۱۱/۲۵ ۴۳/۲۰ ۴۲/۱۷  
۶۱۱، ۷/۴۴ ۱۶/۲۳ ۱۱۲، ۱۰/۴۲ ۴۲/۳۰  
۲/۰۴ ۰۱/۰۱ ۴۲۷/۴۸ ۱۱۱، ۱۰، ۶، ۶۷/۴۷

#### ۱۲- عبادت و بندگی

۶۱۰/۱۲ ۴۱۹/۶ ۴۹، ۷/۳ ۱۱/۲ ۴۲۹/۱  
۴/۲۱ ۴۷/۲۷ ۴۲۴، ۱۱، ۳/۲۰ ۴۳/۱۷  
۴۶/۴۳ ۱۴، ۱۳، ۷، ۸/۳۷ ۴۰، ۲/۳۰ ۴۳۱  
۵۷۳-۷۱/۴۷ ۴۰۱، ۴۶/۴۰ ۱۱۷، ۱۲/۴۴  
۱۱۰، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۱۸، ۹۲، ۸۸  
۱۰/۰۱ ۵۰/۰۴ ۱۱۰، ۸/۰۲ ۱۱۲۱

#### ۱۳- سترو پوشش الهی

۶۰/۲۲ ۴۳۲، ۲۱/۱۶ ۴۴/۱۱ ۴۶/۵  
۴۳-۱/۲۴ ۴۲۲-۲۱/۲۲ ۴۲۴، ۲۱، ۰۲/۳۱  
۴۲۷، ۲۱، ۸/۴۰ ۴۳-۲/۴۱ ۴۲/۴۹  
۱۱، ۷/۰۱ ۰۱/۴۹ ۱۱۱۹، ۱۱۶، ۷۰/۴۷

#### ۱۴- صبر خدا و مهلت دادن به گنھکاران

۱۰، ۴۲۱/۱ ۴۲۱، ۲۵/۱۶ ۴۲۶ ۱۲/۳۱  
۲۱، ۱۹-۱۶، ۱۰/۴۶ ۴۹/۴۰ ۱۱۰-۱۴

#### ۶- پاداش کارها

۰/۸ ۴۱۴ ۰۲، ۷/۶ ۴۸/۴۱۲، ۷-۶/۱  
۱۰/۱۴ ۱۶، ۱۵۰/۰/۱۲۶/۱۱۵/۹۶۱  
۵/۳۷ ۴۷/۳۶ ۴۳/۳۱ ۴۶/۲۵ ۴۷/۲۴ ۱۱۶  
۴۳، ۲/۲۱ ۴۰/۴۰ ۱۱۶، ۱۵، ۰۳، ۱۲، ۰۱  
۴۱۸، ۶/۴۶ ۰۰۳، ۲۲، ۶/۴۰ ۴۷، ۶، ۱/۴۴  
۴/۰۴ ۱۱۲۹، ۱۲۹/۴۷

#### ۷- طاعت و گناه

۱۲/۶ ۱۱۴، ۱۳/۲ ۴۳/۳۴۲۹، ۲۲، ۰۱/۱  
۶۱/۱۱ ۴۳، ۰/۹ ۴۲۴، ۰۷، ۱۰، ۰۳  
۶۲/۱۷ ۴۳۳، ۲۷/۱۶ ۱۱۳، ۰۲، ۰۰/۱۲  
۶/۲۱ ۴۲۹، ۴۸، ۰۱، ۱۱، ۰۱، ۰۱/۲۰  
۱۱۱، ۷، ۰۲/۲۵ ۰۳/۲۲ ۱۱۳، ۰۵/۲۲ ۱۱۱-۹  
۶۲۵، ۰۲۳، ۰۱۷، ۰۱۳، ۰۷، ۰۶/۳۰  
۴/۲۲ ۴۲۹، ۴۸، ۰۱۸، ۰۱۳، ۰۱، ۰۹/۲۲  
۱۱۲-۸/۰۲/۲۷، ۰۱/۳۶ ۴۲/۳۵  
۰/۲۲ ۰۰۰/۰۳/۰۰ ۰۱۳، ۰۱۲/۰۰ ۰۱۲۴، ۰۱۱۷  
۰/۰۱ ۴۲/۰۰ ۱۱۰-۱۲، ۰۱/۰۹ ۴۶  
۰، ۰۳/۰۲ ۴۲-۱/۰۲ ۰۰۹، ۰۷، ۰۲/۰۲ ۱۱۴

#### ۸- شیطان

۰۲۳/۱۶ ۰۶/۱۰ ۰۶/۰۵ ۰۱۴، ۰۱۳/۴  
۰۶۸-۹/۲۲ ۰۱۳/۲۰ ۰۱۶-۱/۱۷ ۴۲۴  
۰۶۹/۳۷ ۴۲۷، ۰۱۲/۳۲ ۰۶/۰۲ ۰۱۸-۹/۲۰  
۰۶۸/۴۷ ۴۲۹/۴۵ ۰۱۶، ۰۱۳/۴۴ ۰۱۰/۲۲

۹۹

#### ۹- حسنات و سینمات

۰۴/۲۲ ۰۸-۶/۲۲ ۰۷/۹ ۰۱۰ ۰۱۹/۶

٤٢٢/٣١ ٦٩ ٥ ٦/٢١ ٤٣٣ ٨/١٦ ٤١٤  
 ٤١٥ ٦٤/٣٧ ٤٥ ٣ ٦/٢٦ ٤١٣/٢٢  
 ٤١٦/٤٥ ٤١٢/٤٢ ٤١١ ٦٠ ٥/٢٩  
 ٤٢٢ ٦٩ ٥/٤٧ ٤٢١ ٦٨ ٤١٥ ٦٠/٤٦  
 ٤١٣/٤٨ ٤١٩ ٦١٦ ٦٠ ٨١ ٨٠  
 ٤١٣/٤١ ٤٥/٥٠ ٤٢/٤٩ ٤١٨-٤٥  
 ٩/٥٢

١٧-اتمام حجت ونفي عذر بندگان  
 ٦٩/٤٦ ٤٢٦ ٩/٤٥ ٤٣٣/٤ ٤٢٢/١  
 ٧/٥٤ ٤١/٥٣ ٤١٢٢ ٦١٦/٤٧ ٤٢٣-٤١

٤١٦/٤٨ ٤١٢٣ ٤١٩ ٩٨ ٩٠ ٧٥ ٢٢  
 ١١/٥١ ٤١٤/٤٩

### ١٥-عذاب الهى

٤١٦ ١٥/١٢ ٤٢ ٦/١٠ ٤٩/٥ ٤٢١ ٤/١  
 ٤٦/٢٥ ٤٣١ ٦٢ ٧/١٦ ٤١٦ ١٥/١٤  
 ٤١٥ ٦٤ ٨/٣٧ ٤١٥/٢٢ ٤٢٤ ٦٠/٣١  
 ٤٢٠ ٦٨/٤٦ ٤٠٢ ٤/٤٥ ٤٥/٤٠ ٤١١/٣٩  
 ٤١٥ ٦٣/٤٨ ٤١٢٤ ٦١٢٣ ٦١٦ ٩٦/٤٧  
 ٤١٤ ٧/٥١ ٤٦ ٣/٥٠ ٤١٧ ٦٢/٤٩ ٤١٩  
 ٤/٥٣ ٤١/٥٢

### ١٦-خشم وانتقام الهى

٩/١٤ ٤٩ ٦٢/٥ ٤٢٩ ٢١/١

### باب نهم: ذکر و دعا

٤٢٢/٣٢ ٤٢٥/٣١ ٤٢/٣٠ ٤٨-٦/٢٢  
 ٤١٨ ٦١٧/٤٨ ٤١٢٠ ٤٧٢/٤٧ ٤٣٢-٢٢  
 ٤١٢ ٨/٥١ ٤١٦ ٦٠ ٣/٤٩ ٤٢١

### ١-بیچارگان

٤٣ ٤٨/١٦ ٤١٢/١٤ ٤٥-٣/١٠ ٤٥/٩  
 ٤٦/٢٥ ٤١٤/٢٢ ٤٣-٤/٢١ ٤٢٠ ٦٢/٢٠  
 ٤١٤ ٦٢/٤٦ ٤٣٢ ٤٢٥ ٤٢٤/٣١  
 ٤/٥٢ ٤١١/٥٢ ٤٢/٥١ ٤١٦/٤٧ ٤٢٥

### ٤-دعا و راز و نیاز

٤٣-١/١٢ ٤٥/١١ ٤٣ ٣/١٠ ٤٨/٧ ٤٢٦/٢  
 ٤٢ ٤٨ ٦٠/١٣ ٤١٤ ٦١٣ ٦٠ ٦/١٢  
 ٤١٧ ٤١٥ ٦١٣/١٦ ٤١٢ ٤١١/١٤ ٤٢٥ ٤٢٢  
 ٤٩/٢٢ ٤٨ ٦٧ ٥/٢١ ٤٢٢/٢٠ ٤١٦/١٧  
 ٤٢/٣١ ٤٩/٢٨ ٤٧/٢٧ ٤٩ ٦٨/٢٥ ٤١٤/٢٤  
 ٤١/٢١ ٤٩/٢٤ ٤٢٠/٢٢ ٤٢٩ ٤٢٩ ٤٢٢ ٤١  
 ٤٠٦ ٤٥٢ ٤٢٥ ٦١٦-٤١٤/٤٥ ٤١٧/٤٤  
 ٤١٠ ٦٠ ٦٠ ٧٤-٧٢/٤٧ ٤٢٥ ٥/٤٦  
 ٤١٨ ٤٥ ٤/٥١ ٤١٠/٤٩ ٤١٤/٤٨ ٤١١٨  
 ٤١١/٥٢ ٤١٢ ٤١

### ٢-اشتیاق و تقریب به خدا

٤٨ ٤/٣ ٤٢٤ ٤٢٤/٢ ٤٢٤ ٦١٣/١  
 ٤١٨ ٦/١٣ ٤٦/١٠ ٤٩ ٤/٥ ٤١٦-٤١٤/٤  
 ٤١١ ٩/٢٤ ٤١١ ٦٠/٢١ ٤١٧/١٦ ٤٢٠  
 ٤٤/٢٤ ٤٢٢ ٤٢١ ٦٩/٣٢ ٤٨/٣١ ٤٦/٣٠  
 ٤١/٤٥ ٤١٢ ٤١١/٤٤ ٤١٨/٤٢ ٤٢/٣٩  
 ٤٣/٤٧ ٤١٩ ٦٤ ٩ ٦٨/٤٦ ٤٥٦ ٤٥٠  
 ٤١٢٥ ٤١١٥ ٦٠ ٩ ٧٨ ٦٣ ٥٩  
 ٤/٥٢ ٤١٦/٤٩ ٤٢٨ ٦١/٤٨ ٤١٣٢

### ٥-سختی و اسانی

٤٩/١٤ ٤٧-٤/٧ ٤٨/٦ ٤٨/٥ ٤١٨/٤٣١٧/٣

### ٣-پناه خواهان

٤٩/٢٢ ٤١١ ٤-١/٢١ ٤٢١/٢٠ ٤١٠/٥

## ۸-گشایش

۴۸/۲۱ ۴۴/۱۶ ۴۶/۱۰ ۴۱۰ ۸ ۱/۷  
۴۱۲/۴۸ ۴۱۰/۴۷ ۴۲۰ ۴۱۹ ۴۱۴/۴۶  
۱۲/۵۱

۶۸ ۱/۲۱ ۴۲۱ ۰۲۰/۲۰ ۴۲ ۰۱/۱۸ ۴۶/۱۰  
۴۳۲/۳۲ ۰۳/۲۶ ۰۱۱/۲۵ ۰۱۴ ۰۱۱ ۰۲/۲۲  
۰۹۹-۹۸/۴۷ ۰۴/۴۱ ۰۶ ۰۴ ۰۲ ۰۱/۲۶  
۰۴/۴۸ ۰۱۲۲ ۰۱۲۰ ۰۱۱۹ ۰۱۰۵ ۰۱۰۲  
۲/۰۴ ۰۳ ۰۲/۰۱ ۰۱۲ ۰۵/۴۹ ۰۱۶

## ۹-استخاره

۲۰۱/۳۳

## ۶-نیازها و درخواستهای انسان

۰۲۰-۱۳ ۰۹ ۰۷ ۰۲-۴/۱۳ ۰۱۶-۱۰/۱۲  
۰۱۰/۲۲ ۰۸-۷/۲۱ ۰۱۶/۱۷ ۰۱۵-۲۲  
۰۴/۳۴ ۰۲۰/۳۲ ۰۵/۲۸ ۰۹ ۰۵ ۰۴/۲۵  
۰۲۰/۴۷ ۰۲۵ ۰۱۵-۱۲ ۰۵-۲/۴۶ ۰۱۶/۳۷  
۰۴۲۸ ۰۶ ۰۴ ۰۱/۴۸ ۰۱۲۳ ۰۷۴ ۰۲۸  
۰۷۶/۰۴ ۰۱۱/۰۵۲ ۰۱۱۰ ۰۵/۰۱ ۰۱۴/۴۹

## ۱۰-لطف خداوند

۴۵ ۰۳/۲۲ ۰۲۱/۲۰ ۰۴۲/۷ ۰۱۷/۶ ۰۹-۸/۵  
۰۱۳/۴۷ ۰۴۵/۳۶ ۰۲۱/۲۱ ۰۲۵ ۰۴۶/۲۲  
۰۱۳۲ ۰۱۲۶ ۰۱۲۴ ۰۱۰۴ ۰۱۰۳ ۰۲۳  
۱۱/۴۹

## ۷-غمها و رنجها



## باب دهم: سیاست

## ۳-سلطه سیاسی

۰۷/۰۱ ۰۵/۲۴ ۰۶/۲۳ ۰۶/۸ ۰۱۰/۵

## ۱-امت اسلامی

۰۴/۲۴ ۰۲۲ ۰۲ ۰۱/۲ ۰۲۲/۱  
۰۵۵ ۰۲۱/۰۵ ۰۴۲/۴۲ ۰۲۰/۴۲

## ۴-مقام شهیدان

۱۷ ۰۱۵/۲۷ ۰۳۰/۱

## ۲-دعوت و جهاد

۰۱۰/۲ ۰۱۳-۳ ۰۱۵/۵ ۰۱۵/۴ ۰۱۸/۶  
۰۶/۰۴ ۰۶۳/۴۷ ۰۲۲ ۰۱۷/۴۲ ۰۱۷-۱/۲۷

## ۵-عدالت و رهبری

۳/۸

## باب بیان دهم: اقتصاد

۰۴ ۰۱/۲۵ ۰۶/۳۳ ۰۲۸ ۰۲۶ ۰۲۲/۳۲  
۰۵۰ ۰۴۵ ۰۴/۲۳ ۰۱۴/۲۹ ۰۴ ۰۲/۳۶  
۰۶۱ ۰۳۸ ۰۳۴ ۰۳۲ ۰۲۵/۴۷ ۰۲۳ ۰۶/۴۶  
۰۱۱۲ ۰۱۰۸ ۰۱۰۵ ۰۹۰ ۰۵۸-۶۶  
۰۱۳۰-۱۲۸ ۰۱۲۰ ۰۱۲۴ ۰۱۲۱ ۰۱۱۶ ۰۱۱۴

## ۱-امور اقتصادی

۰۴۳/۱۰ ۰۱۱ ۰۷ ۰۶/۶ ۰۲۰ ۰۱۷ ۰۹ ۰۸ ۰۵/۱  
۰۱۴ ۰۱۱ ۰۳/۲ ۰۴۷ ۰۵-۲/۱۹ ۰۲۳ ۰۶/۱۶  
۰۱۱/۰۲۰ ۰۱۵-۲/۲۲ ۰۱۸ ۰۷ ۰۵/۰۲۱ ۰۲۶-۲۰  
۰۴۲۴/۰۲ ۰۴۳ ۰۲/۳۰ ۰۵-۱/۲۹ ۰۷ ۰۶/۲۸

۴۲۸/۳۲ ۴۲/۲۹ ۴۱۲/۲۷ ۴۳/۲۳ ۵۸/۲۱  
۴۱۶ ۱۲ ۱۱/۴۲ ۴۲/۳۶ ۴۱/۳۵  
۱۳۰ ۱۲۵ ۱۱۷ ۱۰۸/۴۷

۱۱ ۱/۴۹ ۴۲۸ ۲۴ ۵ ۴ ۲/۴۸ ۱۱۲۲  
۱۲ ۱/۵۲ ۱۵ ۳-۱/۵۱ ۱۱/۵۰ ۱۱۵ ۱۴  
۱۰ ۸

۵-گرواني

۵/۱۹

۲-اسراف

۹۱/۴۷ ۴۳/۲۰ ۴۶/۲۳ ۴۲۳ ۱۸/۲۰ ۴۷/۸

۶-بدهکاري

۲ ۱/۳۰

۳-نيازمندي و فقر

۱۱۴ ۱۲/۲۰ ۱۱۵/۱۶ ۱۱۲/۱۳ ۵۸ ۷/۸  
۱۱۲-۱۰/۲۵ ۴۲/۲۲ ۵۸ ۷/۲۱ ۴۲۶ ۲۰  
۶۴ ۲/۳۵ ۴۲۴/۲۱ ۴۵ ۴/۳۰ ۴۶/۲۸  
۱۳ ۱۲/۴۹ ۴۲۳ ۴/۴۸ ۶۱۲/۴۲

۷-زكات

۱۰/۴۴

۴-معيشت

۴۲۴ ۵/۲۰ ۴۳ ۲/۱۹ ۶۸ ۲/۸ ۶۸-۵/۶

**باب دوازدهم: انسان‌شناسي**

۴/۳ ۱۲/۴۴ ۴۴ ۱/۴۱ ۴۱۵

۱-نفس انساني

۴/۲۰ ۴۲۷ ۲۵ ۲۲/۱۶ ۴۳/۱۰ ۴۴ ۳/۹  
۶۹/۲۲ ۱۱۹/۲۱ ۴۳-۱/۲۲ ۴۷/۲۱ ۱۱۹  
۱۰/۴۹ ۱۱۱۳ ۷۵/۴۷ ۴۲۵ ۲۴/۲۶  
۲/۵۲ ۴۶ ۵/۵۰

۲-رابطه خدا و انسان

۱۱۳-۱۱ ۱۹/۱ ۱۲/۴ ۴۲۰ ۱۱۶-۱۲ ۵/۷

۲-افرينش انسان

۱۱۱/۲۰ ۴۵/۹ ۱۱۰/۶ ۱۱۷/۱  
۱/۵۰ ۴۷ ۵/۳۹ ۴۲۶-۲۲/۳۲ ۴۱۸/۲۷

۱۱۵/۱۲ ۴۴ ۳/۱۰ ۴۸/۸ ۴۲۴ ۱۱/۶

۳-طبيعت بشر

۶/۲۴ ۱۰/۲۰

۱۱۱/۱۴ ۴۲۳ ۲۲ ۱۸-۱۴ ۶/۱۳

۱۱۱/۱۶ ۴۲۶ ۱۲/۲۰ ۱۱۶ ۱۲/۲۱ ۴۲۶

۴-آزمایش انسان

۱۱۶/۲۲ ۱۱/۳۹ ۴۶/۲۵ ۴۳-۵/۶ ۱۲۱/۱  
۱/۵۳ ۶۸/۴۷ ۴۲/۳۵

۱۱۱/۲۵ ۴۱۲ ۴-۲/۲۲ ۱۱۲-۱۰

۴۸/۲۱ ۴۱/۲۹ ۱۱۱ ۹-۱/۲۸ ۱۱۰ ۹

۵-تكريم انسان

۱۱۴ ۷/۲۴ ۱۱/۲۳ ۴۵/۵ ۱۱۸ ۸/۱

۱۱۲/۳۹ ۴۲/۳۹ ۴۲۲ ۲۰ ۱۱۴/۳۲

۸۸ ۷۴ ۶۹/۴۷ ۱۱۲ ۲۱ ۱/۴۶ ۱۰۶/۴۵

۶۹-۴/۴۸ ۱۱۲۱ ۱۲۳ ۱۱۸ ۸۵/۵۴ ۱۱۱-۹/۰۵۲ ۱۱۲ ۱۱/۰۱

۴۰/۴۲ ۴۹/۳۹ ۴۳/۳۰ ۴۳/۲۶  
۴۱۳۲ ۱۲۴،۶۲/۲۷ ۴۴۷ ۳۲ ۹/۴۵  
۱۴/۵۱ ۴۷/۴۹ ۱۱۵/۴۸

## ۱۱- مستضعفین

۴۱۱/۲۰ ۱۱۴/۲۰ ۱۱۲،۱۰،۳-۱/۱۴ ۵۸/۴  
۴/۵۱ ۴۲/۴۶ ۱۰،۴۲/۲۹ ۴۲/۲۸ ۴۲،۱/۲۶

## ۱۲- آیام زندگی انسان و پایان آن

۴۲۹ ۲۸،۱۱،۵/۲۰ ۶۸/۱۲ ۴۳/۱۱ ۴۶/۱  
۴۱۲/۳۱ ۴۱/۲۹ ۱۱/۲۸ ۴۲/۲۵ ۱۱/۲۱  
۴۱۲۱ ۱۷/۴۸ ۱۸/۴۶ ۴۵/۴۸ ۴۱۸/۴۴  
۴/۵۳ ۴۹،۳/۵۲ ۱۱۴/۴۸

## ۸- انسان و ولایت الهی

۱۱۳-۱۱/۲۱ ۱۱۵/۵ ۱۱۸/۲ ۴۳۰/۱  
۴۶۳/۴۷ ۴۲۳/۴۵ ۱۱۲/۴۴ ۴۴/۴۱ ۴۳/۲۵  
۴۲/۴۸ ۱۱۳۰،۱۲۸ ۱۱۴،۶۸ ۶۷  
۶/۵۴ ۴۷/۰۳ ۱۱۰/۰۱

## ۹- انسان و دشمنی با خدا

۱۱۱/۲۱ ۱۱۳/۲۰ ۴۲/۱۷ ۱۱۷/۲ ۴۳۰/۱  
۱۱۶/۴۶ ۱۱۶،۱۰/۲۴ ۴۳/۲۵ ۴۶/۲۲ ۱۱۲  
۱۰/۰۱ ۱۱۲۴،۸۶ ۶۷،۶۳/۴۷

## ۱۰- انسان و ظلم

۱۱۴ ۱۲-۴/۱۴ ۱۱۱ ۴۴،۷/۱۲  
۱۱۱/۲۵ ۴۵/۲۴ ۱۱۳/۲۲ ۱۱۴ ۷/۲۰

## باب سیزدهم: عالم هستی و وجود



## ۱- آفریننده و آفرینش

۱۴،۳/۴۳ ۱۱۸/۲۸ ۱۱۸ ۱۱۷،۴ ۳/۱  
۱۵۴،۳۱،۲۹۶ ۲۱،۱۷،۱۴-۱۲،۲/۴۷  
۱/۵۲ ۴۲/۴۸

## ۲- ملک خداوند

۲،۱/۳۲ ۴۶،۵/۲۱ ۱۰،۹/۶ ۴۲/۵  
۴۲۴،۱۶،۱۳/۴۷ ۱۱۷/۴۶ ۴۲/۴۳ ۴۶-۴  
۴،۳،۱/۵۲ ۴۶/۵۰ ۴۲/۴۸

## ۳- ماه

۷-۱/۴۲

## ۴- گیاهان و میوه‌ها

۶- آسمان و زمینه  
۵۹،۳۱،۲/۴۷ ۴۲۶/۳۱ ۴۹/۶ ۱۱۱/۳  
۷- کوهها و رودها  
۱۰/۴۲ ۴۵/۱۹ ۴۱۵/۳

۸- کمین کردن درندگان  
۷/۴۹

## باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت

## ۱- جماعت

۱۱/۴۲ ۴۲/۲۷ ۱۱۱،۱۰/۲۰

۲- خویشاوندان  
۴۲۱،۶/۲۳ ۴۳/۲۲ ۱۱۱،۷/۲۰ ۴۹-۷/۲  
۱۰/۴۴

- |                        |  |
|------------------------|--|
| ۱- رفت و آمد و صلة رحم | ۱۰/۴۴ ۶۲۱/۳۲ ۶۴-۱/۲۶ ۶۲۱/۱۶  |
| ۲- پدر و مادر          | ۵۵/۴۵ ۶۱۰-۵، ۳، ۲/۲۴   |
| ۳- دوستان              | ۱۳/۲۷ ۶۱۳/۲۲ ۶۱۳/۲۱  |
| ۴- مادر                | ۵۵/۴۵ ۶۲۲، ۲۲/۳۲ ۶۵/۲۴   |
| ۵- دشمنان              | ۴۸، ۷/۲۰ ۶۱۶، ۱۵، ۶، ۵/۱۴ ۶۸/۸ ۶۸/۵<br>۶۹/۴۷ ۶۱۰، ۶۴ ۶۸، ۷/۲۳ ۶۱۳/۲۲<br>۴/۵۱ ۶۸-۴/۴۹ ۶۲۱، ۱۴/۴۸ ۶۱۱۹ |
| ۶- پدر                 | ۵۵/۴۵ ۶۲۳/۳۲   |
| ۷- فرزندان             | ۱۲، ۵-۱/۲۵   |

باب پانزدهم: علم و دانش

- |   |  |   |   |  |
|---|--|---|---|--|
|   | <b>دانشگاه تکنولوژی شهرضا</b><br>مرکز تحقیقات تکنولوژی شهرضا<br>۱۱۴/۴۷ ۰۲۳/۴۵ ۰۵ ۰۳/۴۲ | <b>۶- نادانی</b><br>۱۲۶ ۰۷ ۰۳/۲۷ ۰۲۲ ۰۳/۲۷ ۰۵/۳۱ ۰۳/۲۷ ۰۲۲ ۰۳/۲۷ ۰۷ ۰۳/۴۲ | <b>۵- شکها و شبیههای</b><br>۰۶/۴۲ ۰۷/۲۵ ۰۲/۲۰ ۰۱/۰۴ ۰۱/۰۱ ۰۱/۰۰ ۰۱/۰۱ | <b>۱- دانشجویی و بانی</b><br>۰۲/۰۵ ۰۱/۱۷ ۰۱/۱۱ ۰۱/۰۱ |
| <b>۲- اهمیت دانش</b><br>۰۵/۴۲ ۰۳/۲۷ ۰۳/۲۴ ۰۹/۰۵ |  |   |   |  |
| <b>۳- علم و عمل</b><br>۰۳/۲۴ ۰۲۷/۰۲             |  |   |   |  |
| <b>۴- سخن از روی نادانی</b><br>۰۸/۰۴            |  |   |   |  |

باب شانزدهم: ایام و اوقات

- |                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱- روزها                         | ۴- شب                            |
| ۴۳/۲۳ ۴۳/۳۲ ۴۲۲-۱۸، ۱۹، ۱۲-۱۲/۶  | ۰۲/۴۰ ۰۱۷/۴۴ ۰۱۰/۴۲ ۰۱۲/۲۴ ۰۱۵/۰ |
| ۴۶، ۴۱، ۳۳، ۲۴، ۲۰/۴۰ ۰۱۸/۴۲     | ۱۲۲/۴۷                           |
| ۲- فراغتها                       | ۵- روز                           |
| ۴۲۶/۳۲ ۴۲۷ ۰۳/۲۰ ۰۲/۱۱ ۰۱۴/۰     | ۰۱/۴۰ ۰۱۷/۴۲ ۰۱۳/۲۴ ۰۱۸/۰        |
| ۱۳۰، ۱۲۵/۴۷                      | ۱۷، ۰-۳، ۰/۴۸                    |
| ۳- شب و روز                      | ۶- روز جمعه                      |
| ۱۱۰/۴۷ ۰۲۰، ۰۷، ۰-۱/۰ ۰۱۴، ۰۱۲/۰ | ۱۷، ۰-۳، ۰/۴۸                    |

**باب هفدهم: تاریخ**

۳- جنگ بزرگ بدر: ۱۱/۲۷

۱- هجرت پیامبر: ۸/۴ ۶۱۶/۲

۲- فتح مکه: ۲۲-۱۷/۲

**باب هجدهم: صحت و تندرستی**

۱۱/۴۹ ۶۱۴، ۲/۴۸ ۶۱۳، ۰۱۲۴

۱- مریضی و شفا

۵۳/۲۳ ۶۱/۲۲ ۴۲۷/۲۰ ۶۶-۱/۱۵

۳- نیرو و نشاط

۵۲/۳۶ ۶۱۲/۲۷ ۶۲ ۱/۲۶ ۶۱۱، ۲/۲۵

۶۱۱/۲۰ ۴۵/۱۹ ۴۵/۹ ۴۵/۶

۱۲۰/۴۷ ۴۳/۲۲

۶۱۳/۲۷ ۴۲/۲۵ ۴۳/۲۲ ۶۱۱، ۲/۲۱

۲- تندرستی

۶/۴۹ ۶۱۱۲/۴۷ ۴۲۵/۴۶ ۶۱۹/۳۱

۰۱/۲۳ ۶۸/۲۱ ۶۲۰/۲۰ ۱۲، ۱/۱۸ ۴۴/۱۵

۲/۰۴ ۴۷/۰۱

۶۱۲، ۱۰۵/۴۷ ۴۷/۴۳ ۶۱۱، ۲/۲۵ ۴۲

**باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی**

۹- حمله نظامی

۱- نیروهای مسلح

۱۴-۱۳، ۸/۲۷ ۴۲۲-۱۹/۲

۱۲-۱، ۱۱، ۵، ۲-۱/۲۷

۱۰- دعا برای رزمندگان

۳- موقعیتهای نظامی: ۱/۲۷

۴/۲۷ ۴۲/۲۷

۱۵، ۷، ۲-۱/۲۷

۱۱- نتایج در معرکه جنگ

۴- سلاحهای نظامی: ۱/۲۷

۱۵، ۱۱، ۸، ۴، ۲/۲۷ ۴۲۲-۲۰/۲

۵- جبهه دشمن: ۱۲-۱۰، ۶-۵/۲۷

۱۲- اداره امور مجاهدان: ۱۶/۲۷

۶- نیرنگهای نظامی: ۱۱، ۲/۲۷

۱۳- معاف شدگان از جهاد: ۱۷/۲۷

۷- نیروهای نجات: ۰۵/۲۷

۱۴- جنگ و آرامش: ۷/۲۷

۸- جنگ روانی: ۱۱، ۵/۲۷

والسلام